

فصلنامه علمی

راهبرد ۹۴

سال بیست و نهم - شماره نود و چهار - بهار ۱۳۹۹

هیئت تحریریه

محمدرحیم عیوضی / استاد دانشگاه شاهد

ابراهیم بیگزاده / استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

جمشید پژویان / استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

عزت ا... نادری / استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم

علی بیگدلی / استاد دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی

علی اصغر پورعزت / استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

سهیلا پروین / استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

مجتبی امیری / دانشیار مدیریت دانشگاه تهران

نشانی: تهران، خیابان آیت الله طالقانی، نرسیده به پل حافظ، پلاک ۳۷۶

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱

تلفن: ۶۶۹۷۱۱۷۵

نمابر: ۶۶۴۹۹۱۲۱

وبسایت: <http://rahbord.csr.ir>

پست الکترونیک: Rahbord@csr.ir

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

به استناد نامه شماره ۲۱۱۴/۱۱/۳ مورخه ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ وزارت علوم،
تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد دارای مرتبه علمی - پژوهشی می باشد.

فصلنامه راهبرد در پایگاه های زیر نمایه می شود:

www.isc.gov.ir

www.sid.ir

www.magiran.com

www.csr.ir

www.ensani.ir

www.civilica.com

www.noomags.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

پرتال جامع علوم انسانی

مرجع دانش

پایگاه مجلات تخصصی نور

بهار ۱۳۹۹



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

مدیر مسئول

دکتر محسن رضایی میرقاند

دانشیار دانشگاه امام حسین (ع)

سر دبیر

دکتر محمدرحیم عیوضی

استاد دانشگاه شاهد

مدیر اجرایی

عفیقه عابدی

ویراستار

راضیه عالی کلوکانی

صفحه آرا

نجمه قادری

مترجم چکیده ها

بهرام پورحیدر کلویری

ناظر چاپ

علی معصومی

شاپا: ۳۱۰۲-۱۰۲۸

شاپا الکترونیک: ۶۵۲۵-۲۵۸۸

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

بسمه تعالی راهنمای تدوین مقالات

● هدف

هدف از انتشار فصلنامه راهبرد، بسترسازی پژوهشی به منظور شناخت دقیق تری از سیاست‌گذاری و حکمرانی بنیادی راهبردی در جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، مقاله‌هایی با رویکرد بین‌رشته‌ای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، محیط زیست، فناوری‌های نو، حقوقی و قضایی و... که ماهیت پژوهشی اصیل و بدیع داشته باشند، برای بررسی و چاپ احتمالی پذیرفته می‌شوند.

● شیوه آماده‌سازی و ارسال

۱. مقاله باید ساختار علمی لازم را داشته باشد.
۲. مقاله ارسالی باید معیار مقاله علمی-پژوهشی را داشته و به‌گونه‌ای نسبت به مطالب موجود نوآوری داشته باشد.
۳. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش و مهم‌ترین نتایج تحقیق، به همراه فهرستی از واژگان کلیدی (حداکثر ۱۰ واژه)، به فارسی و انگلیسی ضمیمه مقاله شود.
۴. عناوین اصلی مقاله با اعداد ۱، ۲ و... مشخص گردد. عناوین فرعی در سطر مجزایی به‌صورت ۱-۱، ۱-۲ و... نشان داده شوند. عناوین جزئی‌تر از سر سطر آغاز شوند و با ارقام ۱-۱، ۱-۲، ۱-۳ و... مشخص شوند.
۵. عناوین نگاره به‌صورت روشن و گویا در ابتدای نگاره ذکر شود. نشانی نگاره اقتباسی در ذیل آنها داده شود.
۶. تصاویر و یا نمودارها مجزا از جداول شماره‌گذاری شوند.
۷. ارجاع منابع در متن مقاله و به روش درون‌متنی در داخل پرانتز به شکل زیر آورده شود:
۱-۷. منابع فارسی: (نام‌خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه؛ مثال: مهرپور، ۱۳۹۰: ۱).
۲-۷. منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام‌خانوادگی مؤلف؛ مثال: (Morgan, 1965: 71)).
۳-۷. تکرار ارجاع یا اسناد مانند نوبت اول بیان شود و از کاربرد کلمات همان، پیشین و... (Ibid) خودداری شود.
۴-۷. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۸. معادل انگلیسی اسامی خاص یا اصطلاحات در پایین هر صفحه آورده شود.
۹. توضیحات اضافی، در انتهای مقاله در بخش پی‌نوشت‌ها درج شود. ارجاع و اسناد مطالب در پانوشت‌ها مانند متن مقاله، مطابق روش درون‌متنی خواهد بود.
۱۰. فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین، به‌طور جداگانه و مطابق نگارش کتابنامه به‌صورت زیر ارائه شود:
* کتاب: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ)، نام کتاب (ایتالیک و سیاه)، نام مترجم، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، جلد.
* مقاله مجله: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ)، نام مقاله، نام مجله (ایتالیک و سیاه)، شماره مجله، صفحه.
* مقاله دایرة المعارف: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ)، نام مقاله، نام دایرة المعارف (ایتالیک و سیاه)، (جلد، صفحه)، محل نشر: نام ناشر.
* مقاله روزنامه: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ، روز، ماه، سال)، عنوان مقاله، نام روزنامه (ایتالیک و سیاه)، شماره صفحه.
* مقاله وب‌سایت: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ)، نام مقاله (ایتالیک سیاه)، بازیابی شده در تاریخ (تاریخ بازیابی به ترتیب روز، ماه، سال)، نام ناشر سایت، آدرس سایت.

۱۱. بخش نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب جزء الزامی مقاله است.
۱۲. هر گونه سپاسگزاری از افراد یا مؤسسات در پایان مقاله قبل از پی‌نوشت‌ها آورده شود.
۱۳. حجم مقالات کمتر از ۱۶ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای و بیشتر از ۲۵ صفحه نباشد.
۱۴. نویسنده به همراه مقاله، یادداشتی مبنی بر اینکه مقاله خود را جهت چاپ به مجله دیگری نسپرده است، ارسال نماید. در غیر این صورت «راهبرد» از ارسال مقاله به داوری معذور خواهد بود.
۱۵. در صورتی که نویسنده دانشجو باشد، نامه همکاری استاد خود را در مقاله با امضای ایشان، به پیوست ارسال نماید.

● داوری و چاپ

۱. مقاله دریافتی نخست توسط هیئت تحریریه راهبرد مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورتی که مناسب چاپ تشخیص داده شود، برای ارزیابی به سه نفر از داوران صاحب نظر، ارسال خواهد شد.
۲. هیئت تحریریه راهبرد در قبول و یا رد و نیز حک و اصلاح مقالات آزاد و از عودت آنها معذور است.
۳. مسئولیت مطالب مقالات از هر نظر، بر عهده نویسنده است.

● نحوه ارسال

نویسندگان می‌توانند فایل word مقاله خود را به نشانی سایت فصلنامه (Rahbord.csr.ir) ارسال نمایند. ذکر مشخصات کامل شامل میزان تحصیلات، رتبه و پایه علمی، محل کار، شماره تماس، آدرس، صندوق پستی و پست الکترونیک الزامی است.



شماره ۹۴ - بهار ۱۳۹۹

سال بیست و نهم

راهبرد و الگوی رفتاری روسیه در تقابل ایران و رژیم صهیونیستی

علی اکبر جعفری، جواد شفق‌نیا آباد / ۵

رویکردی راهبردی به مفهوم مصلحت (مطالعه موردی معاهده صلح حدیبیه)

محمدباقر خرمشاد، آرزو مجتهدی / ۳۵

طراحی مدل مفهومی اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)

صبا اجاقی، سید محمود آقایی فیروزآبادی / ۶۷

شناسایی فراروندهای فضای سایبر موثر بر آینده دیپلماسی عمومی (با رویکرد تحلیل ساختاری، تاثیر متقابل)

محمد مهدی افشار، کیهان برزگر، داود کیانی / ۹۷

اهداف راهبردی نظام نخبگانی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

منصوره مهدی‌زاده / ۱۳۱

رتبه‌بندی استان‌های کشور از منظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان

محمدحسین امجدی، حسین مهرابی بشرآبادی، ندا جهان‌آرای / ۱۶۳

شناخت راهبرد رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه، در مدیریت تصویر نهاد ولایت‌فقیه

پرویز امینی، سید ابوذر خوش‌بیان، سید محمد رضا فیاضی / ۱۹۷



داوران این شماره فصلنامه راهبرد

محمدرحیم عیوضی/ هیات علمی دانشگاه شاهد

ابراهیم برزگر/ هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

فاطمه ثقفی/ هیات علمی دانشگاه تهران

علیرضا کیقبادی/ هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

اکبر اشرفی/ هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

حسین رفیع/ هیات علمی دانشگاه مازندران

شهره پیرانی/ هیات علمی دانشگاه شاهد

مهدی نادری/ هیات علمی دانشگاه شاهد

یاسر برخورداری/ دکتری علوم سیاسی

مریم صنیع اجلال/ هیات علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

محمد حسینی مقدم/ هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

مهدی حاجی سیاری/ دکتری آینده پژوهی

سید مرتضی موسویان/ دکتری مدیریت راهبردی

امیر گروسی/ دکتری مدیریت

راهبرد و الگوی رفتاری روسیه در تقابل ایران و رژیم صهیونیستی

علی اکبر جعفری*

جواد شفقت نیا آباد**

چکیده

جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل به دلیل اختلافات راهبردی و خصومت‌های ایدئولوژیکی در سطوح مختلف با هدف به حداکثر رساندن قدرت منطقه‌ای خود، به کنترل، مهار و ایجاد بازدارندگی علیه یکدیگر پرداخته‌اند. پیوندهای عمیق تاریخی میان روسیه و اسرائیل، سطح مناسبات دیپلماتیک آنها را از سطح عادی به سمت استراتژیک سوق داده است. تحریم‌های آمریکا علیه مسکو و نقش میانجی‌گری اسرائیل در حل و فصل اختلافات با آمریکا، فرصتی را به تل‌آویو داد که از آن به عنوان برگ برنده در نزدیکی راهبردی با روسیه در جهت تضمین امنیت خود استفاده کند. این درحالی است که ایران و روسیه با تأکید بر منافع مشترک، به توسعه الگوهای مشارکتی در تنظیم روابط دوجانبه خود پرداخته‌اند. به‌طوری که سطح همکاری‌های نظامی و سیاسی ایران و روسیه، بیانگر تحول عظیمی در روابط دوجانبه دو کشور است. از این رو، تقویت جایگاه سیاسی و نظامی ایران و اسرائیل توسط روسیه، به یک عامل محرک تهدید امنیت ملی تبدیل شده است. سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که با وجود تقابل ایران و اسرائیل تاکنون، روسیه چه الگوی رفتاری را در قبال این دو متحد تاکتیکی خود اتخاذ کرده است؟ برای پاسخ به این سؤال، فرضیه ما این است که، مناسبات گسترده مسکو با ایران و اسرائیل و نقش آن‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه باعث شده است که مسکو الگوی رفتاری توازن قوا را بهترین رویکرد در قبال این دو متحد تاکتیکی خود برگزیند. این مقاله به روش تحلیلی و بر مبنای رویکرد موازنه قوا داده‌های پژوهش را موردتبیین قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: راهبرد، روسیه، توازن قوا، الگوی رفتاری، ایران، اسرائیل

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دانشجویی تحت عنوان «روابط روسیه - اسرائیل و منافع ملی ایران» از دانشگاه مازندران است.

* دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول) A.jafari@umz.ac.ir

** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران Javad.sh.28968@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۶

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره نود و چهار، بهار ۱۳۹۹، صص ۳۳-۵

مقدمه

ظهور انقلاب اسلامی ایران و تعارضات راهبردی آن با اسرائیل به‌ویژه در بعد ایدئولوژیک^۱، معادلات منطقه غرب آسیا را حول تقابل راهبردها سوق داده است. به‌طوری که افزایش نقش و قدرت منطقه‌ای ایران به‌ویژه در بحران سوریه و برنامه هسته‌ای به یک عامل تهدید برای موجودیت اسرائیل تبدیل شده است. ایران و اسرائیل در جهت دستیابی به عمق استراتژیک^۲ منطقه و ایجاد بازدارندگی علیه یکدیگر، همکاری با روسیه را موردتوجه قرار داده‌اند. عامل دیاسپورای^۳ یهودیان روسی، ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روسیه را تحت‌تأثیر قرار داده است. در سال‌های اخیر روسیه و اسرائیل با تأکید بر منافع مشترک، اهداف و منافع خود را در تعامل با یکدیگر جستجو می‌کنند. نقش فرمانطقه‌ای روسیه در تضمین امنیت اسرائیل، موجبات تعاملات و مناسبات گسترده‌تری را فراهم آورده است. روسیه نیز بر جایگاه اسرائیل در حل و فصل اختلافات با غرب و کاهش تحریم‌های آمریکا نسبت به خود، واقف است به‌طوری که روسیه ملاحظات مربوط به امنیت ملی و تمامیت ارضی اسرائیل در بحران‌های منطقه‌ای به‌ویژه بحران سوریه را رعایت کرده است. ازطرفی دیگر، اسرائیل ضمن رعایت خطوط قرمز روسیه در معادلات منطقه خاورمیانه، روسیه را در دستیابی به اهداف اقتصادی و استراتژیک خود حمایت کرده است. لذا، مسکو-تل‌آویو در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، به سطحی از همسویی و همپوشانی در رفتار و اهداف رسیده‌اند. این درحالی

1. Ideological

2. Strategic

3. Diaspora

است که روسیه در چارچوب سیاست خاورمیانه‌ای خود به توسعه روابط با ایران گام برداشته است، به گونه‌ای که تهدیدهای مشترک برآمده از آمریکا و اروپا، مهم‌ترین عامل توسعه همکاری دو کشور بوده است. تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران و روسیه در سال‌های اخیر، افق‌های جدیدی در روابط دوجانبه دو کشور ایجاد کرده است. روسیه در پی آن است که با توسعه روابط با ایران، آمریکا را وادار کند تا امتیازات بیشتری در صحنه‌های بین‌الملل بدهد. درحالی که مسکو بر این واقف است دستیابی به اهدافش در منطقه، بدون توجه به نقش و قدرت‌آفرینی ایران امکان‌پذیر نیست. ایران هم می‌داند رویکرد نگاه به غرب سیاست خارجی روسیه، به معنای دوری متحدش از محور شرق نیست، ولی این رویکرد، روابط روسیه و ایران را تحت‌الشعاع قرار داده است. بحران سوریه تحول عظیمی در روابط دو کشور در ابعاد سیاسی، نظامی و امنیتی به وجود آورد، به طوری که سطح مناسبات عالی دیپلماتیک^۱ فعلی دو کشور، همکاری و اشتراک مواضع در حل بحران سوریه و توافقنامه‌های نظامی و اقتصادی، به نزدیکی دو کشور ایران و روسیه توسعه بخشیده است. تقابل ایران و اسرائیل و نقش‌آفرینی آن‌ها در صحنه‌های بین‌المللی، روابط روسیه با این دو بازیگر را مورد آزمون قرار داد به طوری که پیوندهای عمیق تاریخی مشترک بین روسیه و اسرائیل، روابط آنها را به سمت استراتژیک سوق داده است. از طرف دیگر روسیه و ایران در چارچوب اهداف خاورمیانه‌ای خود در تحولات منطقه نیاز به تعامل با یکدیگر هستند. لذا به نظر می‌رسد هرگونه روابط و همکاری روسیه با یکی از این دو بازیگر، روابط دیگری با روسیه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. با در نظر گرفتن این ملاحظات، این سؤال مطرح می‌شود که با وجود تقابل ایران و اسرائیل، تاکنون روسیه چه الگوی رفتاری‌ای را در قبال این دو متحد تاکتیکی خود اتخاذ کرده است؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه‌ای که در این پژوهش مورد آزمون قرار گرفته، عبارت از این است که مناسبات گسترده مسکو با ایران و اسرائیل و نقش آن‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای و

بین‌المللی روسیه باعث شده است که مسکو الگوی رفتاری موازنه قوا^۱ را بهترین رویکرد در جهت دستیابی به اهداف و منافع خاورمیانه‌ای خود در قبال این دو متحد تاکتیکی برگزیند. روش تحقیق در این مقاله تبیینی است و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اینترنتی است که از طریق مراجعه به آرشیو مراکز علمی و همچنین شبکه جهانی اینترنت انجام شده است. به منظور تحلیل علمی و واکاوی تئوریک پژوهش از نظریه موازنه قوا در چارچوب مکتب نواقع‌گرایی^۲ بهره گرفته شده است. هرچند پیرامون روابط روسیه با اسرائیل و ایران به طور جداگانه تاکنون چندین مقاله و کتاب به رشته تحریر درآمده است، اما این منابع تمرکز کامل خود را بر موضوع الگوی رفتاری روسیه در قبال این دو بازیگر نگذاشته است. لذا مقاله حاضر در تلاش است تا خلأ موجود در این زمینه را تاحدودی پر کند.

۱. چارچوب نظری

پاسخگویی به سؤال‌ها و آزمون فرضیه‌ها در هر طرح پژوهشی، نیازمند مبانی نظری است. در این پژوهش برای تبیین و تحلیل موضوع از نظریه موازنه قوا در مکتب نواقع‌گرایی استفاده شده است. از دید نظریه‌پردازان نواقع‌گرایی، قدرت و امنیت، موجبات سیاست موازنه قوا توسط دولت‌ها را فراهم می‌آورد. ناتوانی قدرت‌های بزرگ در موازنه‌سازی بین‌المللی در قبال آمریکا در دوره پساجنگ سرد، چالش‌هایی را برای نظریه موازنه قوا ایجاد کرد. اندیشمندان نواقع‌گرا از جمله کنت والتز^۳، استفان والت^۴ و میرشایمر^۵ برای دستیابی به حل این چالش‌ها به ارائه نظریات جدید موازنه قوا مطابق با نظام بین‌الملل پرداختند (سیمبر و صالحیان، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۵). نظریه‌پردازان نواقع‌گرا علل رقابت بازیگران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستیابی به قدرت و بقا جستجو می‌کنند (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

-
1. Balance of power
 2. Realism
 3. Kenneth Waltz
 4. Stephen Walt
 5. John Mearsheimer

والتز معتقد است دولت‌ها در مواجهه با قدرت‌های توسعه‌طلب به منظور دفع قدرت در برابر آن دست به توازن قوا می‌زنند (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۷: ۱۰۴). او بر این امر تأکید دارد که، توازن قوا باعث ثبات در منطقه و نظام بین‌الملل می‌شود. اگرچه والتز امنیت‌جویی و هژمون‌گرایی^۱ دولت‌ها را در به‌وجود آمدن جنگ و صلح مورد توجه دارد اما رقابت قدرت‌ها در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را محور اصلی شکل‌گیری توازن قوا می‌داند (والتز، ۱۳۸۲: ۸۷). از منظر والتز رفتار دولت، نسخه‌برداری از فعالیت‌های یکدیگر می‌باشد و توزیع توانمندی‌ها که عامل تفاوت میان دولت‌ها است لازمه تأمین امنیت و بقا می‌باشد (Waltz, 1979: 76). دو اصل ضروری که از دید والتز برای تشکیل موازنه قوا اهمیت دارد، این است که ساختار نظام بین‌الملل باید آنارشیک^۲ بوده و دولت‌ها به دنبال بقا و امنیت باشند (Sheehan, 2005: 78). نظام آنارشیک باعث محدودیت در میزان همکاری در سطوح مختلف و صلاحیت‌های سازمان بین‌المللی می‌شود زیرا در این نظام، وابستگی به یکدیگر توسعه می‌یابد از این رو دولت‌ها با احتیاط در همکاری و توافق‌نامه‌ها به دنبال سود نسبی هستند (Griffiths, 1992: 83). والتز استدلال می‌کند که دولت‌ها در محیطی آنارشیک، راهبرد موازنه را برمی‌گزینند و از سیاست همراهی^۳ و دنباله‌روی دور می‌شوند چرا که هیچ قدرتی وجود ندارد که برای بقا و امنیت خود به آن روی آورند چون که سیاست همراهی از قدرت‌های هژمون، همواره یک تهدید محسوب می‌شود (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹). لذا دولت‌های ضعیف از یک‌سو از طریق اختصاص منابع جدید در سطح داخلی و از سوی دیگر با اتحادها و توافقی‌هایی در حوزه‌های مختلف در سطح خارجی دست به موازنه می‌زنند.

از دید والت، امنیت‌جویی در اولویت دولت‌ها قرار دارد و قدرت هم برای دستیابی به امنیت لازم است. اگر دولت‌ها امنیت‌شان تهدید شود از قدرت تاحدودی صرف‌نظر می‌کنند. بر این اساس، دولت در مواجهه با قدرت برتر، با

1. Hegemony

2. Anarchic

3. Accompanying

تشکیل ائتلاف در برابر آن دست به موازنه می‌زند (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۲۹). با وجود اینکه تبیین‌های نوواقع‌گرایی والتز معطوف به موازنه قوا بود، شاگرد وی، استفان والت با تأکید بر مفروضات نوواقع‌گرایی، بر اهمیت موازنه تهدید^۱ تأکید داشت. از نظر وی دولت‌ها در برابر تهدیدات که شامل نیات تجاوزکارانه و توانمندی‌های نظامی می‌باشد، دست به موازنه‌سازی می‌زنند پس توانمندی‌های خارجی، لازمه موازنه‌سازی نیستند (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۹). به عبارتی دیگر، بر اهمیت موازنه تهدید به جای موازنه قوا تأکید دارد. درواقع دولت‌ها درمقابل قدرت تهدیدگر دست به موازنه می‌زنند یعنی کشورها برای ثبات، امنیت و حفظ وضع موجود، به اتخاذ سیاست موازنه درمقابل قدرت‌های متجاوز روی می‌آورند. لذا هر تلاش یک دولت برای افزایش قدرت خود، برای سایر بازیگران، تهدید محسوب می‌گردد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۷). بنابراین از منظر والت برداشت‌ها و تصورات دولت‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید در روابط میان دولت‌ها، حائز اهمیت است. دولت‌ها زمانی که موجودیت و منافع آن‌ها مورد تهدید واقع می‌گردد دست به موازنه می‌زنند. هنجارسازی رفتار موازنه، منجر به افزایش امنیت در نظام بین‌الملل می‌شود و دولت‌ها با ایجاد ائتلاف در برابر دولت تهدیدگر به بازداشتن آن می‌پردازند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

والت و والتز با تأکید بر رابطه میان آنارشیک و رفتار دولت‌ها، توجه کمتری به استراتژی موازنه داشته‌اند اما میرشایمر با ارائه تعریف متفاوتی از موازنه قوا، تمرکز خود را بر رفتار موازنه و موازنه‌سازی به عنوان یک رویکرد رفتاری قرار داده است (چگینی زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۳). میرشایمر مدعی است که محیط بین‌الملل آنارشیک منجر به انگیزه دولت‌ها به افزایش قدرت می‌شود لذا دولت‌ها با اتخاذ راهبردهای تهاجمی با هدف افزایش قدرت و نفوذ خود، زمینه آسیب به دیگران را فراهم می‌کنند. از نظر وی امنیت و بقا در نظام بین‌الملل، زمانی میسر است که دولت‌ها در پی افزایش منافع و قدرت خود باشند. به نظر میرشایمر محیط آنارشیک بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی و نامشخص بودن نیات دشمن، دلایل

اصلی قدرت طلبی دولت‌ها می‌باشند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۲). دولت‌ها برای امنیت خویش، دست یافتن به قدرت منطقه‌ای و جهانی را، اولویت سیاست خارجی خود قرار داده‌اند در غیر این صورت دولت‌ها می‌کوشند برای مقابله با تهدیدات، ثروت و توانمندی‌های نظامی خود را به حداکثر برسانند. دولت‌ها برای دستیابی به اهداف و منابع قدرت، تنش میان دولت‌ها و درگیر ساختن رقبا به جنگ‌های طولانی را در دستور کار قرار داده‌اند (گریفیتس، ۱۳۹۱: ۶۲-۶۰). قدرت‌ها برای جلوگیری از هژمون‌گرایی سایر دولت‌ها از طریق واگذاری مسئولیت به دیگری یا اتخاذ توازن توسط خود، به مقابله با تهدیدات می‌پردازند.

به عقیده میرشایمر، در نظام بین‌الملل، دستیابی دولت‌ها به هژمون جهانی امکان‌پذیر نمی‌باشد از این رو دولت‌ها چیرگی به مناطق حساس و راهبردی را در دستور کار سیاست خود قرار داده‌اند. دستیابی به قدرت چیرگی به این مناطق، کسب هژمونی مناطق دیگر را فراهم می‌کند و در همین راستا دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که قدرت آن‌ها در حال افزایش است، دست به موازنه منطقه‌ای خواهند زد. از نظر وی، زمانی می‌توان نقش قدرت‌های توازن‌بخش فرمانطقه‌ای را در این بازی لحاظ کرد که، فشار سیستمیک منطقه‌ای برای جلوگیری از قدرت ظهور منطقه‌ای، ناتوان باشد (چگینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۵۷-۲۳۶). قدرت‌های بزرگ با کنترل محیط و توزیع مطلوب توانمندی‌ها نقش مهمی در توازن منطقه‌ای ایفا می‌کنند (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۵). در یک نگاه کلی، در شرایط حاضر هریک از نظریه‌های نوواقع‌گرایی موازنه قوا درعین کارآمد بودن توانایی تبیین و توضیحی از الگوهای رفتاری در سیاست بین‌الملل را دارا نیستند. نظام بین‌الملل شاهد الگوهای رفتاری متنوعی، مرکب از الگوهای همکاری‌جویانه تا الگوی منازعه‌آمیز از سوی هریک از بازیگران برای ایجاد موازنه قدرت می‌باشد لذا رهیافت‌های گوناگون نوواقع‌گرایی مانند؛ نوواقع‌گرایی تهاجمی^۱ جان میرشایمر و تدافعی استفان والت، همزمان موردتوجه بازیگران و تحلیل‌گران است. بر این اساس در این پژوهش از نظریه‌های موازنه قوا نوواقع‌گرایانه اندیشمندانی چون والتز، میرشایمر و والت

برای تبیین موضوع استفاده شده است. بنابراین می‌توان بیان داشت که ساختار نظام آنارشیک بین‌الملل، روسیه، اسرائیل و ایران را به موازنه‌سازی در برابر قدرت و تهدید دیگران واداشته است. افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران به‌ویژه در تحولات خاورمیانه و برنامه هسته‌ای، موجبات بیم و تهدید را برای اسرائیل فراهم آورده است. تهدیدات نیابتی اسرائیل از سوی آمریکا علیه ایران در منطقه و نظام بین‌الملل، منافع ایران را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. اگر بنا را بر فهم روابط از منظر کنت والتز و استفان والت بگذاریم، مسکو الگوی رفتاری توازن قوا را بهترین رویکرد در قبال این دو بازیگر برمی‌گزیند؛ همچنین در قالب منطق نظری میرشایمر، ساختارهای هژمون منطقه‌ای اهمیت داشته و از این رو رفتار منطقه‌ای ایران و اسرائیل و روسیه و عکس‌العمل‌های آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در همین رابطه، رقابت ایران و اسرائیل جهت دستیابی به عمق استراتژیک منطقه، زمینه سیاست موازنه‌سازی را فراهم آورده تا از ظهور هژمون منطقه‌ای جلوگیری کنند؛ اما واقعیت این است که الگوی رفتاری روسیه در قبال دو بازیگر ایران و اسرائیل، موازنه قدرت بوده است و محدودیت‌هایی را برای اهداف و منافع ایران و اسرائیل در جهت حفظ توازن ایجاد کرده است. بنابراین پژوهش حاضر، درصدد است تا در چارچوب نظری موازنه قوا در مکتب نوواقع‌گرایی، به تبیین و تحلیل الگوی رفتاری روسیه در قبال این دو بازیگر بپردازد.

۲. تحلیل توسعه روابط راهبردی روسیه و اسرائیل

روسیه و اسرائیل با تأکید بر پیوندهای تاریخی و منافع مشترک، به تعمیق سطح روابط دوجانبه خود در ابعاد مختلف پرداخته‌اند. نقطه عطف نزدیکی روسیه و اسرائیل، نقش مهم اتحاد جماهیر شوروی^۱ در تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بوده است و سهم قاطع یهودیان روسی در پیروزی اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم، زمینه حمایت دیپلماتیک شوروی از تأسیس اسرائیل را فراهم کرد (Бочаров, 2013: 25). فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و مهاجرت یهودیان روسی،

1. Soviet Union

زمینه را برای نزدیکی مسکو و تل‌آویو در ابعاد مختلف فراهم آورد تا آنجا که مهاجران روسی نه تنها باعث گسترش همکاری شدند بلکه تأثیر مثبتی بر اقتصاد و فرهنگ اسرائیل داشتند به طوری که دوسوم از مهاجران، تحصیلات عالی و بیش از ۱۰ درصد آن‌ها دارای مدرک مهندسی بوده‌اند (Федорченко, 2016: 248). بر همین مبنا است که زبان روسی ضمن استفاده در نهادهای دولتی، به عنوان زبان سوم در آکادمیک اسرائیل تدریس می‌شود (Moshkova, 2018: 387-388). امروزه مهاجران روسی بیش از ۱۵ درصد از رأی‌دهندگان اسرائیل را تشکیل می‌دهند (Averbukh & Klein, 2018: 2). گرچه اسرائیل به طور سنتی متحد آمریکا است و به لحاظ پیشینه تاریخی، ارزش‌ها و فرهنگ مشترک و نیز شاخصه‌های منافع استراتژیک مشترک، متحد منحصر به فرد آمریکا به حساب می‌آید (جعفری، ۱۳۹۸: ۶۸-۵۱)؛ اما پیش از آن به دلیل حضور در منطقه روسیه، بسیاری از رسوم و سنت‌های یهودیان در این منطقه شکل گرفته است. یهودیان روسیه از یهودیان اشکنازی، قرائی، بخاری و گرجی تشکیل شده‌اند. اولین حضور یهودیان در غرب روسیه در قرن ۷ تا ۱۴ میلادی بود. برخی از اشتراکات و همکاری‌های میان روسیه و اسرائیل عبارتند از:

- اشتراک دیدگاه روسیه و اسرائیل درباره نتایج جنگ دوم جهانی، دوطرف را به یکدیگر نزدیک کرده و عامل اصلی توسعه روابط دوجانبه شده است.
- روسیه و اسرائیل ارزش‌های مشترک در مورد آنتی‌سمیتیسم^۱ (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۶۳) و شکستن محاصره لنینگراد در جنگ دوم جهانی و آزادسازی آشویتس اتفاق نظر دارند.
- شوروی در اولین جنگ اعراب-اسرائیل از طریق چکسلواکی کمک‌های تسلیحاتی نظامی به تل‌آویو اعطا کرد^(۱).
- بنای یادبود سربازان ارتش سرخ در شهر ناتان در فلسطین اشغالی به عنوان یک واقعه منحصر به فردی است که در هیچ کشوری پس از فروپاشی شوروی برای سرباز ارتش سرخ بنای یادبود ایجاد نشده است.

- با احیای روابط دیپلماتیک اتحاد شوروی و اسرائیل در سال ۱۹۹۱، که پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ قطع شده بود، اسرائیل متحد غیررسمی مسکو در خاورمیانه بوده است.

- روسیه در اعلان طرح نقشه راه با مشارکت در بیانیه ۱۶ جولای و ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۳ از آن استقبال نمود (جعفری، ۱۳۹۸: ۱۴۴).

- حضور یهودیان روس تبار حدود ۱،۲ میلیون نفر در اسرائیل توسعه همکاری‌های تل‌آویو با مسکو را در عرصه‌های مختلف از جمله نظامی و اقتصادی هماهنگ می‌کنند.

- اصل عدم مداخله اسرائیل در درگیری‌های سوریه و همچنین صرف نظر از خط مشی تغییر دولت بشار اسد، تا حد زیادی برای مسکو به عنوان تضمین تلقی می‌شود.

- اسرائیل در نوع روابط خود با برخی مخالفان مسکو از جمله لهستان و اوکراین، پایبند است.

- فناوری پیشرفته صهیونیست‌ها فرصتی را فراهم می‌کند تا مسکو برخی ضعف‌های تسلیحاتی خود را جبران کند.

علاوه بر آن، لابی‌های یهود^۱ روسی در اسرائیل و روسیه، نقش مهمی در نزدیکی مسکو-تل‌آویو ایفا کرده‌اند. از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ سازمان‌های یهودی در روسیه، تأثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی مسکو در قبال اسرائیل داشته‌اند. کنگره یهودیان روسیه^۲، کنگره سازمان‌ها و جوامع یهودی در روسیه^۳، فدراسیون جوامع یهودی روسیه^۴ (Екатерина, 2003: 91). مرکز جامع یهودیان مسکو^۵، مرکز فرهنگی یهود و غیره، توانسته‌اند با انسجام درونی، سیاست خارجی روسیه را در

1. Jewish lobbies

2. Russian Jewish Congress

3. Congress of Jewish Organizations and Communities in Russia

4. Federation of Russian Jewish Communities

5. Moscow Comprehensive Jewish Center

6. Jewish Cultural Center

مسائل موردنظر خود برای چند دهه تحت کنترل خود قرار دهند (Елишев, 2013: 174). این سازمان‌ها به دلیل حمایت از دولت پوتین، از نفوذ زیادی در روسیه برخوردار هستند و به کمک این سازمان‌های بزرگ یهودی، بسیاری از مجلات و روزنامه‌های یهودی نظیر رودنیک^۱ در روسیه منتشر می‌شود (Джаббаринасир, 2020: 59). همچنین، گروه‌های ذی نفوذ و نمایندگان روسی در اسرائیل با لابی‌گری توانسته‌اند ضمن حل مشکلات یهودیان روسی در اسرائیل، با تصویب قوانین نظیر سفر بدون ویزا بین اتباع مسکو-تل‌آویو در کنست^۲، نقش مهمی در نزدیکی آنها ایفا کرده‌اند (Бочаров, 2013: 25). نگرش مثبت میان نخبگان سیاسی روسیه و اسرائیل در تعامل با یکدیگر، تأثیر قابل توجهی در گسترش روابط مسکو-تل‌آویو^۳ داشته است به گونه‌ای که ریشه‌های خانواده بسیاری از نخست‌وزیران و نظامی‌های اسرائیل تا به امروز، در قلمرو امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد. (Averbukh & Klein, 2018: 2). به طوری که در اولین انتخابات کنست در سال ۱۹۴۹، بیش از نیمی از نمایندگان، متولد قلمرو شوروی بوده‌اند (Бочаров, 2013: 25). همچنین، این نگرش مثبت در نخبگان سیاسی روسیه در قبال اسرائیل، قابل مشاهده می‌باشد به طوری که پوتین از زمان ورود به کاخ کرملین^۴، خود را به عنوان حافظ و پشتیبان امنیت یهود در روسیه و اروپا معرفی کرده بود. نگرش مثبت نخبگان سیاسی روسیه در قبال اسرائیل، تأثیر قابل توجهی بر نگرش مردم داشته است، به طوری که در نظرسنجی از مردم در پاسخ به این سؤال در سال ۲۰۱۷، تقریباً ۵۷ درصد از مردمان روسیه نگاه مثبتی به تعامل با اسرائیل داشتند (Averbukh & Klein, 2018: 2).

همکاری‌های اقتصادی، تجاری و صنعتی روسیه و اسرائیل نیز، زمینه‌ای را برای نزدیکی و گسترش روابط دو دولت فراهم کرده است (کولایی، ۱۳۸۱: ۳۵). به گونه‌ای که اسرائیل به طور عمده ماشین‌آلات، تجهیزات ترابری و شیمیایی و

1. Rudnik

2. Knesset

3. Moscow-Tel Aviv

4. Kremlin Palace

محصولات کشاورزی را به روسیه صادر می‌کند و واردات اسرائیل از روسیه بیشتر حول محور نفت خام، سنگ‌های زینتی و فلزات می‌باشد (Averbukh & Klein, 2018: 6-8). از طرفی با کشف میادین نفتی در سواحل اسرائیل و عدم تجربه کافی اسرائیل برای استخراج در این منطقه، همکاری دو دولت در زمینه انرژی^۱، گسترش یافت. همچنین، محصولات و فناوری‌های فضایی شرکت‌های روسی، توجه شرکت‌های اسرائیلی را به خود جلب کرد به طوری که در سال‌های اخیر توافق‌نامه‌هایی در خصوص اکتشاف فضا بین مسکو- تل‌آویو بسته شده است (Марьясис, 2017: 131). پروژه‌های سرمایه‌گذاری در زمینه نانو و داروسازی، فناوری‌های نوین کشاورزی، روسیه و اسرائیل را به توسعه روابط تجاری و اقتصادی سوق داده است.

یکی دیگر از عوامل نزدیکی مسکو و تل‌آویو، همکاری‌های سیاسی و امنیتی در زمینه‌های مبارزه با افراط‌گرایی^۲ و تروریسم^۳ در منطقه است. این همکاری ناشی از جمعیت ۲۰ میلیونی مسلمان روسیه و تهدیدات بالقوه بنیادگرایی اسلامی^۴ بر دولت بوده است (کیانی، ۱۳۸۷: ۳۷۸-۳۷۵). بر همین مبنای، سرویس‌های اطلاعاتی روسیه و اسرائیل در چند دهه اخیر، آموزش‌های نظامی و مانورهای مشترک به نمایش گذاشتند (رومی، ۱۳۹۶: ۵۳). فروش پهپادهای بدون سرنشین اسرائیل به روسیه به منظور کنترل و نظارت بر چچن، نمونه‌ای از این همکاری بوده است (Kazoux, 2008: 5). در سال‌های اخیر نیز، هماهنگی‌های سیاسی و امنیتی آنها در بحران سوریه افزایش یافته است (رومی، ۱۳۹۶: ۵۹).

رهبران روسیه در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به‌ویژه در حل و فصل اختلافات با آمریکا، اهمیت ویژه‌ای برای اسرائیل قائلند زیرا روسیه بر این امر واقف است که لابی‌های قدرتمند یهودی می‌توانند نقش مهمی بر روند کاهش تحریم‌های آمریکا ایفا کنند و اسرائیل می‌داند که برای تضمین امنیت خود در

1. Energy

2. Extremism

3. Terrorism

4. Islamic fundamentalism

منطقه، به نقش فرمانطقه‌ای روسیه نیاز دارد لذا تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه مسکو و اوضاع وخیم اقتصادی روسیه در نظام بین‌الملل فرصتی را به اسرائیل داده که از آن به‌عنوان برگ برنده در نزدیکی راهبردی با روسیه استفاده کند. از سوی دیگر اسرائیل به دلیل نبود بازار کافی در منطقه در ارسال محصولات خود، بازار روسیه را موردتوجه قرار داده است؛ از این رو نیاز اسرائیل و روسیه به یکدیگر در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تاکنون نقش مهمی در تقویت مناسبات آنها داشته است.

۲-۱. موانع همکاری اسرائیل و روسیه

اسرائیل و روسیه با وجود مناسبات گسترده و پیوندهای عمیق تاریخی، نتوانسته‌اند نوعی اتحاد استراتژیک را بین خود به‌وجود بیاورند. مهم‌ترین مانع توسعه روابط روسیه و اسرائیل، متأثر از روابط مسکو با تهران است. اسرائیل همواره ایران را به عنوان تهدید موجودیت خود در منطقه در نظر می‌گیرد. اسرائیل بارها از همکاری سیاسی و نظامی ایران و روسیه در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در قضایای هسته‌ای و بحران سوریه ابراز نگرانی کرده است. به‌طوری‌که توسعه همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه در اوایل قرن ۲۱، تاجایی پیش رفت که نخبگان اسرائیل رابطه با مسکو را یک بازی احمقانه تلقی می‌کردند (Kazoux, 2008: 8). همکاری روسیه با جبهه مقاومت و حکومت خودگردان فلسطین، از دیگر موانعی است که روابط مسکو-تل‌آویو را تحت‌الشعاع قرار داده است. افزایش نقش حماس در فلسطین و تمایل روسیه به همکاری با این جنبش، سبب تعجب و نگرانی رهبران اسرائیلی شده است (کولایی، ۱۳۹۲: ۳۲۷) به‌گونه‌ای که در دیدار رهبران حماس با مقامات روسیه در ۲ مارس ۲۰۲۰، وزیر خارجه روسیه لاوروف، ضمن مخالفت با طرح معامله قرن، بر ادامه همکاری‌ها و رایزنی‌ها تأکید کرد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸). همچنین، همکاری‌های نظامی روسیه و حزب‌الله در دمشق و لاذقیه، پیامدهای بسیار منفی برای منافع اسرائیل در سوریه داشته است (Бармин, 2018: 4).

اسرائیل همچنان از روابط نزدیک روسیه با حکومت خودگردان فلسطین، ابراز نارضایتی کرده است. روسیه از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳، حدود ۴۰ میلیون دلار هزینه‌های بودجه حکومت خودگردان فلسطین را تأمین کرده و سالانه بودجه‌ای برای آموزش دانشجویان فلسطینی در دانشگاه‌های مسکو اختصاص داده است. از طرفی دیگر، موانع روسیه در سازمان ملل به‌ویژه در قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۸۸، ۱۳۹۷ و ۱۵۱۵ شورای امنیت با منافع اسرائیل در منطقه ناهمپوشانی دارد (Джаббаринасир, 2020: 59). لذا هرگونه روابط روسیه با این گروه‌ها، روابط روسیه و اسرائیل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

اتحاد استراتژیک اسرائیل با آمریکا و حضور در جبهه مخالف روسیه، به یک عامل منفی در توسعه روابط مسکو-تل‌آویو تبدیل شده است. حفظ امنیت اسرائیل، یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه است. روسیه و آمریکا یکدیگر را به عنوان تهدید جدی منافع خود در نظام بین‌الملل تلقی می‌کنند. از این رو نوعی بی‌اعتمادی در روابط روسیه با اسرائیل وجود دارد. به‌طوری‌که بعد از وقوع بحران اوکراین، روابط روسیه و اسرائیل به دلیل حمایت‌های تسلیحاتی اسرائیل و آمریکا به گروه‌های ضدروسی، بسیار محدود شده است (Averbukn & Klein, 2018: 5-7). در یک نگاه کلی، روسیه در چارچوب سیاست خاورمیانه‌ای خود به برقراری روابط با همه کشورهای منطقه پرداخته است و اسرائیل بر این امر واقف است که روابط راهبردی‌اش با آمریکا، با سیاست روسیه در خاورمیانه در تضاد است. از این رو، قرار گرفتن اسرائیل و روسیه در دو محور رقیب، تأثیرات بسیار منفی بر روابط آن‌ها داشته است و از طرف دیگر، با افزایش نفوذ سیاسی اسرائیل در تحولات اخیر اوکراین و رویکردهای متعارض دوطرف، این احتمال وجود دارد که روابط روسیه و اسرائیل در آینده به سردی سوق یابد که در این صورت، امکان توسعه فزاینده روابط روسیه با کشورهای ضداسرائیل وجود دارد.

۳. عوامل توسعه همکاری ایران و روسیه

ایران و روسیه با تأکید بر منافع مشترک، به توسعه الگوهای مشارکتی در تنظیم

روابط دوجانبه خود در ابعاد مختلف پرداخته‌اند. یکی از عوامل نزدیکی دو کشور را می‌توان نوع نگاه به شرق نخبگان و رؤسای جمهور دوطرف نام برد. هم در دوره اتحاد جماهیر شوروی و هم پس از آن، طرفین روابط متقابل خود را مشتق روابط خود با غرب می‌دانستند به‌طوری‌که سیطره نگرش نگاه به شرق در دوره ریاست جمهوری پوتین و احمدی‌نژاد، موجبات توسعه روابط و همکاری نزدیک را فراهم کرده بود (Свешникова, 2018: 150). چنان‌که در این دوره باوجود سطح مناسبات عالی دیپلماتیک، قراردادهایی درزمینه انرژی هسته‌ای، حوزه دریای خزر، توسعه میداین گازی ایران، ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و تأمین سیستم دفاعی کشور ایران بین دو کشور صورت گرفت (Мирван, 2011: 107). مهم‌ترین عامل نزدیکی و توسعه روابط ایران و روسیه، مقابله با نفوذ و سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده آمریکا در حیاط خلوت این دو بازیگر است. در این راستا، قضیه اوکراین و گرجستان و تلاش‌های آمریکا برای رهایی سلطه کرملین در این کشورها از یک‌سو و تنش‌های ایران با آمریکا درخصوص برنامه هسته‌ای خود از سویی دیگر، نشان داد که مقابله با آمریکا نقش بسزایی در روابط دو کشور داشته است (Юлдашева, 2014: 129). زیرا روسیه تنها راه فشار به آمریکا را، همکاری با کشورهای ضدمنافع خود به‌ویژه ایران می‌داند و ازطرف دیگر ایران در راستای کاهش فشارهای بین‌المللی خود در قضیه هسته‌ای، روسیه را موردتوجه قرار داده است. لذا تنش‌های شدید ایران و روسیه با آمریکا در این دوره زمانی، باعث عدم همراهی روسیه با تحریم‌های آمریکا علیه ایران و همکاری‌های گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی دوطرف شده است. به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور آذربایجان در سفر خود به تهران با هدف دور زدن روسیه، به‌دنبال انتقال گاز ایران به اروپا بود، ایران با بیان اینکه هیچ قراردادی با اروپا بدون هماهنگی روسیه انجام نمی‌شود، این درخواست را رد کرد (Долгова, 2015: 79).

مهم‌ترین همپوشانی منافع و همسویی با مقابله با آمریکا در طول سال‌های

اخیر، بحران سوریه^۱ بوده است. به‌طوری‌که تهدیدات ناشی از حضور آمریکا در تحولات سوریه برای ایران و روسیه و تمایل دو کشور به حمایت از بشار اسد^۲ در راستای منافع و اهداف خود، باعث قرار گرفتن آن‌ها در یک محور و ائتلاف به منظور مقابله با محور رقیب به رهبری آمریکا شده است. به‌طوری‌که ایران به روسیه اجازه داد تا از نیروگاه هوایی همدان برای اقدامات نظامی در خاک سوریه استفاده کند. این سطح از همکاری نظامی برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی برای ایران اتفاق افتاده بود. همچنین، وزیر امور خارجه روسیه لاوروف، در سال ۲۰۱۸ اظهار داشت که توقع قدرت‌های غربی برای خروج ایران در سوریه امری غیرواقعی است (Грушин, 2019: 11). لذا بحران سوریه بستر مناسبی را فراهم کرده تا ایران و روسیه به گسترش همکاری خود در ابعاد مختلف پردازند.

همکاری اقتصادی و تجاری دو کشور در زمینه‌های انرژی، نفت و گاز، کشاورزی و صنایع، عامل دیگری در گسترش روابط ایران و روسیه است. توافق در زمینه انرژی هسته‌ای در سال ۱۹۹۲ تاریخ آغاز روابط اقتصادی دو کشور بوده است؛ توافقی که زمینه ساخت نیروگاه راکتور هسته‌ای و مراکز آموزشی در ایران شده است (Чекушкин, 2006: 67). به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۶ اولین نیروگاه هسته‌ای توسط مسکو برای بهره‌برداری به ایران تحویل داده شد. همچنین، در نوامبر ۲۰۱۴، قراردادی برای ساخت واحد ۲ و ۳ نیروگاه بوشهر بین ایران و روسیه به امضا رسید (جهانبخش و حق‌پناه، ۱۳۹۴: ۱۹۹). براساس گزارش نهاد comtrade سازمان ملل، روسیه بین ۱۰ شریک بزرگ ایران در حوزه تجارت خارجی در جایگاه پنجم قرار دارد به‌طوری‌که حجم بازرگانی ایران و روسیه در سال‌های اخیر رشد مثبتی داشته است. از طرفی دیگر پروژه‌های سرمایه‌گذاری در زمینه تولید واگن، استخراج محصولات نفتی، ساخت خط‌آهن و محصولات کشاورزی در نزدیک شدن دو کشور مفید بوده است (economic.mfa, 2019). مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و تلاش‌های مشترک برای برقراری ثبات و امنیت در منطقه، نقش

1. Syria Crisis

2. Bashar al-Assad

قابل توجهی در نزدیکی دو کشور داشته است. همکاری مشترک در مسأله افغانستان، حل مناقشات داخلی تاجیکستان و بحران سوریه در سال‌های اخیر، موجبات توسعه روابط دو کشور را فراهم کرده است (Ивашенцов, 2005: 113). به طوری که دو کشور به منظور مقابله با تهدیدات داعش^۱، یک مرکز هماهنگی در بغداد ایجاد کرده‌اند (Клепиков, 2016: 46). همکاری نظامی و تسلیحاتی، یکی دیگر از عرصه‌های همکاری دو کشور بعد از فروپاشی اتحاد شوروی بوده است. تنش‌های منطقه‌ای ایران با عربستان و اسرائیل این همکاری‌ها را بیش از پیش افزایش داده است.

با توجه به مخالفت‌های غرب با روسیه برای تحویل اس ۳۰۰ به ایران در سال ۲۰۱۲، روسیه حکم لغو ممنوعیت یک سال تجهیزات نظامی به ایران را امضا کرد و بر همین اساس در سال ۲۰۱۶ روسیه اس ۳۰۰ را به ارتش ایران تحویل داد (Трушин, 2019: 13). ایران و روسیه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی روابط عمیق تاریخی دارند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بخش اعظم روابط روسیه و ایران تحت تأثیر رفتار و سیاست‌های آمریکا بوده است به طوری که تهدیدات ناشی از محور غرب به رهبری آمریکا در بحران سوریه و تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران و روسیه روابط دو کشور را بیش از گذشته به یکدیگر نزدیک کرده است. لذا مقابله با آمریکا بیش از هر عامل دیگر در نزدیکی دو کشور دخیل بوده و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرای آمریکا در سال‌های اخیر، تقابل با آمریکا را به عنصر مهم در توسعه روابط تهران-مسکو تبدیل کرده است.

۳-۱. موانع همکاری ایران و روسیه

با وجود داشتن همکاری نزدیک ایران و روسیه در سال‌های اخیر، موانع و تضادهای منافع بر آینده روابط دو کشور سایه افکنده است. مهم‌ترین عامل محدود نگاه داشتن گسترش روابط ایران و روسیه، متأثر از تمایل همکاری آن‌ها با آمریکا است. روسیه در راستای کاهش تحریم‌های غرب علیه خود و دستیابی به هژمونی

1. Islamic State of Iraq and the Levant

2. S300

منطقه، حل و فصل اختلافات با آمریکا را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. لذا همکاری روسیه و آمریکا در معادلات منطقه، زمینه را برای تضعیف شدن روابط مسکو-تهران فراهم می‌کند. موافقت‌نامه گور-چرنومردین^۱ و تحریم‌های روسیه در دوران ریاست جمهوری مدودف^۲ علیه ایران، نمونه‌ای از تأثیر آمریکا به تغییر رویکرد روسیه به نزدیکی با ایران است (دهقانی و مرادی، ۱۳۹۴: ۷۷). از طرفی بهبود روابط ایران و آمریکا، توسعه روابط ایران و روسیه را محدود می‌کند. به طوری که تمایل همکاری آمریکا با ایران در سال ۲۰۱۵ به منظور رها کردن روسیه از بازارهای گاز اروپا، چالش‌های اقتصادی در روابط دو کشور به وجود آورد (Долгова, 2015: 79).

یکی دیگر از موانع نزدیکی ایران و روسیه، تعارض منافع و ناهم‌سویی در سیاست خارجی آن‌ها نسبت به مسئله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر است. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران و روسیه در خصوص تقسیم بستر دریای خزر و بهره‌برداری از ذخایر نفتی با یکدیگر اختلاف و ناهم‌پوشانی منافع داشته‌اند (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶: ۴۸). اگرچه پس از ۲۱ سال مذاکره در ۱۲ اوت ۲۰۱۸ کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر توسط پنج کشور در نشست آکائو قزاقستان^۳ به امضا رسید (یزدان‌پناه و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۳۸). به طوری که در این نشست ضمن عدم توجه به منافع ژئوپلیتیک^۴ ایران، بسیاری از مسائل مورد اختلاف میان ایران و روسیه حل نشده است.

دستیابی روسیه به عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده نفت و گاز اروپا و رقابت با ایران در این زمینه، موجبات تضعیف همزیستی سازنده دو کشور را فراهم کرده است (Ибрагимов, 2019: 899). روسیه می‌داند که هم ایران تمایل به افزایش صادرات نفت و گاز به اروپا دارد و هم آمریکا برنامه‌هایی برای تأمین گازهای

-
1. Gore-Chernomyrdin Agreement
 2. Medvedev
 3. Kazakhstan Aktau Summit
 4. Geopolitics

شیل^۱ به اروپا به میزان ۸۰ میلیارد مترمکعب تا سال ۲۰۲۰ را دارد. لذا برنامه‌های ایران برای افزایش سهم خود در بازار گاز اروپا، تهدید جدی برای روسیه در آینده به حساب می‌آید (Жильцов, 2016: 637). از این رو روسیه با عدم وتو^۲ در تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران در سال‌های اخیر، ضمن چالش‌هایی برای صادرات نفت ایران، واردات خود را به مشتریان اصلی ایران افزایش داده است. همچنین، روسیه در سال ۲۰۱۷ مانع تحقق ایجاد بندر نفت و گاز توسط ایران در شهر طرطوس^۳ سوریه شد (مبید، ۱۳۹۸). همکاری روسیه با کشورهای مخالف ایران در خاورمیانه نظیر اسرائیل و عربستان، تأثیرات منفی جدی بر روابط ایران و روسیه داشته است. وابسته بودن عربستان و اسرائیل به روسیه در منطقه و صحنه‌های بین‌المللی و بالعکس، زمینه توسعه روابط و نزدیکی با یکدیگر را فراهم کرده است. به‌طوری‌که در سال‌های اخیر، عربستان و روسیه در زمینه انرژی و تسلیحات نظامی و حل بحران سوریه به همکاری و هماهنگی سیاسی با یکدیگر پرداخته‌اند. از این رو دو کشور موانعی برای اهداف و منافع ایران در منطقه ایجاد کرده‌اند (Frolovskiy, 2018: 87-89). همان‌طور که در بخش قبلی به‌طور کامل شرح داده شده است، پیوندهای عمیق تاریخی، سیاسی و نظامی اسرائیل و روسیه، محدودیت‌هایی را برای روابط ایران و روسیه به وجود آورده است.

تقویت و نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، موجب تعدیل همکاری راهبردی روسیه با ایران شده است. روسیه نسبت به هژمونی ایران در این مناطق و متعاقباً به حاشیه رفتن جایگاه خود در هراس است. در راستای غلبه بر این نگرانی‌ها، روسیه طی سه دهه اخیر با ابزارهای دیپلماتیک^۴ سعی در جلوگیری از قدرت هسته‌ای ایران کرده است. روسیه می‌داند ظهور قدرت هسته‌ای ایران، زمینه نفوذ و ترویج انقلاب اسلامی ایران در این کشورها می‌شود (Трушин, 2019: 6-8). در واکاوی روابط ایران و روسیه، تضاد منافع در

1. Shale gases

2. veto

3. City of Tartus

4. Diplomatic

سیاست‌های اوراسیایی یکدیگر و عدم چارچوب مشخص برای تعامل با آمریکا، دو مانع اصلی بر سر راه توسعه روابط دو کشور بوده است. تقویت جبهه مقاومت به رهبری ایران در سوریه و هراس روسیه نسبت به جایگاه خود در آینده سوریه، روابط دو کشور را از همزیستی مثبت به ناهمپوشانی منافع سوق داده است به‌طوری‌که در سال‌های اخیر، روسیه با وارد کردن کشورهای متخاصم ایران در حل بحران سوریه، نوعی محدودیت در روابط دو کشور را به‌وجود آورده است.

۴. الگوی رفتاری موازنه قوای روسیه در قبال ایران و اسرائیل

پیوندهای عمیق تاریخی روسیه و اسرائیل و مناسبات دیپلماتیک گسترده دو بازیگر در سال‌های اخیر، نزدیکی استراتژیک با روسیه در دستور کار سیاست خارجی اسرائیل قرار گرفت. نقش فرمانطقه‌ای روسیه در تحولات خاورمیانه، نقش مهمی در روند توسعه روابط آنها داشته است. ازسوی دیگر تهدیدات ناشی از حضور آمریکا در خاورمیانه، افق‌های جدیدی در روابط دو کشور به‌وجود آورد. با افزایش تنش‌ها میان ایران و آمریکا و تحریم‌های شدید غرب علیه ایران، نزدیکی با مسکو در اولویت قرار گرفت. لذا مناسبات گسترده مسکو با اسرائیل و ایران باعث شده که مسکو الگوی رفتاری توازن قوا را بهترین رویکرد در قبال این دو بازیگر برگزیند.

اولین ویژگی الگوی رفتاری توازن قوای روسیه در قبال اسرائیل و ایران، ترویج این اعتقاد که، دو بازیگر در جهت موازنه‌سازی در برابر تهدیدات یکدیگر به روسیه نیاز دارند. با افزایش نفوذ سیاسی و نظامی ایران در منطقه و تهدید اسرائیل ازسوی این کشور، این تصور را در نظام حکومتی اسرائیل به‌وجود آورد که آمریکا نمی‌تواند به‌طور کامل منافع اسرائیل را تضمین کند. از این رو، اسرائیل در برابر مقابله با تهدیدات و قدرت ایران، روسیه را مورد توجه قرار داده است. تمامی دیدارهای رهبران اسرائیل و روسیه در سال‌های اخیر حول محور موضوع توافق هسته‌ای ایران و بحران سوریه بوده است (Бармин, 2018: 1). به‌طوری‌که قبل از مداخله نظامی روسیه در سوریه توافق‌هایی میان مقامات اسرائیل و روسیه در خصوص نیروهای ایرانی در سوریه صورت گرفت (رومی، ۱۳۹۶: ۵۶).

همچنین، در دیدار پوتین در پنجمین نشست جهانی هولوکاست^۱ در ژانویه ۲۰۲۰ در تل‌آویو، نتانیاهاو^۲ درخصوص تهدیدات ایران در سوریه و منطقه با رئیس‌جمهور روسیه به گفت‌وگو پرداخت (sputniknews, 2020). ایران نیز بر این امر واقف است که لابی قدرتمند یهودی، نقش مهمی در روند سیاست‌گذاری آمریکا و سازمان‌های بین‌المللی علیه ایران ایفا کرده‌اند لذا تهدیدات نیابتی اسرائیل از سوی محور غرب، ایران را به همکاری با روسیه واداشته است و در سال‌های اخیر، ایران از کمک‌های سیاسی و نظامی روسیه برای حفظ محور مقاومت، تحقق برنامه هسته‌ای و عدم مداخله محور غرب در سوریه استفاده کرده است (Свешникова, 2018:164). به‌طوری‌که با خروج آمریکا از برجام^۳ به حمایت از اسرائیل، ایران همچنان به ادامه مذاکرات با روسیه پرداخته است.

ویژگی بعدی الگوی رفتاری توازن قوای روسیه، ایجاد توازن قدرت بین اسرائیل و ایران بوده است. روسیه ضمن همکاری با ایران و اسرائیل در معادلات بین‌المللی، در تلاش است که با ایجاد موانع و محدودیت برای دو بازیگر، بتواند ضمن برقراری توازن قدرت، از ظهور هژمونی آن‌ها در منطقه جلوگیری کند. در این راستا روسیه درعین همکاری در ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای ایران، با موافقت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل^۴ درخصوص برنامه هسته‌ای ایران توانسته است ضمن رضایت اسرائیل، مانع از برهم خوردن توازن شود (Трушин, 2019: 8). همچنین، یکی از دلایل عدم موفقیت قراردادهای مربوط به تکمیل تأمین سیستم‌های دفاعی اس ۳۰۰ روسیه به ایران در دوران مدودف به دلیل به خطر نيفتادن امنیت اسرائیل و حفظ توازن قوا بوده است (Джаббаринасир, 2020: 52). نکته حائزاهمیت تحویل سامانه اس ۳۰۰ به ایران نیز در سال ۲۰۱۶، نشانه‌ای برای جلوگیری از افزایش قدرت اسرائیل و حفظ بالانس قدرت بوده است (Трушин, 2019: 13). با افزایش نفوذ سیاسی و نظامی ایران در سوریه، روسیه در راستای

1. World Holocaust Summit

2. Netanyahu

3. Joint Comprehensive Plan of Action

4. United Nations Security Council

حفظ توازن قوا بین تهران-تل آویو و عدم به حاشیه رفتن جایگاهش در سوریه، ایجاد موانع و محدودیت برای ایران را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داد. روسیه توانست ضمن کاهش حضور نیروهای ایرانی و پایگاه نظامی در شعاع مشخصی از مرز اسرائیل (۸۵ کیلومتر)، از ایجاد پایگاه دریایی طرطوس توسط ایران ممانعت کند (Barmin, 2018: 3-4). علاوه بر این روسیه به منظور تضعیف محور مقاومت، با کاهش حضور نیروهای ایرانی در مرزهای جنوب غربی، تاحدودی مانع از انتقال تسلیحات به لبنان شده است (murciana, 2017: 3-7). همچنین، سامانه دفاعی سوریه تحت رهبری نیروهای روسی، ممانعتی برای حملات اسرائیل به مواضع ایران ایجاد نکرده اند (رومی، ۱۳۹۶: ۶۰). از طرف دیگر بازسازی سوریه با مشارکت ایران، نگرانی‌هایی را برای اسرائیل و روسیه مبنی بر افزایش نفوذ ایران در سوریه به وجود آورده است. از این رو، روسیه بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در پروژه‌های حیاتی و سودآور را برای خود اختصاص داده است (Hatahet, 2019: 19-20). روسیه با مشروع دانستن حضور ایران در سوریه، تحویل اس ۳۰۰ به سوریه و مخالفت با تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران توسط آمریکا در سال ۲۰۲۰ مانع از تحقق برهم خوردن توازن قوا به نفع اسرائیل شده است.

آخرین ویژگی در الگوی رفتاری توازن قوای روسیه، مدیریت تقابل تهران-تل آویو به نفع اهداف و منافع خود در منطقه و نظام بین‌الملل است. لذا نیاز اسرائیل به روسیه در جهت موازنه‌سازی با تهدیدات ایران، فرصتی برای مسکو در حل و فصل اختلافات با آمریکا و غرب از کانال اسرائیل بوده است (نوروزی و رومی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). روسیه نیز با استفاده از گزینه ایران در این بازی توانست از آمریکا و اسرائیل امتیازاتی را بگیرد. به طوری که اسرائیل به دلیل ترس از توسعه همکاری نظامی روسیه با ایران، ضمن عدم مشارکت در تحریم‌های ضدروسی غرب، در قضیه بحران سوریه خطوط قرمز روسیه را رعایت کرده است (Djabbarinasir, 2020: 52). در واقع الگوی رفتاری روسیه در تعامل با ایران و اسرائیل براساس توازن قوا و جلوگیری از هژمون‌گرایی هر کدام از آن‌ها در منطقه است. روسیه ضمن رد هرگونه اتحاد استراتژیک، از تقابل آن‌ها به نفع اهداف خود

مدیریت می‌کند و کرملین بر این امر واقف است که ایجاد ثبات و امنیت در منطقه، بدون توجه بر جایگاه و قدرت ایران امکان‌پذیر نیست که سطح مناسبات فعلی دو کشور در مذاکرات صلح روسیه، نشانگر این واقعیت است. روسیه می‌داند که کاهش نقش آمریکا در تحولات منطقه در سال اخیر باعث تحقق این الگوی رفتاری شده است لذا روسیه طوری بازی کرده که گسترش روابطش با ایران، به معنای دوری از اسرائیل نیست. باتوجه به هژمون‌گرایی اسرائیل و ایران در منطقه، روسیه توانسته است با اتخاذ الگوی رفتاری توازن قوا، استقلال عمل استراتژیک دو بازیگر را در صحنه بین‌الملل محدود کند.

نتیجه گیری

دولت‌ها در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، راهبرد توازن قوا را به عنوان الگوی رفتاری در قبال دو متحد تاکتیکی خود اتخاذ می‌کنند. تحولات تاریخی نشان می‌دهند که الگوی رفتاری روسیه در قبال این دو بازیگر برگرفته از نظریه نوواقع‌گرایانی چون والت و میرشایمر است. براساس این الگوی رفتاری، پژوهش حاضر تبیین می‌کند که راهبرد روسیه، ایران و اسرائیل، موازنه‌سازی در برابر تهدیدات است. براساس نظریه موازنه قوا، کشورها در مواقع تهدید و ترس، به الگوی رفتاری موازنه قوا و موازنه‌سازی روی می‌آورند. ایران و اسرائیل همواره یکدیگر را به عنوان تهدید و دشمن خود در نظام بین‌الملل در نظر می‌گیرند لذا جهت موازنه‌سازی در قبال تهدیدات یکدیگر، توسعه روابط با روسیه، در اولویت سیاست خارجی آن‌ها قرار گرفت. توسعه فزاینده برنامه هسته‌ای و نفوذ سیاسی و نظامی ایران در منطقه از یک سو و کاهش نقش آمریکا در تحولات خاورمیانه از سویی دیگر، نگرانی امنیتی را برای اسرائیل به وجود آورد که با حضور ایران در تحولات سوریه، کنش‌های متعارض میان دو بازیگر تشدید یافت. از این رو، اسرائیل تلاش کرده است که با همکاری قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه روسیه، محور ایران را تضعیف کند و از طرف دیگر تهدیدات نیابتی اسرائیل از سوی آمریکا و ائتلاف محور غرب در منطقه، باعث شده است که ایران نزدیکی با مسکو را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار دهد. لذا مناسبات گسترده

روسیه با ایران و اسرائیل و نقش آن‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه موجب شده است که مسکو الگوی رفتاری توازن قوا را بهترین رویکرد در قبال این دو متحد تاکتیکی خود برگزیند.

روسیه در راستای الگوی رفتاری موازنه قوا در صدد آن است که این اعتقاد را بین این دو بازیگر ترویج دهد که حضورش در تحولات بین‌الملل به نفع آن‌ها است. لذا نیاز اسرائیل و ایران به روسیه در معادلات بین‌المللی، فرصتی را برای مسکو فراهم کرد که با اتخاذ الگوی رفتاری توازن قوا، از تلاش آن‌ها برای دستیابی به هژمونی منطقه جلوگیری کند. در این راستا، روسیه با ایجاد موانع و محدودیتی در اهداف سیاسی و نظامی دو بازیگر به‌ویژه در تحولات خاورمیانه و برنامه هسته‌ای ایران، توانسته ضمن برقراری توازن قدرت بین آن‌ها، نفوذ و هژمونی خود را در منطقه توسعه بخشد. همچنین، الگوی رفتاری موازنه قوای روسیه زمینه‌ای برای تحقق اهداف و منافع روسیه در منطقه و نظام بین‌الملل شده به‌طوری‌که روسیه در بازی با آمریکا در تلاش است با استفاده از مهره ایران و اسرائیل بتواند امتیازاتی از آمریکا و غرب در صحنه‌های بین‌المللی بگیرد. روسیه بر این امر واقف است که لابی یهود اسرائیل نقش مهمی در کاهش فشارهای غرب بر کرملین دارند. فارغ از انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، روسیه از طریق ایران توانسته است حضور و نفوذ آمریکا در منطقه را کاهش دهد لذا جایگاه و قدرت نقش‌آفرینی اسرائیل و ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه، نقش مهمی در تقویت مناسبات مسکو با دو بازیگر داشته است.

روسیه نیز ضمن رد هرگونه اتحاد استراتژیک با ایران و اسرائیل، به توسعه همکاری‌ها با آن‌ها پرداخته است. لذا نزدیکی تهران و تل‌آویو به مسکو باعث رعایت خطوط قرمز روسیه توسط این دو بازیگر در تحولات بین‌المللی شده است. به‌طوری‌که توازن‌سازی روسیه، از نقش‌آفرینی آن‌ها در مناطق تحت هژمونی مسکو به‌ویژه سوریه جلوگیری کرده است. بنابراین روسیه همزمان با گسترش روابط خود با اسرائیل، به حفظ و توسعه رابطه خود با ایران پرداخته است. درواقع روسیه با بهره‌برداری از تنش‌های ایران و اسرائیل، اهداف و منافع خود را در نظام

بین‌الملل دنبال می‌کند. در همین چارچوب، از یک‌سو روسیه از طریق هماهنگی‌های سیاسی و نظامی با اسرائیل، محدودیت‌هایی را برای منافع ایران در منطقه ایجاد کرده است و از سویی دیگر با همکاری با ایران، آزادی عمل اسرائیل را در صحنه‌های بین‌الملل محدود کرده است. دو بازیگر در تلاش هستند با تداوم همکاری با روسیه، ضمن توسعه نفوذ خود در منطقه، محدودیت‌هایی را برای یکدیگر به‌وجود آورند. در یک نگاه کلی می‌توان گفت الگوی رفتاری روسیه در قبال ایران و اسرائیل، در چارچوب موازنه قوا در سطوح مختلف بوده است. در نهایت می‌توان گفت روابط دوجانبه بین روسیه-اسرائیل و روسیه-ایران مثبت ارزیابی می‌شود، که ناشی از یک منطق قوی از منافع راهبردی مشترک است؛ برخلاف دشمنی ایران با اسرائیل و آمریکا، روسیه و رژیم صهیونیستی دشمن یکدیگر نیستند.

یادداشت

۱. به دلیل نبرد دو ایدئولوژیک کمونیسم-لیبرالیسم، اسرائیل به اردوگاه غرب گرایش پیدا کرد و روابط شوروی و دولت تازه تأسیس به تیرگی گرایید؛ روابطی که با جنگ اعراب-اسرائیل در ۱۹۶۷ به نقطه پایان خود رسید و به مدت چند دهه قطع شد. با فروپاشی اتحاد شوروی، روند مهاجرت یهودیان از روسیه به اسرائیل آغاز شد. بنابراین، روابط آنها مجدداً توسعه پیدا کرد و تاکنون ادامه دارد (موسوی و نائینی، ۱۳۹۸: ۴۹۶).

منابع

- برچیل، اسکات و دیگران (۱۳۹۱)، *نظریه‌های روابط بین الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی، تهران: نشر میزان.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، *منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا - اسرائیل*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «تبیین عوامل و اهداف اتحاد استراتژیک میان آمریکا-اسرائیل در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، سال ۸، شماره ۲۶، تابستان، صص ۱۹۱-۱۵۳.
- جهانبخش، محمدتقی و حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۴)، «روابط سیاسی-اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در سایه‌ی تحریم‌های غربی درباره‌ی مناقشه اوکراین»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۲۲، صص ۱۸۱-۲۱۰.
- چگینی‌زاده، غلامعلی و دیگران (۱۳۹۲)، «تأثیر تحولات سوریه بر الگوی تعامل میان ایران و ترکیه، الگوی مفهومی و نظری»، *فصلنامه آفاق/امنیت*، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۶۱-۱۰۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مرادی، منوچهر (۱۳۹۴)، «آمریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران-فدراسیون روسیه»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۹، صص ۶۵-۹۱.
- رومی، فرشاد (۱۳۹۶)، «چشم‌اندازی بر راهبردی شدن روابط روسیه و رژیم صهیونیستی در دوره پوتین»، *مجله سیاست دفاعی*، سال ۲۵، شماره ۱۰۰، صص ۳۹-۷۳.
- سیمبر، رضا و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۶)، «تحولات نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد

- و تنوع جدید موازنه قوا»، فصلنامه سیاست و روابط بین الملل، سال اول، شماره اول، صص ۳۳-۵۱.
- کولایی، الهه (۱۳۸۱)، «توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۷، صص ۱۱-۵۶.
- کولایی، الهه (۱۳۹۲)، «زمینه‌ها و عوامل توسعه روابط روسیه و حماس»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۶، صص ۳۱۵-۳۳۸.
- کولایی، الهه و عابدی، عقیقه (۱۳۹۶)، «فراز و فرود روابط ایران و روسیه»، فصلنامه روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۴۵، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- کیانی، داود و خانمحمدی، زهره (۱۳۹۶)، «سیاست خاورمیانه‌ای روسیه از ۲۰۱۵-۲۰۱۱: تأکید بر کشورهای عربی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره دوم، صص ۳۴۱-۳۵۸.
- گریفتس، مارتین (۱۳۹۱)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، مترجم علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- مبید، سامی (۱۳۹۸)، «بایگاه ایران در ۳۰۰ کیلومتری سواحل فلسطین اشغالی»، ترجمه طلا یتیمی، دیپلماسی ایرانی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، تحول در نظریه‌های بین‌الملل، تهران: سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷)، مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی، تهران: سمت.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰)، «تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۵۸.
- موسوی، سیدحامد و نائینی، امین (۱۳۹۸)، «توسعه روابط روسیه-اسرائیل و تأثیر آن بر منافع ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان، صص ۵۱۴-۴۹۵.
- نوروزی، نورمحمد و رومی، فرشاد (۱۳۹۳)، «چشم‌اندازی روسی به روابط ایران و روسیه ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال سوم، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۷.
- نیاکویی، سیدامیر و صفری، عسگر (۱۳۹۷)، «الگوی رفتاری روسیه در نظام بین‌الملل: تلاش برای دستیابی به موازنه قوای مطلوب ۲۰۱۴-۲۰۱۸»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۳، صص ۱۰۱-۱۳۰.
- والتز، کنت (۱۳۸۲)، واقع‌گرایی ساختاری پس از جنگ سرد، تهران: ابرار معاصر.
- یزدان‌پناه، کیومرث و دیگران (۱۳۹۸)، «سهم ایران از دریای خزر همچنان هاله‌ای در ابهام»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۱۲، شماره اول، صص ۴۲۳-۴۴۰.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸/۱۲/۱۲)، «جزئیات سفر هیئت حماس به روسیه»، قابل دسترسی در: www.tasnimnews.com/fa/news/1398/12/12/2215474
- خبرگزاری اسپوتنیک (۲۰۲۰/۰۱/۲۳)، «آیا سفر پوتین به اسرائیل وضعیت پیرامون ایران را تغییر خواهد داد؟»، قابل دسترسی در: ir.sputniknews.com/opinion/202001235763107

خبرگزاری معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه (۱۳۹۸/۰۴/۲۳). «ایران و روسیه: روابط اقتصادی کشورها را به یکدیگر نزدیک تر می کند (یک دیدگاه روسی)»، قابل دسترسی در: economic.mfa.ir/portal/newsview/37588

Frolovskiy, Dimitry (2018), “Understanding Russia-Gcc Relation” , *European Nnion Institute for Security Studies*, No.146, pp. 83-95.

Murciana, Gil (2017), “Israel vis-a-vis Iran in Syria:The Perils of Active Containment” , German Institue for International and Security Affairs. <https://www.swp-berlin.org/en/publication/israel-and-irans-growing-influence-in-syria/>

Griffiths,Martin (1992). **Realism,Idealism and International Politics**, Newyork and London: Routledge.

Averbukh, Lidia and Klein, Margaret (2018), “Russia-Israel Relationship Transformed by Syria Conflict”, *Stiftung Wissenschaft and Politik*, No. 37, pp. 1-8.

Sheehan, Michael (2005), *The balance of power, History and Theory*, Newyork and London: Routledge.

Kazoux, Pierre (2008), “The key under standing the Israel-Russia relationship”, *Research Division-Nato Defense College*, No.42, pp. 1-8.

Hatahet, Sinan (2019), “Russia and Iran:economic influence in Syria”,*The Royal Institute of international affairs*, No. 1, pp. 1-20.

Waltz, Kenneth (1979), **Theory of International Politics**, Addison-Wesley.

Бармин, Юрий (2018), “Россия и Израиль: ближневосточное измерение отношений” , *Российский совет по международным делам*”, No. 42, pp.1-4.

Бочаров, Ю. Б. (2013), “Концептуальный анализ современной фазы развития взаимоотношений между Россией и Израилем”. *Статистика и экономика*, (1), 25-30.

Долгова, Дарья Александровна (2015), “Иран между Россией и США“. *Актуальные проблемы современных международных отношений*”, (6), 75-81.

Екатерина, Сергеевна Верещагина (2003), “Еврейские некоммерческие общественные организации в России и на Дальнем Востоке конец XX — начало XXI В.” . *Россия и АТР*, (3 (41)), 91-95.

Елишев, Сергей Олегович (2013), “Молодежная политика организаций

- иудаизма в Российской Федерации. Вестник Московского университета”. *Серия 18. Социология и политология*, (3), 168-180.
- Жильцов, Сергей Сергеевич (2016), “Сотрудничество России и Ирана в Каспийском регионе: итоги и перспективы, Вестник Российского университета дружбы народов”, *Серия: Международные отношения*, (4), 628-642.
- Ибрагимов, Алимуса Гюльмуса Оглу (2019), “Иран и россия: стратегическое партнерство или взаимовыгодная сделка?.” *Постсоветские исследования*”, 2 (1), 897-903. doi: 10.24411/2618-7426-2019-00008.
- Ивашенцов, Г. (2005), “Россия – Иран, Горизонты партнерства”, *Россия и мусульманский мир*, (1), 111-117.
- Клепиков, Станислав Сергеевич (2016). **Гражданская война в Сирии (2011-2015 гг.) и позиции России и Ирана**. Историческая и социально-образовательная мысль, 8 (3-1), 45-48.
- Марьясис, Дмитрий Александрович (2017). **Перспективы развития российско-израильских торгово-экономических отношений**. Международная торговля и торговая политика, (2 (10)), 125-135.
- Мирван, И. (2011). Иран и россия. Россия и мусульманский мир, (6), 104-108.
- Свешникова, Юлия Владимировна, & Нури Алиреза (2018). **Тактический союз Ирана и России на новом Ближнем Востоке: природа и необходимость**. Актуальные проблемы Европы, (1), 147-167.
- Трушин, Михаил Сергеевич (2019). **Международное положение ирана и интересы россии**. Контентус, (3 (80)), 73-86.
- Федорченко, Андрей Васильевич (2016). «Русский» Израиль» и Россия. Вестник МГИМО Университета, (2 (47)), 245-250.
- Джаббаринасир, Хасан Реза (2020). Иран и израиль Во Внешней политике россии: огран и чения на пути сотрудн и чества. Сравнительная политика, 11 (1), 44-64.
- Чекушкин, А. Н. (2006). **Ядерная программа России и Ирана: проблемы и перспективы сотрудничества**. Гуманитарий: актуальные проблемы гуманитарной науки и образования, (6), 66-68.
- Юлдашева, Г. (2014). **Иран в центральноазиатской политике России**. Центральная Азия и Кавказ, 17 (3), 128-138.

رویکردی راهبردی به مفهوم مصلحت (مطالعه موردی معاهده صلح حدیبیه)

محمدباقر خرمشاد*

آرزو مجتهدی**

چکیده

همان‌گونه که در اسلام براساس نیازهای فردی، احکام ثابت و متغیری مشخص شده است در حوزه احکام و اختیارات حکومتی و برای اداره جامعه براساس شرایط زمان و مکان نیز قلمرو احکام وجود دارد. در این میان جایگاه «مصلحت» به‌عنوان حلال بحران‌ها در شرایطی که با پدیده تزاخم مصلحت‌ها مواجه هستیم یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در حکومت دینی است، به‌ویژه در عقد معاهدات که حکومت می‌بایست با توجه به مادیات و معنویات، مصلحت کمتر را فدای مصلحت بااهمیت‌تری نماید. به نظر می‌رسد سیره عملی رسول اکرم (ص) در عقد معاهدات صدر اسلام، می‌تواند پاسخگوی مناسبی برای این مسئله باشد. بنابراین در رویکرد راهبردی به مصلحت در صلح حدیبیه این دو پرسش مطرح است: مصلحت مستخرج در اقدام به مذاکره در معاهده حدیبیه چه بوده و چه ضوابطی را پیامبر (ص) در این معاهده اعمال کرده است؟ از مطالعه و تحلیل معاهده صلح حدیبیه به‌عنوان مهم‌ترین معاهده حکومت نبوی با روش هرمنوتیک شلایرماخر که روشی تحلیلی-تاریخی است، این پاسخ به دست آمد: «مصلحت» در این معاهده امری بوده است که بر مبنای اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی و با توجه به مسئله اهم و مهم، موقتاً در شرایط حدیبیه اتخاذ شده و مذاکره با مشرکان با توجه به همین شرایط وقت، راهبردی‌تر از مبارزه بوده و ضوابط حاکم بر این معاهده عبارت است از: ۱- با پیشنهاد دشمن و از ناحیه قدرت باشد. ۲- قطعاً باعث توقف جنگ و کشتار شود. ۳- برطرف‌کننده تحریم‌ها و تأمین‌کننده امنیت و آزادی مسلمین باشد. ۴- بیشترین امتیاز را با کمترین هزینه نصیب مسلمین کند. ۵- راه هرگونه بهانه جویی را بر دشمن ببندد. ۶- راه بازگشت را در صورت عهدشکنی دشمن فراهم سازد.

واژه‌های کلیدی: مصلحت، رویکرد راهبردی، پیمان صلح حدیبیه، هرمنوتیک، شلایرماخر، معاهدات، حکومت اسلامی

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران (نویسنده مسئول)

Mb.khorramshad@gmail.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه علامه طباطبائی

Ar.s.mojtahedi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره نود و چهار، بهار ۱۳۹۹، صص ۶۶-۳۵

مقدمه

برقراری حکومت اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) براساس «بنیادهای دینی شیعی» در روزگار پُرچالش نظریه‌های سیاسی غرب، به واسطه دیدگاه نو مطرح شده در آن، تحولی چشمگیر در عرصه سیاست به وجود آورد که شاید بتوان آن را در زمینه سیاست عملی در عصر غیبت امری بدیع دانست. این موفقیت که به رغم گستردگی تبلیغات منفی علیه آن، به گسترش تفکر اسلامی شیعی و انقلابی آن منجر شده است، با مقاومت قدرت‌های بزرگ جهانی مواجه و دشمنان را بر آن داشته است با استفاده از تمامی امکانات و ابزارها برای فروپاشی آن اقدام کنند. خصوصاً در سال‌های اخیر به علت روند فزاینده پیشرفت‌های علمی، نظامی و نفوذ فرهنگ مقاومت آن در میان مستضعفان منطقه و جهان، دستگاه سلطه جهانی با فشار حداکثری و اعمال تحریم‌های ظالمانه، می‌کوشد معاهداتی را تحت عناوین خیرخواهانه و بشردوستانه، تحمیل کند تا از این طریق نظام جمهوری اسلامی را از پای درآورده، آن را نزد افکار عمومی جهان یک حکومت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ورشکسته نشان دهد.

گرچه مذاکرات و تلاش‌های دیپلماتیک برای حل مشکلات کشور در شرایط طبیعی راهکار مؤثری است اما در موقعیت ویژه‌ی ایران با دشمنی‌هایی از نوع ایدئولوژیک و براندازانه، اینکه مذاکره و پذیرش معاهدات بین‌المللی دو یا چندجانبه تا چه حد کمک‌کننده و برطرف‌کننده مشکلات می‌باشد، گاه محل تردید و این نقطه مواجهه حکومت اسلامی با مفهوم «مصلحت» است.

به‌طور کلی در همه نظام‌های سیاسی جهان، تعریف «مصلحت» محل اختلاف

بوده و تعریف واحدی از آن ارائه نمی‌شود، اما اصل مهم این است که حکومت‌ها بتوانند با در نظر گرفتن همه اختلافات و مؤلفه‌های گوناگون درست‌ترین تصمیم را اتخاذ کرده و پیاده سازند. این امر در جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک حکومت ایدئولوژیک (شیعی) که در تصمیم‌گیری‌ها دارای چارچوب و قواعد الهی است، دشوارتر و در بحث معاهدات پیچیده‌تر می‌شود؛ چراکه روابط خارجی دولت اسلامی با بیگانگان، با «قاعده نفی سبیل»^(۱) به‌عنوان یک اصل فقهی گره‌خورده و این قاعده نقش تأثیرگذاری بر رفتار، تصمیمات و سیاست‌های کلان نظام اسلامی دارد. از این‌رو بحث مصلحت دارای اهمیت بوده و در موضوعی مانند معاهدات با این سؤالات مواجه است: آیا مذاکرات و پذیرش معاهدات در حکومت دینی می‌تواند تابع مصلحت باشد یا خیر؟ و اگر تابع مصلحت است، ضوابط حاکم بر این معاهدات چیست؟ و این مسئله اصلی نوشتار حاضر است.

«مصلحت» در میان اهل سنت بنا به اعتقاد به وجود خلأ حکم و الگو در موضوعات مختلف، تحت‌عنوان «مصالح مرسله» به معنای مصلحتی که دلیلی برای رد یا قبول آن وجود ندارد، تعریف و راهبردی شده است (صرامی، ۱۳۷۳: ۶۵) اما شیعه، به واسطه اعتقاد به جامعیت دین و الگوپذیری در بحث امامت، وجود حوزه و فضای خالی از حضور خدا را غیرممکن می‌داند؛ بنابراین «مصلحت» نیز همانند سایر موضوعات، در حوزه‌ای خارج از قلمرو پنج‌گانه احکام (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) قرار نمی‌گیرد (الهامی‌نیا، ۱۳۸۰: ۱۲۰). مصلحت می‌تواند در یکی از حوزه‌های «متعین»، «متخیر» و «انتخابی» واقع شود. «مصالح متعین» در حوزه وجوب و حرمت، «مصالح متخیر» در حوزه استحباب و کراهت و «مصالح انتخابی» در حوزه اباحه یا مباحات توصیف می‌شوند؛ یعنی اگر امری در دو حوزه «مصالح متعین» و «مصالح متخیر» نباشد قطعاً می‌بایست در حوزه «مصالح انتخابی» قرار بگیرد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۹۰-۹۲). با این تفصیل در موضوع معاهدات، معاهده‌ای که در این سه حوزه قرار نگیرد، مصلحت نبوده و امری براساس منافع گروهی یا فردی است در نتیجه این معاهده از لحاظ شرع قابل پذیرش نیست.

اهمیت این موضوع در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حکومت مردم سالار دینی، هنگام اخذ تصمیمات مهم در عرصه بین المللی دوچندان می شود، درحالی که متأسفانه مبانی و مؤلفه های تشخیص مصلحت به عنوان عامل تعیین کننده جهت گیری ها و اعلام تصمیمات، دچار اختلاف است. در گذشته در مسائلی همچون تسخیر سفارت امریکا، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و امروز در مسائلی همچون حضور مستشاری در سوریه یا پذیرش معاهداتی نظیر برجام، اینستکس، اف ای تی اف و... تفاوت ها در مبانی تشخیص مصلحت در موضع گیری های متفاوت سطوح مختلف نظام، خود را نشان داده است.

از آنجا که خداوند متعال برای حل اختلافات پیروی از شیوه و سنت پیامبر (ص) را معرفی می کند (احزاب/۲۱؛ تفسیر اثناعشری، ج ۱۰: ۴۲۷) به نظر می رسد یکی از راه حل های برطرف کردن اختلافات بحث «مصلحت»، بهره گرفتن از یک الگوی اسلامی و مراجعه به معاهدات پیامبر (ص) است. در میان همه معاهدات، معاهده صلح حدیبیه را می توان به عنوان یک تصمیم سرنوشت ساز که شخص پیامبر بدون دریافت وحی و با وجود موافقان و مخالفان داخلی و خارجی آن را تنظیم و امضا کرده است (کاظمی نسب، ۱۳۹۵: ۱۰۷)، مهم ترین معاهده سیاسی صدر اسلام دانست و در رویکرد راهبردی به مصلحت در صلح حدیبیه این دو پرسش را مطرح کرد: مصلحت مستخرج در اقدام به مذاکره در معاهده حدیبیه چه بوده و چه ضوابطی را پیامبر (ص) در این معاهده اعمال کرده است؟ فرضیه مطرح شده در پاسخ به این دو پرسش این است: «مصلحت» در این معاهده امری بوده است که بر مبنای اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی و با توجه به مسئله اهم و مهم، در شرایط حدیبیه موقتاً انتخاب شده و مذاکره با مشرکان با توجه به همین شرایط وقت، راهبردی تر از مبارزه بوده و ضوابط حاکم بر این معاهده عبارت است از:

- ۱- با پیشنهاد دشمن و از ناحیه قدرت باشد.
- ۲- قطعاً باعث توقف جنگ و کشتار شود.
- ۳- برطرف کننده تحریم ها و تأمین کننده امنیت و آزادی مسلمین باشد.

۴- بیشترین امتیاز را با کمترین هزینه نصیب مسلمین کند.

۵- راه هرگونه بهانه‌جویی را بر دشمن ببندد.

۶- راه بازگشت را در صورت عهدشکنی دشمن فراهم سازد.

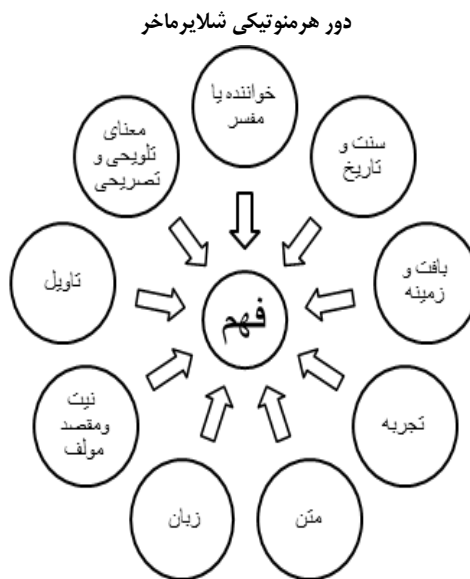
با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه «مصلحت» در حکومت‌ها، پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده است که ذکر نام تمامی آن‌ها در این مقاله میسر نیست، اما کتبی نظیر «مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی» نوشته «اصغر افتخاری» یا «حکومت و مصلحت» نوشته «محمدناصر تقوی» که با رویکردی فقهی براساس نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) بدان پرداخته‌اند یا مقاله «احکام حکومتی و مصلحت»، سیف‌الله صرامی، جزء پژوهش‌های ارزنده در این موضوع هستند. درخصوص صلح حدیبیه تعداد محدودی از آثار به بررسی سیاسی این واقعه پرداخته‌اند. مقاله «دیپلماسی نبوی، استراتژی پیامبر در صلح حدیبیه» نوشته حسن بادران و «بررسی استراتژی پیامبر اعظم (ص) در صلح حدیبیه براساس تحلیل سوات» نوشته حسین فخاری و ناصر برخوردار، نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها هستند.

این نوشتار می‌کوشد مصلحت را با مطالعه تحلیلی- تاریخی به عنوان یک معاهده مصلحت‌گرایانه با رویکردی راهبردی در جهت کاربرد در جمهوری اسلامی برای مواجهه با دشمنان و انعقاد معاهدات، فهم نماید. این شیوه فهم وابسته به تفسیر است تا با نفوذ در بطن و حضور تاریخی در درون واقعه حدیبیه و متن این معاهده، به پرسش‌های مطرح‌شده، پاسخ دهد.

«هرمنوتیک شلایرماخر» روشی تفسیری است که به نیت مؤثرین یک واقعه از طریق تحقیق در افکار و زندگی فاعلان (در این نوشتار، پیامبر (ص)) و شناخت درست شرایط اجتماعی و پیرامونی آنان تأکید می‌کند. در حقیقت با شناخت اندیشه، فردیت و ذهنیت فاعل، می‌توان تفکر او را بازسازی کرد.

امکان این بازسازی را دور هرمنوتیک به مفسر می‌دهد (نیکویی، ۱۳۸۶: ۴۴)؛ یک فرایند رفت‌وبرگشت که فهم کل را بر اساس فهم اجزا میسر می‌کند. این اجزا عبارتند از:

- ۱- سنت و تاریخ: شناخت منظومه‌ای که متن یا فعل در آن جای دارد، بعد تاریخی مفسر با پدیده موردنظر را که سبب درک ناصحیح از شرایط می‌گردد، از میان برمی‌دارد.
- ۲- بافت و زمینه: مفسر با قرار دادن خود به جای دیگری بدون آنکه محیط پیرامون او را تجربه کرده باشد، فضای زندگی وی را بازسازی کرده تا علت فعل و عملش را بفهمد.
- ۳- تجربه: بررسی تجربیات و اقدامات عامل فعل در شرایط مختلف یا مشابه کمک می‌کند مفسر با ذهنیت مناسب به اصل پدیده ورود پیدا کند.
- ۴- متن: نماد باقی‌مانده از یک فعل است که بررسی مراحل و شرایط قبل، حین و پس از شکل‌گیری آن رکن مهمی از تفسیر است.
- ۵- زبان: توجه به زبان و تفسیر زبانی متن، یکی از عوامل فهم و کشف نیت عامل است.
- ۶- نیت و مقصود مؤلف: بازسازی تمامیت ذهنی فاعل برای فهم عمیق یک فعل، نیازمند درک دقیق شرایط روحی، ذهنی و به‌طور کلی جهان درون فاعل است. به کاربردن روش، همدلی یا درک دیگری، بخشی از اجزای فهم است.
- ۷- معنای تلویحی و تصریحی: ارائه یک تفسیر اولیه از نیت فاعل براساس اجزای دیگر.
- ۸- تأویل: درک واقعیت‌های موجود در زمان وقوع فعل.
- ۹- نظر مفسر یا خواننده متن: باید در انتهای فهم به یک نظریه عمومی و کلی رسید. گرچه فهم با نفوذ در دنیای فاعل و شناخت شرایط زمانی و مکانی، همچنین کندوکاو در ذهنیت و کنار گذاشتن عناصر محیطی و ذهنی او در کنار هم به دست می‌آید اما برای ارائه نظریه جامع و فراگیر، اطلاع از سایر نظریه‌ها در آن فعل بسیار کمک‌کننده خواهد بود.



با توجه به این ۹ مؤلفه دور هرمنوتیکی (نیکویی، ۱۳۸۶: ۵۳)، تحلیل و تفسیر برای فهم مصلحت در اقدام به مذاکره پیامبر(ص) و ضوابط حاکم بر معاهده صلح حدیبیه انجام شد.

۱. چارچوب مفهومی

۱-۱. رویکرد راهبردی

رویکرد، جهت‌گیری نسبت به موضوعی خاص و به‌طور کلی، مشخص‌کننده سمت‌وسوی حرکت در تنظیم برنامه‌ها است. چنانچه این جهت‌گیری در راستای اجرای برنامه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر باشد تحت‌عنوان رویکرد راهبردی یا تاکتیکی قرار می‌گیرد. در حقیقت رویکرد راهبردی ارائه طرح بلندمدت با بررسی نقاط قوت و ضعف برای داشتن یک رهبری یا مدیریت مؤثر در میان تمامی تهدیدها و خطرات بیرونی در یک جامعه یا مجموعه است (کیانی، ۱۳۸۱: ۴۹). این رویکرد با توجه به کجایی و حرکت در مسیر رسیدن به هدف، به‌دنبال ایجاد یک برنامه توانمندسازی با استفاده از عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناسی برای غلبه بر موانع و مشکلات پیش‌روست.

۲-۱. مصلحت

در تعریف «مصلحت»، مصدر از ماده (ص ل ح) بر وزن (مفعله)، با توجه به ریشه لغوی آن «صلاح» به معنای «خیر»، «سود» و «منفعت» آمده است (ملکی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۴۴۴). همچنین با توجه به اصطلاح «تعرف الاشیا باضدادها» اشیا با ضد خود شناخته می‌شوند، به عنوان «ضد فساد» تعریف می‌شود؛ بنابراین اگر «فساد» را خارج شدن چیزی از حد اعتدال در نظر بگیریم، «مصلحت» چیزی است که باعث اعتدال شود (صادقی، ۱۳۹۲: ۱). به طور کلی «مصلحت به معنی خیر و نیکی که مفرد مصالح است به کاررفته و مخالف تباه کردن و فساد است»، معنا می‌شود (ابن منظور، ج ۲: ۵۱۷).

۳-۱. مصلحت در اسلام

در دین، بر اساس نیازهای ثابت و متغیر انسان‌ها، احکام به دو شعبه ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند و مصالح مندرج در قوانین دین و از ناحیه شارع مشخص شده‌اند (الهامی نیا، ۱۳۸۰: ۱۱۹-۱۲۰). از آنجاکه شارع با توجه به رفتارهای انسانی، در جعل احکام گستره مادیات و معنویات را توأمان در نظر داشته است، بر سعادت دنیا و آخرت هم توأمان تأکید می‌کند، لذا در امر «مصلحت» نیز می‌بایست پیامدهای دنیوی و پیامدهای اخروی هر دو مورد توجه قرار بگیرد. یعنی «مصلحت» در جامعه اسلامی، مصلحتی است که هم مربوط به حسنه دنیای مردم باشد و هم مربوط به حسنه آخرت‌شان. از این رو اگر چیزی به سود دنیای انسان باشد، ولی به آخرتش آسیب برساند، مصلحت نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۶۶) درست نقطه مقابل مصلحت در نظام سیاسی غرب که براساس نظر ماکیاولی^(۱) و عقل محوری که اساس بقای انسان را صرفاً متوجه رفاه مادی می‌داند. نظام‌هایی که رهایی از دستورات دینی را به عنوان اصل پیشرفت و تکامل در دستور کار خود قرار داده و رشد خود را در گروی آزادی‌های اقتصادی، فرهنگی و... می‌بینند (میرمعزی، ۱۳۹۷: بی‌جا؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۳ و ۱۴۲؛ احمدی راد، ۱۳۸۸: ۱۷).

در اندیشه شیعه عقل به تنهایی نمی‌تواند ملاک عمل باشد تصمیمات می‌بایست یا بر اساس احکام شارع و یا با استنباط از فرامین الهی در چارچوب

دین باشد (تفسیر اثناعشری، ج ۲: ۴۸۳، طباطبائی، ۱۳۹۶: ۶۱۸)؛ از این رو مصلحت بر سه نوع مصالح متعین، مصالح متخیر و مصالح انتخابی قابل تقسیم (افتخاری، ۱۳۸۴: ۵۳) و به این معنا است که تحت عنوان مصلحت نمی توان از محدوده مرزبندی شده دین خارج شد (امام خمینی، صحیفه نور: ۹-۸ و ۲۸-۲۹) یا به عنوان حکم مصلحتی با تغییر یا تعطیلی یک حکم قانون جدیدی در مقابل قانون الهی وضع نمود و یا حتی قانون ثابتی را نادیده انگاشت. بلکه منظور از «مصلحت» این است که با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی و رعایت مصالح اسلام، یک حکم شرعی جایگزین حکم دیگر شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۱۵)

تعریف ابتدایی این نوشتار از «مصلحت»، با نگاهی به مصالح متعین، متخیر و انتخابی، درواقع همان تشخیص صلاح و فساد امور توسط حاکم برای رساندن جامعه به حیات معقول با انتخاب میان حکم مناسب از میان احکام الهی مرتبط با موضوع است.

۴-۱. جنگ و صلح در اسلام

آیات جنگ و صلح در قرآن بیانگر این نکته مهم است که حکم هر کدام کاملاً منوط به شرایط یعنی تابع آن اثری که از آنان گرفته می شود، می باشد؛ این شرایط در قرآن به خوبی تبیین شده است (یوسفیان و مؤدب، ۱۳۹۴: ۹۴-۱۰۳).

۴-۱-۱. صلح: اسلام موافق صلحی است که پایدار و قطع کننده ریشه های جنگ (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۰۸) اما تابع شرایطی خاص باشد (نساء/۹۰): اول اینکه مسلمین در موضع قدرت بوده و دشمن برای ترک جنگ اراده داشته باشد و پیشنهاد صلح حتماً از جانب دشمن باشد. (افتخاری، محمدی سیرت، ۱۳۹۲: ۶۷؛ سلطانی، ۱۳۸۸: ۸۱). دوم اینکه طبق قاعده نفی سبیل پذیرش صلح سبب پذیرش استبداد کفار و از میان رفتن عزت و استقلال مسلمین نشود (محمد (ص)/۳۵؛ انفال/۶۱؛ افتخاری، محمدی سیرت، ۱۳۹۲: ۶۷؛ سلطانی، ۱۳۸۸: ۸۶).

۴-۱-۲. جنگ: جنگ مشروع در اسلام «جهاد» نام دارد (ابن منظور، ۱۹۹۶، ج ۳: ۱۳۳؛ مسعود، ۱۳۹۲، ج ۱: ۶۳۲) و در چارچوب و ضوابط مشخصی تعیین شده است (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۴: ۱۸). در اصل اسلام برای ایجاد امنیت جامعه،

احقاق حقوق پایمال شده و اعاده آزادی‌های سلب شده، جنگ را نه تنها مجاز بلکه امری مقدس می‌داند (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۳).

در اسلام اصالت بر دعوت توحید و جنگ و صلح ابزار آن است (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۲۱) گرچه در حوزه روابط مسلمانان با غیرمسلمانان اصل بر رابطه مسالمت آمیز و صلح قرار می‌گیرد (فقیهی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱ و ۱۸؛ خزائی، ۱۳۹۳: ۱۰۷) اما در رابطه با دشمنی که آشکارا چه در عمل و چه در لفظ اعلام دشمنی می‌کند، اصالت با جنگ (سلطانی، ۱۳۸۸: ۷۰-۷۱) و صلح یک حکم موقت (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۴: ۱۳) و کاملاً وابسته به شرایط است.

۵-۱. معاهده

«معاهده» واژه‌ای عربی از ریشه «عهد»، به معنای رعایت کردن و نگاه داشتن است. معادل فارسی آن را پیمان یعنی قول و قسم می‌دانند. در اصطلاح، «معاهده» را پیمانی دوطرفه یا چندطرفه تعریف می‌کنند که مکتوب و لازم‌الاجراست. دو اصل کتبی بودن و لازم‌الاجرا بودن از ویژگی‌های مهم معاهدات است. این توافق مکتوب مشمول حقوق مورد توافق طرفین است که در عرصه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل مورد وفاق همه می‌باشد (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۵ و ۶).

۲. تحلیل راهبردی «مصلحت» در صلح حدیبیه براساس تفسیر هرمنوتیک شلایرماخر

معاهده صلح حدیبیه جزء نخستین متون سیاسی کتبی است که در صدر اسلام باوجود برخی اعتراضات شکل یافت (واقعی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۶۲)، زیرا نص صریح برای پذیرش آن وجود نداشت و تعدادی از مسلمین آن را خوارکننده و برانکار آن اصرار داشتند. با این شرایط، فهم رویکرد مصلحتی پیامبر در حدیبیه، می‌تواند الگوی مناسبی در بحث معاهدات باشد. گرچه از این معاهده همانند صلح امام حسن (ع)، به عنوان یک نرمش قهرمانانه نام برده می‌شود (کاظمی نسب، ۱۳۹۵: ۹۱؛ رجبی دوانی، ۱۳۹۲: بی جا)؛ اما بهتر است برای فهم مصلحت نهفته در نیت و هدف پیامبر در این رویکرد راهبردی مصلحتی به عنوان نرمش قهرمانانه که

به معنای حرکت درست و منطقی در دیپلماسی با حفظ اصول و آرمان های نظام است (یوسفیان، مؤدب، ۱۳۹۴: ۹۲)، معاهده در قالب ۹ مؤلفه دور هرمنوتیکی شلایرماخر بازسازی و شرایط صلح درک شود.

۲-۱. سنت و تاریخ: سنت های تاریخی عصر جاهلیت

پیش از ظهور اسلام، در عصر جاهلی، نظام قبیله ای کهن ترین ساخت اجتماعی و قبیله اولین و مهم ترین واحد اجتماعی - سیاسی مستقل شناخته می شد (برزگر، ۱۳۸۳: ۸۷ و ۹۰؛ شهیدی، ۱۳۹۳: ۳۴) و جامعه جاهلی بدون دولت و بدون قانون بدون تنها در پناه سنت ها اداره می شد (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۷). در این شرایط مناسبات نظام قبیله ای متأثر از چهار مؤلفه تعصب، تعدد، تعدی و تعهد بود.

۲-۱-۱. تعصب: گرچه «سرزمین» و «نژاد» عامل اصلی شکل گیری قبیله هستند (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۸) اما عامل تداوم و بقای آن عنصری به نام «عصبیت» (آئینه وند، ۱۳۹۱: ۴۷) و تمامی تصمیمات رئیس قبیله متأثر از عصبیت و تخطی از آن غیرقابل باور بود (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

۲-۱-۲. تعدد: در نظام قبیله ای مبتنی بر تعصب، هر قبیله به واسطه غرور و برتری طلبی، در پرستش در عین وحدت اعتقاد به بت، دارای کثرت (انواع بت) بودند. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۳۲؛ جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

۲-۱-۳. تعدی: در مناسبات میان قبائل، جنگ عامل تعیین کننده و جنگ جویی مشهودترین خصلت عرب جاهلی و جزء افتخارات آن ها محسوب می شد (علی، ۱۹۷۶ م، ج ۱: ۲۷۴؛ قاسمی حامد، ۱۳۹۲: ۸۲).

۲-۱-۴. تعهد: با وجود این همه منازعات، حفظ جان افراد و امنیت قبیله، بسیار حائز اهمیت و به همین سبب مهم ترین تصمیم رئیس یک قبیله، انتخاب میان جنگ و صلح بود (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۱۲). «حلف» یا پیمان، با حفظ سنت ها و تأمین امنیت و آرامش، جایگزین مناسبی برای جنگ و در نبود دولت، تبدیل به قانون شد (ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۳۰). شکستن این قانون، ناپسند و بدترین عهدشکنی (عَدْر) هنگامی بود که یک طرف از هم پیمانان انصراف خود را از عهد به صورت یک جانبه اعلام می کرد (علی، ۱۹۷۶ م، ج ۴: ۳۷۲ و ۳۸۹). امضای پیمان

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های رؤسا و تعهد موجب شهرت و برتری قبیله بود (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۷۸؛ ناظمیان فرد، ۱۳۹۰: ۱۴۱). در نتیجه صلح و پایبندی بدان به همان اندازه جنگ و سرسختی در آن، برای قبیله اعتبار و به‌عنوان مصلحت‌آمیزترین تصمیم یک رهبر اهمیت داشت.

۲-۲. بافت، زمینه: عصر ظهور اسلام

ظهور اسلام در سرزمین حجاز به مثابه یک انقلاب همه‌جانبه در صدد تحول در نظام جاهلی بود؛ اما این تحول به یک‌باره محقق نمی‌گشت و به راهبردهای متنوع و مقتضی شرایط نیاز داشت. راهبردهای پیامبر (ص) برای گذار از شاخص‌های جاهلی در سه راهبرد خلاصه می‌شود.

۲-۲-۱. دعوت به توحید برای غلبه بر تعدد؛ راهبرد مصلحت از همان ابتدای بعثت و با دعوت مخفیانه عملیاتی گشت و سپس با دعوت از خویشاوندان و دعوت آشکارا، به تدریج و علیه تعدد، ادامه یافت.

۲-۲-۲. تشکیل دولت اسلامی: همواره ایجاد تغییرات اساسی در اعتقادات یا سنت‌ها، مخالفت و مقاومت عده‌ای را که منافع خویش را در وجود آن سنت‌ها می‌دانند، برمی‌انگیزد، ظهور اسلام هم با مخالفت قریش روبه‌رو شد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۶۹) پیامبر (ص) برای مقاومت و مبارزه در برابر آنان، پیاده‌سازی احکام اسلامی و ایجاد بستر مناسب برای صدور انقلاب اسلامی به‌ویژه پس از اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و حصر اقتصادی شعب ابی‌طالب که استقلال مالی مسلمین هم ضرورت یافت، نیاز به هم‌پیمانی داشت تا قدرت مسلمین را افزایش دهد. پذیرش پیمان عقبه اول، دوم توسط یثربیان به عنوان رقبای اقتصادی-اعتقادی قریش این امکان را فراهم ساخت (جعفریان، ۱۳۹۲: ۳۸۴ و ۳۹۰). پس از آن وجود یک نظام سیاسی قدرتمند و مستحکم لازم بود تا با همراه ساختن یا تقابل با دشمنان، اهداف حضرت تأمین شود. منشور مدینه، انعقاد معاهدات با یهودیان و ایجاد اخوت میان مسلمین در همین راستا صورت پذیرفت (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۱۶ و ۳۲۵؛ شهیدی ۱۳۹۳: ۶۳-۷۱).

۲-۲-۳. سیاست خارجی حکیمانه برای غلبه بر تعدی و تقویت تعهد: گسترش

حداکثری اسلام و صدور انقلاب اسلامی وابستگی شدیدی به رفع خطر دشمنان و برقراری امنیت سرزمین اسلامی و به موازات آن خودکفایی اقتصادی داشت. از آنجاکه یک نهضت دینی به دنبال دگرگون کردن ذهنیت‌ها است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۲) پیامبر (ص) برای تحقق اهداف خویش، در شرایط متشنج و عصر درگیری‌های قبیله‌ای، به دنبال مصالحه، سازش و زندگی مسالمت‌آمیز از طریق پیمان بود. این رویکرد اساس دیپلماسی دولت نبوی را شکل داد (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۳). البته به سبب عدم وجود «دولت-ملت» به عنوان بازیگران عرصه بین‌المللی، در دیپلماسی نبوی به جای رابطه با حکومت‌ها روابط با قبایل مطرح بود (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۵).

می‌توان اصول دیپلماسی پیامبر را اصول حاکم بر دیپلماسی اسلامی دانست (بادران، ۱۳۸۵: ۵۰).

اصل اول-اساس دیپلماسی، دعوت به توحید (تفسیر اثناعشری، ج ۸: ۴۵۵؛ خزائی، ۱۳۹۳: ۱۱۴)؛ البته توحید نه صرفاً به معنای اعتقاد به وحدانیت خداوند بلکه به معنای ایجاد یک پایه و استوانه یا زمینه‌ی اساسی یک جهان‌بینی زندگی‌ساز برای تشکیل جامعه‌ی توحیدی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶).

اصل دوم-نفی طاغوت و حفظ عزت اسلامی؛ پرستش فقط مخصوص خدای یگانه است (نحل/۳۶ و نساء/۱۴۱)، سرسپردگی و دنباله‌روی غیر خدا جایز نیست. قاعده «نفی سبیل» بیانگر این اصل است که شارع مقدس از هیچ طریق و بهانه‌ای نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را جایز ندانسته و دست ایشان را بر مؤمنین باز نگذاشته است (تفسیر اثناعشری، ج ۲: ۶۱۵؛ شکوری، ۱۳۹۳: بی‌جا).

اصل سوم-احترام، نزاکت و توجه به کرامت انسانی؛ اصل حاکم بر روابط با بیگانگان می‌بایست پرهیز از توهین، بی‌احترامی و در جهت ایجاد الفت و اخوت باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۵).

اصل چهارم-استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز در حل و فصل اختلافات؛ از مهم‌ترین بخش‌های دیپلماسی نبوی که امروزه به عنوان مذاکره یا به اصطلاح چانه‌زنی مطرح است، ارسال نامه یا نماینده به قبائل بود (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۱۴ و

(۱۱۸).

اصل پنجم-انتخاب مذاکره کننده کارآمد؛ انتخاب فردی با ظاهری آراسته، قدرت بیان بالا، شجاع، عاقل باتقوا و همچنین مسلط به قوانین حقوقی و... بسیار حائز اهمیت است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۸-۳۰). «جعفر بن ابی طالب» یا «مصعب بن عمیر» از نمونه های موفق انتخاب مناظر هستند (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

اصل ششم-تلاش برای گسترش صلح از طریق عقد معاهدات رسمی و پایبندی به تعهدات؛ انعقاد معاهدات تأثیرگذار با بزرگان عربستان نظیر یهودیان مدینه، مسیحیان نجران و صلح حدیبیه با مشرکان قریش، از نمونه های این معاهدات است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۵).

اما اگر دیپلماسی مذاکره در رسیدن به اهداف دفاعی و اقتصادی توفیقی را نصیب مسلمین نمی کرد، جنگ جایگزین می شد (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۲۵؛ افتخاری، ۱۳۸۸: ۴۱).

-هدف اقتصادی؛ گسترش تجارت و بازرگانی مسلمانان را علاوه بر کسب ثروت، از وابستگی رها و از توان سیاسی (چانه زنی) و نظامی برخوردار می کرد؛ به نحوی که اقتصاد حجاز از تک قطبی مکه خارج و مدینه هم پایه قریش قرار می گرفت. در نتیجه، وابستگی قبائلی که از ترس تحریم اقتصادی قریش با مسلمان همراه نمی شدند، از میان می رفت (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۷۵ و ۱۷۸؛ لینگز، ۱۳۹۳: ۶۰). حکومت مدینه با هدف تجارت و به قصد شکستن تحریم ها با ناامن کردن مسیر کاروان های قریش، وارد فاز جدیدی از روابط خود با دشمنان شد.

-هدف دفاعی؛ با افزایش توان نظامی مسلمین، همچنین آغاز اقدامات پیامبر (ص) برای افزایش توان اقتصادی و علمی مسلمین، دشمنان هوشیارتر شده و با نیت نابودی حکومت مدینه، طرح حمله به سرزمین اسلامی را پیاده ساختند لذا خداوند به جهت دفاع از حریم و سرزمین، به مسلمین اجازه جنگیدن داد (تفسیر اثناعشری، ج ۹: ۶۰-۶۱).

پیامبر (ص) به دنبال تأمین اهداف با صلح بودند بنابراین در غزوات ایشان کمتر کار به مبارزه مسلحانه کشیده می شد. اصل مهم دست یافتن به هدف و حکم

قرن در این باره جهاد است اما جهاد الزاماً مبارزه مسلحانه نیست، اگر گفتگو نتیجه‌ای نداشت باید دست به سلاح برد (اثنا عشری، ج ۴: ۳۶۹؛ بادران، ۱۳۸۵: ۵۰).

۲-۳. تجربه: جنگ و صلح (اهمیت معاهده صلح یا پیمان به اندازه جنگ با عدوان)

پیامبر (ص) در زمان‌ها و شرایط مختلف با راهکارهای متنوع و رفتار متفاوت با دشمنان برخورد کرده است.

منافقان به عنوان دشمنان داخلی، در زمان پیغمبر یک سازمان منسجم نداشتند و بر مبنای میزان خطرشان برای اسلام با آنان رفتار می‌شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۵۶).

قبائل نیمه وحشی غیر سازمان یافته که زندگی‌شان از طریق جنگ و خونریزی می‌گذشت؛ برای امنیت جامعه خطرناک بودند، اگر نشانه‌ی صلاح و هدایت در آنان دیده می‌شد بدون تأکید بر اسلام آوردن، پیمان عدم تعرض بسته می‌شد، اما اگر از اشرار بودند، جنگ جایگزین می‌شد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۷).

یهودیان، گروهی سازمان یافته، متعصب، لجوج و فتنه‌انگیز و پیمان شکن که همواره در پی فتنه جویی و ریشه کنی دین اسلام هستند؛ در ابتدا با ایشان مدارا اما با عهد شکنی در معاهده مدینه و رفتارهای اخلاک‌گریانه، اقدام نظامی انجام شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۵۲).

اما مشرکان به عنوان مهم‌ترین مخالفان اسلام، از هیچ اقدامی در دشمنی با پیامبر (ص) فروگذار نکرده و بزرگ‌ترین مانع صدور انقلاب اسلامی و خطری جدی برای حکومت اسلامی بودند. آنان به رهبری مشرکان قریش ائتلافی بزرگ به وجود آوردند لکن پیامبر (ص) بهترین دفاع در مقابل آنان را حمله دانست و دانست اگر اقدامی صورت ندهد آن‌ها فرصت حمله پیدا خواهند کرد. مسلمین به نقطه حساس اقتدار قریش یعنی به امنیت و مصونیت کاروان‌های آن‌ها ضربه وارد کردند. مشرکان به امید نابودی نظام اسلامی، به عملیات جنگی خود ادامه می‌دادند و پیامبر (ص) با مقاومت، تسلیم نشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۹-۵۱).

پیامبر(ص) در برابر اقدامات دشمنان، بر مبنای دو اصل صیانت از اسلام و حفاظت از منافع مسلمین (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷ و ۱۹)، منطبق با سنت کهن عربستان یا با آنان معاهده امضا نمود یا جنگید؛ اما پس از جنگ احزاب که بزرگ‌ترین ائتلاف علیه حکومت اسلامی شکست خورد، پیامبر فرمود: جنگ میان ما تمام شد (حق شناس، ۱۳۹۳: ۱۰۸). هنگامی که مقاومت در برابر ابرقدرت حجاز نتیجه داد و قدرت بازدارندگی دولت نبوی بر همگان آشکار شد، دیپلماسی و چانه‌زنی سیاسی آغاز و حدیبیه شکل گرفت.

مطالعه تجربیات پیامبر(ص) در برخورد با دشمنان، صلح و جنگ را کاملاً وابسته به درک شرایط و موقعیت زمانی و مکانی نشان می‌دهد. در بدر کبری با وجود کمی سپاه، صلاح در ایستادگی و جنگ (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۶۱)، در حدیبیه با وجود آمادگی کامل سپاه، مصلحت در پذیرش معاهده صلح دانسته شد. معاهده با یک ابرقدرت که با توجه به نتیجه حاصله، موفق‌ترین سیاست خارجی دولت نبوی است (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷).

۲-۴. متن: جریان و روند شکل‌گیری معاهده حدیبیه

در سال ششم هجرت، پس از جنگ‌های متوالی، سرانجام هنگامه خروج از مرزها و صدور انقلاب اسلامی با ندای صلح جویانه فرارسید (زرگری نژاد، ۱۳۹۳: ۵۰۱). استفاده از فرصت ماه حرام و حریم امن خانه کعبه در موسم حج، فرصتی فراهم می‌ساخت که مسلمین بتوانند پیام اسلام را توسط زائران به اقصی نقاط سرزمین بفرستند و خود را به همگان بشناسانند.

۲-۴-۱. فرامتن: مانور اقتدار مسلمانان و اعمال فشار بر سران قریش برای تن دادن به مصالحه؛ قریش بی‌اعتنا به پیغام و نیت صلح‌جویانه مسلمین، مانع ورود آنان به مکه شدند و با انجام اقدامات تحریک‌آمیز در اطراف کاروان حجاج، هم‌زمان پیک پیامبر(ص) و عده‌ای از مسلمانان را که به قصد دیدار خانواده در مکه بودند، به اسارت گرفتند. این اقدامات تهدیدآمیز پیامبر(ص) را بر آن داشت تا آرایش نظامی بگیرد و انسجام کاروان اسلام را به رخ دشمن بکشد (واقعی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۵۷-۴۵۹)؛ زیرا پذیرش و کنار آمدن با حبس سفیر مسلمانان، به منزله چراغ سبزی در

دادن امتیاز و عقب‌نشینی در مذاکره بود.

بیعت رضوان تصمیمی حیاتی برای عزت و عظمت اسلام، سرنوشت ساز و نمایشی از قدرت رهبری پیامبر(ص) و میزان جان فشانی یاران ایشان در مقابل دشمن بود؛ زیرا خداوند به آمادگی دفاعی مسلمین برای بازدارندگی در مقابل دشمن تأکید می‌کند (تفسیر اثناعشری، ج ۴: ۳۶۸؛ افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۹). اتحاد مسلمین در مرکز قدرت قریش، به سرعت موازنه قدرت را به هم زد و سبب شد تا دشمن برای مصالحه به دست‌وپا بیفتند (قنبری، ۱۳۹۴: بی‌جا).

۲-۴-۲. بینامتن: مذاکره؛ پیامبر(ص) با استفاده از روانشناسی سیاسی یکایک نمایندگان قریش را تحت تأثیر قرار داد (واقدی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۵۵؛ افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۳). نماینده خود را نیز، فردی قریشی با تسلط به زبان و لهجه قریش و برخوردار از حمایت خانواده، انتخاب کرد تا با تأمین جانی پیام دوستی را ابلاغ کند.

مقدمه انجام مذاکرات بر سر صلح، تبادل اسرای طرفین بود تا امنیت نیروهای طرفین تضمین شود. رسمی دیپلماتیک که توسط نمایندگان دوطرف صورت گرفت. همچنین در بحث کتابت معاهده، نماینده قریش به لحاظ آگاهی از بار حقوقی کلمات متن، خواسته‌هایی را مطرح کرد؛ پیامبر با در نظر گرفتن جایگاه حداقلی این امتیاز و برای بستن راه بهانه‌جویی‌ها، در برآوردن خواست او انعطاف نشان داد (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۴).

۲-۴-۳. متن: برنامه جامع اقدام مشترک میان حکومت نبوی و قریش؛ این پیمانی است بین محمد بن عبدالله و جماعتی [بزرگان] از قریش و سهیل بن عمرو؛ که به مدت ده سال بر ترک جنگ بین خودشان صلح کردند، دست از هم بازدارند؛ همدیگر را غارت نکنند؛ به یکدیگر خیانت نورزنند؛ از بدگویی نسبت به هم خودداری کنند؛ هرکس دوست داشته باشد که با محمد عهد و پیمان ببندد آزاد است و هر کس بخواهد با قریش پیمان ببندد نیز آزاد است؛ هرکس از قریش و مکیان بدون اجازه ولی [سرپرست و عهده دار] خود به نزد محمد آمد باید محمد او را به ولی او برگرداند و از اصحاب محمد هر کس به نزد قریش رفت نباید قریش او را نزد محمد برگرداند؛ اسلام در مکه آشکار شود؛ کسی را بر دینش مجبور

نکنند؛ کسی از مسلمانان را اذیت و آزار و ملامت و سرزنش ننماید؛ محمد در آن سال با اصحابش بازگردد، سپس در سال آینده به مکه آید و سه روز در مکه اقامت کند و جز سلاح مسافر با خود همراه نداشته باشند (مجلسی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۶۰؛ واقدی، ۱۳۶۲: ۴۶۵).

۴-۴-۲. زیر متن: مخالفان داخلی؛ پذیرش بند دوم پیمان موحی از اعتراضات داخلی را ایجاد کرد، مخالفان، این ماده را ذلتی برای جبهه اسلام می دانستند، لکن از نظر پیامبر (ص) مسلمانی که به شرک پناه ببرد و آئین ضدانسانی آن را بر محیط اسلام و خداپرستی ترجیح دهد، مسلمان واقعی نبوده و چنین فردی به درد اسلام نمی خورد. اما بازگرداندن پناهندگان قریش از روی اطمینان به خداوند برای نجات آنان است (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۹۷).

پس از امضای معاهده و قبول انصراف از حج در آن سال موج دوم مخالفت به راه افتاد. تشویش، اضطراب و نارضایتی ایشان از این جهت بود که اساس این تصمیم را رأی شخصی بدون در نظر گرفتن حکم الهی می دانستند (واقدی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۶۶-۴۶۵ و ۶۰۷).

۲-۵. زبان: تصریح به صلح ده ساله با مسلمانان و پذیرش رسمیت اسلام و حقوق

مسلمین

اساساً پیامبر (ص) با تشکیل حکومت اسلامی به دنبال «رسمیت بخشیدن به اسلام» در حجاز به مرکزیت «مکه» بود؛ زیرا در نتیجه تحقق این هدف، اسلام آشکار می گشت و تبلیغ آزادانه آن در سایه امنیت و مصونیت از جانب مهم ترین دشمن آن به جهانی شدن آن می انجامید (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶). با تضمین ده ساله صلح و پذیرش مسلمانان در مکه، فضایی در اختیار این دین نوپا قرار می گرفت که گسترش دادن آن را حتمی می نمود؛ بنابراین شفاف سازی در متن معاهده برای بیان واضح مقصود مؤلفان در جهت بستن راه تفسیر و گریزناپذیری آن الزامی بود.

میان مردم عرب زبان سرزمین حجاز، زبان قریش بهترین، فصیح ترین و از لحاظ تعداد لغت و واژه، دارای ارزش علمی بیشتری بود (جوینی، ۱۳۴۶: ۷۶). به اعتقاد فارابی «قریش فصیح ترین و آسان ترین الفاظ را برای سخن گفتن به کار

می‌برد؛ الفاظی که بر گوش‌ها سنگینی نمی‌کرد و خواسته‌های درونی انسان را بهتر بیان می‌کرد...» (آذرنوش، سلمان‌ی مروس، ۱۳۸۳: ۱۴). متن بیشتر نامه‌ها و پیمان‌های پیامبر نشان می‌دهد ایشان در معاهدات خود از جمله‌های کوتاه، صنعت مساوات یا ایجاز استفاده می‌کردند تا از روشن شدن مطلب اطمینان داشته باشد. این نوشته‌ها به قدری از فصاحت و بلاغت برخوردار است که می‌توان با استدلال به سبک گفتاری و نوشتاری، متون و خطبه‌های جعلی منتسب به ایشان را تشخیص داد (حمیدالله، ۱۳۷۶: ۵۰).

بنابراین متن معاهده صلح حدیبیه که سخنان پیامبر(ص) است (حمیدالله، ۱۳۷۶: ۵۸) از این سبک نوشتاری مجزا نبوده و از همان استواری و سادگی برخوردار است. این متن به دور از آرایه‌های تصنعی و لفظی، بسیار روان و آشکارا، منظور را به خواننده منتقل کرده و نیازی به تفسیر کلمات برای پی بردن به معنای اصلی آن‌ها نیست. «مفاد پیمان به وضوح بیان می‌دارد که اسلام در مکه آشکار شود، کسی را در پذیرش دین اجبار نکنند، کسی از مسلمانان را آزار و اذیت نمایند». در جای دیگر صراحتاً می‌گوید: «هرکس دوست داشته باشد با محمد عهد و پیمان ببندد آزاد است» و نگارش این بندها به گونه‌ای است که هیچ قید و شرط و راه فراری را برای قریش باقی نمی‌گذارد.

۲-۶. نیت و مقصود مؤلف: اهداف پنج‌گانه مصلحتی استعلایی

باتوجه به اشتیاق قریش برای انتقام سران خویش از مسلمین، قطعاً این سفر، حاوی مصلحتی است که پیامبر را به رغم مخالفت اکثریت مسلمین به سمت مکه روانه کرد (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۴). این مصلحت را می‌توان با توضیح پنج هدف مهم حضرت از این سفر، فهم کرد:

۲-۶-۱. معرفی اسلام (اسلام‌شناسی): قدرت اقتصادی و تبلیغاتی برتر قریش، اسلام را مهجور و درحدّ یک حرکت علیه تفکر حاکم شرک و کفر جلوه داده بود. اکثریت قبائل، مسلمانان را افرادی خشن، فاقد اندیشه و فرهنگ مشخص که با پیروی از محمد(ص) خدای نادیده را می‌پرستند، می‌دانستند. موسم حج وقت پرده برداشتن از رخ اصیل و بطن حقیقی دین بود (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷).

۲-۶-۲. کاهش وحشت اعراب از اسلام (مبارزه با اسلامهراسی): تصور قبائل از اسلام، دینی جدید در تضاد با سنت اعراب بود به این معنا که تمامی عقاید و مراسم ملی و مذهبی آنان، حتی فریضه «حج» و «عمره» که یادگار نیاکان آنها است، نفی می‌کند لذا آنان دچار وحشت و اضطراب از اسلام شده بودند؛ حضور در مراسم «عمره»، می‌توانست پایبندی اسلام به این سنت نیای عرب را نشان دهد و از این وحشت و اضطراب بکاهد (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۴).

۲-۶-۳. صدور انقلاب (گسترش پیام اسلام): انجام مناسک حج در مقابل مشرکان و مشاهده انجام فرایض مسلمین، سبب انتشار اخبار این عمل در سراسر عربستان و در نتیجه تبلیغ عظیمی از آئین اسلام می‌گشت (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۴).

۲-۶-۴. مخدوش ساختن چهره قریش نزد قبائل (دشمن شناسی): پیامبر (ص) می‌دانست در صورت پذیرش مسلمین در مکه، علاوه بر انجام مناسک حج، مسلمین با نزدیکان خود، دیدار کرده و سبب نرم‌خویی مشرکان و آغاز عادی‌سازی روابط شوند؛ اما در صورت ممانعت ورود به مکه، حیثیت و مقبولیت قریش در جهان عرب به عنوان چهره بی‌طرف خادمین بیت‌الله خدشه‌دار شده و این گونه امکان ائتلاف با دیگر قبائل عرب بر ضد اسلام را از دست می‌دهند، زیرا مسلمین را از حقی که تنها متعلق به قریش نبوده بلکه به تمامی مردم دنیا تعلق دارد، محروم کرده‌اند (فخاری، برخوردار، ۱۳۹۲: ۵۵).

۲-۶-۵. اطمینان از پیروزی اسلام (آینده‌نگری): تحلیل سیاسی پیامبر (ص) این بود که قریش از فکر حمله به حکومت اسلامی بیرون آمده و به صلح نظر دارند زیرا توان جنگی قریش به عکس افزایش و تقویت قوای نظامی اسلام، رو به افول گذاشته و توان اقتصادی آنان نیز به خطر افتاده بود. پیامبر (ص) با اطلاع از مهارت سیاسی قریش در درک شرایط، به فرستاده آنان فرمودند: قریش از جنگ ضرر و زیان دیده و آنان به ستوه آمده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۲: ۵۷۹ و ۵۸۰).

۲-۷. معنای تلویحی و تصریحی: اعلام رسمی اسلام و ایجاد فضای صلح برای گسترش آن

در بحث حدیبیه، اصلی‌ترین و مهم‌ترین امر، انجام مذاکره و انعقاد معاهده است،

زیرا پیامبر از ابتدا می‌کوشید تا اعلام موجودیتی مستقل از نظام قبیله‌ای داشته باشد؛ انجام مذاکره با قدرت اول عربستان و انعقاد معاهده، ثبت رسمی دولت اسلامی به عنوان یک واحد مستقل سیاسی، بود زیرا کفار برای اولین بار وارد عرصه مذاکرات «بین‌قبائلی» با مسلمین در جهان عرب شدند؛ اما اهمیت پذیرش صلح پیامبر را از موضوع مفاد معاهده غافل نساخت. رسمیت لازم اما کافی نبود، مفاد معاهده نتیجه‌ای بیش از رسمیت داشت:

۷-۲-۱. برقراری امنیت و کاهش تنش‌ها؛ موفقیت‌های دشمنان در مقابل اسلام، تنها در حوزه تحریم و تبلیغات ضد اسلامی با استفاده از قدرت سیاسی و ثروت، به دست آمده بود لذا ترجیح می‌دادند در حوزه نظامی کوتاه بیایند؛ برقراری امنیت و کاهش تنش‌های منطقه‌ای تردد مسلمانان در سراسر عربستان و تبلیغ دین را بلامانع و تبلیغات سوء و لابی‌های ضد اسلامی را خنثی می‌کرد.

۷-۲-۲. آزادی سیاسی - اقتصادی و عقیدتی (شکست تحریم‌ها)؛ با آزادی مسلمین در بستن معاهدات، هرگونه حصر، تهدید و تحریم شکسته و هر فرد و قبیله‌ای در پذیرش اسلام آزاد می‌شد. نفوذ و قدرت قریش در اعمال تحریم، مانع جدی برای مسلمانان بود. حدیبیه راه تجارت و خودکفایی اقتصادی را برای مسلمین هموار کرد.

۷-۲-۳. اعطای امتیاز با هدف جذب دشمن؛ احترام به کرامت انسانی و سنت‌های طرف مقابل، یکی از راه‌های نشان دادن حسن‌نیت در عقد معاهده است. پیامبر با خواش نماینده قریش برای احترام به سنت سوگند (سبحانی، شماره ۱ مکتب‌الاسلام) موکول شدن زمان حج را می‌پذیرد. با این توافق برای مقطعی کوتاه از مواضع اعلام شده عقب نشستند (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶) اما از آثار این انعطاف، ایمان آوردن عده‌ای از سران قریش تحت تأثیر اخلاق والای پیامبر (ص) و نهایتاً همراه شدن در فتح مکه بود.

۷-۲-۴. اعلام رسمی موجودیت دین اسلام و تحمیل پذیرش حقوق مسلمین (من جمله انجام حج)؛ با به رسمیت شناخته شدن دین اسلام در مکه، حق مسلمانان برای زیارت خانه خدا مسلم گردید و حملات مستقیم، تبلیغات سوء و توهین‌های

قریش پایان یافت.

پیامبر(ص) در آن شرایط بدون آنکه متحمل خسارت شود، به مهم‌ترین هدف خود یعنی رسمیت‌بخشی به دین اسلام و حقوق مسلمین همچنین برقراری امنیت، دست‌یافته و قریش را به‌زانو درآورد تا شرایط برای برداشتن باقی موانع نشر دین آماده گردد. (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۸).

۲-۸. تأویل: غلبه مصلحت بر برخی اصول و واقعیت‌های موجود

مذاکره و امضای معاهده صلح حدیبیه، درحال آمادگی نظامی مسلمین و در حالت احرام را جز با مصلحت نمی‌توان توضیح داد خصوصاً اینکه حضرت در ابتدا می‌فرمایند با کسانی که مانع انجام مناسک حج توسط مسلمین شوند، خواهند جنگید (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶) چون حج از حقوق مسلمین (کاظمی نسب، ۱۳۹۵: ۱۰۳) و ممانعت از آن برخلاف عدالت است درحالی‌که هدف از حکومت اسلامی به فرموده قرآن، دعوت مردم به قیام برای عدالت و آهن به‌عنوان نمادی از یک سلاح، ابزار حکومت برای دفاع از حریم عدل و قانون الهی است (حدید/۲۵؛ تفسیر اثنا عشری، ج ۱۳: ۴۶). پیامبر هم می‌بایست از حقوق مسلمین دفاع می‌نمود. با توجه به این هدف و دستور جهاد، ابتدا جنگ را برمی‌گزیند اما چون اهداف ایشان با صلح هم تحقق می‌یافت ایشان نرمش به خرج داده با اعطای امتیازاتی اندک، صلح را برمی‌گزیند (واقعی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۵۰؛ منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶).

واقعیت این است که در صورت بروز جنگ، یعنی حکم ابتدایی پیامبر(ص) و با شکل‌گیری بیعت رضوان پیروزی نصیب مسلمین می‌گشت: «اگر با افراد کافر نبرد می‌کردید، آن‌ها فرار می‌کردند و یار و یآوری پیدا نمی‌نمودند» (فتح/۲۲؛ قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۳۷)؛ اما تغییر استراتژی و انعطاف بی‌نظیر پیامبر(ص)، به‌عنوان فتحی عظیم (واقعی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۷۰) بر تمامی اسلام‌هراسی‌ها، خط بطلان کشیده، مقدمه فتح مکه و با رفع خطر مشرکان، سبب پیروزی بر یهودیان خیبر و آغاز دعوت جهانی شد (منتظری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷). ازاین جهت امام صادق(ع) فرمود: هیچ جریان‌ی در تاریخ زندگانی پیامبر اسلام سودمندتر از معاهده صلح حدیبیه نبوده است (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۰۲).

۲-۹. قرائت خواننده یا مفسر (مفسران، مورخان و معاهده حدیبیه)

اکثر مفسران دینی، سیاسی و مورخین، معتقدند موفقیت معاهده حدیبیه نه تنها در کوتاه مدت بلکه در بلندمدت و به عنوان سند محکمی برای پاسخ به دشمنان اسلام، استفاده شد. مدعیانی که صلح دوستی پیامبر را صرفاً در مواقع ضعف دانسته و جنگ را حاصل افزایش قدرت سیاسی- اجتماعی ایشان (متانت پور، ۱۳۹۳: ۱۱۰) و علت پیشرفت اسلام عنوان می کنند. اینان معتقدند اکثر جنگ های پیامبر (ص) تهاجمی و علت، تفاوت در آیات مکی با آیات مدنی است. آیات مکی مسالمت آمیز و آیات مدنی خشونت گرا هستند (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۹۷).

برخلاف تندروها، گروهی نه تنها اسلام را مروج خشونت نمی دانند بلکه معتقدند اسلام همواره بر صلح و دوستی تأکید دارد و همگان را به آرامش فرامی خواند و حتی در سخت ترین شرایط (شکنجه مسلمین و حصر شعب ابی طالب)، توصیه به مدارا و عدم خشونت داشته است (متانت پور، ۱۳۹۳: ۱۱۳). نزول سوره فتح در حمایت از صلح حدیبیه، گواه دفاع اسلام از صلح و دوستی و رضایت خداوند در آرامش و امنیت برای برقراری عدالت است. مسلمانان تا پیش از حدیبیه، همواره در حال دفاع بودند، پس از آن با کسب فرصت تفکر و تعقل موجبات گسترش هرچه بیشتر اسلام را فراهم کردند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۱۹-۲۲۰). موفقیت حدیبیه تا به امروز ادامه داشته است به گونه ای که اندیشمندان قرن ها پس از آن، تشخیص به موقع مصالح جامعه اسلامی توسط پیامبر را ستوده و بر صلح دوستی اسلام صحه گذاشته اند.

«جرج برناردشاو» پیامبر اسلام را منجی بشریت می خواند و می نویسد: «من اعتقاد دارم که اگر مردی مثل او حاکمی در عصر جدید می شد، برای حل مشکلاتش از صلح و دوستی استفاده می کرد...» (عبدالوهابی، ۱۳۸۵: ۱۷۵). همچنین گاندی، صلح را عامل موفقیت اسلام می داند (عبدالوهابی، ۱۳۸۵: ۱۷۵). کارن آرمسترانگ، بانوی غیرمسلمان، پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۲ م می نویسد: «بیشتر هم پیامبر صرف جلوگیری از برخوردهای وحشیانه گردید؛ زیرا لغت اسلام که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است، از ریشه «سلام» به

معنای «صلح» گرفته شده است. محمد (ص) مرد جهاد بود، ولی یک صلح طلب واقعی هم بود...» (آرمسترانگ، ۱۳۸۶: مقدمه).

این‌ها همه حاکی از تشخیص درست و به موقع مصلحت در تصمیم پیامبر (ص) است؛ مصلحتی که نشان داد اسلام دین آشتی و مصالحه و پیامبر (ص) یک مصلح بزرگ و الگوی جهانی است.

نتیجه‌گیری

نتیجه حاصل از حرکت رفت و برگشتی در مؤلفه‌های ۹ گانه دور هرمنوتیکی به عنوان اجزای شکل‌دهنده معاهده حدیبیه، بیانگر این است که:

۱- پیامبر (ص) با آگاهی و درک درست از سنت و تاریخ جاهلیت، اقدامات خود را بر اساس اصلاح سنت‌های جاهلی با شاخصه‌های تعدد، تعصب، تعدی و تعهد آغاز کرد.

۲- دعوت به توحید، تشکیل حکومت اسلامی و سیاست خارجی حکیمانه برای مقاومت در مقابل اقدامات قهری و تحریمی دشمنان صورت گرفت.

۳- تجربه نشان داد استفاده به موقع و حکیمانه هم‌زمان و توأمان از ابزارهای سنتی جنگ و صلح در مصلحت‌سنجی‌های پیامبر (ص)، علاوه بر حفظ اصول اسلام، صلح را بر جنگ غلبه داده و از تهدیدها فرصت ساخت. پیامبر توانست قدرتمندترین دشمن خویش را بر سر میز مذاکره بنشانند. دشمنی که پیش از آن به دیده حقارت به محمد (ص) و دین او نگاه کرده و مطابق اصلی‌ترین سنت عربستان، یعنی ثار، در پی انتقام از پیامبر بود.

۴- متن معاهده بیانگر عدم شتاب‌زدگی رسول (ص) در اخذ توافق است، به نحوی که با اعطای کمترین امتیاز، تمامی اهداف خویش را تأمین نمود.

۵- پیامبر اسلام با استفاده از ظرفیت‌های اسلام و شناخت کافی از امکانات و منابع حکومت خود، در تدوین مفاد معاهده، مشرکان را وادار نمود تا موجودیت اسلام و حقوق مسلمین را به رسمیت شناخته و ضمن آزاد کردن انجام عبادات اسلامی، امنیت مسلمین را تضمین و تحریم‌ها علیه حکومت اسلامی را برطرف نمایند.

۶- هدف اصلی پیامبر(ص) در دیپلماسی، خنثی سازی و دفع توطئه‌ها بود و حدیبیه این امکان را با صدور اسلام، رفع اسلام‌هراسی و مخدوش ساختن چهره قریش نزد دیگر قبائل مهیا می‌کرد تا اسلام در تمامی عصرها منبع و منشأ صلح شناخته شود.

۷- پذیرش رسمی اسلام و ایجاد فضای صلح برای گسترش اسلام معاهده صلح را به پیروزی بزرگی تبدیل کرد که خداوند به عنوان فتح مبین آن را تأیید فرمود.

۸- طرح ریزی اصولی و تغییر استراتژی از جنگ به صلح، از تهدید قریش، فرصتی ساخت تا بدون خونریزی و اعطای امتیاز مهم، آزادی و امنیت مسلمین برقرار و دعوت جهانی شود.

۹- مذاکره و امضای معاهده صلح حدیبیه که در شرایط اقتدار و داشتن دست برتر مسلمین انجام شد، کفه صلح را به نفع اسلام سنگین تر و پیامبر(ص) را بزرگ‌ترین مصلح تاریخ قرارداد.



در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده: مصلحت مستخرج در اقدام به مذاکره در معاهده حدیبیه چه بوده و چه ضوابطی را پیامبر (ص) در این معاهده اعمال کرده است؟ می‌توان گفت: هدف اصلی پیامبر اسلام از طراحی مذاکره با قریش و صلح حدیبیه، زمینه‌سازی بسط و گسترش حکومت توحیدی با ایجاد یک فضای صلح‌آمیز بوده است که با توجه به اهمیت پیمان در میان اعراب، با صلح حدیبیه ممکن گشت.

به این ترتیب با در نظر گرفتن این واقعیت که حکم اصلی در شرایط حدیبیه در مواجهه با کفار جنگ بوده است، پیامبر (ص) با یک نرمش قهرمانانه با پذیرش صلح موقت، حکم موقتی را جایگزین کردند. بنابراین می‌توان گفت علت امضای معاهده صلح، همان است که در این نوشتار به دنبال کشف آن بودیم، یعنی «مصلحت»؛ امری که بر مبنای اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی، با توجه به مسئله اهم و مهم، تنها اختیار انتخاب جایگزین مناسب برای حکم اصلی را صادر می‌کند. ضوابط حاکم بر مصلحت در عقد این معاهده نیز به این شرح است:

۱- نظر به اینکه پیشنهاد صلح از جانب قریش و پس از بیعت رضوان مطرح می‌شود برای پذیرش معاهدات می‌بایست پیشنهاد صلح از جانب دشمن و حتماً در زمان قدرتمندی مسلمین باشد.

۲- تأکید به پایان جنگ‌ها و تضمین برقراری امنیت برای مسلمین، بیانگر این اصل است که معاهده قطعاً باید باعث توقف جنگ و کشتار شود.

۳- صدور مجوز برای عقد پیمان‌ها و معاهدات با دیگر قبائل نشان می‌دهد با پذیرش معاهده می‌بایست تمامی محدودیت‌های پیش از معاهده برداشته شده و آزادی مسلمین در همه جهات فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی فراهم شود.

۴- حذف نام رسول الله و عودت تازه‌مسلمانان به مکه، در قبال پذیرش دیگر بندها توسط قریش یادآور این است که در معاهده باید با کمترین هزینه بیشترین امتیاز نصیب مسلمین شود.

۵- با دقت نظر در انتخاب کلمات و تنظیم جملات، باید راه هرگونه بهانه‌جویی و فرار از زیر بار تعهدات دشمن بسته شود.

۶- بندها به گونه‌ای تنظیم شوند که در صورت عهدشکنی دشمن، امکان بازگشت به حکم اصلی فراهم باشد. همان گونه که با عهدشکنی قریش، پیامبر (ص) بدون فرصت‌سوزی و اتلاف وقت حکم جنگ را صادر و به سمت مکه حرکت کردند.

درحقیقت برای دستیابی به اهداف موردنظر بدون عبور از خط قرمزها و دست کشیدن از راهبردهای اساسی و آرمان‌ها و تاجایی که از مذاکره استنباط عقب‌نشینی نشود، مذاکره و صلح موقت عین مصلحت است. این بدان معناست که اگر بنا باشد مذاکره و پذیرش یک معاهده به‌عنوان یک رویکرد راهبردی مصلحتی در شرایطی که مطابق ضوابط اسلام، حکم اصلی جنگ است (یوسفیان و مؤدب، ۱۳۹۴: ۹۵) جایگزین شود، می‌بایست ضوابط حاکم بر آن همانند ضوابط انعقاد معاهده حدیبیه باشد:

۱- با یک برنامه ریزی برای رسیدن به هدف باتوجه به شناخت از منابع و استفاده از امکانات با فرمان‌پذیری از رهبری و ایجاد توانمندی نظامی، پیشنهاد دشمن موردبررسی قرار بگیرد.

۲- معاهده به گونه‌ای تنظیم شود که مدت حکم صلح یا تعهدات تا زمانی که عزت، اقتدار و منفعت مسلمین را در پی داشته و دشمن بدان پایبند باشد، اعتبار یابد.

۳- ابتدا دشمن در حالت دفاعی فرو برده شود؛ یعنی از عوامل بازدارنده به‌خوبی استفاده و نشان داده شود که دشمن در اقدامات قبلی خود ناکام مانده است.

۴- حمایت افکار عمومی از تصمیم مصلحتی به نحوی که مردم در کنار رهبر خود قرار گیرند، عامل دیگر در موفقیت معاهده است؛ اطاعت از رهبری و نشان دادن اتحاد جامعه مسلمین در پذیرش تصمیمات، دشمن را ناامید می‌گرداند.

۵- بآپرهیز از توجه به منافع فردی و حزبی؛ تنها رسیدن به اهداف حکومت اسلامی یعنی شکستن تحریم‌ها، تأمین امنیت، آزادی و رسمیت بخشیدن به حقوق مسلمین مدنظر قرار گیرد.

۶- توجه به کسب موفقیت بلندمدت و در صورت لزوم گذشت از پیروزی کوتاه مدت.

باتوجه به همین ضوابط، هنگامی که مذاکره با دشمنان در جمهوری اسلامی ایران مطرح و بعضاً در بحث مصلحت به قضیه صلح حدیبیه استناد می شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵: بی جا؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۴)؛ باید گفت تنها صلحی را می توان به صلح حدیبیه مستند کرد که فتحی مبین را رقم بزند یعنی در امضای آن به تمامی شرایط توجه داشته باشند. همان گونه که رهبر معظم انقلاب در مورد مذاکرات هسته ای فرمودند: «بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال ها پیش اسم گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی گیری که دارد با حریف خودش کشتی می گیرد و یک جاهایی به دلیل فنی نرمشی نشان می دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار می کنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله ی طرف آن ها کجای مسئله است» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۲/۰۶/۲۶).

شایان ذکر است، از آنجاکه روش هرمنوتیک یک روش غیرتجربی بوده که به پژوهش قابلیت ابطال پذیری می دهد، ارائه شاخصه های مصلحت به منزله تایید آن ها نبوده و این نوشتار همان طور که اولین قرائت از واقعه حدیبیه نیست، آخرین آن هم نخواهد بود.

یادداشت‌ها

۱. قاعده، بر اساس آیات ۴۱، ۴۳ و ۴۴ سوره نساء و حدیث از پیامبر (ص) است (شیخ صدوق: من لایحضره الفقیه، ج ۴: ۳۳۴).
۲. ماکیاولی معتقد بود ممکن است امری از لحاظ اخلاقی درست باشد اما مصلحت نباشد و بالعکس ممکن است امری مصلحت باشد اما از لحاظ اخلاقی درست نباشد. (حقیقت، ۱۳۹۴: ۳۵؛ اسلامی، ۱۳۷۸: ۴۹۷ و ۴۹۸).

منابع

قران مجید.

- ابن منظور (۱۹۹۶م)، **لسان العرب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵)، **سیره النبویه**، ترجمه: رسولی، هاشم، تهران، کتابچی.
- احمدی راد، محمدحسن (۱۳۸۸/۱۱/۰۶)، **غرب مدرن**، غرب بی دینی، **صفحه اندیشه روزنامه رسالت**.
- اخوان کاظمی، بهرام، (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «اصول و کارکردهای دیپلماسی عمومی در سیره نبوی»، **پژوهش‌های سیاست/اسلامی**، سال دوم، شماره ۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، «قدرت و مصلحت؛ درآمدی بر فلسفه دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، **متین**، شماره ۳ و ۴.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، **مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی**، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، «دیپلماسی در حکومت پیامبر اکرم (ص)»، **مطالعات تاریخ اسلام**، شماره ۱.
- افتخاری، اصغر. محمدی سیرت، حسین (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «صلح و «سلم» در قرآن کریم»، **دو فصلنامه قرآن و حدیث**، سال ششم، شماره ۲.
- الهامی نیا، علی اصغر (پاییز ۱۳۸۰)، «احکام اولیه، ثانویه و حکومتی»، **مربیان**، شماره ۳.
- آذرنوش، آذرتاش. سلمانی مروست، محمدعلی (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، «زبان قران»، **مقالات و بررسی‌ها**، دفتر ۷۵ (۱).
- آئینه وند، صادق (۱۳۶۲)، **تاریخ سیاسی اسلام**، تهران، دانشگاه تهران.

بادران، حسن (بهمن ۱۳۸۵)، «دیپلماسی نبوی، استراتژی پیامبر در صلح حدیبیه»، **خردنامه**، ویژه‌نامه شماره ۵۰.

برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳)، **تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران**، تهران، سمت.
برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) سیاست به مثابه صراط، تهران، سمت، چاپ دوم.

ترک زهدانی، مصطفی؛ زاده علی، مهدی (تابستان ۱۳۹۱)، «جهاد و جنگ عادلانه؛ بررسی تطبیقی مفهوم جنگ مشروع در اندیشه اسلام و غرب»، **پژوهشنامه دفاع مقدس**، سال اول، شماره ۲.

تقی زاده اکبری، علی (تابستان ۱۳۸۴)، «اصالت جنگ یا صلح از منظر دین»، **فصلنامه حصون**، شماره ۴.

جعفری، یعقوب (بی تا) «صلح حدیبیه»، **مکتب اسلام**، سال پنجاه و پنجم، شماره ۲.
جعفریان، رسول (۱۳۹۲)، **تاریخ سیاسی اسلام (۱) سیره رسول خدا (ص)**، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ نهم.

جعفریان، رسول (۱۳۹۴)، **تاریخ سیاسی اسلام (۲) تاریخ خلفا**، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ دوازدهم.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، **ولایت فقیه**، قم، اسرا، چاپ دوم.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، **انتظار بشر از دین**، قم، مرکز نشر اسرا.
جوادی آملی، مرتضی (۲۰ / ۰۶ / ۱۳۹۵)، **نامه به محمدجواد ظریف**.

جوینی، عزیز الله (فروردین ۱۳۴۶)، «لهجه قریش»، **نامه آستان قدس**، شماره ۲۵.
حق شناس، مرتضی (زمستان ۱۳۹۳)، «عنصر عقلانیت و پیامد پیمان‌های پیامبر اعظم (ص)»، **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی-کلامی**، سال چهارم، شماره ۱۶.

حقیقت، سید صادق (زمستان ۱۳۹۴)، «نقش مصلحت در حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، **اندیشه سیاسی در اسلام**، شماره ۶.

حمیدالله، محمد (۱۳۷۶)، **نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام**، ترجمه: حسینی، محمد. تهران، سروش، چاپ پنجم.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، **انسان ۲۵۰ ساله**، تهران، موسسه ایمان جهادی، چاپ هفتاد و سوم.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۰۶/۰۶)، بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران.
خزائی، احمدرضا (زمستان ۱۳۹۳)، «دیپلماسی پیامبر (ص) و ابزارهای توسعه روابط بین‌الملل با سایر دولت‌ها»، **پژوهشنامه روابط بین‌الملل**، دوره هفتم، شماره ۲۸.

خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰)، **صحیفه نور**، ج ۱۷، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
طرزجانی، محمود (بهار ۱۳۸۸)، «پانزده سال با چشم انداز یا برنامه راهبردی»، **راهبرد یاس**، شماره ۱۷.

رجبی دوانی، (۱۳۹۲/۱۰/۰۹)، «نمونه عالی نرمش قهرمانانه در پیمان صلح حدیبیه تجلی می‌یابد»، **آستان نیوز پایگاه آستان قدس رضوی**.

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۳)، **تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)**، تهران، سمت، چاپ دهم.

سبحانی، جعفر (۱۳۶۳)، **فروغ ابدیت**، ج ۱ و ۲، قم، نشر ناشر اسلامی.
سبحانی، جعفر (۱۳۶۷)، **مبانی حکومت اسلامی**، ترجمه: موحد، ابوالفضل، اصفهان، انتشارات امیر المومنین.

سبحانی، جعفر (آذر ۱۳۴۵)، «ارزیابی پیمان حدیبیه»، **درس‌هایی از مکتب اسلام**، سال هشتم، شماره ۳.

سعادت، احمد (زمستان ۱۳۸۵)، «مدارای پیامبر اعظم (ص) با مخالفان و دیگران ایشان»، **مجله طلوع**، سال پنجم، شماره ۲۰.

سلطانی، اسماعیل (آبان ۱۳۸۸)، «روابط خارجی دولت اسلامی از دیدگاه قرآن»، **معرفت**، سال هجدهم، شماره ۱۴۳.

شهیدی، سید جعفر (۱۳۹۳)، **تاریخ تحلیلی اسلام**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.

شهیدی، سید جعفر (بهار ۱۳۶۸)، «صلح حدیبیه یا فتح المبین»، **فصلنامه مطالعات تاریخی**، سال اول، شماره ۱.

صادقی، ابراهیم (۱۳۹۲/۰۶/۱۶)، «ضرورت فهم مصلحت چیست؟»، **پایگاه تحلیلی برهان**.
صرامی، سیف‌الله (پاییز ۱۳۷۳)، «احکام حکومتی و مصلحت»، **راهبرد**، شماره ۴.

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۶)، **تفسیر المیزان**، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر و خامنه ای و دیگران، نسخه الکترونیکی.

عبداللهی، سید محمدعلی (مرداد ۱۳۹۳) «آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی»، **دفتر مطالعات نظام سازی**، پژوهشکده شورای نگهبان.

عبدلوهایی، مرتضی (زمستان ۱۳۸۵)، «محمد از نگاه اندیشمندان غیرمسلمان»، **مجله فرهنگ کوثر**، شماره ۶۸.

علی، جواد (۱۹۷۶ م)، **المفصل فی التاریخ العرب قبل الاسلام**، بیروت، دارالعلم الملايين.
فخاری، حسین. برخوردار، ناصر (زمستان ۱۳۹۲)، «بررسی استراتژی پیامبر اعظم (ص) در صلح حدیبیه بر اساس تحلیل سوات»، **فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، شماره ۱۳.

فقیهی، نفیسه؛ خلجی، علی؛ مهدوی راد، محمدعلی (بهار ۱۳۹۳)، «اصول راهبردی صلح در اسلام»، **سیاست متعالیه**، سال دوم، شماره ۴.

قاسمی حامد، مرتضی (تابستان و پاییز ۱۳۹۲)، «نگاهی به آداب و رسوم دوره جاهلیت از منظر قرآن و تاریخ»، **فصلنامه حبل‌المتین**، دوره دوم، شماره ۳.

قنبری، حشمت‌الله (۱۳۹۲)، **سیری در تاریخ صدر اسلام**، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
قنبری، حشمت‌الله (۱۳۹۴/۰۷/۱۷)، «صلح حدیبیه «بده بستان» پیامبر (ص) با استکبار عرب نبود»، **پایگاه تحلیلی- خبری قدس**.

کاظمی نسب (زمستان ۱۳۹۵)، «تدابیر پیامبر اعظم (ص) در حج با تأکید بر صلح حدیبیه»،

فصلنامه تاریخ نو، شماره ۱۷.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، **اصول کافی**، ترجمه: مصطفوی، جواد، تهران، کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.

کیانی، علی‌رضا (اردیبهشت ۱۳۸۱)، «فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک»، **تدبیر**، شماره ۱۲۱. لینگز، مارتین (۱۳۹۳)، **محمد(ص)**، ترجمه: تهرانی‌نسب، سعید، تهران، حکمت، چاپ پنجم. منانت پور، محمدتقی (پاییز ۱۳۹۳)، «نقد دیدگاه مستشرقان درباره غزوات پیامبر(ص)»، **تاریخ‌نامه خوارزمی**، سال دوم، شماره ۱.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۸)، **تحفه آثار تلخیص و ترجمه بحارالانوار**، به کوشش مؤسسه الضحی، تهران، نیستان.

مسعود، جبران (۱۳۹۲)، **الرائد**، ج ۱ و ۲، ترجمه: انزابی نژاد، رضا، مشهد، به نشر، چاپ هفتم. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، **پرسش‌ها و پاسخ‌ها**، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره).

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، **پیرامون جمهوری اسلامی**، تهران، صدرا، چاپ چهارم.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، **قیام و انقلاب مهدی(عج)**، تهران، انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، **مسئله شناخت**، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و دوم.

ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۹۳)، **فرهنگ اصطلاحات اصول**، قم، جامعه‌الاصول العالمیه، چاپ دوم.

میر معزی، سید حسین (۱۳۹۷/۰۸/۰۹)، **تفاوت پیشرفت اسلامی با غربی**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ناظمیان فرد، علی (بهار ۱۳۹۰)، «سنت حلف و کارکردهای آن در عصر جاهلی»، **مطالعات تاریخ اسلام**، شماره ۸.

نامشخص (مرداد ۱۳۸۵)، «دیدگاه دانشمندان درباره شخصیت پیامبر اعظم (ص)»، **مجله نامه جامعه**، شماره ۲۲.

نیکویی، علیرضا (پاییز ۱۳۸۶)، «دور هرمنوتیکی و نقش آن در مطالعات ادبی، فهم و نقد متون»، **مجله ادب پژوهی**، شماره ۳.

واعظی، اصغر؛ قانعی، اسماعیل (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «سطوح، مؤلفه‌ها و کارکردهای دور هرمنوتیکی»، **نشریه فلسفه**، سال چهل و دوم، شماره ۲.

واقعی، محمد بن عمر (۱۳۶۲)، **المغازی**، ترجمه: مهدوی دامغانی، محمود، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، جلد دوم.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۴)، **اختتامیه دومین همایش گردهمایی سفرا و نمایندگان ایران در خارج از کشور**.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲)، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه: آیتی، محمدابراهیم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم.

یوسفیان، نعمت‌الله؛ مؤدب، سیدرضا (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «مبانی قرآنی نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی»، **اندیشه قرآنی**، شماره ۱.

طراحی مدل مفهومی اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)

صبا اباقی *

سید محمود آقایی فیروزآبادی **

چکیده

الگو نقشه جامعی برای حرکت در مسیر تعالی است و از این رو بررسی ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر الگوی پیشرفت و توسعه با تأکید بر اسلامی و ایرانی بودن از اهمیت بالایی برخوردار است. الگوی پیشرفت باید کاملاً منطبق بر محیط آینده باشد تا بتواند از ناهموازی‌های آینده عبور کند و اثرگذار باشد. مساله این است که بسیاری از سندهایی که در کشور تنظیم می‌شوند قابلیت اجرا ندارند و اغلب ظرفیت اجرایی شدن ندارند. علت هم این است که آرمان‌هایی که در این سندها آمده با آرمان‌های نسل بعدی که قرار است این سندها را اجرا کنند، همخوانی ندارند. به عبارتی ارزش شناختی ما با ارزش شناختی نسل بعدی متفاوت است. همچنین بررسی آثار و پیامدهای توسعه در کشور ما نشان می‌دهد که توسعه به سبک غربی از یک سو نتوانسته باعث توسعه و پیشرفت کشور گردد و از سوی دیگر نیز باعث کمرنگ شدن ارزش‌های اسلامی-ایرانی نیز شده است. دلیل این امر را باید در تفاوت بین مبانی، اقتضائات و غایات توسعه با مبانی و غایات جامعه‌ی اسلامی ایران جستجو کرد، لذا این امر ضرورت طراحی الگویی متناسب با جامعه اسلامی و ایرانی را ایجاد می‌کند. در این پژوهش با شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به طراحی الگوی پیشرفت و توسعه متناسب با جامعه اسلامی ایران پرداخته می‌شود. در این پژوهش، که تأکید بر اجرایی شدن الگو در آینده است، ابتدا با مرور ادبیات نظری به بررسی مفاهیمی همچون پیشرفت، توسعه، الگوی اسلامی - ایرانی و همچنین ارتباط الگوی اسلامی - ایرانی با مفهوم پیشرفت و توسعه

* دانشجوی دکترا، گروه آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین،
Setareh_6968@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران Aghaei.coom@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۳

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره نودوچهار، بهار ۱۳۹۹، صص ۶۷-۹۶

پرداخته می‌شود. روش کاربردی مقاله روش کتابخانه‌ای، در چارچوب رویکرد تحلیلی - توصیفی و با کمک داده‌های خبرگانی معطوف به آینده می‌باشد. در این پژوهش، با توجه به بیانات مقام معظم رهبری شاخص‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در ۶ حوزه شاخص‌های سیاسی، اقتصادی، علم و فناوری، زیست‌محیطی، توسعه انسانی و شاخص اجتماعی و فرهنگی طبقه‌بندی و در نهایت مدل مفهومی جهت اجرای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت با توجه به این شاخص‌ها طراحی و ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، توسعه، آینده‌پژوهی، عدالت

مقدمه

الگوی اسلامی -ایرانی پیشرفت، فصل جدیدی آغاز کرده است و اکنون سخن از اجرایی شدن است. این سند، نخستین سند راهبردی بلندمدت کشور است که نه تنها بایسته‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های ملی در افق یک سده آینده را تعیین خواهد کرد، بلکه همه اسناد کوتاه‌مدت و میان‌مدت جاری را نیز متحول خواهد نمود (ساعد، ۱۳۹۰: ص ۱). در سال ۱۳۸۵، رهبر معظم انقلاب طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را به‌عنوان یک ضرورت برای کشور مطرح نمودند. ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی و نیاز کشور به یک الگوی پیشرفت بومی و وجود ظرفیت‌های بالایی که در کشور برای رشد، توسعه و پیشرفت وجود دارد از دلایل طرح این موضوع می‌باشد. در همین رابطه ایشان معتقدند: «این الگو باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایایش مشخص شود؛ این کار به طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همین که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشه‌ی اسلامی - ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم. وقتی می‌گوییم الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه‌ی جامع. بدون نقشه‌ی جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگی مبتلا بودیم، این به خاطر این است که یک نقشه‌ی جامع وجود نداشته است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰).

«تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از ابعاد گوناگون، یک اتفاق نیک، مهم و بی‌سابقه در امر برنامه‌ریزی «توسعه» در کشور محسوب می‌شود. این

نقطه عطف تاریخی در ایران اسلامی، البته پدیده‌ای نوپاست، از این رو تبیین ابعاد مختلف آن برای ایجاد درکی مشترک، هماهنگ، روشن و شفاف از موضوع، ضروری است. ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی، به سبب اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوییم ایرانی؛ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده است. این مطلب گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در باب محوری‌ترین و مهم‌ترین مشکل امروز کشور یعنی «توسعه» و جهت‌گیری آن است. محوریت مقولۀ توسعه امری نیست که فقط محدود به سطوح بالای نظام سیاسی کشور باشد؛ چرا که مقولۀ توسعه و مفاهیم مرتبط با آن، همواره جایگاهی کلیدی در زندگی اجتماعی بشر دارد و از این‌روست که توسعه در شکل کلی خود، مهم‌ترین عنصر دگرگون‌کننده همه عرصه‌های حیات اجتماعی جوامع از جمله جامعه ما می‌باشد (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۲). توسعه در سایه، پاسخ‌گویی اجتماعی، درجه اثربخشی و بازدهی یک سازمان در برابر مسئولیت‌های اجتماعی آن است (استاردیوانت، ۱۹۷۷: ۱۰۵).

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. پیشرفت و توسعه

برای تدوین یا طراحی الگوی پیشرفت، نیاز به تعریف عملیاتی واژه‌هایی مانند پیشرفت، الگو و توسعه است تا اشتراک لفظی استعمال این واژه‌ها موجب برداشت‌های متفاوت از آنها نگردد. گرچه لغت پیشرفت مفهوم روشنی دارد، اما از واژه پیشرفت تعاریف مختلفی اراده شده است. برخی از اندیشمندان مفهوم پیشرفت و توسعه را یکی دانسته‌اند. مفهوم توسعه بار ارزشی و معنایی و الزامات خاص خود را دارد و واژه‌ی معروفی در متون اقتصادی بین‌المللی است که با مختصات و شاخص‌های معینی شناخته شده است. واژه پیشرفت در فرهنگ کمبریج، «حرکت به سوی وضعیتی بهبودیافته‌تر یا توسعه‌یافته‌تر یا موقعیتی جلوتر» (فرهنگ کمبریج، ۲۰۱۷) و در فرهنگ آکسفورد، «توسعه به سوی

شرایطی بهبود یافته تر و بالاتر» (فرهنگ آکسفورد، ۲۰۱۷) تعریف شده است. از نظر اصطلاحی نیز جانسون (۲۰۰۸) پیشرفت را فرایندی تجمعی تعریف می کند که در آن مرحله ی متأخر، همواره مرجح تر، بهتر و دارای کیفیتی بالاتر تلقی می شود (جانسون، ۲۰۰۸: ۷).

پیشرفت به مفهوم ترقی و رشد همه جانبه ی کیفی جهت رسیدن به جامعه ی مطلوب و مورد نظر است که توأم با معنویت و متکی بر فرهنگ، توسعه یافته است (علایی، ۱۳۹۰: ۱۴). پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. بر این اساس، الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر باشد:

الف) تحلیل وضعیت موجود؛

ب) تبیین وضعیت مطلوب؛

ج) راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب.

در تعریف توسعه، نکاتی را باید مدنظر داشت که مهم ترین آنها عبارتند از: اولاً، توسعه را مقوله ارزشی تلقی کنیم؛ ثانیاً، آن را جریانانی چندبعدی و پیچیده بدانیم و ثالثاً، به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشته باشیم (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷).

در بهترین تعریف از توسعه، گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب به شکل همه جانبه یعنی توجه به همه ابعاد زیر مطرح می گردد:

الف - بعد اقتصادی، ایجاد ثروت و بهبودی وضع زندگی مادی و توزیع عادلانه امکانات.

ب - بعد اجتماعی، که بر مبنای امکانات بهزیستی (بهداشت، آموزش، مسکن و اشتغال) اندازه گیری می شود.

ج - بعد سیاسی، که ارزش هایی همانند حقوق بشر، آزادی های سیاسی و ... را در بر می گیرد.

د - بعد فرهنگی، که بر مبنای به رسمیت شناختن این واقعیت است که فرهنگ ها به افراد، هویت و ارزش شخصی اعطاء می کنند.

ه - بعد الگوی زندگی کامل، که به نظام‌های محتوایی، نمادها و باورهایی که با هدف نهایی زندگی و تاریخ مرتبط هستند، مربوط می‌شود.
و - بعد سلامت زیست محیطی (میر معزی، ۱۳۸۹).

۲-۱. مفهوم الگو

الگو، معادل کلمه مدل در زبان انگلیسی است. یک مدل، یک الگو، طرح، معرفی یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است. مدل‌ها می‌توانند دو نوع کارکرد توضیحی را که اساساً متفاوتند، انجام دهند: از یک سو، یک مدل می‌تواند توضیحی از یک بخش انتخاب شده از جهان باشد (سیستم هدف). از سوی دیگر، یک مدل می‌تواند یک نظریه را توضیح دهد؛ از این جهت که قوانین و اصول موضوعه آن را تفسیر کند. این دو مانع‌الجمع نیستند؛ زیرا مدل‌های علمی می‌توانند هر دو کارکرد را در یک زمان داشته باشند (میر معزی، ۱۳۸۹). در ادبیات علمی متعارف، مدل‌های داده‌ها و پدیده‌ها برای توصیف و تبیین پدیده‌ها یا داده‌های مربوط به واقع خارجی به کار می‌روند. بدیهی است این مفهوم از الگو یا مدل نمی‌تواند در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مقصود باشد؛ زیرا این الگو برای توصیف و تبیین وضع موجود در ایران نیست بلکه برای تغییر و اصلاح آن است. آنچه تناسب بیشتری با بحث ما دارد، مدل‌های نظریه‌ای است؛ زیرا ما نیز در صدد تبیین یک نظریه هستیم، با این تفاوت که نظریه اسلامی - ایرانی پیشرفت به تبیین یک واقعیت یا پدیده یا سیستم خارجی نمی‌پردازد، بلکه اهداف و راهبردهای پیشرفت بر اساس احکام و آموزه‌های اسلامی و مطابق با شرایط ایران را تبیین می‌کند.

۳-۱. اسلامی بودن الگو

الگوی اسلامی پیشرفت، الگویی است که مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی باشد. در هستی‌شناسی اسلامی، واقعیت به دو قسم مادی و مجرد تقسیم می‌شود و جهان از دو نظام علی و معلولی مادی و مجرد تشکیل شده است که با یکدیگر هماهنگند و

تدبیر هر دو به دست خداوند متعال انجام می‌شود.

در فلسفه اسلامی ابزارهای شناخت عبارتند از: حس و عقل و قلب. ادراکات شهودی که به وسیله قلب درک می‌شود و عقل، تصدیقات و مفاهیم ثانویه فلسفی و منطقی را درک می‌کند و حس، زمینه‌ساز درک مفاهیم حسی است. (مصباح، ۱۳۷۸: ۲۱۰). در خداشناسی، لیبرالیسم معتقد به اصل دئیسم است. براساس فلسفه دئیسم، خداوند منشأ جهان هستی است و طبیعت را براساس قانونمندی‌هایی، چنان به وجود آورده است که به صورت خودکار به حیات خود ادامه می‌دهد. در این بینش، خداوند پس از خلقت به هیچ وجه در امور جهان دخالت نمی‌کند؛ زیرا قوانین طبیعی که به وسیله آفریدگار در طبیعت گنجانده شده، چنان امور را پیش می‌برد که بهترین وضعیت به وجود می‌آید. البته قانونمندی، ویژه طبیعت نیست و قوانین معتبر جاودانی و جهانی بر کلیه پدیده‌های اجتماعی نیز مسلط است. در این فلسفه، خداوند مانند ساعت‌سازی است که پس از ساختن ساعت و راه‌اندازی‌اش، آن را رها می‌کند. بدین ترتیب، خداوند در چهره معماری بازنشسته نمایان می‌شود؛ معماری که پس از خلقت، کناری رفته، تنها به نظاره ساختمان باشکوهی که آفریده است، بسنده می‌کند (کاپلستون، ۱۳۷۶: ۱۷۴-۱۸۸؛ گلدمن، ۱۳۷۵: ۷۲-۷۵). روشن است که انکار خداوند یا قائل شدن به عدم دخالت او در جهان هستی پس از آفرینش آن، مخالف نگرش اسلامی است.

از دیدگاه قرآن، خداوند نه تنها آفریننده و مالک جهان است، بلکه پرورش‌دهنده و نگاه‌دارنده آن نیز به شمار می‌رود؛ او به همه ذرات هستی احاطه علمی و وجودی دارد و برپادارنده همه چیز است؛ اگر لحظه‌ای عنایت خود را از این جهان بردارد، این جهان به کلی نابود می‌شود؛ خداوند علت ایجاد و بقای جهان است؛ هدایت‌تکوینی همه موجودات و نیز هدایت تشریعی انسان به دست اوست؛ او روزی آفریده‌ها را به وسیله اسباب مادی و غیرمادی، تقدیر می‌کند. این تصویر از خداوند با تصویر معمار بازنشسته‌ای که لیبرالیسم از خدا ارائه می‌دهد، به کلی متفاوت است. انسان در جهان‌بینی لیبرالیستی دارای ویژگی‌های فردگرایانه است. در این جهان‌بینی، انسان موجود واحدی است که مالک وجود و اموال خویش است؛ امیالش اهداف و

ارزش‌های او را برمی‌گزیند، عقلش راه دستیابی به آن اهداف را به‌خوبی نشان می‌دهد. موجودی که در شناخت حقیقت تنها به تجربه خود تکیه می‌کند، به پذیرش فرمان‌های اخلاقی دین، جامعه یا دولت ملزم نیست و تنها از امیال خویش فرمان می‌پذیرد (آربلاستر، ۱۳۶۷: ۱۹-۵۴).

در جهان‌بینی اسلامی، هدف از آفرینش انسان حرکت او به سمت کمال است. قرآن کریم می‌فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

در نگرش اسلامی، انسان موجودی دو بُعدی است: یک بعد مادی دارد و یک بعد مجرد و غیرمادی. بعد مادی انسان بدن است و بعد مجردش روح. در نگرش اسلامی، انسان دارای اراده و اختیار است. اگر انسان مجبور بود، ارسال رسل لزومی نداشت و حساب و کتاب در قیامت بی‌معنا بود، حتی در این دنیا نیز وضع قانون و مجازات مجرمان منطقی نداشت. قرآن کریم در آیات زیادی به روش‌های گوناگون به اختیار انسان در گزینش راه درست یا غلط تصریح کرده است. انسان می‌تواند عقل خود را بر تمایلات حیوانی‌اش حاکم کرده، راه کمال را بییماید و می‌تواند شهوات را حاکم وجود خود ساخته، عقل را به اسارت او درآورد و از قلّه رفیع انسانیت سقوط کند (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸؛ ج ۳: ۲۰۳۸). بر این اساس، انسان نه تنها ناگزیر به پیروی از تمایلات حیوانی نیست؛ بلکه کمالش در حاکمیت خرد بر غرایز است.

۴-۱. ایرانی بودن الگو

برای اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن دو وجه متصور است:

۱- اتصاف الگوی مزبور به ایرانیت بدین لحاظ است که فکر و ابتکار ایرانی این الگو رابه دست آورده است. اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود ولی این ملت ما بوده که توانسته است یا می‌تواند این الگو را از منابع اسلامی استخراج کند) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵). در این صورت الگوی اسلامی -ایرانی پیشرفت الگویی جهان‌شمول

و ثابت برای جوامع اسلامی است که در برابر الگوی توسعه غرب مطرح می‌شود. این الگو از بخش ثبوتات منابع اسلامی استنباط شده و نشان‌دهنده مسیر تمدن اسلامی است. در این صورت الگوی مزبور الهام‌بخش برای جهان اسلام خواهد بود و هر کشور اسلامی می‌تواند این الگو را بر شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود منطبق کند. چنین الگویی می‌تواند سند بالادستی همه برنامه‌ها و سیاست‌ها و حتی سند چشم‌انداز بیست ساله باشد. این الگو در سه محور ترسیم وضعیت مطلوب و آسیب‌شناسی وضعیت موجود و ارائه راهبرد، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت تنها به عناصر ثابت و جهان شمول زیر خواهد پرداخت:

الف- ترسیم وضعیت آرمانی براساس آموزه‌ها و احکام اسلامی

ب- اصول روشی ثابت برای تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت موجود: این اصول باید مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی باشد.

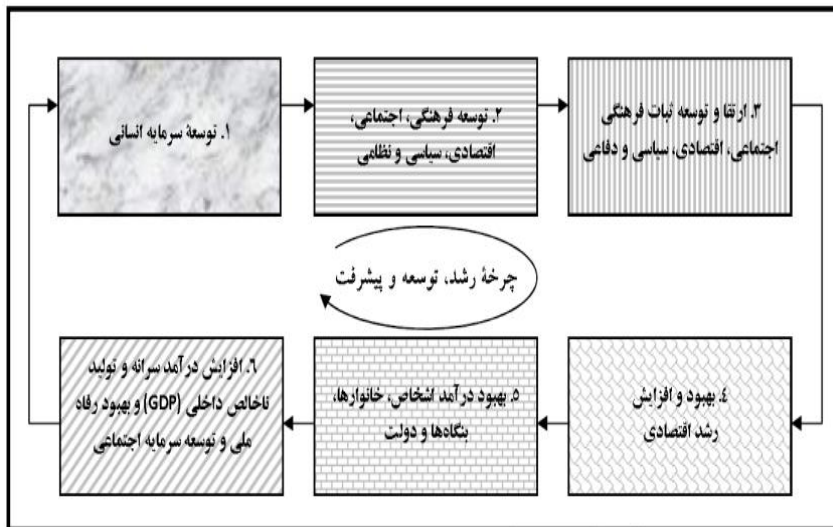
ج- ارائه اصول راهبردی ثابت جهت تغییر وضعیت موجود به مطلوب.

۲- به لحاظ اینکه الگوی توسعه اسلامی با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران تطبیق داده شده است، ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب نباشد. این دو وجه به بحث ثابت و متغیر در شریعت اسلام ارتباط وثیقی دارد. ما معتقدیم بینش‌ها و چارچوب‌های اخلاقی و حقوقی اسلام جزو ثابت‌ها است. با وجود این، این ثابت‌ها قابل تطبیق بر شرایط مختلف است. مثال واضح آن در بانکداری اسلامی است. اسلام افزون بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی و انسان‌شناختی، در باب معاملات دارای احکام حقوقی و اخلاقی است. هر الگویی از بانکداری که مبتنی بر این مبانی بینشی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی در باب معاملات باشد، الگوی بانکداری اسلامی است و این الگو ممکن است در کشورهای مختلف اسلامی که دارای شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گوناگون هستند، متفاوت باشد. برای مثال، ممکن است در یک کشور، الگوی بانکداری اسلامی بر مبنای عقود معاوضه‌ای با سود ثابت مناسب باشد و در کشور دیگر الگوی مبتنی بر عقود

مشارکتی و در یک کشور الگو مبتنی بر هر دو نوع عقد، کارایی بیشتری داشته باشد.

همچنین در مورد فقر ممکن است در یک کشور علل مادی و در یک کشور علل معنوی و مجرد نقش بیشتری در تحقق فقر داشته باشند. بر این اساس، در کشور اول راهبردهای رفع فقر بیشتر ناظر به علل مادی خواهند بود و در کشور دوم ناظر به علل مجرد. در کشوری که ایمان و تقوا بر آن حاکم است و مردم به آموزه‌های اسلامی عمل می‌کنند و دولت، دولت اسلامی است و در عین حال فقر وجود دارد، باید به دنبال علل مادی فقر بود و راهبردهای مناسب آن را اراده کرد. ولی در کشوری که گناه در آن موج می‌زند و دولت و مردم براساس آموزه‌های اسلامی عمل نمی‌کنند، راهبرد رفع فقر متفاوت خواهد بود. این دو وجه منافاتی با یکدیگر ندارند بلکه مکمل یکدیگرند. براساس وجه اول مقصود از الگوی اسلامی -ایرانی پیشرفت، الگوی اسلامی پیشرفتی است که به وسیله فکر ایرانی از منابع استنباط و به شکل الگو ارائه شده است. براساس وجه دوم نیز الگوی اسلامی پیشرفت به عنوان یک الگوی ثابت و جهان‌شمول که راهنمای جهان اسلام است، نفی نمی‌شود بلکه بر شرایط ایران تطبیق می‌شود (میر معزی، ۱۳۸۹: ۶۸).

شکل ۱. چرخه رشد و توسعه و پیشرفت در یک جامعه (قاضی زاده، ۱۳۸۹: ۴۵)



۱-۵. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

الگوی پیشرفت همان برنامه‌ریزی «بلندمدت» برای یک دوره ۵۰ تا ۱۰۰ ساله است. برنامه‌ریزی از یک جریان آگاهانه انتخاب و تعیین اولویت‌ها به منظور تصمیم‌گیری در مورد آینده، تا بتوان با تعیین هدف‌های درست و انتخاب مسیر مناسب و تعیین فعالیت‌های اثربخش جهت تحقق هدف‌های یادشده، اقدام کرد (قاضی زاده، ۱۳۸۹: ۴۵).

الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها گفته می‌شود که در ساختاری منطقی و براساس اصول معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود اقدام می‌کند (میرمعزی، ۱۳۹۱).

همچنین باید مفهوم پیشرفت را مستقل از توسعه در غرب دانست. توسعه غربی یک نگاه فقط مادی به توسعه نوین در زندگی است. به عبارت دی‌گر، توسعه، مفهومی است که در بستر نوگرایی به‌عنوان یک نظام فکری و یک اندیشه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل گرفته که با اقلیم فرهنگی غرب پیوند خورده است و در سه حوزه «پیش‌فرض»، «هدف» و «نظام»‌ها با ارزش‌های اسلامی فاصله و تناقض دارد. در پیش‌فرض‌های توسعه غرب، انسان تنها از بعد مادی برخوردار است و خوشبختی خود را تنها در همین دنیا دنبال می‌کند، از این‌رو هدف رسیدن به سود و لذت بیشتر، با هر وسیله‌ای توجیه می‌شود.

اینکه چرا واژه پیشرفت به جای واژه توسعه به کار برده می‌شود، نیز خود جای بررسی دارد. افروغ معتقد است «اینکه ما کلمه پیشرفت را به کار می‌بریم، دقیق‌تر است تا توسعه، توسعه امتحان خود را پس داده و از ابتدایی که در قالب الگوها، نظریه‌ها و رویکردها مطرح شده، با وجود اینکه اجماعی هم وجود نداشته، اما یک مضمون اقتصادی و تجربه‌گرایانه خاص داشته است. توسعه، پیشرفت نیست، یعنی به فرض آنکه رشد اقتصادی هم ایجاد شد و از وضع موجود خارج شدیم و به اصطلاح امکانات، مزایا و بهره‌مندی‌های اقتصادی

بیشتر شد، اما این به معنای این نیست که ما یک زندگی امن‌تر، بانشاط‌تر و بامعنا داریم. چه کسی می‌تواند بگوید که انسانی که در کلان‌شهری به نام تهران زندگی می‌کند؛ راحت‌تر، امن‌تر و خودآگاه‌تر و آسوده‌خاطرتر از انسانی است که در روستا زندگی می‌کند؟» (افروغ، ۱۳۸۹: ۱۱).

در مورد تبیین مفهوم اجزای ال‌گوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دکتر حدادعادل می‌گوید: در اسلامی بودن نظر به آرمان‌ها داریم و در ایرانی بودن بیشتر نظر به واقعیت‌ها. اسلامی بودن الگوی توسعه، آن را به اصولی قرآنی و اسلامی مقید و مشروط می‌سازد، اما مراد ما از ایرانی بودن الگوی توسعه این است که ایران ظرف این توسعه است و میان ظرف و مظروف باید تناسبی برقرار باشد) حداد عادل، ۱۳۸۹: ۱۱۳). به تعبیری ایرانی بودن الگو بمثابة ظرف مکانی و زمانی است که از تجربه‌های تاریخی برخوردار است و اسلامی مبدأ و مقصد آرمان‌های الگو است. انعکاس واقعی آرمان کشور ایران بر این پایه محکم قرار دارد.

پیش‌بینی می‌شود که الگویی که با عنوان ال‌گوی اسلامی - ایرانی پیشرفت طراحی می‌شود هم تفاوت‌هایی با الگوهای غربی و هم اشتراکاتی با آن دارد. نه می‌توان یک الگویی به طور کامل مستقل و مجزا از تجربه کنونی بشر طراحی نمود و نه ضرورت دارد که این امر محقق شود، بلکه باید در این الگو به ارزش‌های اخلاقی، معنوی، الهی و ملی ایرانیان بهای بیشتری داد.

۱-۶. الزامات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از دیدگاه رهبری

۱-۶-۱. استقلال

«یکی از الزامات ما این است: هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده‌ی استقلال کشور باشد؛ این باید به عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی‌شونده‌ی برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره -

پیشرفت محسوب نمی‌شود» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

۱-۶-۲. همخوانی با تاریخ و فرهنگ ایرانی

«پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون- شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی- در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه‌ی اجزای آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما- الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جست و جو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

۱-۶-۳. همراهی توسعه مادی و معنوی

«کسانی دنیا را اصل بدانند و آخرت را فراموش کنند؛ یعنی همه‌ی تلاش جامعه و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و حکومت، برای این باشد که زندگی مردم را از لحاظ دنیایی آباد کنند: مردم پول داشته باشند، ثروت داشته باشند، راحت باشند، مشکل مسکن نداشته باشند، مشکل ازدواج نداشته باشند، مشکل بیکاری نداشته باشند؛ فقط همین! اما از لحاظ معنوی در چه وضعی باشند، مطلقاً مورد توجه قرار نگیرد. این یک انحراف است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

۱-۶-۴. ملاحظه عناصر هویت ملی

«اساس تحول باید بر» ملاحظه‌ی عناصر اصلی هویت ملی «قرار داده شود، که آرمان‌های اساسی و اصولی مهم‌ترین آنهاست. من این را عرض می‌کنم که صنعتی شدن، فراصنعتی شدن، پیشرفت علمی، پیشرفت خدماتی و پیشرفت‌های بهداشتی و درمانی باشد؛ اما اساس اینها باید حفظ هویت ملی باشد. اگر یک کشوری همه‌ی اینها را داشت، اما از لحاظ ملی، یک کشور بی‌هویتی بود، فرهنگش وابسته‌ی به دیگران بود، از گذشته و تاریخ خود هیچ بهره‌ای نداشت و نبرده بود، یا اگر گذشته‌ای داشت، آن گذشته را از چشمش دور نگه داشتند یا آن را در نظرش تحقیر کردند، این کشور مطلقاً پیشرفت نخواهد کرد؛ زیرا هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

۱-۶-۵. لحاظ کردن آرمان‌ها در پیشرفت

«آنچه که ما در تحول، تحولی که با پیشرفت همراه است، مورد نظرمان است - که جا دارد که این جزو آرمان‌های ما باشد - مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با تبعیض، مبارزه‌ی با بیماری، مبارزه‌ی با جهل، مبارزه‌ی با ناامنی، مبارزه‌ی با بی‌قانونی، مدیریت‌ها را به سطح علمی‌تر ارتقا دادن، رفتار شهروندان را به سطوح منضبط ارتقا دادن و انضباط اجتماعی، رشد امنیت، رشد ثروت ملی، رشد علم، رشد اقتدار ملی، رشد اخلاق و رشد عزت ملی است؛ همه‌ی اینها در این تحول و پیشرفت، به معنای صحیح دخالت دارند و ما اینها را پایه‌های اصلی می‌دانیم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

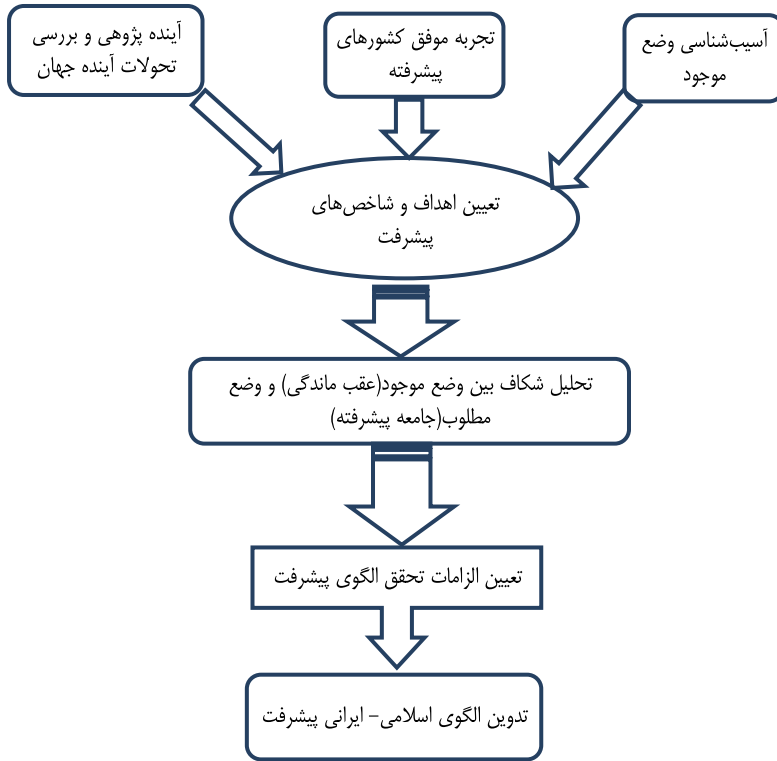
۱-۷. گام‌های طراحی و تدوین الگوی پیشرفت

شرایط گوناگون از جمله شرایط تاریخی، جغرافیایی، طبیعی، انسانی، فرهنگی، سرزمینی، زمانی و مکانی در ایجاد الگوها و مدل‌های پیشرفت تأثیر دارد. ممکن است یک الگوی پیشرفت برای کشوری مطلوب و همان‌الگو برای کشور و

اقلیمی دیگر نامطلوب باشد. بنابراین، الگوی واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که بتوان همه اجزای آن را ایجاد و در کشوری پیاده کرد. رسیدن به الگو یک امر تدریجی و تکاملی است که در نتیجه‌ی تعاملات و درخلال گذشت زمان شکل می‌گیرد و یک نوع انضباط ذهنی را برای تدوین‌کنندگان آن پدید می‌آورد. به نظر می‌رسد که برای تدوین الگوی پیشرفت مراحلی به شرح ذیل باید طی شود:

- (۱) آسیب‌شناسی وضع موجود کشور مبتنی بر روند نیم قرن گذشته در ایران؛
- (۲) بررسی وضع موجود و تجربه‌ی موفق کشورهای پیشرفته و مشخص کردن نواقص، اشکالات، نقاط قوت و ضعف آنها؛
- (۳) آینده‌پژوهی و پیش‌بینی تحولات آینده جهان و مقایسه کشور با دنیای پیشرفته در عصر جهانی شدن؛
- (۴) مشخص کردن اهداف و شاخص‌های جامعه‌ی پیشرفته ایرانی؛
- (۵) روشن کردن مزیت‌هایی که عامل پیشرفت ایران در گذشته تاریخ بوده است؛
- (۶) بررسی اشکالات الگوهای به‌کاررفته تاکنون برای اصلاح اختلالات و دستیابی به پیشرفت یا سرعت بخشیدن به آنها؛
- (۷) تحلیل شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب و تحلیل شکاف بین عقب‌ماندگی و جامعه‌ی پیشرفت مورد نظر؛
- (۸) تعیین الزامات و بسترهای تحقق الگوی پیشرفت؛
- (۹) تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت؛
- (۱۰) تجدیدنظر و بازنگری در الگوی طراحی شده با توجه به گذشت زمان و تغییر شرایط (علایی، ۱۳۹۰: ۳۴).

شکل ۲. گام‌های طراحی الگوی مفهومی پیشرفت (علایی، ۱۳۹۰)



۱-۷-۱. مراحل اجرایی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۱-۷-۱-۱. طراحی و تهیه نقشه راه عدالت و پیشرفت

با توجه به ضرورت تدوین نقشه‌ی پیشرفت اسلامی - ایرانی و روشن شدن ابعاد و زوایایش به‌طور کامل برخلاف مسیر پیشرفت غربی و شرقی در جهت تداوم و تکامل رویکرد «عدالت و پیشرفت توأمان» مبتنی بر پیشرفت چشمگیر و عدالت محسوس در سطح کشور و طراحی و تهیه نقشه‌ی راه در این جهت مهم‌ترین وظیفه نخبگان اعم از دانشگاهی و حوزوی تنظیم نقشه جامع پیشرفت کشور براساس مبانی اسلام خواهد بود و لذا انجام اقدامات اساسی در تدوین الگوی توسعه ایرانی - اسلامی مبتنی بر رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی با تحقق شاخص‌های

عدالت اجتماعی و اقتصادی توسط قوای سه‌گانه‌ی کشور در دوره‌ی پنج ساله آینده مورد انتظار می‌باشد.

۲-۱-۷-۱. تعیین عدالت اجتماعی به عنوان محور توسعه

با تاکید بر تنظیم جهت‌گیری همه امور در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و نفی فقر، محرومیت و شکاف طبقاتی در مقابل تعابیر جاهلانه سال‌های اخیر که در تقابل و عدم اعتقاد راسخ به راهبرد عدالت محوری و در تخریب رویکرد عدالت محوری با نام‌گذاری غیر واقعی مبتنی بر توزیع فقر و لحاظ نمودن رویکرد پیشرفت عادلانه در همه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی و بخشی مبتنی بر کمک به طبقات محروم جامعه، کاهش فاصله و پرشدن شکاف بین فقیر و غنی و رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت و ضرورت محاسبه اولیه، در تاثیر برنامه‌ریزی در همه اقدامات در ایجاد عدالت اجتماعی برای مردم به عنوان محور توسعه دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت میسر می‌گردد.

۳-۱-۷-۱. تبدیل پیشرفت و عدالت به گفتمان ملی

تاکید بر تبیین مسئله پیشرفت و عدالت به منظور راسخ نمودن عزم‌ها و تبدیل آن به یک گفتمان ملی و مطالبه همگانی و تحقق آن، فرایند دستیابی به الگوی توسعه اسلامی- ایرانی را تسهیل می‌نماید.

۴-۱-۷-۱. بهره‌گیری از نقاط اشتراک پیشرفت اسلامی با توسعه‌ی غربی

در نظر داشتن اشتراک پیشرفت اسلامی با توسعه‌ی غربی، فارغ از نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی و توسعه‌ی غربی همچون روح خطرپذیری، روح ابتکار، اقدام و انضباط و الزام در به‌کارگیری آنها و بهره‌گیری از آنها به عنوان تجربیات بشری در توانمندسازی الگوهای بومی مورد تاکید می‌باشد.

۵-۱-۷-۱. تولید علم و عبور از مرزهای دانش

ضرورت تولید علم با توجه به لزوم جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته و استفاده از راه‌های میان‌بر در همه‌ی علوم، به عنوان الزام حتمی پیشرفت کشور تصور

می‌گردد (سنچولی، ۱۳۹۱: ۹۱). البته در الگو باید به ابعاد و لایه های معرفت علمی توجه شود.

۸-۱. آینده‌نگری و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

از بعد برنامه‌ریزی، الگوی پیشرفت تجلی خاصی از «برنامه‌ریزی بلندمدت» است که جریان آگاهانه انتخاب و تعیین اولویت‌ها به منظور تصمیم‌گیری آینده‌نگرانه را ترسیم و تبیین می‌نماید. در همین زمینه، یعنی برنامه‌ریزی راهبردی، مفهوم «آینده‌نگری» نیز قابل توجه است. به عبارت دیگر، در فضای تفکر راهبردی، مفهوم مرتبط با تصویرسازی، چشم‌اندازسازی و رویکردهای توصیفی راهبردی دارای اهمیت فراوانی است. براین‌مبنا، هرچند برنامه‌ریزی راهبردی به عنوان اجراکننده تفکرات راهبردی و در راستای به مرحله عمل رساندن راهبردهای حاصل از تفکر راهبردی می‌تواند نقشی حیاتی ایفا کند، آینده‌نگاری نیز به دلیل برخورداری ذاتی از تناسب لازم با ویژگی‌های تفکر راهبردی، در حجم گسترده‌ای به رفع نیازهای این سنخ تفکر قادر خواهد بود (کرامت‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

شکل ۳. مدل ساختاری الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (عیوضی، ۱۳۹۵)



نمودار ۱. فرایند اجرایی ساختار الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت بر اساس کار گروه‌های علمی الگو (عیوضی، ۱۳۹۵)



۹-۱. پیشینه پژوهش

قاضی زاده (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقش نیروهای مسلح» به بررسی ادبیات مربوط به مفهوم توسعه و رشد اقتصادی و پیشرفت و همچنین مفهوم و ابعاد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌پردازد و الزامها و ضرورت‌های الگوی مزبور را معرفی می‌نماید. همچنین با مروری بر ساختار و سلسله مراتب برنامه ریزی توسعه در جمهوری اسلامی به بررسی نقش نیروهای مسلح در تدوین الگوی مزبور پرداخته و راهکارهایی نیز در این رابطه ارائه می‌دهد.

عبدالملکی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منطقه‌ای» (مقدمه‌ای بر مفهوم، فرآیند و چارچوب برنامه ریزی) به این نتایج رسید: الف) الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منطقه‌ای، چارچوبی برای تعیین مسیر حرکت اقتصاد مناطق کشور، هم‌راستا با جهت‌گیری اسلامی- ملی پیشرفت و مبنای آن نظریه عدالت اقتصادی منطقه‌ای و معیارهای کلی آن، تحقق عدالت توزیعی و تخصیصی در سطوح منطقه‌ای و بین منطقه‌ای است. ب) اهداف الگوی

اسلامی - ایرانی پیشرفت منطقه‌ای (در ابعاد اقتصادی) را می‌توان در چهار عنصر افزایش تولید، ارتقای بهره‌وری، ارتقای دانش و فناوری و ارتقای رفاه عمومی خلاصه نمود. ج) به منظور کاربردی‌سازی بیشتر، اهداف عدالت اقتصادی منطقه‌ای یا همان ابعاد پیشرفت منطقه‌ای در الگوی اسلامی - ایرانی را می‌توان در قالب بیان جدیدی از مفهوم رفاه منطقه‌ای بازتوضیح نمود. د) اجزای عملکردی الگوی منطقه‌ای پیشرفت اسلامی - ایرانی براساس مطالعات مربوط به وضعیت موجود منطقه درخصوص معیارها و سطوح رفاهی فوق، تحلیل‌های آسیب‌شناختی در دو حوزه آسیب‌های منبث از کمبود امکانات و آسیب‌های منبث از ناکارآمدی فرآیندها صورت می‌گیرد.

خوش‌چهره و حبیبی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران» انجام داده‌اند. در این مقاله مطرح شده که هر الگویی برای مدل‌سازی می‌تواند به صورت ساختارمند ماندگار شود که دارای یک چارچوب معرفت‌شناختی باشد. فهم این نظام معرفتی، کلید شکل‌گیری این الگو به شمار می‌رود. اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی مرتبط با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، برگرفته از نظام معرفتی و احکام حاکم بر اسناد فرادستی و راهبردی همچون قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام اسلامی است. لذا در این پژوهش، با بررسی این اسناد، تلاش شده است تا با روش کیفی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی این الگو کشف و ارائه گردد.

سنچولی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «تبیین ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» به بازشناسی مفهوم و ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌پردازد؛ سپس مفاهیمی چون عرصه‌های پیشرفت، مفهوم توسعه اسلامی، نقاط افتراق و اشتراک پیشرفت و توسعه و اهمیت دستیابی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الزامات، شاخصه‌ها و راهبردهای دستیابی به آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

اسماعیلی گیوی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «شناسایی راهبردهای ارتقای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت» براساس رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون اقدام به گردآوری داده‌ها و اطلاعات نموده و سپس از طریق برگزاری جلساتی با حضور خبرگان سیاست‌گذاری به استخراج مفاهیم پرداختند و مضامین احصاء شده در ۴ مضمون فراگیر شامل چالش‌های نهادی- ساختاری، روشی، محتوایی، اجرایی- نظارتی ارائه گردید.

زاهدی مازندرانی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «نقد سند الگوی پایه‌ی اسلامی- ایرانی پیشرفت از منظر الزامات توسعه» به این سؤال اساسی می‌پردازد که آیا محتوای این سند متناسب با واقعیات کنونی جامعه‌ی ایران تدوین شده است یا برای جهانی خیالی است؟ آیا تدابیر مطرح‌شده در آن برای حل مشکلات جامعه‌ی ایران کارگشاست؟ و سپس در پاسخ مطرح می‌کند که این سند هیچ تکیایی به وضع موجود ایران ندارد، تدابیر آن معطوف به مشکلات احصاء‌شده‌ی معین و خاصی نیست، بلکه صرفاً کلی‌گویی‌هایی مبتنی بر شعور عام است. روند و مسیر حرکت جامعه‌ی ایران و آینده‌ی این جامعه را به‌صورتی روشن و قابل درک به تصویر نکشیده است و درنهایت این سند گویا برای جهانی خیالی است؛ زیرا متناسب با واقعیات جامعه‌ی ایران نیست و غیرکاربردی و غیراجرایی به نظر می‌رسد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری اطلاعات و توصیف کلمات کلیدی استفاده گردیده است. سپس با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به تبیین و استخراج عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری پرداخته شد. همچنین در طراحی الگو از طریق داده‌های خبرگانی بر اجرایی شدن الگو در آینده توجه شده است.

شکل ۴. مدل مفهومی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت {منبع: مؤلف}

شاخص‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت



۳. مدل مفهومی اجرایی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت با تاکید بر شاخص‌های کاربردی

الگوی پیشرفت به منظور قابلیت اجرا پیدا کردن لازم است با الزامات و ضرورت‌هایی همراه باشد. در این قسمت به برخی از این ضرورت‌ها اشاره می‌شود:

- الزامات اجتماعی: تقویت مناسبات اجتماعی، روابط خانوادگی و نهادهای اجتماعی.

- الزامات سیاسی: ارتباط الگوی پیشرفت با نظام سیاسی، مشارکت مردم در فعالیت‌ها، جایگاه و سطح مشارکت مردم در فعالیت‌های سیاسی.

- الزامات نهادی: طراحی نهادهای تسهیل‌کننده فعالیت‌های اقتصادی مانند نهاد دولت، بازار و قانون.

- الزامات اقتصادی: طراحی نظام انگیزشی فعالیت‌های اقتصادی از طریق تسهیل فعالیت‌ها و تشویق کارآفرینی.

- الزامات علمی: طراحی نظام خلق و انتشار دانش، نوآوری و به‌کارگیری آن در عرصه فعالیت‌های اقتصادی.

- الزامات فرهنگی: تعیین و ارتقای جایگاه باورها، آداب و سنن اسلامی- ایرانی (سلیمی فر، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۶)

لذا می‌توان گفت دستیابی به آرمان‌های بلند نظام مقدس جمهوری اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمامی ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی است.

طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی «باید برای خدا حرکت کرد و در چارچوب اهداف الهی تلاش نمود. آدم بایستی تلاش کند، زحمت بکشد، کار بکند، و الا وجود او بی‌فایده است. این همه کشور در دنیا هست. بعضی آباد و بعضی ویران، اما آنچه که ما دنبالش هستیم، تحقق ارزش‌ها و اهداف الهی است. ارزش‌های عمده‌ای برای ما وجود دارد که باید دنبال آنها باشیم. باید آرمان‌ها و اهداف انقلاب را با قیام‌الله تامین کنیم.» یکی از الزامات اساسی فرهنگ در راستای

الگوی پیشرفت، توجه به ارزش‌های موجود در جامعه و احیای آنهاست و باید سعی کرد در مسیر حرکت به سوی پیشرفت، از ارزش‌ها صیانت نموده و به تقویت آنها پرداخت. از آنجایی که ارزش‌ها و مباحث ارزشی در الگوی پیشرفت جایگاهی مهم دارند، تلاش مسئولان اجرایی کشور باید این باشد که از ارزش‌های اساسی صیانت نمایند و ارزش‌های در معرض فراموشی یا ارزش‌های در معرض خطر تهاجم فرهنگی را احیا نمایند. از سوی دیگر از آنجایی که یکی از اهداف اساسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تحقق ارزش‌های الهی است پس احیای این نوع ارزش‌ها از ملزومات موفقیت در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌باشد. بنابراین معلوم می‌شود که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید به مقوله فرهنگ توجه ویژه مبذول دارد.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با جمعی از دانشجویان برگزیده در مورخ ۸/۸/۸۴ فرمودند که: قدرت‌هایی که در بخش‌های مختلف باید به وجود بیاوریم، در درجه اول قدرت علمی است. دانشگاه‌ها در این زمینه مسئولیت دارند. قدرت پیدا کنید. اگر ایران اسلامی بتواند در زمینه علمی سخن خودش را در حد سخنان اول دنیا در بیاورد، کار شدنی است. چون علم، ثروت هم ایجاد می‌کند، قدرت نظامی هم ایجاد می‌کند، اعتماد به نفس هم ایجاد می‌کند. من بارها گفته‌ام، باز هم می‌گویم و باز هم بارها تأکید خواهم کرد که پایه و زیربنای اقتدار آینده‌ی شما ملت عزیز در قدرت علمی است. لذا با توجه به اهمیت و ضرورت جایگاه علم و فناوری کشور در دستیابی به آرمان‌های مقدس انقلاب اسلامی بارها در اسناد بالادستی کشور از جمله نقشه جامع علمی کشور و همچنین سند الگوی پیشرفت به آن اشاره شده است.

مسئله‌ی دیگری که در بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری به آن اشاره گردیده است، مسئله‌ی انسان است؛ نگاه اسلام به انسان، محور بودن انسان. ایشان می‌فرمایند: «خوب، پیداست انسان اسلامی با انسانی که در فلسفه‌های مادی غرب و اینها مطرح است، به کلی متفاوت است؛ لذا محور بودن انسان در اسلام با محور بودن انسان در آن مکاتب مادی به کلی متفاوت است. انسان، محور است. همه‌ی

این مسائلی که ما داریم بحث می‌کنیم: مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی امنیت، مسئله‌ی رفاه، مسئله‌ی عبادت، برای این است که فرد انسان سعادتمند شود.» لذا طبق فرمایشات ایشان شاخص توسعه انسانی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه و پیشرفت است.

همچنین طبق فرمایشات مقام معظم رهبری (۱۳۸۸/۶/۱۶) عدالت خیلی مسئله‌ی مهمی است. عدالت را اولاً باید تعریف کنید و مشخص کنید که این عدالتی که می‌خواهیم به آن برسیم، چیست. اولاً عدالت فقط عدالت در مسائل اقتصادی نیست، یک بخش عمده‌اش مسئله‌ی اقتصاد است. در قضاوت‌ها، در داوری‌ها، در نگاه‌ها، در نظرها، در اظهارات، در موضع‌گیری‌ها، همه بایستی شاخص عدالت را در نظر داشته باشیم. از همه مبتلا به‌تر، همین مسئله‌ی عدالت اقتصادی و عدم توزیع عادلانه‌ی ثروت عمومی و درآمد عمومی ملی بین آحاد جامعه است. لذا توصیه مهم من، حل مشکلات اقتصادی مردم و کشور است. بنابراین یکی دیگر از ابعاد مهم و برجسته در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت بعد اقتصادی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی تئوری پیچیده‌ای از توسعه را ارائه می‌دهد. قید اسلامی بودن، به طور اجمال چند شاخص اصلی را در اجرای الگوی توسعه ایجاد می‌کند و قید ایرانی بودن از مدل توسعه غربی کاسته و به بومی شدن الگوی پیشرفت می‌انجامد. الگویی که واقعیت‌های جامعه و کشور ایران را در نظر داشته و شاخص‌های مربوط به یک کشور جوان، مذهبی، با آداب و رسوم شرقی، مختصات جغرافیایی و جمعیتی خاص، منابع غنی و البته ضعف‌ها و کاستی‌های خاص خود را داراست. در اولین گام اجرایی، این الگو باید شعارهای اصلی خود را تعیین کند. این شعارها ضمن آنکه واقعیت‌های جامعه را در نظر دارند اصول حاکم بر این الگو را نشان می‌دهند. برای مثال یکی از مهم‌ترین اصول یا شعارهای این الگو؛ خانواده، آخرت‌گرایی و معنویت‌گرایی است. توسعه غربی کمیت‌گراست و رسالتش اصلاح و بهبود وضعیت مادی انسان‌هاست، در حالی که مفاهیم معنوی

که با معیارهای کمی قابل اندازه‌گیری نیستند، در الگوی اسلامی پیشرفت بسیار تعیین‌کننده هستند و در مفاهیم اصلی الگو دیده شده است. توجه به عناصر مهم فرهنگی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الزام‌آور است. الگو جهت پیاده‌سازی نیاز به بسترسازی دارد و گرنه راه بسیار سختی را در پیش دارد؛ راهی که قطعاً با نافرجامی و شکست همراه است. بنابراین بین دستاوردهای محتوای چندساله تدوین الگو و بسترهای مناسب اجرایی شدن آن رابطه تلازمی وجود دارد.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید به مقوله فرهنگ توجه ویژه مبذول دارد، چرا که الگوی غربی توسعه، وقتی در کشورهای اسلامی وارد می‌شود، بیش از هر چیز فرهنگ را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.

از آنجایی که موضوع پیشرفت، انسان و حوزه‌های مختلف زندگی اوست، مطالعات انسانی در این حوزه حائز اهمیت است. علاوه بر تلاش علمی جهت کارآمدسازی علوم انسانی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به لحاظ قید ایرانی بودن نیازمند مطالعات اجتماعی در جامعه ایرانی است.

در حال حاضر کشور ما بین سنت و مدرنیته، آموزه‌های اسلامی و عملکردهای غربی، اهداف دینی و راهبردهای سکولاریستی، حکومت اسلامی و نهادها و ساختارهای غیراسلامی قرار دارد. بروز چنین پارادوکسی در نگرش‌ها و ساختارهای مدیریتی کنونی کشور برای ایجاد این تحول بزرگ و رسیدن به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ناکارآمد می‌باشد.

از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، در فرایند اجرا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید کاملاً منطبق بر محیط آینده باشد تا بتواند از ناهمواری‌های آینده عبور کند و اثرگذار باشد. اولین و مهم‌ترین چالش پیش‌روی سند، نیاز به ابتدای اجرایی سند براساس فضای اجرایی آینده کشور است. در واقع، مهم‌ترین تهدید سند الگو، آن است که این سند با واقعیت‌های محیطی و شرایط اقتضایی آینده نامأنوس باشد و نتواند در فضای آینده، به خوبی اجرایی گردد. لذا در گام اول باید تلاش شود محیط را پذیرای پیاده‌سازی الگو

نمود و با طرح راهبردهایی و با شناسایی ابعاد گوناگون محیط آینده، سند را تا حد امکان به شرایط محیطی مناسبی نزدیک نمود.

• دومین چالش پیش روی سند، روش تدوین چشم انداز آن است، همان گونه که می دانیم سند می بایست با نگاه به تمدن اسلامی ایرانی تدوین گردد و چشم انداز آن در افق آرمانی و بلندمدت، دستیابی به تمدن اسلامی- ایرانی باشد. تدوین این چشم انداز و ابعاد آن، نیازمند یک چارچوب علمی است. بدین صورت که می بایست ابعاد گوناگون تمدن مطلوب آتی شناسایی شده و هریک از این ابعاد یک به یک ترسیم گردد.

• سومین چالش پیش روی الگو، راه اندازی و استقرار نظام ملی آینده پژوهی می باشد. رسالت اصلی سند الگو، آن است که مجموعه نظامات کشور را به گونه ای ترتیب دهد تا بتواند به تمدن اسلامی- ایرانی دست یابد. بدین منظور یکی از اصلی ترین نظامات، تدوین دیده بانی و استقرار آن در کشور است. در واقع می بایست نظام دیده بانی در نقشه کلان کشور طراحی شود.

برخی از واقعیت های اجتماعی مولد چالش نیز عبارت است از:

- گسترش روندهای گریزپذیر از واقعیت گرایی دینی در خانواده های مذهبی؛
- توجه به گرایش های زیربنایی خانواده های مذهبی به ارزش های مذهبی؛
- تحول نگرشی به انقلاب اسلامی ایران در میان نسل های جدید؛
- بروز زمینه های شکاف در جریان های همسو با جمهوری اسلامی ایران؛
- تحرک پایگاه اجتماعی روحانیون و حوزه های علمیه در خصوص مسائل دینی - فرهنگی؛

- تغییر الگوی روابط والدین و کودکان نسل جدید.

پیشنهادهایی در جهت حمایت از ضمانت اجرای الگوی اسلامی- ایرانی

• طراحی همه جانبه و کل گرای مسیر حرکت پیش رو و پرهیز از غفلت نسبت به برخی ابعاد آشکار و پنهان؛

• گسترش استفاده همزمان از آینده پژوهی، رویکرد سیستمی و برنامه ریزی راهبردی به منظور تدوین و مدیریت نظام های کلان کشور (حال و آینده)؛

- توسعه دانش بومی و اسلامی آینده پژوهی؛
- افزایش انعطاف و کارآمدی اسناد و برنامه‌های ملی در مواجهه با تغییرات محیط آینده؛
- افزایش آینده‌نگری عمومی به عنوان رویکرد حاکم بر جامعه و ابزار همگرایی جامعه به منظور ساخت آینده دلخواه؛
- کاهش غافلگیری مجریان و مدیران در مقابل تغییرات، تحولات و پیچیدگی‌های محیطی آینده؛
- توجه بیشتر به نقش آموزش و پرورش در تربیت انسان‌های شایسته و اثرگذار و آشنایی دانش‌آموزان با اهداف مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛
- ایجاد بستر مناسب فرهنگی در کشور به منظور آشنایی بیشتر جامعه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛
- داشتن چشم‌اندازی جامع و بلندمدت براساس ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه؛
- پرهیز از شعارزدگی و توجه به واقعیت‌های موجود جامعه (امکانات، محدودیت‌ها) و استفاده از تجارب گذشته به منظور رسیدن به الگویی جامع و مطلوب؛
- الگو می‌تواند هماهنگ‌کننده‌ی نظام تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی کشور باشد و حرکتی پیشرو در تاریخ انقلاب اسلامی و ملت ایران محسوب شود؛
- تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی - ایرانی و خانواده‌محور با تسهیل ازدواج با هدف تحکیم خانواده و ارتقای فرهنگ سلامت؛
- آماده نمودن جامعه برای تحولات پیش‌رو و ممانعت از غافلگیری در مقابل روندهای آتی و تحولات احتمالی آینده؛
- آماده‌سازی جامعه به منظور واکنش مناسب در مقابله با سناریوهای نامطلوب احتمالی یا حتی روند شکن‌ها، رویدادهای ناگهانی و شگفتی‌سازها.

منابع

- آریلاستر، آنتونی (۱۳۶۷). ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس مخبر. تهران. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کیهان، چاپ هفتم.
- اسماعیلی گیوی، حمیدرضا؛ منصوری، علی نظر؛ موسوی خطیر، سید جلال و احمد فضائلی. (۱۳۹۷). شناسایی راهبردهای ارتقای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، ۲۶(۴): ۷۸-۵۱.
- افروغ، عماد، مصاحبه با روزنامه جام جم. (۱۳۸۹). پیشرفت با عقلانیت غیرابزاری، جام جم آنلاین.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۹). ویژه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. خبرگزاری فارس، سخنرانی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی.
- خوش‌چهره، مجید؛ حبیبی، نیک‌بخش. (۱۳۹۱). اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران، راهبرد، ۲۱(۶۲): ۲۴۴-۲۱۹.
- زاهدی مازندرانی (۱۳۹۸). نقد سند الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر الزامات توسعه، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۳: ۶۹-۷۳.
- ساعد، نادر. (۱۳۹۰). چارچوب تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و جنبه‌های دفاعی آن، رهیافتی حقوقی، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۹(۳۲).
- سلیمی فر، مصطفی. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر الگوی توسعه اسلامی ایرانی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.
- سنجولی، زینب. (۱۳۹۲). تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، ۲(۳): ۷۶-۱۰۲.
- عبدالملکی، حجت اله. (۱۳۹۱). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت منطقه‌ای (مقدمه‌ای بر مفهوم، فرآیند و چارچوب برنامه‌ریزی)، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، ۴(۲): ۵۱-۲۱.
- علایی، حسین. (۱۳۹۰). مؤلفه‌های تأثیر گذار بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با توجه به تجربیات دوران دفاع مقدس. مجله سیاست دفاعی، ۷۴: ۹-۴۱.

عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۹۵). شش پرسش و پاسخ آینده‌پژوهانه پیرامون سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران، اردیبهشت ۱۳۹۵.

قاضی زاده، سید ضیاء الدین. (۱۳۸۹). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و نقش نیروهای مسلح. فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، ۳۱: ۶۲-۳۱.

کاپلستون، فردریک. (۱۳۷۶). تاریخ فلسفه. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش .

کرامت زاده، عبدالمجید. (۱۳۸۷). تفکر راهبردی و آینده پژوهی، مجله سیاست دفاعی، ۱۶(۶۲).

محمدری شهری، محمد. (۱۳۷۸). میزان الحکمه. قم: مؤسسه دارالحديث.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۸). آموزش فلسفه. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

مقام معظم رهبری، بیانات در دانشگاه سمنان، وبگاه مقام معظم رهبری، (۱۳۸۵/۸/۱۸).

مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار استادان و دانشجویان استان کردستان، وبگاه مقام معظم رهبری، (۱۳۸۸/۲/۲۷).

مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، وبگاه مقام معظم رهبری، (۱۳۸۶/۲/۲۵).

مقام معظم رهبری، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، وبگاه مقام معظم رهبری (۱۳۸۹/۹/۱۰).

میر معزی، سید حسین. (۱۳۸۹). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.

میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۱). الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و اسلامی‌سازی علوم انسانی، ماهنامه زمانه، شماره ۷.

Sturdivant, P. F. (1977), *Business and Society: A Managerial Approach*, New York, Richard D. Irwin.

Cambridge Dictionary, Retrieved from: <http://dictionary. Cambridge.org>.

Oxford Dictionary, Retrieved from: <http:// en.oxforddictionaries.com>.

Johnson, G. (2008). A brief history of the idea of progress, *The Occidental Quarterly*, 8(1): 7-16.

شناسایی فراروندهای فضای سایبر موثر بر آینده دیپلماسی عمومی (با رویکرد تحلیل ساختاری، تاثیر متقابل)

محمد مهدی افشار*

کیهان برزگر**

داود کیانی***

چکیده

سؤال اصلی و هدف اصلی تحقیق حاضر، شناسایی فراروندهای موثر بر آینده دیپلماسی عمومی است. بنابراین پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و منابع معتبر، فهرستی از فراروندها و روندهای کلیدی فضای سایبر موثر بر آینده دیپلماسی عمومی شناسایی شد، سپس با بهره‌گیری از روش‌های آینده‌نگاری، روش تحلیل ساختاری/تأثیرات متقابل، ماتریس تاثیر متقابل طراحی گردید و با اخذ نظر ۱۲ نفر از خبرگان و اجماع نظرات آنان درباره تاثیرگذاری عوامل بر یکدیگر وارد ماتریس شد. با تحلیل داده‌های به دست آمده از ماتریس با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک، میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری هر کدام از عوامل و پراکنش عوامل از جمله پایدار و ناپایدار، مشخص و ارزیابی شده است و تمامی روندها در قالب متغیرهای استراتژیک و تعیین‌کننده یا متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای دو وجهی، متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته، متغیرهای مستقل و متغیرهای تنظیمی دسته‌بندی گردیدند و نهایتاً براساس تحلیل‌های نرم‌افزاری صورت‌گرفته روندهای راهبردی موثر شناخته و مشخص شدند که عبارتند از: ترویج هوش مصنوعی، افزایش اتصالات، ظهور مدل‌های نوین در کسب‌وکار، تهدیدات خارجی، جهانی شدن، حمایت از سرمایه فکری، تجارت جهانی، ثبات سیاسی، تغییرات گفتمانی، موزانه قوا، ارتباطات استراتژیک، افزایش رسانه‌های شبکه‌های مجازی، ارتباطات اقتصادی و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی؛ این متغیرها به عنوان بازیگران اصلی در آینده دیپلماسی عمومی محسوب می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی عمومی، آینده‌نگاری، فراروند، روند، فضای سایبر

* دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
Mafshar123@gmail.com

** دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
Kbarzegar@hotmail.com

*** دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
Dkiani@outlook.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۷

فصلنامه راهبرد، سال بیست و نهم، شماره نود و چهار، بهار ۱۳۹۹، صص ۹۷-۱۲۹

مقدمه

جهان معاصر عرصه تحولات شگرف و پویایی ای شتابنده است، تغییرات؛ چنان غافلگیرکننده و برق آسا از راه می‌رسند که کوچک‌ترین کم‌توجهی می‌تواند به بهای گزاف غافلگیری راهبردی در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی تمام شود. در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت‌هایی بیشتری دارد تا تلاشی برای معماری آینده است؛ اگرچه این تلاش همواره با خطرپذیری فراوان قرین بوده است؛ اما به‌هرحال پذیرش این مخاطره به مراتب عاقلانه‌تر از نظاره‌گر بودن تحولات آینده است (خزایی، ۱۳۹۰: ۳). آینده‌نگاری یکی از حوزه‌های پژوهشی است که موفقیت سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها را در حوزه‌ها و ابعاد گوناگون فعالیت‌های‌شان در آتی بررسی می‌کند. امروزه مأموریت و تلاش عمده برنامه‌ریزی در کشورهای توسعه‌یافته علاوه بر توجه به چالش‌های کنونی و ارائه رهیافتی مقطعی، تفکر درخصوص چالش‌های آینده و نحوه‌ی مواجهه و قدرت‌یابی در آن عرصه و برنامه‌ریزی؛ هم‌اکنون به دنبال تسخیر آینده با اندیشه‌ی ایفای نقش جدی و سهم‌خواهی است (گل‌سان، ۲۰۰۸)^۱. دستگاه سیاست خارجی هر کشور یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در هر دولتی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه در آینده با تغییرات مداوم و محیطی نامطمئن و با افزایش رقابت‌ها با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌رو است و از طرفی با پدیدار شدن زمینه‌هایی همچون گونه‌های دیگر دیپلماسی اعم از عمومی، فرهنگی و ورزشی، شناسایی

فراروندهای موثر بر آینده‌ی این حوزه دارای اهمیت شایانی می‌باشد تا دستگاه دیپلماسی بتواند با آشنا شدن با تغییرات و چالش‌ها فرارو در آینده و همچنین با آشنا شدن تأثیر فراروندها، برای موفقیت خود برنامه و سناریوی مطلوب را انتخاب و از استراتژی مناسبی استفاده کند تا در عرصه فعالیت خود پیشگام و موفق شود زیرا مطالعات آینده به عنوان عنصر اساسی برای هر استراتژی شناخته شده است. با توجه به فاصله‌ای که دستگاه دیپلماسی کشور ما با دنیا دارد باید با برنامه‌ریزی‌های مناسب و استراتژی مطلوب و استفاده از فناوری‌های جدید و فرهنگ‌سازی آن در آینده‌ی نزدیک، این فاصله را به حداقل برساند تا در عرصه رقابت از رقبای عقب نماند. با توجه به جایگاه و اثرگذاری روندها و فراروندهای فضای مجازی (سایبری) در تمامی حوزه‌های حیات جمعی و حتی فردی و همچنین نقش تأثیرگذار آن در برتری کشورها در دفاع از منافع ملی‌شان، این تحقیق در پی آن است که به بررسی و تحلیل نقش این عامل مهم و حساس در آینده حوزه دیپلماسی عمومی بپردازد. در این راستا با مشخص کردن جایگاه فضای سایبری در قدرت نرم می‌توان به شناخت ابعاد و شیوه‌های استفاده از فضای مجازی (سایبری) برای ارتقای جایگاه در نظام بین‌الملل در حوزه دیپلماسی عمومی پرداخت که موضوعی مهم در حال حاضر به شمار می‌آید.

تغییرات و پیشرفت‌ها در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی - قانونی و فناوری در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه دیپلماسی کشورها باعث تأثیرات و ایجاد چالش‌ها و مسائلی می‌شود. چالش‌های سیاسی جدی که در آینده (از جمله تحریم‌های پی‌درپی ایران و همکاری‌های بین‌المللی؛ فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی تغییرات در سیاست‌های منطقه‌ای) برای کشورها مطرح می‌شود. در این بخش لازم است کشور ایران نیز در این حوزه گام‌های موثر و جدی بردارد. بسیاری از مطالعات آینده‌نگاری در پاسخ به چالش‌ها و بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فناوری آینده یا پیش‌بینی وقوع برخی از روندها می‌باشد. اهمیت مطالعه آینده‌نگاری در این است تا شرایط لازم برای فائق آمدن بر این چالش‌ها شناسایی شود و استراتژی‌ها و برنامه و تدابیر لازم برنامه‌ریزی

گردد. در حال حاضر اهمیت و ضرورت آینده‌نگاری در بعضی از کشورها به خوبی درک شده و به عنوان اقدام زیربنایی برای ساخت آینده مطلوب لحاظ شده است. در صورت مواجهه با تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری در سطح ملی یا بین‌المللی باید خود را با آن تغییرات سازگار کرده یا با ایجاد فناوری‌ها و روش‌های جدید پاسخگوی تغییرات شود. طی بررسی‌های صورت گرفته در تمام تحقیقات علمی در داخل و خارج کشور، پژوهش‌هایی که به موضوعات آینده‌نگاری دیپلماسی عمومی و فراروندهای فضای سایبر به صورت جامع و کامل پرداخته باشند، دیده نشد. برخی پژوهش‌ها ابعادی از این موضوعات را مورد توجه قرار داده‌اند ولی به تأثیر فراروندهای تکنولوژی و روندهای فضای سایبر به عنوان یکی از چالش‌های اثرگذار به طور کامل توجه نشده است.

تحقیق حاضر در پی تحلیل روندها و فراروندهای فضای سایبر است که ابعاد فرصت‌ساز و تهدیدساز فضای سایبر که دارای ابهام است و وضعیت آینده دیپلماسی عمومی را تحت تأثیر این پارامتر قرار می‌دهد، تحلیل می‌کند.

باتوجه به چالش‌های مطرح شده در مطالب فوق برای موفقیت در آینده نمی‌توان نسبت به این چالش‌ها و مسائل بی‌تفاوت بود، بر همین اساس شناسایی و تحلیل فراروندهای فضای سایبر موثر بر آینده دیپلماسی عمومی آشکار است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش این است که فراروندایی مهم و موثر بر آینده دیپلماسی عمومی را تحلیل کند و از این طریق به بررسی میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان فراروندهای کلیدی و موثر بر آینده دیپلماسی عمومی و نهایتاً به شناسایی روندهای راهبردی موثر بر دیپلماسی عمومی، تحلیل و ارزشیابی آن‌ها بپردازد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. آینده‌نگاری^۱

انسان همواره براساس نیازهای درونی، شیفته‌ی کشف آینده و رمزگشایی از آن

بوده است. این سؤالات که «آینده چگونه قابل پیش‌بینی است؟»، «آیا آینده تداوم حال و گذشته خواهد بود؟»، «آیا آینده‌ی پیش‌رو مطلوب ما نیز هست؟»، «مسیرهای مختلفی که ما می‌توانیم در آینده طی کنیم، کدام‌ها هستند؟» و «بهترین مسیرها و ممکن‌ترین مسیرها کدامند؟» تاکنون چالش عمده فکری برنامه‌ریزان و مدیران جهت برخورد با مسائل آینده بوده که عمدتاً برپایه تحلیل روندهای گذشته و ادامه روند وضع موجود بوده است (زالی، ۱۳۹۰: ۱۵). جهت داشتن نمای صریح از آینده الزامی است تا تغییرات محیطی، روندها و فراروندهای آن را در نظر گرفته و براساس وضعیت آن‌ها برای‌شان برنامه‌ریزی کرد.

آینده‌نگاری فناوری برای پشتیبانی از تصمیمات سیاسی در سطح‌های ملی و فراملی مکرراً استفاده شده است. با توجه به روندهای رو به رشد دانش‌محوری در اقتصاد و نوآوری‌ها، هدف قطعی برای تحقق پویاترین اقتصاد دانش‌بنیان جهان خواهد بود. قالب‌های جدید دانش و کاربردهای آن‌ها در محصولات و خدمات، توأم با فناوری‌های دانشی قدرتمند، اهمیت مدیریت دانش را افزایش داده است (میرزایی امینی، ۱۳۸۵: ۳۳).

تاکنون تعاریف و تعبیر مختلفی برای آینده‌نگاری بیان شده است؛ در واقع آینده‌نگاری تلاشی نظام‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت در حوزه‌های دانش، فناوری، اقتصاد، محیط زیست و جامعه است که با هدف شناسایی فناوری‌های نوظهور و تعیین آن دسته از بخش‌هایی که سرمایه‌گذاری در آن‌ها احتمال سوددهی اقتصادی و اجتماعی بیشتری دارد، انجام می‌شود. در واقع، آینده‌نگاری یعنی آمادگی برای آینده و یعنی به کار بردن منابع موجود به بهترین وجه ممکن و در راستای ارزش‌ها (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴: ۲۳) آینده‌نگاری شامل آینده‌نگاری سیستماتیک و آینده‌نگاری مشارکتی است که در زیر به صورت مختصر به آن‌ها پرداخته شده است.

● آینده‌نگاری سیستماتیک

بنا بر نظر ساریتاس (۲۰۰۶) در هنگام مطالعه طراحی آینده‌نگاری در سازمان باید به سازه‌های داخلی از جمله فرآیندهای داخلی، روش‌ها، تجهیزات و فناوری و

همچنین سازه‌های رفتاری از جمله سیاست تعامل اجتماعی، مهارت‌ها، انگیزه، قدرت، سبک‌های مدیریتی توجه کرد. ساریتاس (۲۰۰۶) مدل آینده‌نگاری سیستم را با توجه به عواملی که در هنگام آینده‌نگاری باید بدان توجه کرد را ارائه نموده که در شکل ۱ قابل مشاهده است (کاجنین و اسکاپولو، ۲۰۰۷: ۲۷)^۱.

شکل ۱. مدل آینده‌نگاری سیستمی (ساریتاس ۲۰۰۶ به نقل از کاجنین و اسکاپولو، ۲۰۰۷: ۲۷)



● آینده‌نگاری مشارکتی

آینده‌نگاری یک فرآیند مشارکتی، باز و نظام‌مند است که دارای چشم‌انداز بلندمدت می‌باشد که به طراحی و تدوین و سیاست‌ها می‌پردازد. آینده‌نگاری به روش کمی و کیفی یا به صورت ترکیبی انجام می‌گیرد (ویگانند و دیگران، ۲۰۱۴: ۱۴۹-۱۵۰).

چندین دهه است که در سازمان‌های دولتی و خصوصی، برنامه‌های آینده‌نگاری در مقیاس‌های بخشی، منطقه‌ای و ملی و در حوزه‌های مختلف علم، فناوری، فرهنگ، محیط زیست و غیره اجرا می‌شود، ولی در سال‌های اخیر زمینه و چشم‌انداز این برنامه‌ها بر حوزه علم و فناوری تمرکز داشته است. اکنون آینده‌نگاری علم و فناوری ابزار تصمیم‌گیری دولتی در محیط سیاست علم و فناوری است و در بسیاری از حالات پاسخ سؤالات راهبردی مربوط به علم و جامعه را در یک چشم‌انداز بلندمدت پاسخ می‌دهد. در بیشتر کشورهای در حال توسعه فعالیت‌هایی در زمینه

آینده‌نگاری علم و فناوری با سرعت بی سابقه‌ای پیگیری و اجرا می‌شود. از سوی دیگر، آینده‌نگاری نه تنها شامل درک آینده‌های ممکن است بلکه آمادگی برای اتخاذ تصمیماتی برای آینده نیز هست. آینده‌نگاری با شناسایی گزینه‌های مختلف آینده شروع می‌شود و با بررسی این گزینه‌ها، احتمال وقوع آنها و مطلوبیت آنها را مشخص می‌کند. پس از این مرحله، نوبت به انتخاب گزینه‌هایی براساس معیارهای امکان و مطلوبیت می‌رسد. درواقع، خروجی آن، فهرستی از اولویت‌های برتر از تصاویر آینده است که پس از این انتخاب و مقایسه با وضعیت حال، تصمیمات لازم برای رسیدن به گزینه انتخاب شده اتخاذ می‌شود. این مرحله کار به برنامه ریزی استراتژیک مربوط است که جزو وظایف آینده‌نگاری نیست. آینده‌نگاری تنها در شناسایی مقصد یا هدف تلاش می‌کند.

۱-۲. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی روشی جدید برای تاثیرگذاری بر هویت‌ها، گفتمان‌ها، کنش‌ها، افکار عمومی و شکل‌دهی محیط مناسب برای موفقیت دستگاه دیپلماسی با کمک شبکه‌ها و رسانه‌های جدید جهت تامین منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۶). دیپلماسی عمومی، برنامه‌ریزی استراتژیک و اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی توسط یک کشور حامی برای ایجاد محیط افکار عمومی در کشور هدف است؛ به طوری که رهبران سیاسی کشور هدف را قادر به تصمیم‌گیری حمایت‌گرانه و پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی کشور حامی می‌سازد (آشنا، ۱۳۸۲: ۱۸۷). مرکز‌مورو، دیپلماسی عمومی را تاثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی و شامل ابعادی از روابط بین‌المللی می‌داند که سایر کشورها، تعامل میان منافع گروه‌های خصوصی یک کشور با منافع گروه‌های خصوصی در کشوری دیگر، برقراری ارتباط بین ارتباطات گران نظیر دیپلمات‌ها و فرستادگان به خارج و سرانجام فرایندهای ارتباطات میان فرهنگی از جمله این دیپلماسی هستند (آشنا، ۱۳۸۳: ۲۴۰). موضوع دومی که بسیار جدیدتر است و برخی از مفروضات اصلی دیپلماسی عمومی را که برگرفته از میراث قدیمی دیپلماسی عمومی است

آشکارا با آنهایی که همراه با بحث جهانی سازی هستند، به هم پیوند می دهد؛ عبارت است از تشدید روابط در شبکه های اجتماعی که مرزهای سنتی را - اعم از مرزهای جغرافیایی و مرزهایی که امروزه برنامه های سیاست داخلی و خارجی را از یکدیگر جدا می سازند- درمی نوردند. برآمدن روابط اجتماعی از درون روابطی که به طور سنتی توسط بازارهای پولی تعریف می شد، ظهور گروه های تروریستی، متراکم شدن زمان و مکان و تأثیری که هر یک از این فرآیندها بر نقش مردم در محیط متحول جهانی دارند؛ حکایت از شکل گیری مفروضات جدیدی دارد که در بحث دیپلماسی عمومی مدنظر است (ژان میلسن، ۸۲). مبنای اصلی رویکرد به دیپلماسی عمومی را عمدتاً باید در چند تحول مرتبط با هم ملاحظه کرد. یک- نقشی که افکار عمومی در جهان و در دولت-ملت ها پیدا کرد؛ در واقع، پیشرفت های عظیم در زمینه ارتباطات، موجب شده تا موج گسترده ای از اطلاعات به سرعت در تمام نقاط جهان منتشر شود و از طرف دیگر، تغییر در نظام بین الملل این امکان را فراهم آورده تا افراد در شکل دهی به سیاست و عملکردهای جهانی نقش ایفا کنند؛ به گونه ای که امروزه افکار عمومی بین المللی تأثیر بسیاری در سیاست گذاری ها در مقایسه با گذشته یافته اند. به همین ترتیب، مردم نقش تعیین کننده ای که در تعیین دولت ها و سیاست های داخلی و خارجی کشورها پیدا کرده اند (سیمبر، ۱۳۸۵). دو- تأثیر تصویرسازی ها، باورسازی ها و فرهنگ سازی ها در تغییرات رفتاری انسان ها براساس رشد دانش و مهارت روانشناسی در ابعاد سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی. سه- جابجایی ماهیت منابع قدرت از سخت به نرم نیز یکی دیگر از مبانی نظری رویکرد به دیپلماسی عمومی می باشد. همچنین هرگاه ساختار نظام بین الملل با تغییر و دگرگونی روبه رو شود، طبیعی است که نشانه های امنیتی سیاست بین الملل نیز با تغییراتی همراه خواهد شد. در دوران جنگ سرد، اصلی ترین ابزارهای امنیت ساز را قدرت نظامی تشکیل می داد. هم اکنون می توان نشانه های متنوعی را ملاحظه کرد که به موجب آن مطلوبیت و همچنین کارآمدی «قدرت نظامی» برای امنیت سازی منطقه ای و بین المللی کاهش یافته است. در عصر کنونی دولت ها توجه ویژه ای به منابع قدرت

نرم دارند. ثانیاً آن را بهترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین منبع برای حفظ، توسعه و افزایش منافع و امنیت ملی می‌دانند. موسسات فرهنگی ترجیح می‌دهند که واژه «روابط فرهنگی» را به فعالیت‌هایی که به‌طور غیرمستقیم و در خدمت منافع ملی یا اعتمادسازی در خارج صورت می‌پذیرد، اختصاص دهند. در این بینش، روابط فرهنگی از دیپلماسی (عمومی) متمایز است به این معنا که موسسات فرهنگی صدای غیردولتی را در روابط فراملی طنین‌انداز می‌کنند. همان‌گونه که «مارتین رز» و «نیکوآدهام - اسمیت» می‌نویسند. «دیپلماسی اولاً - به اعتمادسازی مربوط نمی‌شود؛ بلکه به دستیابی به اهداف فراملی ویژه‌ای که از سیاست ناشی می‌شود، ارتباط می‌یابد. اعتماد اغلب نتیجه فرعی دیپلماسی است اما احتمال بودن این اعتماد در کوتاه‌مدت بیشتر از درازمدت است. کشورها برای همیشه دوست یکدیگر نمی‌مانند، همان‌طور که «پالمرستون» بیان می‌دارد: «آنها فقط منافع دائمی دارند». توجه «رز» و همچنین «وآدهام - اسمیت» این است که اگر کارهای آنها از دیپلماسی عمومی جدایی‌ناپذیر باشد، دست‌اندرکاران «روابط فرهنگی» مورد اعتماد نخواهند بود: «آنها در خطر تلقی شدن به مثابه منادی برای منافع سیاسی هستند»؛ این موضوع نه تنها توانمندی ما را برای انجام «روابط فرهنگی» بلکه توانایی ما را برای انجام دیپلماسی عمومی تخریب می‌کند (رز و وادهام - اسمیت، ۲۰۰۴).^۱ برخی دیگر ضمن سه بعدی تصور کردن دیپلماسی، در عبارت‌گزینی هر یک از این ابعاد نگاه متفاوتی ارائه داده‌اند در این میان، «جوزف نای» در کتاب قدرت نرم ابعاد سه‌گانه را بدین‌گونه مطرح کرده است: اول؛ ارتباطات روزانه در قالب مطبوعات داخلی و خصوصاً مطبوعات خارجی که چارچوب و زمینه تصمیمات سیاست داخلی و خارجی را تبیین می‌کند. دوم؛ ارتباطات استراتژیک سوم؛ روابط پایدار با افراد تاثیرگذار از طریق برگزاری سمینارها، کنفرانس‌ها، تبادلات فرهنگی، دانشگاهی، آموزشی، اعطای بورسیه و دسترسی به رسانه‌ها. از نظر «نای» هر سه بعد دیپلماسی عمومی نقش اساسی در کمک به ایجاد تصویری جذاب از یک کشور بازی می‌کند و در بهبود چشم‌انداز کسب نتایج مطلوب برای

آن کشور، تاثیرگذار می باشد (نای، ۱۳۸۷).

۳-۱. روند^۱

نمایش روند آینده نگاری به طور کلی برای درک یک فعالیت استراتژیک، سیستم نوآور یا شیوه های یکپارچه سازی سازمان می باشد (کلر و همکاران، ۲۰۱۵: ۵)^۲ روندها به عنوان سیگنال های ضعیفی از تغییرات هستند که به احتمال زیاد در آینده یک سازمان و محیط آن تأثیر می گذارد که افراد این روندها و تأثیر آنها بر سازمان را مورد بررسی قرار می دهند. اگر روندها به درستی تفسیر نشوند به دلیل اطلاعات نادرست سازمان با ریسک اجرای استراتژی نامناسب روبه رو می شوند (لیبل و اسچوارز، ۲۰۱۰)^۳. برخی از روندهای شناسایی شده توسط مطالعات پیشین ارائه شده است.

جدول ۱. برخی از روندهای مطالعات پیشین

روندهای شناسایی شده	اندیشمندان
جهانی شدن اقتصاد جهانی یک شبکه پیچیده از وابستگی ها را ایجاد می نماید. رشد جمعیت در کشورهای صنعتی، غیرصنعتی و تازه صنعتی شده است. توسعه مداوم تکنولوژی براساس قانون افزایش سریع تغییرات در دسترسی جهانی و...	آهوناین و دیگران ^۴
گسترش جریان اطلاعات زنجیره تحویل مستقیم به مصرف کنندگان دستگاه های پیشرفته ارائه صدا و تصویر در تصمیم گیری وضعیت افزایش اعتماد به تجارت الکترونیک و سیستم های پرداخت رشد دستگاه های تلفن همراه افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی کانال های چندگانه در تجارت و...	دلویتهی و تویوچ ^۵ (۲۰۰۹)
رشد اقتصاد در آسیا مشارکت جهانی سازی و محلی اهمیت رشد پایدار مناطق حاشیه ای برای مثال اتحادیه اروپا و...	نیرمی و هیتانن ^۶

1. Trend
2. Keller et al.
3. Liebl and Schwarz
4. Ahvenainen et al.
5. Deloitte and Touche
6. Nurmi and Hietanen

پس از مطالعات روندهای ارائه شده‌ی پیشین و اخذ نظر نخبگان و خبرگان این حوزه، روندهایی که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته و در ذیل فراروندهایی که در سرفصل بعدی به آن پرداخته شده عبارتند از: افزایش رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ترویج هوش مصنوعی، ظهور مدل‌های نوین در کسب‌وکار، تهدیدات داخلی، تهدیدات خارجی، افزایش اتصالات، افزایش یکپارچگی، ارتباطات اقتصادی، ارتباطات فرهنگی و اجتماعی، ارتباطات سیاسی، ارتباطات استراتژیک، روابط پایدار، ارتباطات روزانه، موازنه قوا، تغییرات گفتمانی، جهانی شدن، تجارت جهانی، اقتصاد در حال ظهور، ثبات سیاسی، تغییر الگوی حاکمیت، حمایت از سرمایه فکری تمامی روندهای ذکر شده و فراروندهای مربوطه در قالب جدول ۱ تقسیم‌بندی و عنوان شده است.

۴-۱. فراروند^۱

مفهوم مگاترند یا فراروند از کلمه یونانی «مگا» توسط نایس‌بیت گرفته شده است و صرفاً به عنوان روندی «بزرگ» می‌باشد (نایس‌بیت، ۱۹۸۲: ۱۲). بنا بر مطالعه‌ی صورت‌پذیرفته توسط ساریتاس و اسمیت^۲ (۲۰۱۱) فراروندها نیروهای عظیمی هستند که به چند نسل قبل از وجود انسان برمی‌گردد. فراروندها فعل و انفعالات پیچیده‌ی بسیاری از عوامل می‌باشد (ساریتاس و اسمیت، ۲۰۱۱). با توجه به مطالعات صورت‌پذیرفته در این پژوهش فراروندهای آینده دیجیتال، امنیت مجازی، اینترنت اشیا، ارتباطات، تغییرات ژئوپلیتیکی، تغییرات اقتصادی و تغییرات سیاسی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

آینده دیجیتال: آینده مجازی و جهان مجازی به عنوان یکی از محبوب‌ترین و تاثیرگذارترین مباحث مطالعاتی است (کوهیکامالی و همکاران، ۲۰۱۹). آینده دیجیتال (قدرت محاسباتی، اینترنت، داده‌های بزرگ و فناوری در حال شکل‌گیری اقتصادها و جوامع است) (پاریتاللا و همکاران، ۲۰۱۷). دیجیتال تغییرات اساسی را در چگونگی فعالیت شرکت‌ها به وجود می‌آورد. دیجیتال با استفاده از

1. Megatrend

2. Saritas et al.

داده‌ها و فناوری، مدل‌های جدیدی از کسب‌وکار، محصولات، خدمات و تجارب را فراهم می‌سازد. این امر اساساً تغییراتی در شیوه، مصرف محتوا، ارتباط و دسترسی به محصولات و خدمات فراهم می‌کند. چگونگی واکنش شرکت‌ها به چالش دیجیتالی شدن، امروزه تأثیر زیادی بر بقا و موفقیت آن‌ها در سال‌های آتی دارد. شرکت‌هایی می‌توانند با استفاده از فرصت‌ها و مدیریت ریسک به دیجیتالی شدن روی آورند (ای وای، ۲۰۱۵). دنیای مجازی شامل شبکه‌های دیجیتالی، جوامع آنلاین و محیط‌های شبیه‌سازی شده کامپیوتری، درباره کسب‌وکار، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و روابط شخصی است که در سال ۲۰۲۰ مطرح می‌شود. محیط‌های مجازی به بعدی، آواتارها و تعاملاتی شبیه به زندگی واقعی است که این‌ها باعث می‌شود تا افراد واقعیت‌های مجازی را تجربه کنند. مدل‌های کسب‌وکار جدیدی در نسل‌های بعدی در سال ۲۰۲۰ مطرح می‌شود که کسب‌وکار آینده را براساس تأثیر تکنولوژی و تحت تأثیر قرار گرفتن توسعه محصول را نشان می‌دهد (زیوفرات، ۲۰۱۰).^۱ دنیای دیجیتالی، هوشمندسازی و تلفن همراه، سازمان‌ها را برای ساخت و پشتیبانی از زیرساخت‌های فناوری کاملاً جدید هدایت می‌کند. این فناوری‌ها مانند وب، یکپارچه‌سازی فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی، موبایلیته کردن و ... شرکت‌ها را قدرتمند کرده تا محصولات و خدمات، تجربه مشتری و عملیات و نیروی کار را توانمند کنند (ای، ۲۰۱۵).

امنیت مجازی: «منظور از فضای سایبر یا فضای مجازی ترکیبی از ده‌ها هزار رایانه به هم پیوسته، سرویس‌دهنده‌ها، شبکه‌های ارتباطی، سوئیچ‌ها و کابل‌های فیبر نوری است که امکان ایجاد ارتباطات را در یک سیستم جامع فراهم می‌آورد. کارآمد و سالم بودن فضای سایبر در کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است» (افتخاری، ۱۳۸۲: ۵). امنیت سایبر به‌طور فزاینده‌ای در قسمت‌های مختلف زندگی افراد متصل گردیده است. با توجه به حملات سایبری، نوآوری مستمر برای ایجاد یک محیطی امن برای افراد و شرکت‌ها ضروری می‌باشد. جهت درک امنیت سایبر

باید تهدیدات بالقوه و تکامل فناوری‌های امنیتی درک گردد (آی دی ای، ۲۰۱۲).^۱ باتوجه به افزایش روزافزون فناوری، وجود تهدید سایبری رو به افزایش است، بنابراین باید اولویت استراتژیک بر امنیت سایبری تمرکز داشته باشد. متخصصان امنیت فناوری اطلاعات باید با ایجاد امنیت سایبری قوی در سازمان‌ها در هنگام نوآوری و ایجاد تغییرات مهم در عملکرد، فعالیت و فرایندهای کاری، این موضوع حائز اهمیت را مدنظر قرار دهند.^۲

اینترنت اشیا: بنابر نظر لی که در سال (۲۰۱۵) مطرح نمود اینترنت اشیا به عنوان یکی از مهم‌ترین فناوری‌های آینده شناخته شده است که توجه بسیاری از صنایع را به خود جلب کرده است (لی، ۲۰۱۹: ۱). یلمین و فریس (۲۰۰۹) اینترنت اشیا را به عنوان یک زیرساخت جهانی تعریف کرد که خدمات متقابل را با اتصال اشیای فیزیکی و مجازی با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطات متقابل فراهم نمود (الوانی و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۹۰). اینترنت اشیا به عنوان یک تکنولوژی جدید و در حال ظهور است که پیامدهای زیادی در سراسر طیف کاری و زندگی افراد دارد. این تکنولوژی ادغام دنیای فیزیکی و آنلاین را فراهم کرده و فرصت‌ها و چالش‌های زیادی را برای شرکت‌ها و دولت‌ها و مصرف‌کنندگان فراهم می‌سازد. بنابر نظر سامت (۲۰۰۹) این الگوی زیبایی از روندهای تکاملی بین فناوری و جامعه را به تصویر می‌کشد؛ هرکدام دارای نیاز و انتظاراتی هستند. با دیدن این موقعیت فعلی ما در بستر فرایند تکاملی می‌توانیم نگاهی به روندهای نوظهور داشته باشیم (وودهدید و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۶). اینترنت اشیا اساساً ارتباط اشیای فیزیکی با اینترنت است. همه‌چیز را به هم متصل کرده و همانند سیستم عصبی بدن به صورت یک شبکه درمی‌آید. تنها عامل محدودکننده امکانات، تخیل ما است. پتانسیل این صنعت بسیار زیاد است. برآورد شده است که در سال ۲۰۲۰، ۳۰ میلیارد اشیا به اینترنت متصل می‌شوند که درآمد حدود ۷٫۱ تریلیون دلار تولید می‌کند^(۱). دولت‌ها می‌توانند از کاربرد اینترنت اشیا بهره‌مند شوند.

1. IDA

2. Ponemon Institute, February 2018

صنعت، تجارت، جامعه و دولت برای ایجاد استانداردهای فنی، ساختارهای حکومتی و توافقات تجاری می‌توانند از اینترنت اشیا بهره برده و با تمای اعضای جامعه همکاری کنند. اینترنت اشیا ما را قادر می‌سازد تا برای مشکلات خود راه‌حل‌های منحصربه‌فردی و غیرقابل‌تصور را ارائه دهیم و می‌تواند فرصت‌هایی را ایجاد کند که اگرچه امروزه قابل پیش‌بینی نیست؛ ولی می‌تواند پایه‌های جهانی دفاعی، فراگیر و هوشمند فراهم سازد. منظور از امنیت اینترنت اشیا، ایجاد یک محیط هوشمندی است که می‌توان به آن اعتماد کرد. اینترنت اشیا شبکه‌ای از میلیاردها دستگاه‌هایی است که می‌تواند از راه دور کنترل شود و مقدار زیادی از اطلاعات را تولید کند. مکانیزیم‌های امنیتی اولیه همانند فایروال‌ها، حفاظت و جلوگیری از نفوذ و سیستم‌های نظارتی و تحلیل ورود به سیستم مورد نیاز است؛ اما این قابلیت‌ها تمام نیازهای امنیتی را برای اینترنت اشیا فراهم نمی‌سازد. ما نیاز به یک رویکرد جدید مبتنی بر یکپارچگی تنگاتنگ بین محصولات رقابتی داریم. استانداردها در این زمینه برخی از مسائل را حل می‌کنند، اما عرضه‌کنندگان هنوز به شیوه‌های امنیتی معتبر نیاز دارند که می‌توانند امنیت در زمان واقعی را در داخل و بین دامنه‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم فراهم کنند (امنیت مدیریت شبکه و ادغام رشته‌های حیاتی برای ساختن اینترنت اشیا)^(۴).

ارتباطات: «جوزف نای» در کتاب قدرت نرم ابعاد سه‌گانه را بدین‌گونه مطرح کرده است: اول؛ ارتباطات روزانه در قالب مطبوعات داخلی و خصوصاً مطبوعات خارجی که چارچوب و زمینه تصمیمات سیاست داخلی و خارجی را تبیین می‌کند. دوم؛ ارتباطات استراتژیک سوم؛ روابط پایدار با افراد تاثیرگذار از طریق سمینارها، کنفرانس‌ها، تبادلات فرهنگی - دانشگاهی - آموزشی، اعطای بورسیه و دسترسی به رسانه‌ها. گسترش روابط پایدار با افراد کلیدی طی سالیان طولانی از طریق اعطای بورس تحصیلی، تبادلات فرهنگی و دانشگاهی، آموزش، برگزاری همایش‌ها و دسترسی به مجاری ارتباطی است، از نظر «نای» هر سه بعد دیپلماسی عمومی نقش اساسی در کمک به ایجاد تصویری جذاب از یک کشور بازی می‌کند و در بهبود چشم‌انداز کسب نتایج مطلوب برای آن کشور، تاثیرگذار

می‌باشد (نای، ۱۳۸۷).

تغییرات ژئوپلیتیکی: ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی چون، موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی و ... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

انواع ژئوپلیتیک اعم از فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی از پارامترهایی است که می‌تواند تغییرات در هر کدام از آنها بر روند دیپلماسی عمومی تاثیر بسزایی داشته باشد.

ویژگی‌های ژئوپلیتیک و تغییرات آن در افزایش توان و منافع ملی کشورها تاثیر اساسی و مستقیم دارد. این ویژگی‌ها را می‌توان در دو دسته تقسیم کرد؛ الف: عوامل ثابت که موقعیت جغرافیایی و شکل‌های آن (دریایی و...)، فضا، تقسیمات، وسعت کشور، وضع توپوگرافی (مرزها و ناهمواری‌ها)، شکل کشورها و انواع آن و غیره را شامل می‌شود. ب: عوامل متغیر که جمعیت، منابع طبیعی و انواع آن (غذایی، معدنی و...)، انرژی و نهادهای سیاسی، اجتماعی و... را دربر می‌گیرد (درايسدالاسدایر، اچ بلیک جرالده، ۱۳۸۶).

تغییرات اقتصادی: یکی از فرارونده‌های مطرح‌شده در آینده ۲۰۳۰ تغییرات اقتصادی است. در اقتصاد جهانی افزایش سطح تجارت بین‌المللی و افزایش جریان سرمایه قابل مشاهده است. اما تا زمانی که کنوانسیون‌های بین‌المللی تقویت نشوند، پیشرفت و سود اقتصادی محقق نخواهد شد. دولت‌ها، باید به روند روابط بین‌المللی اقتصادی و پتانسیل آن بیشتر توجه نمایند. فشارهای عمده‌ای از سوی تجارت آزاد جهانی می‌تواند ۶۵۰ میلیون نفر را از فقر طی یک دوره ۱۰ تا ۲۰ ساله نجات دهد (کام پی ام جی، ۲۰۱۴)^۱.

تغییرات سیاسی: حقوق مالکیت فکری می‌تواند حق انحصاری به وجود آورد. به عبارتی با کسب حمایت قانونی از مالکیت فکری می‌توان از حداکثر پتانسیل

این دارایی‌ها بهره‌مند گردید. اگر ایده‌های نوآورانه، طرح‌های مبتکرانه و برندها و ... مورد حمایت قانونی قرار نگیرند، ممکن است این دارایی‌های نامشهود توسط افراد یا سازمان‌های دیگر مورد استفاده قرار بگیرند. با حمایت قانونی مانع استفاده از آن و بهره‌گیری‌های اقتصادی از این دارایی می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

پروسکیوریاکوا^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود تحت عنوان «آینده‌نگاری فناوری انرژی در اقتصادهای نوظهور» مفهومی جامع از آینده‌نگاری فناوری انرژی را در اقتصادهای نوظهور بیان و ابزارهای کلیدی، چالش‌ها و ضعف‌های عمده را معرفی کرده است. نتایج این مطالعه مورد توجه افراد علاقه‌مند به مباحث آینده‌نگاری، تصمیم‌گیرندگان برای پیشبرد فرایندهای سیاست‌گذاری و اسناد می‌باشد. حسین و همکاران^۲ (۲۰۱۷) به مطالعه «نقشه راه مسیریابی مبتنی بر سنجه برای آینده‌نگاری فناوری» پرداختند. در این پژوهش یک روش جدیدی را برای سناریونویسی آینده‌نگاری فناوری مطرح می‌سازد. آینده‌نگاری فناوری را به عنوان رشته‌ای است که به‌خوبی شناخته شده است و با روش‌های پیش‌بینی‌کننده‌ای چون نقشه‌برداری و برنامه‌ریزی سنوات کار معرفی کرده است. اعمال هر روش پیش‌بینی محدودیت‌های عملی‌ای را نشان می‌دهد، که بعضی از آنها می‌توانند با ترکیب روش‌ها مورد توجه قرار گیرند. لی و همکاران^۳ (۲۰۱۷) به مطالعه «آینده‌نگاری فناوری در چین: مطالعات علمی، اقدامات دولتی و برنامه‌های کاربردی سیاست» پرداختند. مطالعات نظری و فعالیت‌های عملی نشان می‌دهد که آینده‌نگاری فناوری در چین به‌سرعت در حال توسعه است. این روند توسعه را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: اکتشاف، توسعه سریع و بلوغ. فعالیت‌های پیشرو فناوری اطلاعات در چین، ذی‌نفعان را قادر می‌سازد تا با یکدیگر همکاری کنند، که منجر به فرهنگ آینده‌نگاری فناوری می‌شود. علاوه بر این، بسیاری از مشکلات

1. Proskuryakova

2. Hussain et al.

3. Li et al.

در توسعه و برنامه‌ریزی با علم، فناوری و نوآوری می‌تواند حل شود. در این مطالعه کشورهای هم‌چون برزیل، شیلی و کره جنوبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. رتیف و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در پژوهش با عنوان «فراروندهای جهانی و پیامدهای آن‌ها برای ارزیابی محیط‌زیست» به بررسی و ارزیابی آینده محیط‌زیست در دنیای پویای امروزی پرداخته است. در این مطالعه عوامل کلیدی اصلی را جمعیت‌شناسی، شهرسازی، نوآوری‌های تکنولوژیک، تغییرات قدرت و کمبود منابع و تغییرات اقلیمی انتخاب نمودند. سون^۲ (۲۰۱۳) به مطالعه‌ی پژوهشی تحت عنوان «سناریوهای آینده جایگزین کره جنوبی در سال ۲۰۳۰» پرداخته است. در این پژوهش به بررسی پنج سناریوی آینده جایگزین کره جنوبی در سال ۲۰۳۰ برای افزایش درک از آینده بلندمدت پرداخته شده است و با بررسی سؤالاتی همچون کره جنوبی در سال ۲۰۳۰ از لحاظ اقتصاد، سیاست، جامعه و ... چگونه خواهد بود به مطالعه این موضوع پرداخته است. در این مطالعه با ارائه روایات روشن و تخیلاتی مشخص برای هر سناریو و همچنین با ارائه بینشی دراماتیک در مورد معانی عاطفی و نمادین به بهبود ادراک افراد کمک کرده و همچنین آینده ارجح کره جنوبی و تبدیل آن به جامعه بهتر را پیش‌بینی نموده است. کتاب «دیپلماسی عمومی نوین؛ کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل» تالیف: ملیسن، ژن. (مترجمین، رضا کلهر و محسن روحانی) اثر حاضر با رویکردی دوجانبه به بررسی و تحلیل مقوله مهم دیپلماسی عمومی پرداخته و در آن ضمن مبادی و ضرورت‌های بحث، الگوهای متفاوت دیپلماسی عمومی نزد کشورهای کوچ یا قدرت‌های بزرگ به بحث گذاشته شده است. نویسنده ضمن پرداختن به بحث دیپلماسی نوین، در پی آن است تا الزامات مربوط به بازنگری در دیپلماسی را در جهان معاصر از منظر ایرانی، به بحث و بررسی گذارد. برای این منظور نخست مفهوم و عناصر دیپلماسی نوین مشخص شده و در ادامه، ساختار دیپلماسی نوین متناسب با موقعیت ایران، تحلیل می‌گردد. نویسنده دیدگاه خود را در این زمینه

1. Retief et al.

2. Son

مطرح نموده که از دید دستگاه دیپلماسی کشور ج.ا.ایران مورد استناد نیست. کتاب، دیپلماسی عمومی: گذشته، حال و آینده (موسسه ابرار معاصر تهران)؛ در این کتاب بسیار مختصر و خلاصه در ابتدا به تاریخچه دیپلماسی عمومی در جنگ جهانی دوم و بعد از آن پرداخته شده و سپس نگرش فعلی به دیپلماسی عمومی بیان شده است و لیکن به موضوع پایان نامه که درخصوص تأثیر فضای سایبری بر دیپلماسی عمومی کشور ایران می باشد اصلاً اشاره ای نشده است. کتاب راهنمای آینده نگاری فناوری یونیدو (سازمان و روش ها) توسط سوفیاردستانی در سال ۱۳۹۱ ترجمه و چاپ رسیده است؛ در این کتاب ضمن معرفی آینده نگاری فناوری، سازماندهی یک برنامه آینده نگاری فناوری، روش های آینده نگاری فناوری، آینده نگاری فناوری را در سطح فراملی، ملی، منطقه ای فروملی و سطح منطقه ای شرکت مورد بحث قرار داده است. آقاحسینی اشکاوندی و همکاران (۱۳۹۴) به مطالعه «شناسایی و اولویت بندی مؤلفه های قابلیت های آینده نگاری استراتژیک، مدیریت بحران و چابکی منابع انسانی در سازمان انتقال خون پرداختند. جامعه ی آماری این مطالعه، مدیران، مسئولان و کارشناسان سازمان انتقال خون در اصفهان و سه استان حادثه خیز کشور هستند با حداقل ۱۰ سال سابقه کار که ۱۶۰ نفر می باشند، براساس نتایج به دست آمده از روش دلفی برای قابلیت های آینده نگاری استراتژیک ۵ مؤلفه، برای چابکی منابع انسانی ۵ مؤلفه و برای مدیریت بحران ۶ مؤلفه اصلی شناسایی شدند که هر کدام نیز دارای زیرمؤلفه هایی می باشند که براساس روش AHP اولویت بندی و وزن دهی گردیدند. تولایی (۱۳۹۳) در پژوهش خود «آینده پژوهی، روندهای خدمات فضای مجازی ایران در فرایند تکنولوژیک جهانی شدن با روش دلفی» با روش مطالعات اسنادی و کتابخانه ای، روندهای مؤثر در آینده خدمات فضای مجازی را عواملی همچون اسناد بالادستی، تشکیل مرکز ملی فضای مجازی ایران، تغییرات فرهنگی و اجتماعی در به کارگیری اینترنت، رشد زیرساخت های فناوری و ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی، گسترش سواد الکترونیکی، سهولت استفاده و کاربردپذیری خدمات فضای مجازی، هزینه ی نسبتاً کم خدمات فضای مجازی شناسایی نمود.

۳. روش تحقیق

پژوهش از نظر موضوعی، کاربردی - توسعه‌ای و به روش توصیفی و تحلیلی صورت می‌گیرد. در ابتدا توصیفی از آخرین وضعیت دیپلماسی عمومی، چستی آن و نیز منظور و مقصود از فراروندها ارائه می‌شود سپس تاثیر این فراروندها بر آینده‌نگاری دیپلماسی عمومی مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد. از آنجایی که پژوهش به تبیین روابط بین عوامل کلیدی اشاره دارد، می‌توان آن را تبیینی دانست و با توجه به آن‌که به تحلیل و توصیف آینده دیپلماسی عمومی با رویکرد فراروندهای فضای سایبر می‌پردازد؛ یک پژوهش توصیفی محسوب می‌شود. این پژوهش به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) که برخی از عوامل مؤثر فراروندهای فضای سایبر براساس مطالعات کتابخانه‌ای و برخی از آنان از طریق نظرات کارشناسان آشنا در زمینه دیپلماسی عمومی و تکنولوژی‌های نوین و خبرگان دانشگاهی جمع‌آوری می‌گردد. ابتدا با بررسی پیشینه و مبانی نظری و نظر خبرگان عوامل مؤثر بر فراروند فضای سایبر در دیپلماسی عمومی شناسایی می‌شود. سپس داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط پرسشنامه ماتریس تأثیرات متقابل اولیه به عنوان ورودی در نرم‌افزار میک-مک استفاده خواهند شد و نتایج آن تحلیل می‌گردد.

۳-۱. جمع بندی ادبیات تحقیق و استخراج فراروندهای فضای سایبر موثر بر دیپلماسی عمومی

در این بخش با هدف تحلیل و بررسی پژوهش‌های پیشین در حوزه فضای سایبر و دیپلماسی عمومی، براساس نظرات خبرگان و همچنین مطالعات انجام‌شده، روندهای کلیدی و تاثیرگذار بر آینده دیپلماسی عمومی دسته‌بندی و استخراج شده است. در نهایت، روندها و متغیرهای شناسایی شده است که در جدول ۲ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۲. عوامل کلیدی و زیرعواملها

فراروندها	روندها	نام اختصاری	فراروندها	روندها	نام اختصاری
آینده دیجیتال	افزایش رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی	i.m.v.n	تغییرات ژئوپلیتیکی	موازنه قوا	Bp
	زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی	i.c.i		تغییرات گفتمانی	d.c.h
	ترویج هوش مصنوعی	p.a.i	تغییرات اقتصادی	جهانی شدن	G
	ظهور مدل‌های نوین در کسب و کار	e.n.m.b		تجارت جهانی	w.t
امنیت مجازی	تهدیدات داخلی	i.th	تغییرات سیاسی	اقتصاد در حال ظهور	e.e
	تهدیدات خارجی	e.th		ثبات سیاسی	p.s
اینترنت اشیا	افزایش اتصالات	i.c		تغییر الگوی حاکمیت	Ch.p.s
	افزایش یکپارچگی	i.i		حمایت از سرمایه فکری	s.i
ارتباطات	ارتباطات اقتصادی	e.c			
	ارتباطات فرهنگی و اجتماعی	c.s.c			
	ارتباطات سیاسی	p.c			
	ارتباطات استراتژیک	s.c			
	روابط پایدار	i.r			
	ارتباطات روزانه	d.c			

۳-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل خبرگان و کارشناسان آشنا در زمینه دیپلماسی عمومی و تکنولوژی‌های نوین و خبرگان دانشگاهی آشنا با آینده‌پژوهانه و راهبردهای فضای سایبر است که نمونه‌ای آماری متشکل از ۱۲ نفر از خبرگان مذکور می‌باشد که براساس روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری قضاوتی، هدفمند و در دسترس انتخاب شدند.

۳-۳. نرم‌افزار مورد استفاده جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها

نرم‌افزار میک - مک برای انجام محاسبات پیچیده ماتریس بر گذار طراحی شده است. روش این نرم‌افزار بدین گونه است که ابتدا متغیرها و مولفه‌های مهم در حوزه مورد نظر شناسایی شده و سپس آنها را در ماتریسی مانند ماتریس تحلیل تاثیر بر گذار وارد می‌کنند، در پایان، خبرگان میزان ارتباط این متغیرها را با حوزه مربوطه تشخیص می‌دهند. متغیرهای موجود در سطرها بر متغیرهای موجود در ستون‌ها، میزان تاثیرپذیری را نشان خواهند داد (زالی، ۱۳۹۰: ۸۹). در تحلیل‌های

ماتریس متقاطع با نرم افزار میک- مک شش مرحله ای انجام می شود:

- درک سیستمی و مشاهده پایداری یا ناپایداری سیستم؛ شناسایی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها؛ شناسایی عوامل و پیشران های اصلی و استفاده از آن ها در سناریونویسی؛ درک کلی از سیستم و پرهیز تحلیل جزئی؛ شناسایی عوامل ناپایدارکننده سیستم؛ شناسایی محیط به واسطه سنجش تأثیرگذاری (روحانی، آجرلو، ۱۳۹۴).

۴. یافته ها

۴-۱. تحلیل داده های گردآوری شده از ماتریس متقابل

این روش یکی از روش های کمی / کیفی آینده پژوهی محسوب می شود. تأثیرات متقابل روشی برای تحلیل احتمال وقوع یک موضوع در یک مجموعه مورد پیش بینی است. احتمالات این موضوع می تواند با قضاوت هایی درباره قابلیت بالقوه تأثیر متقابل میان موضوع های مورد پیش بینی تنظیم شود (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴: ۲۱۹).

ماتریس تحلیل تأثیر متقابل با اخذ نظر خبرگان متشکل از ۱۲ خبره تکمیل گردید. ابعاد ماتریس ۲۲×۲۲ بود، بدین ترتیب خبرگان قضاوت های خود را در مورد هر یک از عوامل مندرج در سطر، بر تمامی عوامل که در ستون درج شده اند، تکمیل نمودند. مجموع اعداد هر سطر بیانگر جمع فعال و مجموع داده های هر ستون بیانگر غیرفعال است. پس از تکمیل ماتریس اثرات متقابل، داده های این ماتریس وارد نرم افزار میک-مک شد. عوامل به دست آمده از توزیع متغیرها بیانگر این است که عوامل برگزیده تأثیر زیاد و پراکنده ای بر یکدیگر داشته و در واقع وضعیت سیستم، ناپایدار محسوب می شود. در این تحقیق ماتریس براساس شاخص آماری با دوبار چرخش از مطلوبیت و بهینه شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار بوده است که حاکی از روایی بالای ماتریس و پاسخ ها می باشد. نتایج تحلیل اولیه داده های ماتریس تأثیرات متقابل (تحلیل ساختاری) در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل اولیه داده های ماتریس تاثیرات متقابل (تحلیل ساختاری)

شاخص	اندازه ماتریس	تعداد چرخش	تعداد عدد صفر	تعداد عدد یک	تعداد عدد دو	تعداد عدد سه	درجه پر شدگی
مقدار	۲۲	۲	۲۲	۶۴	۱۲۵	۳۷۳	% ۹۵/۴۵

۲-۴. میزان اثرگذاری و اثرپذیری روندها بر یکدیگر

در مرحله بعد می توان رتبه بندی، میزان اثرگذاری و اثرپذیری روندها را براساس جمع فعال و جمع غیرفعال آن ها مشاهده نمود. در ماتریس متقاطع جمع اعداد سطرها و هر متغیر به عنوان میزان تأثیرگذاری و جمع ستونی هر متغیر نیز میزان تأثیرپذیری آن متغیر را از متغیرهای دیگر نشان می دهد. نتایج میزان اثرگذاری و اثرپذیری روندها بر یکدیگر در جدول ۴ قابل مشاهده می باشد.

جدول ۴. رتبه بندی ماتریس ها براساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری

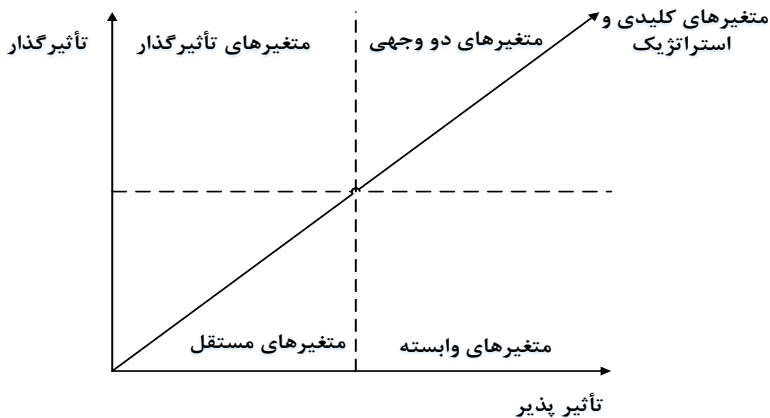
متغیر	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری	متغیر	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری
افزایش رسانه ها و شبکه های مجازی	۵۸	۵۶	ارتباطات استراتژیک	۵۱	۵۵
زیرساخت های اطلاعاتی و ارتباطی	۴۷	۴۰	روابط پایدار	۴۶	۴۹
ترویج هوش مصنوعی	۵۷	۵۰	ارتباطات روزانه	۳۹	۴۶
ظهور مدل های نوین در کسب و کار	۵۳	۵۲	موازنه قوا	۵۲	۵۵
تهدیدات داخلی	۴۱	۵۰	تغییرات گفتگمانی	۵۳	۵۵
تهدیدات خارجی	۵۱	۵۳	جهانی شدن	۵۹	۵۳
افزایش اتصالات	۵۵	۵۱	تجارت جهانی	۶۰	۵۵
افزایش یکپارچگی	۴۳	۴۲	اقتصاد در حال ظهور	۵۶	۴۸
ارتباطات اقتصادی	۵۸	۵۷	ثبات سیاسی	۵۶	۵۵
ارتباطات فرهنگی و اجتماعی	۵۵	۵۸	تغییر الگوی حاکمیت	۴۲	۴۵
ارتباطات سیاسی	۴۶	۵۴	حمایت از سرمایه فکری	۵۵	۵۴

۳-۴. تحلیل سیستم

شکل ۱ جایگاه متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر را در یک نمودار دوی بعدی نشان می دهد. متغیرهای استراتژیک، متغیرهایی هستند که هم قابل دستکاری و کنترل باشند و هم بر پویایی و تغییر سیستم تأثیرگذار باشند. با این توصیف متغیرهایی را که تأثیر بالایی دارند، ولی قابل کنترل نیستند، نمی توان به عنوان متغیر استراتژیک محسوب کرد. اگر نمودار وضعیت متغیرها را به صورت یک شبکه مختصات فرض کنیم، متغیرهای قرار گرفته در ناحیه ۲ چنین وضعیتی دارند. برنامه ریزان به ندرت قادر به تغییر این متغیرها هستند. متغیرهای قرار گرفته در ناحیه ۳ شبکه

مختصات تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار پایینی دارند و نمی‌توانند متغیر استراتژیک محسوب شوند. متغیرهای ناحیه ۴ به دلیل وابستگی شدید به سایر متغیرها خاصیت استراتژیک ندارند و بیشتر، نتیجه سایر متغیرها محسوب می‌شوند. اما متغیرهای ناحیه ۱ متغیرهای استراتژیک هستند، چرا که هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم بر سیستم تأثیرگذاری قابل قبولی دارند. درواقع هرچه از انتهای ناحیه ۳ به سمت انتهای ناحیه ۱ شبکه مختصات نزدیک‌تر می‌شویم، بر میزان اهمیت متغیر افزوده می‌شود (ربانی، ۱۳۹۱). جایگاه متغیرهای استراتژیک در شکل ۲ نشان داده شده است.

شکل ۲. جایگاه متغیرهای استراتژیک (ربانی، ۱۳۹۱)



۴-۴. وضعیت کلی سیستم

در بخش تحلیل میک-مک دو نوع از پراکنش عوامل از جمله پایدار و ناپایدار تعریف می‌گردد. در سیستم پایدار پراکنش متغیرها به صورت حرف انگلیسی L است، اما در صورتی که عوامل در حول قطر مرکزی باشند که در اکثر موارد، حالت بینابینی از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را بیانگر است که ارزیابی و شناسایی عوامل اصلی دشوار و وضعیت پیچیده‌تر است. می‌توان فهمید وضعیت ناپایداری سیستم می‌باشد؛ زیرا اکثر متغیرها در اطراف محور قطری صفحه پراکندگی هستند. می‌توان بیان نمود متغیرها دارای تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی می‌باشند که به

تفصیل در مورد هردو تأثیر مستقیم و غیرمستقیم به صورت مجزا پرداخته می‌شود. در تحلیل صفحه پراکندگی متغیرها را می‌توان به متغیرهای تعیین‌کننده یا تأثیرگذار، متغیرهای دوجهی (شامل متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف)، متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه سیستم و متغیرهای مستقل و متغیرهای تنظیمی تقسیم نمود.

متغیرهای تعیین‌کننده یا متغیرهای تأثیرگذار: با توجه به نوع سیستم که در این پژوهش متغیرهای تأثیرگذار در گوشه شمال غربی نمودار قرار دارد بنابراین می‌توان به شکل ۳ بیان نمود که اقتصاد در حال رشد به عنوان متغیر تأثیرگذار می‌باشد. این متغیر شامل اقتصاد در حال ظهور می‌باشد.

متغیرهای دوجهی: این متغیرها دارای ویژگی‌های تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالایی هستند و هر عملی بر این متغیرها روی سایر متغیرها نیز واکنش و تغییری را ایجاد خواهد نمود. متغیرهای دوجهی شامل متغیرهای هدف و متغیرهای ریسک می‌باشند. این متغیرها عبارتند از: ترویج هوش مصنوعی (p.a.i)، افزایش اتصالات (i.c)، ظهور مدل‌های نوین در کسب و کار (e.n.m.b)، تهدیدات خارجی (e.th)، جهانی شدن (g)، حمایت از سرمایه فکری (s.i)، تجارت جهانی (w.t)، ثبات سیاسی (p.s)، تغییرات گفتمانی (d.c.h)، موازنه قوا (b.p)، ارتباطات استراتژیک (s.c)، افزایش رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی (i.m.v.n)، ارتباطات اقتصادی (e.c) و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی (c.s.c).

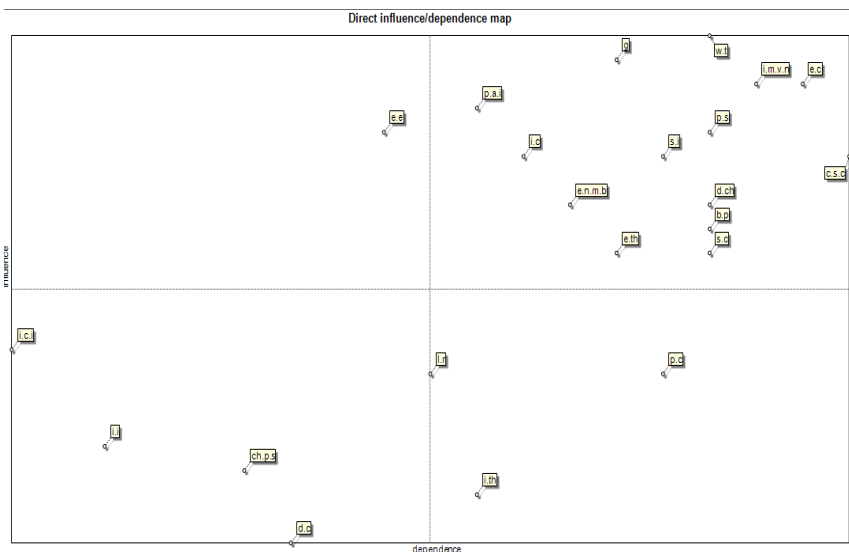
متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته: این متغیرها در قسمت جنوب شرقی نمودار قرار دارند و می‌توان آن‌ها را متغیرهای نتیجه نیز نام‌گذاری نمود. این متغیرها از تأثیرپذیری بسیار بالا از سیستم و تأثیرگذاری بسیار پایین در سیستم برخوردارند. مانند تهدیدات داخلی (i.th)؛ ارتباطات سیاسی (p.c)

متغیرهای مستقل: این متغیرها دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی هستند؛ این متغیرها در قسمت جنوب غربی نمودار قرار دارند. با توجه به ماهیت ناپایدار سیستم، بخشی از این متغیرها متغیرهای خروجی مستقل نامیده می‌شوند. متغیرهای مستقل را می‌توان به دو دسته متغیرهای مستقل از سیستم و متغیرهای

مستقل نتیجه سیستم تقسیم نمود. متغیرهای مستقل عبارتند از: زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی (i.c.i)، افزایش یکپارچگی (i.i)؛ تغییر الگوی حاکمیت (ch.p.s)؛ ارتباطات روزانه (d.c).

متغیرهای تنظیمی: این متغیرها در نزدیکی مرکز ثقل نمودار قرار دارند، در واقع حالت تنظیمی داشته و معمولاً به عنوان اهرمی ثانویه عمل می‌کنند. بسته به سیاست‌ها در خصوص اهداف، این متغیرها قابل ارتقا به متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای تعیین‌کننده یا متغیرهای هدف و ریسک هستند. متغیر تنظیمی عبارتند از: روابط پایدار (i.r).

شکل ۳. نقشه پراکندگی متغیرها و جایگاه آنها در محور تاثیرگذاری - تاثیرپذیری براساس نام اختصاری متغیرها



باتوجه به نتایج مشخص در شکل ۳ می‌توان متغیرهای راهبردی را شناسایی نمود که در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. متغیرهای راهبردی شناسایی شده

ترویج هوش مصنوعی (p.a.i)	افزایش اتصالات (i.c)	ظهور مدل‌های نوین در کسب و کار (e.n.m.b)	تهدیدات خارجی (e.th)	جهانی شدن (g)
حمایت از سرمایه فکری (s.i)	تجارت جهانی (w.t)	ثبات سیاسی (p.s)	تغییرات گفتمانی (d.c.h)	موازنه قوا (b.p)
ارتباطات استراتژیک (s.c)	افزایش رسانه‌های و شبکه‌های مجازی (i.m.v.n)	ارتباطات اقتصادی (e.c)	ارتباطات فرهنگی و اجتماعی (c.s.c)	

۴-۵. سناریوهای محتمل با دو متغیر راهبردی اولویتی

بعد از امتیازدهی صورت گرفته در ماتریس مربوطه و رتبه‌بندی براساس میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری و مشخص شدن متغیرهای راهبردی دو متغیر افزایش رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی و ارتباطات اقتصادی از این لحاظ دارای اولویت بالاتری هستند.

با در نظر گرفتن این دو متغیر می‌توان چهار حالت سناریوی محتمل را که در جدول زیر با وضعیت هر کدام یک بیان شده، ترسیم و بیان نمود.

جدول ۶. تابلوی حاصل از سناریوهای سازگار با دو متغیر راهبردی با اولویت اول و دوم

سناریوی اول	سناریوی دوم	سناریوی سوم	سناریوی چهارم
رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی مطلوب	رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی نامطلوب	رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی مطلوب	رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی نامطلوب
ارتباطات اقتصادی مطلوب	ارتباطات اقتصادی مطلوب	ارتباطات اقتصادی نامطلوب	ارتباطات اقتصادی نامطلوب

براساس امتیازهای داده شده در جدول ۴ میزان تاثیرگذاری این دو متغیر در بین مابقی متغیرها یکسان ولی میزان تاثیرپذیری متغیر ارتباطات اقتصادی از رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی بیشتر است؛ با در نظر گرفتن امتیازات کسب شده توسط این دو متغیر می‌توان به تبیین سناریوهای محتمل پرداخت.

سناریوهای مطلوب یا وضعیت‌های سازگار

● سناریوی اول

در این حالت رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی و ارتباطات اقتصادی هر دو در وضعیت مطلوب قرار دارند. همان‌گونه که مشخص است فضای مجازی به صورت مستقیم

و غیرمستقیم از طریق عوامل متعدد ذکرشده در حوزه‌های مختلف حتی اقتصادی تاثیر بسزایی بر آینده دیپلماسی عمومی دارند لذا نکته‌ی حائزاهمیت اینکه این پارامترها باتوجه به شرایط کنونی و آتی که برای کشورها رقم می‌خورد و میزان اثرگذاری آنها از اهمیت والاتری نسبت به بقیه پارامترهایی که در آینده دیپلماسی عمومی تاثیرگذارند، برخوردارند. وضعیت مطلوب این دو پارامتر برای دستگاه دیپلماسی کشور، دستیابی را هموارتر و سرعت آن را بیشتر می‌نماید. ضمناً اثرگذاری این دو پارامتر بر همدیگر را نیز باید مدنظر داشت.

● سناریوی دوم

در این حالت رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی در وضعیت نامطلوب و ارتباطات اقتصادی در وضعیت مطلوب قرار دارد. در این حالت دستگاه اجرایی و دیپلماسی کشور باید با بهره‌گیری از وضعیت مطلوب ارتباطات اقتصادی به افزایش زیرساخت‌ها و جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری همت گمارد و وضعیت رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی را که در وضعیت مطلوب قرار ندارد با برنامه‌ریزی درست به جایگاه مناسبی ارتقا دهد چراکه این متغیر از متغیرهای راهبردی و اثرگذار بر مابقی متغیرهایی است که می‌تواند در بهبود وضعیت دیپلماسی کشور نیز بسیار تاثیرگذار باشد.

● سناریوی سوم

در این حالت رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی در وضعیت مطلوب و ارتباطات اقتصادی در وضعیت نامطلوب قرار دارد. نقطه‌ی قوت این سناریو، وضعیت مطلوب رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی نسبت به سناریوی قبلی است چرا که اثرگذاری فضای مجازی باتوجه به رشد روزافزون فناوری‌های نوین و فضای مجازی در تمامی عرصه‌های زندگی بشری مطرح است و دیپلماسی عمومی نیز از آن مستثنی نیست و می‌توان در ارتقای جایگاه ارتباطات اقتصادی از این متغیر راهبردی به شرایط مطلوب بهره برد.

وضعیت نامطلوب

● سناریوی چهارم

در این حالت رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی و ارتباطات اقتصادی هردو در وضعیت نامطلوب قرار دارند.

این شرایط می‌تواند دستگاه سیاست خارجی کشور را در دستیابی به اهداف و راهبردهای خود در حوزه دیپلماسی عمومی دچار چالش نماید چرا که این دو متغیر از متغیرهای راهبردی هستند که بیشترین تاثیرگذاری و تاثیرپذیری را بر دیگر متغیرها دارند.

لذا دستگاه دیپلماسی عمومی باید با برنامه‌ریزی مناسب و هدفمند درصدد آن برآید تا با استفاده از این پارامترها که اثرگذاری آنها نیز مشخص شده است، در دستیابی به اهداف و سیاست‌های ترسیمی و ارتقای وضعیت این دو متغیر گام‌های موثر و برنامه‌های اجرایی جدی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به تغییر و تحولات موجود و پیشروی دولت‌ها و صنایع و تاثیر بسزایی که بر ارکان اصلی و ابعاد مختلف زندگی دارد، اهمیت مطالعاتی آن مشخص می‌شود. در نظر گرفتن این روندها و فراروندها برای حفظ و بقای دولت‌ها و صنایع و سازمان‌ها الزامی است. آینده‌نگاری حوزه‌ای مطالعاتی است که نتایج گسترده‌ای در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها دارد. با در نظر گرفتن آینده می‌توان به ضعف‌های سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت‌های فعلی و همچنین چالش‌های اصلی و بنیادین پیشروی صنایع و پی برد. با مطالعه آینده‌نگاری می‌توان راهبردهای سیاستی جدیدی ارائه داد و همچنین می‌توان در راهبردهای سیاستی اصلاحاتی انجام داد. دستگاه سیاست خارجی هر کشور یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در هر دولتی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه در آینده با روندهای محیطی و عدم اطمینان‌ها، تحریم‌ها و افزایش عرصه‌های رقابتی منطقه‌ای و بین‌المللی و شناسایی فراروندهای مؤثر بر آینده‌ی این حوزه دارای اهمیت

شایانی می‌باشد.

پژوهش حاضر در زمینه آینده‌نگاری دیپلماسی عمومی با توجه به فراروندهای فضای سایبر مورد بررسی قرار گرفته است؛ در این حوزه، تحقیقات داخلی تاکنون انجام نگرفته است. در این مطالعه تلاش شده است فراروندها و روندهای کلیدی موثر بر آینده دیپلماسی عمومی شناسایی شود؛ سپس با استفاده از روش تحلیل ساختاری- تحلیل تاثیر متقابل، اقدام به تحلیل این روندها و فراروندها گردد. با توجه به بررسی ادبیات تحقیقات، اسناد بالادستی و نظر خبرگان ۲۲ روند و ۷ فراروند (شامل آینده دیجیتال، امنیت مجازی، اینترنت اشیا، ارتباطات، تغییرات ژئوپلیتیکی، تغییرات اقتصادی و تغییرات سیاسی) شناسایی شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ترویج هوش مصنوعی، افزایش اتصالات، ظهور مدل‌های نوین در کسب‌وکار، تهدیدات خارجی، جهانی شدن، حمایت از سرمایه فکری، تجارت جهانی، ثبات سیاسی، تغییرات گفتمانی، موازنه قوا، ارتباطات استراتژیک، افزایش رسانه‌های شبکه‌های مجازی، ارتباطات اقتصادی، ارتباطات فرهنگی و اجتماعی به عنوان بازیگران اصلی در دیپلماسی عمومی هستند.

آینده دیپلماسی عمومی تحت تاثیر و در گرو پارامترهایی از فضای مجازی است که امروزه نه تنها دیپلماسی عمومی حتی دیگر عرصه‌های بشری نظیر اقتصاد، فرهنگ، سیاست و را نیز تحت تاثیر قرار داده است. از طرف دیگر فضای مجازی به گونه ای تمامی ابعاد حیات بشری را در هم تنیده و تمامی آنها را جزء لاینفکی از هم قرار داده؛ برای همین است که آینده دیجیتال به عنوان فراروند و ظهور مدل‌های نوین کسب و کار که به نظر جنبه‌ی اقتصادی زندگی بشری است و بیشتر در حوزه‌های اقتصادی باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد به عنوان پارامتری اثرگذار در دیپلماسی عمومی مطرح می‌شود. دلیل آن انتقال و افزایش حوزه‌ی نفوذ افکار یک کشور در کشور دیگر از مجرای مدل‌های نوینی است که در فضای مجازی و کسب و کار ایجاد شده است.

بنابراین فضای مجازی از دو بعد باید مورد توجه قرار گیرد؛ اثرگذاری

مستقیمی که این فضا بر پارامترها و عوامل حائز اهمیت در دیپلماسی عمومی دارد و بعد دیگر آن اثرگذاری غیرمستقیمی است که این فضا بر پارامترها و ابعاد مرتبط با دیپلماسی عمومی به صورت غیرمستقیم مانند ارتباطات اقتصادی، کسب و کارهای نوین، اینترنت اشیا و دارد.

درمجموع باتوجه به دو متغیر راهبردی ارتباطات اقتصادی و رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی چهار حالت سناریو با دو وضعیت مطلوب و نامطلوب برای هرکدام از آنها تبیین گردید و سناریوهای سازگار و غیرسازگار یا نامطلوب در این مقاله تدوین شد، دستیابی به چشم‌انداز و اهداف سیاست خارجی ترسیم‌شده ازطریق دیپلماسی عمومی که امروزه جزء اولویت‌های اول دستگاه دیپلماسی کشورهاست، جز با برنامه‌ریزی صحیح و درست و لحاظ کردن روندهایی از فراروندهای آینده دنیا، فضای سایبری و دیپلماسی عمومی که در ۴ سناریوی احتمالی ذکر شده شامل پارامترهای تاثیرگذار در آینده دیپلماسی عمومی میسر نخواهد بود.

دولت و سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان می‌توانند باتوجه به نتایج حاصله، سناریوهایی برای آینده دیپلماسی عمومی درنظرگیرند و با آشنایی و در نظر داشتن این فراروند و روندهای کلیدی موثر آمادگی بهتری برای مقابله با چالش‌ها داشته باشند و متناسب با آنها راهبردها و راهکارهایی را ارائه و پیشنهاد دهند.

یادداشت‌ها

1. <http://foresightinvestor.com>
2. www.fujitsu.com

منابع

- افتخاری، ا. (۱۳۸۲). *استراتژی ملی برای تأمین امنیت در فضای مجازی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۸.
- آقاحسینی اشکانندی، م؛ رضایی دولت‌آبادی، ح؛ نیلی‌پور طباطبایی، س.ا. (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های قابلیت‌های آینده‌نگاری استراتژیک، مدیریت بحران و چابکی منابع انسانی در سازمان انتقال خون اصفهان با استفاده از تکنیک دلفی و AHP، *فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت*، دوره ۲۶ شماره ۱ (پیاپی ۱۰۲)، ۵۵-۶۸.
- بنیاد توسعه فردا. (۱۳۸۴). *روش‌های آینده‌نگاری*، تهران، بنیاد توسعه فردا.
- تولایی، ر. (۱۳۹۳). *آینده پژوهی*، روندهای خدمات فضای مجازی ایران در فرایند تکنولوژیک جهانی شدن با روش دلفی، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال پنجم، شماره چهاردهم، پیاپی ۱۷، ۹۳-۱۲۳.
- خزایی، س. (۱۳۹۰). *آینده‌پژوهی، مفاهیم و ضرورت‌ها*، پایگاه اینترنتی آینده‌پژوهی.
- خسروی، ا؛ رزمجو، ع.ا؛ عنایتی شبکلائی، ع. (۱۳۹۴). *دیپلماسی عمومی جدید؛ بسترساز قدرت دیپلماسی رسانه‌ای، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۲۲، ۱۲۵-۱۴۸.
- درايسدلالاسداير، اچ بلیک جرالده، (۱۳۸۶)، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال افریقا*، دره میر حیدر، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ربانی، ط. (۱۳۹۱). *روش تحلیل ساختاری، ابزاری برای شناخت و تحلیل متغیرهای مؤثر بر آینده موضوعات شهری. نخستین همایش ملی آینده‌پژوهی*، تهران.
- روحانی، آ؛ آرجرلو، س. (۱۳۹۴). *آموزش نرم‌افزار MICMAC قابل استفاده در پروژه‌های سناریونویسی - آینده‌پژوهی*، ناشر آرنا.
- زالی، ن. (۱۳۹۰). *آینده‌نگاری راهبردی و سیاست‌گذاری منطقه‌ای با رویکرد*

- سناریونویسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۵۴، ۳۳-۵۴.
- میلسن، ژ. (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین؛ کاربرد قدرت نرم در روابط بین الملل، مترجمین، رضا کلهر و محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم، ۱۳۸۸
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت
- Alavi, A. H., Jiao, P., Buttlar, W. G., & Lajnef, N. (2018). Internet of Things-enabled smart cities: State-of-the-art and future trends. *Measurement*, 129, 589-606.
- EY.(2015).Imagining the Digital future How digital themes are transforming companies across industries.
- Glasson,P. (2008). Sustainable development concept in world literature.Urban development congress in Menschen. Germany.
- Hussain, M., Tapinos, E., & Knight, L. (2017). Scenario-driven roadmapping for technology foresight. *Technological Forecasting and Social Change*, 124, 160-177.
- IDA. (2012). Co-creating the future infocomm technology roadmap 2012. Singapore avail-able online at:https://www.ida.gov.sg/~media/Files/Infocomm%20Landscape/Technology/TechnologyRoadmap/IDA_ITR2012.pdf.
- Keller, J., Markmann, C., & von der Gracht, H. (2015). “Foresight support systems to facilitate regional innovations: A conceptualization case for a German logistics cluster”, *Technological Forecasting and Social Change*, 27, 15-28.
- Koohikamali, M., Mousavizadeh, M., & Peak, D. (2019, January). Continued Usage and Location Disclosure of Location-Based Applications: A Necessity for Location Intelligence. In Proceedings of the 52nd Hawaii International Conference on System Sciences.
- KPMG, (2014). Future State 2030: The global megatrends shaping governments, kpmg.com/government.
- Lee, I. (2019). The Internet of Things for Enterprises: An Ecosystem, Architecture, and IoT Service Business Model. Internet of Things, 100078.
- Li, N., Chen, K., & Kou, M. (2017). Technology foresight in China: Academic

- studies, governmental practices and policy applications. *Technological Forecasting and Social Change*, 119, 246-255.
- Liebl, F., & Schwarz, J. O. (2010). Normality of the future: Trend diagnosis for strategic foresight. *Futures*, 42(4), 313-327.
- Melkas, H., & Uotila, T. (2007, November). Quality of Data, Information And Knowledge In Technology Foresight Processes. In ICIQ (pp. 131-145).
- Naisbitt, J. (1982). *Megatrends: Ten New Directions Transforming Our Lives*. New York: Warner Books.
- Paritala, P. K., Manchikarla, S., & Yarlagaadda, P. K. (2017). Digital manufacturing-applications past, current, and future trends. *Procedia engineering*, 174, 982-991.
- Proskuryakova, L. (2017). Energy technology foresight in emerging economies. *Technological Forecasting and Social Change*, 119, 205-210.
- Retief, F., Bond, A., Pope, J., Morrison-Saunders, A., & King, N. (2016). Global megatrends and their implications for environmental assessment practice. *Environmental Impact Assessment Review*, 61, 52-60.
- Rose, M., & Wadham-Smith, N. (2004). *Mutuality, trust and cultural relations*. British Council.
- Saritas, O., & Smith, J. E. (2011). The Big Picture—trends, drivers, wild cards, discontinuities and weak signals. *Futures*, 43(3), 292–312.
- Schwarz, J. O. (2008) Assessing the future of futures studies in management. *Futures*, 40(3), 237–246.
- Son, H. (2013). Alternative future scenarios for South Korea in 2030. *Futures*, 52, 27-41.
- Woodhead, R., Stephenson, P., & Morrey, D. (2018). Digital construction: From point solutions to IoT ecosystem. *Automation in Construction*, 93, 35-46.
- ZeevEfrat, (2010). *World's Top Global Mega Trends To 2020 and Implications to Business, Society and Cultures, Executive Summary*.

اهداف راهبردی نظام نخبگانی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

منصوره مهدی زاده*

چکیده

نخبگان، سرمایه های انسانی عظیم هر کشوری محسوب می شوند. مدیریت امور نخبگان نیازمند انسجام و همکاری تمامی دستگاه های اجرایی مرتبط با امور نخبگان تحت عنوان «نظام نخبگانی» است. در حال حاضر یکی از مسائل نظام نخبگانی کشور، عدم برنامه ریزی جامع و فقدان مدیریت راهبردی در امور نخبگان است که منجر به ایجاد چالش های متعددی در زمینه مدیریت امور نخبگان شده است. نخستین گام در برنامه ریزی راهبردی امور نخبگان، ترسیم و تدوین اهداف راهبردی نظام نخبگانی است. از این روی هدف مقاله حاضر عبارت است از بررسی اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور در اندیشه مقام معظم رهبری. برای دستیابی به هدف مذکور، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. واحد تحلیل عبارت است از متون کلیه بیانات معظم له طی سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ در دیدار با نخبگان.

از کدگذاری و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با موضوع تحقیق، ۶ مضمون فراگیر، ۱۱ مضمون سازمان دهنده و ۳۶ مضمون پایه به عنوان اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور استخراج گردید. در مجموع می توان گفت اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور در اندیشه مقام معظم رهبری عبارتند از: تقویت اثرگذاری نخبگان در عرصه های ملی، بین المللی، فرهنگی و اجتماعی، اصلاح و ارتقای انگیزه نخبگان، الگوسازی و تکریم از نخبگان، شناسایی به موقع و صحیح نخبگان همراه با توجه به مخاطرات شناسایی این گروه، پرورش نخبگان از سنین پایین (مرحله بروز استعداد) تا مرحله نخبگی و پشتیبانی فرصت آفرین از آن ها. نظام نخبگانی در کنار اهداف راهبردی مذکور، ماموریت تعالی سازمانی نیز دارد یعنی موظف به رشد و ارتقای خود در تمامی ابعاد و سطوح از جمله در زمینه مدیریتی و ایفای نقش راهبری در جهت دستیابی به تمام اهداف ذکر شده است.

واژه های کلیدی: اهداف، راهبردی، نظام نخبگانی، مقام معظم رهبری

تحقیق حاضر برگرفته از بخشی از نتایج کار پژوهشی است که در بنیاد ملی نخبگان انجام شده است.
* دانش آموخته دکترای بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

Mehdizadeh_mm@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

فصلنامه راهبرد، سال بیست و نهم، شماره نود و چهار، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۶۲-۱۳۱

مقدمه

همواره در طول تاریخ، نخبگان در زمینه‌های مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر حرکت ملت‌ها ایفا کرده‌اند. در دوران کنونی و با توسعه علم، فناوری و تخصص و مهارت، نقش منابع انسانی در توسعه و تعالی ملت‌ها آنچنان پراهمیت شده که قابل قیاس با گذشته نیست، بنابراین توجه ویژه به شناسایی، پرورش، حفظ و بهره‌گیری مطلوب و بهینه از نخبگان؛ مهم و حیاتی است. با توسعه نقش منابع انسانی، شرایط جهانی آنچنان در حال تغییر و تحول است که فقدان سیاست‌های کارآمد و برنامه‌ریزی‌های جامع در قبال نخبگان منجر به از دست رفتن این سرمایه‌های عظیم انسانی خواهد شد. لذا حفظ نخبگان به عنوان سرمایه‌های عظیم انسانی و پیشتازان و طلایه‌داران رشد و پیشرفت و راهگشایان تغییر و تحول در مسیر تعالی و ارتقای توان ملی کشورها، مستلزم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی است. به منظور سرمایه‌گذاری روی نخبگان کشور، مجموعه‌ای از نهادها، قوانین، سازوکارها و روندهایی برای رسیدگی به امور آنان باید وجود داشته باشد. سند راهبردی کشور در امور نخبگان از این مجموعه با عنوان «نظام نخبگانی» یاد می‌کند. «نظام نخبگانی» شامل مجموعه بخش‌های مختلف کشور مشتمل بر نقش‌آفرینان، نهادها، قوانین، سازوکارها و روندهایی است که بر «فعالیت‌های نخبگانی» و «اجتماع نخبگانی» به صورت مستقیم اثرگذارند. (سند راهبردی کشور در امور نخبگان، ۴: ۱۳۹۱) منظور از نظام نخبگانی در این تحقیق کلیه دستگاه‌های اجرایی مرتبط با امور نخبگان است از جمله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش و بنیاد ملی

نخبگان که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه نخبگان می‌پردازند.

براساس اصول بیان‌شده در سند راهبردی کشور در امور نخبگان، توجه حاکمیت به «نظام نخبگانی» (شامل افراد، گروه‌ها، نهادهای مرتبط و روابط پویای بین آن‌ها) است، نه توجه مستقیم به صاحبان استعدادها برتر و نخبگان. (سند راهبردی کشور در امور نخبگان، ۱۳۹۱: ۲۷) زیرا زمانی که نظام نخبگانی مطلوب و در تراز جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم، به‌خوبی به امور نخبگان همراه با رعایت شأن و منزلت آن‌ها رسیدگی خواهد شد. به‌منظور دستیابی به نظام نخبگانی مطلوب، لازم است ابتدا اهداف آن به درستی استخراج و ترسیم شوند.

رهبر معظم انقلاب که با رهنمودها و فرمایشات راهگشا در سطوح کلان کشور، همواره مسیر آینده ارکان مختلف نظام را مشخص می‌نمایند، در برهه‌های مختلف و طی بیانات خود در دیدارهای سالیانه با نخبگان و استعدادهای برتر و همچنین دیدار با مسئولین نظام نخبگانی کشور، بر اهمیت جایگاه نخبگان و وظایف نهادهای حاکمیتی درقبال آنان تأکید داشته‌اند. ازاین‌روی در تحقیق حاضر سعی شده است با بررسی بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، اهداف راهبردی نظام نخبگانی از منظر ایشان استخراج گردد. باشد تا با استخراج اهداف مذکور، مسیر راه آینده نظام نخبگانی، راهبردها و استراتژی‌های دستیابی به اهداف و نحوه برنامه‌ریزی و بسیج منابع آن نظام مشخص شود.

اهمیت و ضرورت و بیان مساله

اهمیت و ضرورت این تحقیق، اهمیت برنامه‌ریزی راهبردی برای سازمان‌هاست. اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان‌های امروزی بر کسی پوشیده نیست. برنامه‌ریزی راهبردی را کوششی نظام‌یافته برای اجرای راهبردهای اصلی سازمان و به‌کارگیری آن برای تحقق مقاصد سازمان می‌دانند.

در فضای مفهومی تحلیل راهبردی، می‌توان به سه معرف اصلی اشاره کرد که عبارتند از: ترسیم اهداف، شناخت امکانات و آرایه بهترین شیوهی اجرا. (Downey،

ترسیم اهداف، اولین گام در تدوین مدیریت راهبردی سازمان است لذا هرچقدر که اهداف و مأموریت‌های سازمان واضح‌تر، زمانمندتر، قابل‌دستیابی‌تر و واقع‌گرایانه‌تر ترسیم شده باشند، تعیین راهبرد و برنامه‌ریزی جهت دستیابی به اهداف سازمانی اصولی‌تر خواهد بود. به عبارتی بدون ترسیم اهداف سازمان، امکان ایجاد مدیریت راهبردی در سازمان وجود نخواهد داشت و بدون راهبرد و مدیریت راهبردی نیز سازمان در دستیابی به اهدافش موفق نخواهد شد.

از این روی ترسیم اهداف راهبردی نظام‌نخبگانی، اولین گام در تدوین مدیریت راهبردی نظام‌نخبگانی است که مسیر راه آینده و راهبردهای عبور از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را تعیین خواهند کرد.

از طرف دیگر از آنجا که مخاطب این برنامه‌ریزی راهبردی، نخبگان هستند؛ ضرورت دیگر این تحقیق، ضرورت توجه به امور نخبگان و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آن‌ها به عنوان پیش‌تازان رشد و پیشرفت و سرمایه‌های انسانی جوامع است.

با گذشت حدود ۱۵ سال از تأسیس بنیاد ملی نخبگان به عنوان رکن اصلی نظام نخبگانی، نهاد مذکور نه تنها در دستیابی به بسیاری از اهداف سازمانی^(۱) خود در رابطه با نخبگان ناکام مانده است، بلکه همچنان شاهد مسائل و مشکلات جدی در زمینه نخبگان هستیم. به عنوان نمونه یکی از این مسائل، چالش مهاجرت نخبگان به کشورهای توسعه‌یافته و ماندگاری آن‌ها در این کشورها است. آمارها حاکی از این است که در سال‌های اخیر نرخ مهاجرت نخبگان و میل ماندگاری آنان در کشورهای توسعه‌یافته افزایش یافته است. افزایش مهاجرت و ماندگاری نخبگان در کشورهای توسعه‌یافته، برای مسئولین، بسیار نگران‌کننده خواهد بود، زیرا در بلندمدت، سرمایه‌های انسانی خود را از دست خواهیم داد و این پدیده سبب از دست رفتن اثرگذاری نخبگان در جامعه و هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های کشور در توسعه اجتماع نخبگانی می‌شود.

بخشی از مشکلات و مسائل نخبگان ناشی از کاستی‌های عملکرد بنیاد ملی نخبگان طی این سال‌ها بوده و بخشی دیگر به عملکرد ضعیف سایر دستگاه‌های

اجرایی مرتبط با امور نخبگان برمی‌گردد؛ از این روی تاکید مقاله حاضر تنها بر بنیاد ملی نخبگان نبوده بلکه سعی شده است اهداف راهبردی کل نظام نخبگانی استخراج گردد.

به منظور حل مسائل و مشکلات نخبگان و با تاکیدى که رهبر معظم انقلاب طى دهه‌های اخیر همواره بر لزوم شناسایی، حمایت، حفظ و نگهداری نخبگان داشته‌اند، ضرورت انجام پژوهشی با عنوان «تدوین اهداف راهبردی نظام نخبگانی از منظر مقام معظم رهبری» احساس شد. باشد تا با استخراج و تدوین این اهداف، نظام نخبگانی بتواند با برنامه‌ریزی دقیق و اصولی، راهبردهای مناسبی برای خروج از وضعیت موجود و حرکت به سمت وضعیت مطلوب در رابطه با مدیریت امور نخبگان کشور تدوین و اجرایی کند و بتواند با اتخاذ رویکرد مدیریت راهبردی، از منابع موجود به بهترین نحو به‌منظور دستیابی به اهداف راهبردی آن نظام استفاده نماید.

پس از آنجایی که شرط بقای سازمان، تفکر آینده‌نگر و راهبردی است، ضروری است که در گام نخست، اهداف راهبردی نظام نخبگانی به‌خوبی ترسیم شود؛ از این روی هدف تحقیق حاضر عبارت است از بررسی اهداف راهبردی نظام نخبگانی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی).

چارچوب نظری

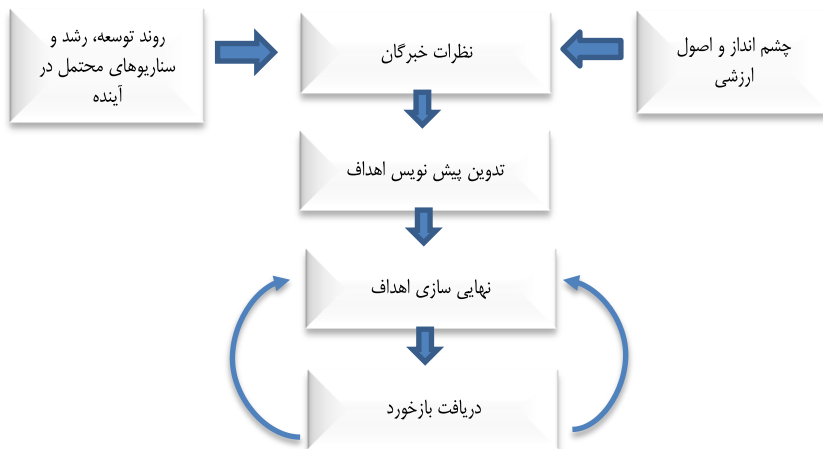
در این مقاله، فرایند تدوین اهداف راهبردی با رویکردی بالا- به - پایین و با هدف ترسیم وضعیت مطلوب نظام نخبگانی از منظر مقام معظم رهبری انجام شده است. یکی از گام‌های اساسی در تعیین ارکان جهت‌ساز هر سازمان، تدوین اهداف در راستای چشم‌انداز تعریف‌شده آن سازمان است. این هدف‌گذاری در سطح کلان، به‌منظور شفاف کردن مسیر نیل به چشم‌انداز انجام می‌گیرد. درحقیقت اهداف مذکور، پاسخگوی این پرسش اساسی است که «برای رسیدن به چشم‌انداز در افق زمانی تعیین‌شده به چه مقاصدی باید دست یافت؟» با تعیین این اهداف، کنشگران دخیل در نظام توسعه، اهداف بلندمدتی را دنبال می‌کنند و در نتیجه برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های خود را براساس آن به‌صورت دقیق‌تر و با جزئیات بیشتر انجام می‌دهند.

در روش‌شناسی پیشنهادی برای تدوین اسناد توسعه، تدوین اهداف با دو رویکرد بالا- به - پایین و پایین- به - بالا صورت می‌پذیرد. رویکرد بالا- به - پایین رویکردی هدف‌محور است که به دنبال ترسیم آینده مطلوب برای توسعه است، در مقابل رویکرد پایین- به - بالا، نگاهی مسئله‌محور به توسعه دارد (باقری‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۶).

در این مقاله، فرایند تدوین اهداف راهبردی با رویکردی بالا- به - پایین و با هدف ترسیم وضعیت مطلوب نظام نخبگانی از منظر مقام معظم رهبری انجام شده است.

یکی از روش‌های تدوین اهداف کلان سازمان‌ها، دریافت نظرات خبرگان هم‌راستا با چشم‌انداز و اصول ارزشی آن سازمان است. اهداف کلان؛ راهنماهای توسعه در سایر مراحل خواهند بود. بنابراین اهداف اولیه طراحی شده، برای نهایی شدن نیازمند تایید دوباره افراد متخصص هستند (باقری‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷۱). اجرای این مرحله به کاهش خطای ناشی از بازنویسی و پالایش اهداف توسط تحلیل‌گران کمک می‌کند. شکل زیر مراحل گرافیکی تدوین اهداف کلان را به طور خلاصه نمایش می‌دهد:

شکل ۱. مراحل تدوین اهداف کلان



در پژوهش حاضر سعی شده با استفاده از آرا و نظرات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به عنوان فردی خبره و صاحب نظر در حوزه نخبگان، اهداف راهبردی نظام نخبگانی ترسیم شود. لذا چارچوب نظری این پژوهش عبارت است از نظریات معظم له پیرامون اهداف راهبردی نظام نخبگانی که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته و یافته‌های تحقیق ذیل آن تحلیل شده است.

مقام معظم رهبری در دیدارهایی که با نخبگان و استعداد‌های برتر، اساتید دانشگاه‌ها، دانشجویان و همچنین مسئولین بنیاد ملی نخبگان، وزارتین مرتبط^(۲) با نخبگان و استعداد‌های برتر و سایر دستگاه‌های مرتبط با امور نخبگان داشته‌اند، در خلال بیانات‌شان به ترسیم اهداف راهبردی نظام نخبگانی پرداخته‌اند.

نخستین هدف راهبردی که معظم له همواره در دیدارهایی که با مسئولین نظام نخبگانی داشته‌اند، مورد تاکید قرار داده‌اند؛ شناسایی صحیح و به موقع نخبگان از سنین پایین تر است. ایشان همچنین معتقدند که معیارها و شاخص‌های شناسایی نخبگان در گروه‌های مختلف (علوم انسانی، فنی - مهندسی، هنر، علوم پزشکی، علوم پایه و ...) متفاوت خواهند بود و نخبگان را نباید با شاخص‌های واحدی شناسایی کرد.

علاوه بر این موارد، مقام معظم رهبری معتقدند که در شناسایی نخبگان بایستی به مخاطرات این شناسایی نیز توجه کرد، از جمله این مخاطرات، سوءاستفاده دشمنان از نخبگان شناسایی شده در داخل کشور است. از این روی در این زمینه باید نهایت احتیاط و رعایت ملاحظات امنیتی مدنظر مسئولین قرار گیرد. پس از شناسایی صحیح و به موقع نخبگان، نوبت به هدایت و پرورش آن‌ها خواهد رسید. ایشان در این رابطه به لزوم نخبه‌پروری و پرورش استعدادها از مرحله استعداد تا نخبگی تاکید دارند.

در کنار شناسایی و هدایت، نخبگان نیاز به حمایت و پشتیبانی نیز دارند، مقام معظم رهبری در این خصوص پشتیبانی معنوی را مهم‌تر از پشتیبانی مادی صرف از نخبگان دانسته و همواره در خلال بیانات‌شان بر لزوم پشتیبانی فرصت‌آفرین از نخبگان تاکید کرده‌اند. در سند راهبردی کشور در امور نخبگان نیز بر لزوم

پشتیبانی فرصت‌آفرین از نخبگان تاکید شده و منظور از آن، حمایت‌ها و پشتیبانی‌هایی از اجتماعات نخبگانی است که اولاً به جای حمایت از افراد و گروه‌ها، معطوف به زمینه‌سازی برای فعالیت آن‌ها در جهت حل مسائل و پیشبرد اهداف نظام جمهوری اسلامی باشد و ثانیاً به صورتی است که مستلزم تلاش افراد و گروه‌ها در انجام فعالیت‌های نخبگانی باشد. (سند راهبردی کشور در امور نخبگان، ۱۳۹۱: ۲۵)

هدف راهبردی دیگر نظام نخبگانی در اندیشه رهبری، تکریم و الگوسازی از نخبگان است. ایشان در این خصوص معتقد به الگوسازی از نخبگان عرصه‌های مختلف در جامعه هستند.

معظم‌له معتقدند که در کنار الگوسازی، نخبگان بایستی مورد تکریم نیز قرار گیرند. به‌زعم ایشان در این زمینه نیازمند فرهنگ‌سازی عمومی در جامعه هستیم، به گونه‌ای که تکریم نخبگان به فرهنگ و عرف عمومی تبدیل شود که در نهایت منجر به ایجاد احساس امیدواری، رضایت و افزایش انگیزه فعالیت در آنان گردد.

هدف راهبردی دیگر نظام نخبگانی در اندیشه رهبری، ایجاد زمینه اثرگذاری نخبگان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی است. مقام معظم رهبری اثرگذاری نخبگان را به عرصه‌های علمی محدود ندانسته و معتقدند که نخبگان باید در تمام عرصه‌های خانوادگی، اجتماعی و حتی بین‌المللی اثرگذار باشند.

معظم‌له پس از تاکید بر ایجاد زمینه اثرگذاری نخبگان به برخی روش‌های افزایش اثرگذاری آنان نیز اشاره می‌کند، از جمله این روش‌ها ایجاد شبکه اثرگذار نخبگان است که از طریق ایجاد تعامل میان نخبگان سطوح مختلف منجر به ورود نخبگان به چرخه نخبه‌سازی و افزایش اثرگذاری آنان در جامعه خواهد شد.

به‌زعم ایشان روش دیگر افزایش زمینه‌ی اثرگذاری نخبگان، رفع موانع فعالیت و استفاده از ظرفیت آن‌ها در مسئولیت‌های مختلف و در سطوح مدیریتی میانی کشور است.

یکی دیگر از اهداف راهبردی نظام نخبگانی در اندیشه رهبری، اصلاح و

ارتقای انگیزه نخبگان است. به‌زعم ایشان نظام نخبگانی مطلوب، نظامی است که بتواند انگیزه لازم را برای انجام فعالیت‌های نخبگانی در نخبگان و استعداد‌های برتر ایجاد کرده و دائماً آن را تقویت و اصلاح کند.

انگیزش به فرایندهایی مانند نیاز، شناخت، هیجان و رویدادهای بیرونی گفته می‌شود که به رفتار، نیرو و جهت می‌دهند (مارشال ریو، ۱۳۸۷: ۷). کارکرد یک فرد، تابع توانایی‌ها و انگیزش اوست. در صورتی که انگیزه نخبگان با سازوکارهای لازم تقویت شود، به تبع نخبگان با انگیزه بیشتر نسبت به نخبگان بدون انگیزه یا با انگیزه کمتر، تلاش بیشتری خواهند داشت که این تلاش بیشتر، منجر به افزایش شتاب حرکت علمی در جامعه و رشد و توسعه علمی و تکنولوژیکی خواهد شد.

در نهایت با بررسی اندیشه مقام معظم رهبری، آخرین هدف راهبردی از منظر ایشان در رابطه با نظام نخبگانی عبارت است از ایجاد تعالی سازمانی. منظور از این هدف، ایجاد زمینه‌های رشد، ارتقا و پویایی در تمام سطوح دستگاه‌های مرتبط با امور نخبگان از جمله بنیاد ملی نخبگان، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر سازمان‌های مرتبط با امور نخبگان و استعداد‌های برتر است.

معظم‌له در این زمینه معتقد به ایجاد مدیریت صحیح، قوی، متمرکز و پویا در نظام نخبگانی هستند. به فرمایش ایشان تعالی سازمانی نظام نخبگانی، علاوه بر مدیریت صحیح، قوی، متمرکز و پویا نیازمند ایفای نقش ستادی و راهبردی بنیاد ملی نخبگان نیز می‌باشد که ایفای این نقش، با ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف مرتبط با نخبگان همراه است.

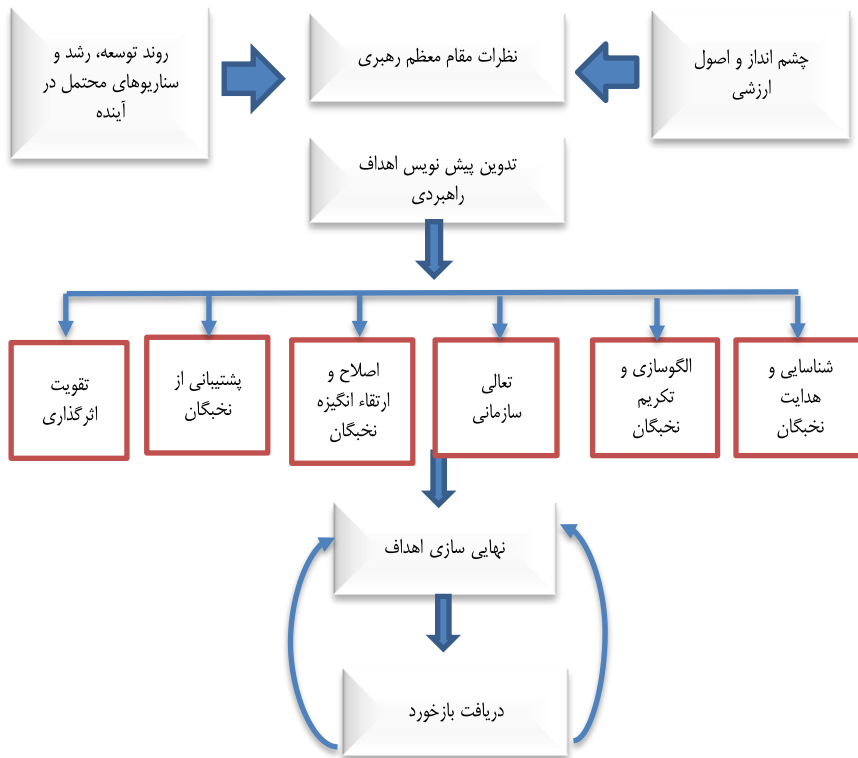
بنیاد ملی نخبگان مطابق بند «۲» ماده سوم (وظایف) از اساسنامه بنیاد ملی نخبگان^(۳) و بند «۴» از بخش «الزامات اجرایی» در فصل چهارم سند راهبردی کشور در امور نخبگان^(۴)، به عنوان یک سازمان فرادستی، وظیفه ایجاد انسجام، یکپارچگی و هماهنگی میان تمام دستگاه‌های اجرایی مرتبط با امور نخبگان را برعهده دارد.

درمجموع با بررسی آرا و نظرات مقام معظم رهبری پیرامون موضوع مقاله،

اهداف راهبردی نظام نخبگانی از منظر ایشان عبارتند از: شناسایی و هدایت نخبگان، پشتیبانی از نخبگان، تقویت اثرگذاری نخبگان، اصلاح و ارتقای انگیزه نخبگان، الگوسازی و تکریم نخبگان و تعالی سازمانی.

اهداف راهبردی شش گانه فوق، به عنوان چارچوب نظری این مقاله در قالب مدل مفهومی زیر نمایش داده شده‌اند:

شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق: اهداف راهبردی نظام نخبگانی از منظر مقام معظم رهبری



پیشینه تجربی پژوهش

تاکنون پژوهش دقیقی با عنوان اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) انجام نشده است اما پیرامون این موضوع آثاری وجود دارد که در قالب جدول ۱ به مرتبط‌ترین آن‌ها به اختصار اشاره شده است:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان پژوهش	تاریخ	محقق/ محققان	روش و اهم نتایج
۱	نیات راهبردی راهبران و مدیران عالی نظام	۱۳۹۰	جهانگیری، محمدحسین و کیخسرو کیانی، حمید	این طرح پژوهشی براساس مطالعه و جستجو در صحیفه امام خمینی (ره) و مجموعه بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۰ و سخنرانی‌های دکتر احمدی نژاد در دولت نهم و دهم انجام شده و پس از مطالعه مطالب، صرفاً بخش‌های مرتبط به حوزه نخبگان در این مجموعه گردآوری شده است.
۲	استخراج اصول راهبردی تأمین نیاز فرهنگی استعدادهای برتر	۱۳۹۰	مجری: شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران (ایران)	این پژوهش با هدف سامان‌دهی به نیازهای فرهنگی نخبگان تدوین گردیده است و بر استخراج اصول راهبردی و کلان در تأمین نیازهای فرهنگی استعدادهای برتر تمرکز و اهتمام دارد. در پاسخ به این سؤال، لازم بود تا سه عنصر اولیه و مقدماتی در شناسایی و استخراج اصول راهبردی تأمین نیاز فرهنگی استعدادهای برتر موردتوجه قرار گیرد. این عناصر عبارتند از: اهداف و شرایط مطلوبی که برای نخبگان و استعدادهای برتر قابل تصور می‌باشد؛ ویژگی‌های شخصیتی استعدادهای برتر در این سنین؛ و اصول عام رایج در کارهای فرهنگی. درنهایت نیز با جمع‌بندی و باهم‌نگری دست‌آوردهای این سه عنصر، به طرحواره کلان فرهنگی در مواجهه با این مسأله پرداخته شده است.
۳	استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)	۱۳۹۵	سلطانی، محمدرضا، خانی، علی	هدف این پژوهش مشخص کردن شاخص‌ها و معیارهای سنجش و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی است. به همین منظور مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ مرور و نکات مرتبط با موضوع در حوزه‌های کلان سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت بر دستگاه‌های فرهنگی، استخراج و در هشت مضمون سازمان‌دهنده و ۱۳۰ مضمون اصلی، به روش تحلیل مضمون دسته‌بندی شد.
۴	مدل تحلیل راهبردی در اندیشه مقام معظم رهبری	۱۳۹۲	محمدی لرد، عبدالمحمود	در این مقاله تلاش شده الگویی از تحلیل راهبردی براساس اندیشه مقام معظم رهبری برای سازمان‌های دولتی ایران ارائه شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در نظر مقام معظم رهبری، در فرآیند تحلیل راهبردی، تحلیل‌گر با سه مقوله اهداف راهبردی، تبیین راهبردی واقعیت‌های اجتماعی و تفکر راهبردی مواجه است. بدین ترتیب، لازم است تحلیل‌گر راهبردی، ابتدا اهداف راهبردی نظام سیاسی (وضع مطلوب) را شناخته و سپس واقعیت‌های اجتماعی راهبردی (وضع موجود) را تبیین نماید. در نهایت، شیوه حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب (راهبرد) را با کمک تفکر راهبردی ترسیم کند. در اندیشه رهبر انقلاب، اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران شامل چهار ارزش بنیادین استقلال، آزادی، عدالت و معنویت است. واقعیت‌های اجتماعی راهبردی ایران نیز از سه قسمت ابزار مادی راهبردی، ابزار معنوی راهبردی و موانع راهبردی (مانند سابقه استبداد داخلی و وجود جبهه‌ی دشمن) تشکیل شده است.
۵	الگوی تفکر راهبردی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری	۱۳۹۷	رستمی‌نیا، محمد اسماعیل	نویسنده این نوشتار می‌کوشد میزان توجه مقام معظم رهبری دام‌ظله به عناصر تفکر راهبردی (مستخرجه از منظر اندیشمندان) را بسنجد و تاحدامکان از این طریق به اولویت‌های الگوی تفکر راهبردی معظم‌له پی ببرد. شیوه این پژوهش، اکتشافی و جمع‌آوری اطلاعات آن اسنادی، و اعتباربخشی داده از طریق خبرگی است و نتیجه‌اش، مبین آن است که همه مولفه‌های چهارده‌گانه مطرح‌شده ازسوی صاحب‌نظران تفکر راهبردی، موردتوجه مقام معظم رهبری دام‌ظله

ردیف	عنوان پژوهش	تاریخ	محقق/ محققان	روش و اهم نتایج
				قرار گرفته و در الگوی تفکر راهبردی ایشان، «توجه به چشم‌انداز و تمرکز بر هدف»، از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است.
۷	مدل تحلیلی راهبرد در منظومه فکری مقام معظم رهبری	۱۳۹۷	مسلمی، حسین، فاضلی، سیدطاهر	این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل گفتمان در منظومه فکری مقام معظم رهبری، به مثابه منادی گفتمان انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که راهبرد در گفتمان انقلاب به دلیل تأکید بر پارادایم الهی-ارزشی در بعد دیدگاه‌سازی مؤلفه «تفکر منظوم/ منظومه فکری» را برای ارائه الگوی حل مسائل معرفی می‌کند. در بعد فرصت‌یابی مؤلفه «علم‌محوری/ تولید علم» را به منظور افزایش درک فرصت‌ها، گسترش مرزهای دانش و غنی‌سازی ذهنی همراه با ترکیه فردی و جمعی را زمینه‌ساز جلب فرصت‌ها می‌داند. در بعد تحلیل گلوگاه «عوامل حیاتی موفقیت» به دلیل همزادی گلوگاه‌های اصلی و شایستگی‌های کلیدی، مؤلفه «قابلیت‌سازی و استحکام ساخت درونی» را به مثابه شایستگی‌های کلیدی رفع موانع توصیه می‌کند و بالاخره در بعد راه‌یابی به دلیل رویکرد آینده‌ساز، مؤلفه «قاعده‌شکنی» خلافت‌انه را به منظور بروز و ظهور قواعد الهی-انسانی منطبق بر قابلیت‌های درونی دنبال می‌نماید.

با بررسی پیشینه تجربی می‌توان گفت تنها دو اثر به صورت مستقیم به تحقیق حاضر مربوط می‌شوند که هردو به سفارش بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۰ انجام شده‌اند. نخست تحقیقی است که توسط جهانگیری و همکاران انجام شده است، در این تحقیق بخش‌های مرتبط با حوزه نخبگان در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، امام خمینی (ره) و دکتر احمدی‌نژاد، صرفاً به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و هیچ‌گونه تحلیلی روی آن‌ها انجام نشده است. پژوهش دوم، تحقیقی است که توسط شرکت ایتان بر استخراج اصول راهبردی تأمین نیاز فرهنگی نخبگان انجام شده است. این پژوهش نیز متمرکز بر اصول راهبردی در یک حوزه خاص (نیازهای فرهنگی نخبگان) از ماموریت‌های بنیاد ملی نخبگان است به طوری که در پژوهش حاضر نیازمند استخراج اهداف راهبردی نظام نخبگانی در تمامی حوزه‌ها هستیم.

سه تحقیق دیگر که توسط مسلمی و همکاران (۱۳۹۷)، محمدی لرد (۱۳۹۲) و رستمی‌نیا (۱۳۹۷) انجام شده‌اند نیز به بررسی عناصر «تفکر راهبردی» و «مدل تحلیلی راهبرد» از منظر مقام معظم رهبری پرداخته‌اند. هرچند «اهداف راهبردی» به نحوی زیرمجموعه «مدل تحلیلی راهبرد» بوده و یافته‌های این تحقیقات با موضوع مقاله تاحدی مرتبط هستند اما تمرکز آن‌ها به طور کلی بر عناصر کلان تفکر راهبردی و مدل کلان تحلیل راهبردی در اندیشه رهبری است و هیچ‌کدام

به صورت خاص به بررسی اهداف راهبردی نظام نخبگانی نپرداخته‌اند. همچنین با بررسی پیشینه مشخص شد که اهداف راهبردی بخش‌های مختلف کشور از جمله سازمان‌های دولتی و دستگاه‌های فرهنگی از منظر مقام معظم رهبری استخراج شده‌اند؛ اما تاکنون اهداف راهبردی «نظام نخبگانی» از منظر معظم‌له بررسی نشده‌اند لذا پژوهش‌های انجام‌شده تنها از این حیث که یک موضوع راهبردی را از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بررسی کرده‌اند با تحقیق حاضر پیوند خواهند خورد، به لحاظ موضوعی با این تحقیق مرتبط نبوده و تنها به لحاظ روشی، قابل بررسی و تامل می‌باشند. در تحقیقات مذکور، غالباً از روش‌های کیفی شامل تحلیل گفتمان و تحلیل مضمون به منظور استخراج بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با موضوعات مورد بررسی، استفاده شده است. از این روی تحقیق حاضر برای نخستین بار سعی کرده تا اهداف راهبردی نظام نخبگانی را از منظر رهبری استخراج و تحلیل کند.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، روش تحلیل محتوای کیفی است. یکی از روش‌های کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (بران و کلارک^۱، ۲۰۰۶ به نقل از عابدی، جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

در مقاله حاضر از روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌های متنی و تبدیل داده‌های پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی استفاده شده است. واحد تحلیل عبارت است از متون کلیه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) طی سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۷ در دیدار با نخبگان و استعداد‌های برتر.

واحد معنا دربردارنده کلمه، جمله، عبارت‌ها یا پاراگراف‌هایی است که در جنبه‌هایی از زمینه یا محتوای‌شان با یکدیگر ارتباط دارند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۹). در اینجا واحد معنا عبارت است از کلیه کلمات و جملاتی که به عنوان اهداف بنیاد ملی نخبگان در بیانات موردبررسی وجود داشت. لذا از واژگان اهداف، رسالت،

نخبه، نخبگان و بنیاد ملی نخبگان برای جستجو در کلیه متون مورد تحلیل استفاده شد. روش کار بدین صورت بود که متون کلیه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ در دیدار با نخبگان و صاحبان استعدادها^۱ برتر از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ایشان^۲ جمع‌آوری شد و در نرم‌افزار مکس کیو دا^۳ مورد تحلیل قرار گرفت، سپس با استفاده از کدگذاری، مقولات و زیرمقولات استخراج و در سه دسته کلی مضامین فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه قرار داده شدند.

به منظور افزایش قابلیت اعتبار، داده‌های جمع‌آوری‌ده توسط سه محقق به صورت مجزا کدگذاری و مقوله‌بندی شدند و درنهایت کدهای حاصل از تلاش آن‌ها مورد توافق قرار گرفت. فرایند کار بدین صورت بود که ابتدا محقق، کدهای باز و محوری را از کلیه متون مورد تحلیل استخراج کرد، سپس این کدها را همراه با متون در اختیار دو تن از مدیران بنیاد ملی نخبگان قرار داد و از آن‌ها خواسته شد که صحت و تناسب کدهای استخراج‌شده را بررسی کنند، اگر کد یک کد باز از قلم افتاده است اضافه و اگر کد غیرمرتبطی احصا شده است، حذف کنند. درنهایت کدهای استخراج‌شده با توافق نظر مدیران مذکور، متناسب با ادبیات حاکم در بنیاد ملی نخبگان، نهایی شدند.

یافته‌ها

به منظور استخراج اهداف راهبردی سازمان‌ها، منابع مختلفی بررسی می‌شوند. یکی از مهم‌ترین منابع در کشور ما، بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) خصوصاً در رابطه با ساختارهایی است که به فرمایش و تاکید ایشان شکل گرفته‌اند، یکی از این ساختارها «بنیاد ملی نخبگان» است. از این روی برای بررسی اهداف راهبردی نظام نخبگانی، بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تحلیل و مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه استخراج شدند. یافته‌های حاصل از کدگذاری بیانات معظم له در جدول زیر آمده است:

1. Khamenei.ir

2. MAXQDA

جدول ۲. یافته‌های حاصل از کدگذاری بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی)

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن اصلی	ارجاعات
۱	عرصه‌های اثرگذاری	عرصه‌های اثرگذاری	افزایش اثرگذاری در عرصه های فرهنگی و اجتماعی	ضمناً از نخبه هم باید کار خواست؛ نخبه باید احساس کند که وجودش نافع است؛ یعنی احساس نافع بودن بکند؛ این، آن چیزی است که نخبه را خرسند میکند، خوشحال میکند، ثابت‌قدم میکند، پایدار در کشور میکند؛ بفهمد برای کشور مفید است، نافع است؛ کار بایست خواست که این با همین کار ستادی به نظر من قابل تحقق است.	بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی ۱۳۹۶/۰۷/۲۶
			من میخواهم بگویم اثرگذاری دانشجویی بیش از آنچه که با مشورت‌دهی به مسئولین باشد، با جهت‌دهی به عناصر انسانی در نیروهای تحت تأثیر است. شما در خانواده‌تان میتوانید اثر بگذارید؛ روی برادر و خواهرتان میتوانید اثر بگذارید؛ روی پدر و مادرتان میتوانید اثر بگذارید. در محیط زندگی خودتان، روی فامیل، روی دوست، روی همبازی در ورزش میتوانید اثر بگذارید؛ اثر به زبان، اثر به منش، اثر به رفتار. این بهترین توفیق و پیروزی برای دانشجویست؛ اثرگذاری در محیط‌هایی که می‌تواند در آن اثرگذاری بکند.	بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۸۶/۱۰/۱۳	
	تقویت اثرگذاری	تقویت اثرگذاری	افزایش اثرگذاری در عرصه ملی و بین‌المللی	در قرون اخیر، سهم ما در جلو بردن مرزهای دانش بسیار کم بوده است و باید با استفاده از ظرفیت بالای نخبگان جوان کشور، مرزهای اکتشاف و دانش جهانی را توسعه دهیم.	بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی ۱۳۹۷/۰۷/۲۵
			ایجاد شبکه اثرگذار نخبگان	نکته‌ی دیگر این است که ما مسئله‌ی رعایت نخبگان و نگاه به نخبگان را به یک حالت شبکه‌ای در بیاوریم ... باید یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه به وجود بیاید، که از پرورش و ساخت نخبه آغاز میشود؛ یعنی مربیگری. ریشه و پایه هم در آموزش و پرورش است؛ کمک کنید این نخبه، خود وارد چرخه‌ی نخبه‌سازی شود - یعنی حالت شبکه‌ای پیدا کند - خود این نخبه، نخبه‌ساز نخبه‌پرور شود.	بیانات در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲
			رفع موانع فعالیت‌های نخبگانی	از یک طرف مسئولان باید جدی‌تر به دنبال تعامل با نخبگان و ارائه‌ی خدمات و رفع موانع کار آنان باشند و از طرف دیگر نخبگان نیز باید همه‌ی ظرفیت‌های خود را در اختیار پیشرفت کشور قرار دهند.	بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی ۱۳۹۷/۰۷/۲۵
			به‌کارگماری نخبگان در مسوولیت های کشور	بالاخره نخبه‌ی جوان باید فرصت ظهور و بروز پیدا بکند، احساس کند که وجود او به «نظر» آمده است، برای او ارج قائلند، روی وجود او حساب میکنند؛ این را باید در عمل احساس کند.	بیانات در نهمین همایش ملی نخبگان فردا ۱۳۹۴/۰۷/۲۲

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	متن اصلی	ارجاعات
۲	اصلاح و ارتقای انگیزه	روش‌های ارتقای انگیزه (در سطح فردی)		ممکن است جوانان نخبه تجربه‌ی سطوح اول مدیریتی را نداشته باشند اما سطح مدیریت‌های میانی حتماً به جوانان نخبه نیاز دارد.	بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی ۹۷/۰۷/۲۵
			تعامل نظام مند مدیریت کشور با نخبگان و اطلاع‌رسانی منظم از مسایل اصلی کشور به نخبگان به منظور مشارکت نخبگان در حل آن مسائل	از یک طرف مسئولان باید جدی‌تر به دنبال تعامل با نخبگان و ارائه‌ی خدمات و رفع موانع کار آنان باشند و از طرف دیگر نخبگان نیز باید همه‌ی ظرفیت‌های خود را در اختیار پیشرفت کشور قرار دهند. دستگاه‌های داخلی خودمان قبل از دیگران اینها را شناسایی کنند، اینها را جذب کنند، به اینها کار بدهند. هیچ جوانی نیست که محیط زندگی خودش و خانواده‌ی خودش را ترجیح ندهد بر غربت.	بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی ۹۷/۰۷/۲۵ بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۹۵/۰۷/۲۸
			تقویت روحیه خودباوری و احساس استغنا از دیگران	این حضور در جنگ و حضور جوان‌ها و غلبه‌ی بر دشمن، آن هم نه دشمنی که فقط یک کشور باشد [بلکه] دشمنی که پشتش همه‌ی قدرت‌های جهانی حضور داشتند، موجب رشد خودباوری شد. پس انقلاب [موجب] برافراشتن قدر خودباوری و سینه سپر کردن خودباوری در مقابل روحیه‌ی وابستگی و ورشکستگی قبلی شد؛ این اتفاق افتاد.	بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۱۳۹۵/۰۷/۲۸
			تقویت روحیه خطرپذیری	خطرپذیری، جرأت اقدام و ترسیدن از ناکامی و شکست، ملت‌ها را به حرکت و تکاپو می‌کشانند و ضریب موفقیت را در همه‌ی عرصه‌های مادی و معنوی، کاملاً افزایش می‌دهد و جوانان ما باید بدون ترس از شکست و ناکامی، وارد میدان‌های بزرگ شوند.	بیانات در دیدار نخبگان جوان ۸۵/۰۶/۲۵
			افزایش دلبستگی و احساس تعلق	اما بدون دلبستگی‌های معنوی، یک مجموعه‌ی نخبه - چه نخبه‌ی سیاسی، چه نخبه‌ی علمی - نمی‌توانند کشورشان را حفظ کنند؛ نمی‌توانند به او قدرت بدهند.	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۹۰/۰۷/۱۳
			تحقق نظام جامع «اخلاق نخبگی» و نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی	چیزی که می‌تواند این نیرو را به وجود بیاورد، این پیشرفت را به وجود بیاورد، بهتر از همه چیز، ایمان است.	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۹۰/۰۷/۱۳
			ارتقای سطح فرهنگی و رفاه اجتماعی نخبگان	اهمیت دادن به فعالیت‌های فرهنگی در بنیاد نخبگان و انجام کار فرهنگی درست و هوشمندانه	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۹۰/۰۷/۱۳

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن اصلی	ارجاعات
۳	الگوسازی و تکریم	روش‌های ارتقای انگیزه (در سطح نهادی)	تقویت هویت ملی	کشور نیاز دارد به دانشمندانی که عاشق کشور و عاشق مردم و عاشق هویت خود و سرنوشت ملت خودشان باشند. بدون این احساس دلبستگی، کار پیش نمی‌رود	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۹۰/۰۷/۱۳
			ایجاد فضای نشاط علمی، الهام‌بخش و متعالی	هدف دیگری که در خصوص برنامه‌ریزی برای نخبگان وجود دارد، این است که اینها احساس کنند می‌توانند از استعداد خود استفاده نمایند؛ احساس بی‌پست نکنند.	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۱۳۸۱/۰۷/۰۳
			پیشرفت واقعی این است که جوان‌های ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند ... این احساس و روحیه‌ی نشاط را باید روزبه‌روز در جامعه‌ی ما تشدید کرد.	بنیاد ملی نخبگان باید با جدیت کار کند، محیط نشاط علمی فراهم بشود؛ اگر این شد، متخصص ایرانی ساکن خارج هم شوق پیدا می‌کند بیاید؛ جوان با استعداد ایرانی هم شوق پیدا می‌کند که در خانه و کاشانه‌ی خود بماند و برای خدمت به کشورش کار بکند.	بیانات در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۲/۰۷/۱۷
			آشنایی نخبگان با نیازها و محدودیت‌های کشور	بایستی مقالات علمی و پژوهشی در خدمت نیازهای کشور قرار بگیرد و این نیازها هم برای نخبگان تبیین بشود؛ خیلی از نخبگان ممکن است نیازهای کشور را آن‌چنان که هست، ندانند.	بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی ۹۶/۰۷/۲۶
	الگوسازی و تکریم	روش‌های الگوسازی	دلگرمی و اعتماد نسبت به نظام در یک فضای همراه با پاسخ‌گویی متعهدانه، صادقانه و محترمانه	این همه شما زحمت بکشید، مقاله‌ی علمی تهیه کنید، از این مقالات علمی سی درصد ناظر به نیازهای کشور باشد، هفتاد درصد نه! خب، انسان احساس خسارت می‌کند. باید صددرصد کار علمی، تلاش علمی، تهیه‌ی مقاله‌ی علمی ناظر باشد به نیازهای شما.	بیانات در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲
			مستولان باید به موضوع نخبگان نگاه جدی، عملیاتی، دلسوزانه و پیگیرانه داشته باشند	مستولان باید به موضوع نخبگان نگاه جدی، عملیاتی، دلسوزانه و پیگیرانه داشته باشند	بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۹۵/۰۷/۲۸
			الگوسازی از نخبگان	انگیزه دیگر من از حضور در چنین جلساتی، تأکید بر ضرورت الگوسازی برای نسل جوان در همه عرصه‌ها و زمینه‌هاست... ما نیاز داریم برای جوان خودمان، برای نسل نونهال خودمان، الگوهایی را از بخش‌های مختلف مشخص کنیم؛ آن کس که علاقه‌ی به علم دارد، آن کس که علاقه‌ی به هنر دارد، آن کس که علاقه‌ی به ادبیات	بیانات در دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۶

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	متن اصلی	ارجاعات
				دارد، آن کس که علاقه‌ی به تاریخ دارد، آن کس که علاقه‌ی به کارهای عملی دارد، آن کس که علاقه‌ی به کشاورزی یا صنعت یا فناوری دارد، هر کدام بتوانند الگوهای شایسته‌ی خودشان را پیدا کنند. این یکی از کارهای لازم ماست، که تشکیل این جلسات به ما کمک می‌کند.	
			جهت دهی به افکار عمومی در خصوص فهم کرامت نخبگان و تجلیل از آن‌ها	حرف من این است که چرا ما باید یک نخبه‌ی علمی را کمتر از یک نخبه‌ی ورزشی بها بدهیم؟ ما چقدر نخبه‌های علمی داریم که در قله‌اند؛ چقدر نخبه‌ی علمی داریم که اگر چنانچه دست کشورهای دیگر به اینها برسد، آنها را فوراً می‌قاپند و می‌برند؛ اینها را باید تجلیل کنیم. از نظر من، تشکیل این جلسه، براساس یک هدف نمادین است. ما می‌خواهیم با این کار، به علم و هوشمندان و نخبگان جامعه احترام کنیم تا شاخص میان یک فکر و ذهن با ضریب هوشی بالاتر، یک شاخص ممتاز در کشور محسوب شود و درواقع یک حالت مسابقه، شوق، حرکت عمومی و از سویی تکریم و احترام نسبت به این پدیده و این حقیقت، به وجود آید. شما نمونه‌ای از کسانی هستید که ما می‌خواهیم در جامعه اعلام شود که نظام اسلامی و مسؤولان و حرکت کلی کشور به اینها احترام می‌گذارد. این همان فرهنگ‌سازی‌ای است که در زبان و ذهن بعضی از شما عزیزان بود.	بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۰۶/۰۵
	روش‌های تکریم		ایجاد احساس امیدواری، افتخار و رضایت	پیشرفت واقعی این است که جوانان ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند. این چیزی است که امروز وجود دارد؛ این را باید تقویت کرد، این را باید پیش برد. این احساس و روحیه‌ی نشاط را باید روزه‌روز در جامعه‌ی ما تشدید کرد. بنیاد نخبگان امروز برای این است که بتواند با استفاده از همه‌ی دستگاه‌های ذی‌ربط کشور، مشکل دلگرم کردن نخبگان و احساس رضایت آنها از محیط و از زندگی را حل و آن را تأمین کند.	بیانات در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ۸۴/۰۷/۲۱
			معرفی نخبگان به جامعه	قدرشناسی از برجستگان جامعه و احترام به آن‌ها، باید به عرف و عادت‌ی همگانی تبدیل شود.	بیانات در دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۶
۴	تعالی سازمانی	مدیریت صحیح	لزوم ارتقای مدیریتی	البته این سرمایه‌گذاری‌ها باید با ارتقای مدیریت هم همراه باشد؛ من این را بخصوص به مسئولین محترم دولتی تأکید می‌کنم. اگر ما منابع مالی را افزایش هم بدهیم، توزیع هم بکنیم، سرریز هم بکنیم، بخش هم بکنیم، اما ارتقای مدیریت در این بخش وجود نداشته باشد، منابع مالی هدر خواهد رفت.	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۹۰/۰۷/۱۳

ع.ج	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن اصلی	ارجاعات
			لزوم نخبه‌باوری در مسئولین	لذا بنده عمیقاً و قویاً نخبه‌باور هستم یعنی قبول دارم شما نخبه‌ها را، من امیدم و خواهم این است که بنیاد نخبگان و خود آقای ستاری که در دولت هستند و معاون رئیس‌جمهورند، کوشش کنند تا مسئولین کشور همه به معنای واقعی کلمه نخبه‌باور بشوند؛ یکی از انتظارات ما این است که نخبه‌ها را باور کنند؛ اولاً باور کنند که ما نخبه داریم؛ ثانیاً باور کنند که این نخبه، قادر است سرنوشت کشور را آن‌چنان که مورد قبول و رضایت و روشنی چشم همه باشد، تغییر بدهد. بعضی از مسئولین ما در این زمینه دچار غفلتند؛ باید اینها را از این غفلت بیرون آورد.	بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی ۹۶/۰۷/۲۶
			مدیریت قوی و متمرکز مسئولان	تربیت نخبگان نیازمند مدیریت قوی و متمرکز مسئولان است. آقای ستاری! اگر واقعاً می‌بینید که معاونت علمی و بنیاد نخبگان با هم نمی‌سازند، یعنی وظایف بنیاد نخبگان با فعالیت‌های وسیع معاونت علمی سازگار نیست، یک فکری برایش بکنید؛ یا از هم جدایشان کنید یا لااقل در ذیل همان چهارچوب معاونت علمی، یک مدیر قوی برای بنیاد نخبگان بگذارید؛	بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۹۵/۰۷/۲۸
			مدیریت هدفمند گردش نخبگان	چون خروج نخبگان از کشور - من چند بار تا حالا این را گفته‌ام - به‌طور مطلق موضوعی منفی نیست؛ زیرا ممکن است نخبه‌ای از کشور خارج شود و بخواهد معلوماتی کسب کند و بعد برگردد و برای کشور مفید باشد. البته بهتر این است که ما امکاناتی را برای همین نخبه فراهم کنیم، تا در خود کشور آنچه را که از نظر رشد و شکوفایی استعداد لازم دارد، مهیا شود ... اما اگر نشد، نخبگان بروند - فضای دنیا فضای وسیعی است - منتها این رفتن باید با حساب و کتاب انجام بگیرد؛ یعنی آن نخبه بداند که برای چه دارد می‌رود؛ چه می‌خواهد بکند و پس از آموزش آنچه را که لازم دارد، چه استفاده‌ای می‌خواهد از آن دانش بکند. با برنامه‌ریزی منظمی بروند معلومات را یاد بگیرند و برگردند.	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۸۳/۰۷/۰۵
			لزوم برنامه‌ریزی خاص برای نخبگان	برنامه‌ریزی‌های عمومی را نمی‌شود با محاسبه نخبگان انجام داد؛ لیکن این حرکت تحصیلی و کاری، به‌تدریج به نقطه‌ای می‌رسد که باید برای نخبگان حساب ویژه‌ای باز کرد.	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۸۱/۰۷/۰۳
			اداره کردن بنیاد نخبگان توسط خود نخبگان و افراد شایسته	البته در این‌که چنین جمعی را خود نخبگان باید اداره کنند، تردیدی نیست؛ یعنی تا کسی خودش با مسائل ذهنی و علمی و عملی مربوط به یک جمع نخبه‌آشنایی و دلبستگی نداشته باشد، نمی‌تواند کار کند؛ اما سخن در این نیست که چه کسانی آن را اداره می‌کنند - هر جای کشور که مربوط به نخبگان باشد، آنها آن‌جا را بهتر اداره می‌کنند - این کار، کار دولت است و ناگزیر بایستی دولت زیر بار این کار برود؛ فکر خوبی است؛ منتها وقتی دولت مسؤول کاری می‌شود، اداره این مجموعه را باید به کسانی واگذار کند که حقیقتاً شایسته باشند.	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۸۲/۱۱/۲۱

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن اصلی	ارجاعات
		ایفای نقش راهبردی و ستادی بنیاد	ایفای نقش ستادی	یک نکته‌ی دیگر در همین زمینه، مطلبی است که من قبلاً هم به آقای ستّاری این را تذکر داده‌ام که معاونت علمی و بنیاد به کار ستادی اهمیت بدهند؛ یعنی درواقع مثل یک ستاد از همه‌ی دستگاه‌های گوناگون کشور که در زمینه‌ی علم و فناوری نقشی می‌توانند ایفا کنند، استفاده کنند.	بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی ۹۶/۰۷/۲۶
			هماهنگ کننده دستگاه‌های مرتبط با نخبگان	یکی از ضعف‌ها ناهماهنگی‌هاست؛ در بخش‌های مرتبط با دانش و علم و فناوری، بایستی هماهنگی کامل به‌وجود بیاید. هماهنگی بین خود مراکز علمی خیلی لازم است؛ یعنی دو وزارت علوم و بهداشت با همین معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور و بنیاد نخبگان و سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی و هر بخشی از بخش‌ها که در این زمینه‌ها همکاری می‌کنند، یک ارتباط و همکاری و هم‌افزایی دائم لازم است که مبدا اینها کار هم را خنثی نکنند یا حلقه‌های مفقوده و خلاهایی در این زمینه به‌وجود بیاید. معاونت علمی هم که یک مجموعه‌ی ستادی است برای هماهنگ کردن دستگاه‌ها و خود دستگاه‌های علمی کشور یعنی این دو وزارت و پژوهشکده‌ها و پژوهشگاه‌ها و مراکز گوناگون علم و فناوری که مجریان کار هستند، اینها باید همه هماهنگ عمل بکنند؛ ناهماهنگی‌ها بایستی از بین برود.	بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۰۶/۰۵ بیانات در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان ۹۲/۰۷/۱۷
			ایفای نقش راهبردی	بنیاد نخبگان یک بنیاد ملی است؛ یک بنیاد راهبردی است؛ این را باید کاملاً جدّی گرفت ... بنیاد نخبگان را جدّی بگیرید؛ یک بنیاد ملی است، یک بنیاد راهبردی است؛	بیانات در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» ۹۴/۰۷/۲۲
			ایفای نقش مستقل از سایر دستگاه‌ها	البته باید سعی شود که این مرکز در دستگاه‌های اداری حل نشود و دستگاهی در کنار دستگاه‌های دیگر و با مشکلات برخی از آنها به‌وجود نیاید؛	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۸۲/۱۱/۲۱
			ضرورت ایجاد نظام رصد	بنیاد نخبگان عمدتاً و حالا دستگاه‌های دیگر هم در کنارش، رصد کنند، خروجی کار را ملاحظه کنند؛ چون اگر خروجی کار عیب داشته باشد، اشکال داشته باشد، پیدا است یک جایی اشکال در بین راه وجود دارد؛ عیب‌ها را بشناسند، عیب‌ها را علاج بکنند. یکی از توصیه‌های مهم بنده هم این است.	بیانات در همین همایش ملی «نخبگان فردا» ۹۴/۰۷/۲۲
۵	شناسایی و هدایت	اصول حاکم بر شناسایی	شناخت مخاطرات شناسایی نخبگان	یکی [دیگر] از خطر‌ها: شناسایی کردن نخیه‌ها برای عوامل بیرونی؛ این هم هست؛ از این هم بنده گزارش‌هایی دارم، خبرهایی دارم؛ بررسی می‌کنند، جستجو می‌کنند، نخیه‌ها را پیدا می‌کنند؛ نه برای اینکه در داخل تشویق بشوند، تربیت بشوند؛ [بلکه] برای عوامل بیرونی، که به آنها معرفی کنند، حلقه‌ی واسطی بشوند برای مهاجرت نخبگان و به تعبیر رایج «فرار مغزها».	بیانات در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» ۹۴/۰۷/۲۲

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن اصلی	ارجاعات
۶	پشتیبانی	اصول پشتیبانی	تبدیل حمایت مادی به معنوی و فرصت‌آفرین	یک نکته‌ی دیگر این است که حمایت از نخبه، در درجه‌ی اول باید به معنای ایجاد فرصت پژوهش و تحصیل و پیشرفت باشد. البته من به هیچ وجه مخالف حمایت‌های مالی و مادی و اینها نیستم، بلکه لازم است آن کارها انجام بگیرد؛ لیکن مهم‌تر از آن این است که نخبه احساس کند فضای تنفس علمی دارد. آن چیزی که مکرر به ما منتقل می‌شود، این است که نخبگان و برجستگان مایلند یک میدان وسیعی باشد که بتوانند به اقتضای نخبگی و استعداد برتر، در آن بتازند؛ این را باید فراهم کرد.	بیانات در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲
			اصول حاکم بر هدایت	ما قانع نیستیم، شما هم قانع نباشید به این که جوان بااستعداد برجسته‌ی ما توانست در یک بخشی، در یک آزمون بزرگی، نخبگی خودش را نشان بدهد؛ به این مقدار، نه من قانعم، نه شما قانع باشید. توقع من و توقع شما باید این باشد که این بذر به‌ثمرنشته تبدیل شود به یک نهال برومند و تبدیل شود به یک شجره‌ی طیبه‌ای، درخت ثمربخشی شوید که در همه‌ی زمان‌ها، در همه‌ی موقعیت‌ها، بتوانید میوه‌ی شیرین خودتان را به کام این کشور، این ملت، این تاریخ و در نهایت به کام بشریت بچشانید؛ این باید هدف باشد.	بیانات در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲
	لزوم نخبه‌پروری و پرورش استعدادها	ما باید نخبه و هوشمند را در حدی که می‌تواند رشد کند، رشد بدهیم.	بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۸۱/۰۷/۰۳		
	اصلاح معیارهای شناسایی نخبگان در گروه‌های مختلف	به هر حال تمایزی وجود دارد بین معیارهای نخبگی و زدگی در علوم فنی و علوم انسانی. مترها یک اندازه نیست، معیارها یک‌جور نیست؛ به این نکته توجه شود. ما لازم داریم که در زمینه‌ی علوم انسانی – که امروز یک نیاز بسیار اساسی کشور ماست – به تازه‌ها، برجستگی‌ها و نوآوری‌ها دست پیدا کنیم؛ این کلید اساسی پیشرفت نهایی و بنیادی و ریشه‌دار کشور است. بنابراین لازم است معیارها درست انتخاب شود.	بیانات در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲		
			لزوم شناسایی به‌موقع نخبگان	قبل از اینکه بیگانگان در نمایشگاه‌های علمی داخل کشور یا با روش‌های دیگر، این سرمایه‌های عظیم را کشف و جذب کنند، شما این جوانان فرزانه را شناسایی کنید و مورد حمایت قرار دهید. من شنیدم طرح شهاب مورد بی‌توجهی و بی‌لطفی قرار گرفته؛ نگذارید، مراقبت کنید. شناسایی استعدادهای برتر در دوران تحصیلات ابتدایی و تحصیلات متوسطه بسیار مهم است، این چیزی است که نخبه‌ی حقیقی را به ما می‌شناساند، این چیزی است که نوابغ را به ما می‌شناساند.	دیدار نخبگان علمی جوان با رهبر انقلاب ۹۵/۰۷/۲۸ بیانات در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» ۹۴/۰۷/۲۲

جدول ۳. مضامین مستخرج از اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در رابطه با اهداف راهبردی نظام نخبگانی

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
۱	تقویت اثرگذاری نخبگان	روش های تقویت اثرگذاری	افزایش اثرگذاری در عرصه های فرهنگی و اجتماعی
			افزایش اثرگذاری در عرصه ملی و بین المللی
			تعامل نظام مند مدیریت کشور با نخبگان و اطلاع رسانی منظم از مسائل اصلی کشور به نخبگان به منظور مشارکت نخبگان در حل آن مسائل
			ایجاد شبکه اثرگذار نخبگان
			به کارگیری نخبگان در مسوولیت های کشور
			رفع موانع فعالیت های نخبگانی
۲	اصلاح و ارتقای انگیزه نخبگان	روش های ارتقاء انگیزه (در سطح فردی)	تقویت روحیه خودباوری و احساس استغنا از دیگران
			تقویت روحیه خطرپذیری
			ارتقای سطح فرهنگی و رفاه اجتماعی افراد نخبه
			تقویت هویت ملی
		روش های ارتقاء انگیزه (در سطح نهادی)	افزایش دلبستگی و احساس تعلق نخبگان
			تحقق نظام جامع «اخلاق نخبگی» و نهادینه سازی ارزش های اسلامی
			ایجاد فضای نشاط علمی، الهام بخش و متعالی
			آشنایی نخبگان با نیازها و محدودیت های کشور
۳	الگوسازی و تکریم نخبگان	روش های تکریم	دلگرمی و اعتماد نسبت به نظام در یک فضای همراه با پاسخ گویی متعهدانه، صادقانه و محترمانه
			جهت دهی به افکار عمومی در خصوص فهم کرامت نخبگان و تجلیل از آنها
		روش های الگوسازی	معرفی نخبگان به جامعه
			ایجاد احساس امیدواری، افتخار و رضایت
۴	شناسایی و هدایت نخبگان	اصول حاکم بر شناسایی	ایجاد احساس از نخبگان
			شناخت مخاطرات شناسایی نخبگان
			لزوم شناسایی به موقع نخبگان
		اصول حاکم بر هدایت	اصلاح معیارهای شناسایی نخبگان در گروه های مختلف
			لزوم نخبه پروری و پرورش استعدادها
۵	پشتیبانی از نخبگان	اصول حاکم بر پشتیبانی	پرورش در چرخه استعداد تا نخبگی
			تبدیل حمایت مادی به معنوی و فرصت آفرین
۶	تعالی سازمانی	مدیریت صحیح	تبدیل حمایت مادی به معنوی و فرصت آفرین
			لزوم ارتقاء مدیریتی
			لزوم نخبه باوری در مسئولین
			مدیریت قوی و متمرکز مسئولان
			مدیریت هدفمند گردش نخبگان
		ایفای نقش راهبردی و ستادی بنیاد	لزوم برنامه ریزی خاص برای نخبگان
			اداره کردن بنیاد نخبگان توسط خود نخبگان و افراد شایسته
			ایفای نقش ستادی
			هماهنگ کننده دستگاه های مرتبط با نخبگان
			ایفای نقش راهبردی
			ایفای نقش مستقل از سایر دستگاه ها
			ضرورت ایجاد نظام رصد

اهداف مذکور در قالب شبکه مضامین پژوهش در شکل زیر نمایش داده شده‌اند:

شکل ۳. شبکه مضامین پژوهش



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه سرمایه انسانی از اصلی‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها است و کمبود این سرمایه در کشورهای در حال توسعه فرایند رشد و توسعه را به تاخیر می‌اندازد. در این میان، نیروی انسانی به‌خصوص نیروی نخبه و متخصص در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند.

دانش و مهارت، شکل مهمی از سرمایه است (کلو و وچتر، ۲۰۰۴) که

نخبگان و سرآمدان، منبع مهمی از دانش و مهارت هستند. در نظریات نوین اقتصادی نیز نقش سرمایه‌های انسانی در تولید دانش و کسب درآمد بسیار مورد توجه است (نان، ۲۰۰۷: ۱۶۰). نخبگان در تولید و گسترش علم، هنر و فناوری، فرهنگ‌سازی و مدیریت کشور اثرگذاری زیادی دارند. هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری نخبگان در زمینه تولید و گسترش دانش و نوآوری‌های جدید موجب سرعت‌بخشی به رشد و توسعه می‌شود (فرتوک‌زاده و اشراقی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). بنابراین نخبگان جامعه به‌عنوان سرمایه‌های انسانی والا، نقش مهمی در توسعه اقتصادی، علمی، تکنولوژیکی و به‌طور کلی در جریان تحولات جامعه دارند. لذا کشورها باید در راستای شناسایی، حفظ و نگهداری این سرمایه‌های گرانقدر بکوشند که این امر با ایجاد نظام نخبگانی مطلوب و در تراز جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر خواهد شد.

تحقیق حاضر با تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) طی سال‌های ۸۱ تا ۹۷ در دیدار با نخبگان و استعدادهای برتر، سعی کرده است تا با استخراج اهداف راهبردی نظام نخبگانی، چشم‌انداز دستیابی به یک نظام نخبگانی مطلوب را ترسیم نماید. بدین منظور کلیه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ در دیدار با نخبگان و صاحبان استعدادهای برتر از پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان جمع‌آوری شد و در نرم‌افزار مکس کیودا مورد تحلیل قرار گرفت، سپس با استفاده از کدگذاری، مقولات و زیرمقولات استخراج و در سه دسته کلی؛ مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه قرار داده شدند. از کدگذاری و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در رابطه با موضوع تحقیق، ۶ مضمون فراگیر، ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده و ۳۶ مضمون پایه به‌عنوان اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور استخراج شد.

باتوجه به یافته‌های تحقیق، اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور از منظر رهبری عبارتند از:

۱. تقویت اثرگذاری نخبگان:

یکی از اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور، تقویت اثرگذاری نخبگان در

کشور است. در پیوست «۲» سند راهبردی کشور در امور نخبگان نیز، اصلی‌ترین هدف نظام نخبگانی، زمینه‌سازی برای اثرگذاری بهینه‌ی افراد و گروه‌های نخبه در مدیریت تحولات جامعه ذکر شده است (سند راهبردی کشور در امور نخبگان، ۱۳۹۱: ۲۹).

یافته‌های تحقیق نشان داد که تقویت اثرگذاری نخبگان بایستی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی اتفاق بیفتد. نظام نخبگانی باید با ایجاد شبکه اثرگذار نخبگان، رفع موانع فعالیت‌های نخبگانی، به‌کارگیری نخبگان در مسئولیت‌ها و مدیریت‌های میانی کشور و تعامل نظام‌مند مدیریت کشور با نخبگان، زمینه اثرگذاری این قشر را در جامعه فراهم کند.

۲. اصلاح و ارتقای انگیزه نخبگان:

هدف راهبردی دیگر نظام نخبگانی، اصلاح و ارتقای انگیزه نخبگان است. زمانی نخبگان می‌توانند در سرنوشت جامعه موثر باشند که انگیزه کافی برای خدمت داشته باشند.

یافته‌های تحقیق نشان داد که نظام نخبگانی بایستی از طریق تقویت روحیه خودباوری و احساس استغنا از دیگران در نخبگان، ایجاد فضای نشاط علمی، الهام‌بخش و متعالی، آشنا کردن نخبگان با نیازها و محدودیت‌های کشور، ایجاد احساس دلگرمی و اعتماد نسبت به نظام در یک فضای همراه با پاسخ‌گویی متعهدانه، صادقانه و محترمانه، افزایش دلبستگی و احساس تعلق نخبگان به جامعه، تحقق نظام جامع «اخلاق نخبگی» و نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی در نخبگان، ارتقای سطح فرهنگی و رفاه اجتماعی نخبگان، تقویت هویت ملی و روحیه خطرپذیری در نخبگان، به اصلاح و ارتقای انگیزه نخبگان بپردازد.

۳. تکریم و الگوسازی از نخبگان:

یکی از اهداف راهبردی نظام نخبگانی، تکریم و الگوسازی از نخبگان است. در جامعه‌ای که نخبگان آن مورد تکریم واقع شوند، علم و عالم منزلت پیدا کرده و روحیه علمی تقویت خواهد شد. در نتیجه زمینه شکوفایی علمی و توسعه آن جامعه فراهم خواهد شد.

نظام نخبگانی باید از طریق جهت‌دهی به افکار عمومی درخصوص فهم کرامت نخبگان و تجلیل از آن‌ها، الگوسازی از نخبگان برای صاحبان استعدادها، برتر، معرفی نخبگان به جامعه و ایجاد احساس امیدواری، افتخار و رضایت در نخبگان زمینه تکریم و الگوسازی از آنان را فراهم کند.

۴. شناسایی و هدایت نخبگان:

شناسایی و هدایت نخبگان نیز جزء اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور است. یافته‌ها نشان داد که بایستی نسبت به مخاطرات شناسایی نخبگان آگاه بود؛ از جمله این مخاطرات، شناسایی نخبگان برای عوامل بیرونی و بیگانه است. جشنواره‌های معتبر و نمایشگاه‌های داخلی، محمل بسیار خوبی برای شناسایی نخبگان در کشور است، پس از این مرحله نظام نخبگانی مسئول شناسایی و جذب به‌موقع نخبگان در داخل کشور هستند تا عوامل بیرونی و بیگانه نتوانند در جذب نخبگان شناسایی شده پیش‌دستی کنند.

نکته دیگر در امر شناسایی نخبگان، شناسایی از سنین پایین‌تر و از مدارس است. نظام نخبگانی خصوصاً وزارت آموزش و پرورش بایستی با تمرکز بر شناسایی نخبگان از سنین پایین‌تر و از مدارس ابتدایی به‌دنبال شناسایی نخبگان حقیقی و نوابغ باشد.

نکته بعدی رعایت اصل تنوع در شناسایی نخبگان است. معیارهای شناسایی نخبگان در رشته‌های مختلف مانند رشته‌های علوم انسانی و رشته‌های فنی و مهندسی بسیار متفاوت خواهند بود؛ لذا نباید با معیارها و شاخص‌های واحد به شناسایی نخبگان مختلف پرداخت و برای هر گروه معیارهایی متناسب با آن باید در نظر گرفت.

پس از شناسایی، نوبت به هدایت و پرورش نخبگان می‌رسد. نظام نخبگانی موظف است که نخبگان را تاحدی که می‌تواند رشد و پرورش دهد. پرورش نخبگان باید امری مستمر و مداوم در چرخه نخبگی باشد. مستعدین پس از شناسایی صحیح، وارد چرخه پرورش شده و درنهایت باید به مرحله نخبگی برسند. رساندن مستعدین از مرحله شناسایی استعداد تا مرحله بروز و ظهور آن

(مرحله نخبگی) یکی از اهداف راهبردی نظام نخبگانی است.

۵. پشتیبانی از نخبگان:

همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان داد، یکی دیگر از اهداف راهبردی نظام نخبگانی کشور، حمایت و پشتیبانی از نخبگان است. پشتیبانی از نخبگان مستلزم رعایت اصولی است از جمله توجه به کرامت انسانی، عدالت محوری در پشتیبانی و تبدیل پشتیبانی‌های مادی به پشتیبانی‌های معنوی و فرصت‌آفرین.

در اصول اساسی حاکم بر سند راهبردی کشور در امور نخبگان آمده است که سیاست اصلی پشتیبانی در نظام نخبگانی، فرصت‌آفرینی برای انجام فعالیت‌های نخبگانی است؛ از این رو حمایت‌ها و پشتیبانی از اجتماعات نخبگانی اولاً به جای حمایت از افراد و گروه‌ها، معطوف به زمینه‌سازی برای فعالیت آن‌ها در جهت حل مسائل و پیشبرد اهداف نظام جمهوری اسلامی است و ثانیاً به صورتی است که مستلزم تلاش افراد و گروه‌ها در انجام فعالیت‌های نخبگانی باشد (سند راهبردی کشور در امور نخبگان، پیوست ۱، ۱۳۹۱: ۲۵).

۶. تعالی سازمانی:

تعالی سازمانی، مدیریت سازمان از طریق مجموعه‌ای از سیستم‌ها، فرایندها و واقعیت‌های مرتبط و به هم پیوسته است که منجر به رشد و ارتقای سازمان در تمامی ابعاد و سطوح شده و رضایت مشتریان و کلیه ذی‌نفعان را به دنبال دارد.

تعالی سازمانی در اینجا به معنی کلیه فرایندهایی است که منجر به رشد و ارتقای نظام نخبگانی کشور شده و رضایت اجتماع نخبگانی و نظام نخبگانی را به همراه خواهد داشت. مفهوم مذکور شامل دو محور مدیریت صحیح و توجه به نقش راهبردی سازمانی است.

تعالی نظام نخبگانی با مدیریت صحیح پیوند خورده است. مدیریت صحیح شامل ارتقای مدیریتی، نخبه‌باوری مسئولین، مدیریت قوی و متمرکز مسئولین، مدیریت هدفمند گردش نخبگان، مدیریت نظام نخبگانی توسط خود نخبگان و افراد شایسته و برنامه‌ریزی خاص برای نخبگان است.

محور دیگر تعالی سازمانی، توجه به نقش راهبردی و ستادی بنیاد ملی

نخبگان در نظام نخبگانی کشور است. بنیاد ملی نخبگان درعین داشتن نقش مستقل از سایر دستگاه‌ها، نقش ستادی و راهبردی داشته و هماهنگ‌کننده نظام نخبگانی است.

نظام نخبگانی بایستی با رصد نتایج کارهای گذشته، نسبت به نقاط ضعف خود آگاهی پیدا کرده و با داشتن تفکر متعالی به دنبال بهبود وضعیت سازمانی خود در راستای دستیابی به اهداف راهبردی‌اش باشد، در این راستا مشارکت سازمان‌های مرتبط با نخبگان با یکدیگر امری اجتناب‌ناپذیر است.

درمجموع با تحلیل بیانات رهبری در رابطه با موضوع تحقیق می‌توان گفت که نظام نخبگانی مطلوب، نظامی است که در زمینه شناسایی، هدایت و پشتیبانی از نخبگان به خوبی عمل کند، بتواند نخبگان را در وهله اول به درستی، به موقع و از همان سنین پایین‌تر شناسایی و در مرحله بعد آن‌ها را در مسیر شکوفایی استعدادهای‌شان تا رسیدن به مرحله نخبگی هدایت کند. در این راستا نظام نخبگانی بایستی به پشتیبانی فرصت‌آفرین از نخبگان همت گمارد و زمینه اثرگذاری آن‌ها را در جامعه فراهم کند، انگیزه‌های نخبگان را ارتقا دهد و با الگوسازی و تکریم آن‌ها در جامعه زمینه دلگرمی و احساس عزت نفس آن‌ها را افزایش دهد. در پایان نیز نظام نخبگانی موظف است ضمن داشتن رویکرد نخبه‌باوری دائماً به مثابه یک سازمان پویا، به ارتقای مدیریت و عملکرد خود بپردازد.

یادداشت‌ها

۱. هدف اصلی از تشکیل بنیاد ملی نخبگان بر طبق اساسنامه آن عبارت است از: «برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای شناسایی، هدایت، حمایت مادی و معنوی نخبگان، جذب، حفظ و به‌کارگیری و پشتیبانی از آنان در راستای ارتقای تولید علم، فناوری و توسعه علمی و متوازن کشور و احراز جایگاه برتر علمی، فناوری و اقتصادی در منطقه براساس سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴» (اساسنامه بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۸۴).
۲. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور. ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با نخبگان و نظارت بر فعالیت‌های مربوط به آنان در جهت اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب.
۳. ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با نخبگان و نظارت بر فعالیت‌های مربوط به آنان در جهت اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب.
۴. تمامی دستگاه‌های اجرایی موظفند در چارچوب این سند، طرح‌ها و برنامه‌های خود را برای بررسی، یکپارچه‌سازی و تصویب به بنیاد ملی نخبگان تسلیم کنند.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱) راهبردها و بایسته‌های سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی - ره - و مقام معظم رهبری، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۹، ۲۴-۳.
- اساسنامه بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۸۴.
- اصغری، محمود (۱۳۹۴) اقتصاد مقاومتی؛ چرایی، مبانی، مؤلفه‌ها، اهداف و راهبردها (در کلام مقام معظم رهبری حفظه الله)، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۰۴، ۸۳-۱۱۶.
- افتخاری، اصغر، باباهادی، محمدباقر (۱۳۹۸) راهبردها و سیاست‌های ارتقای کارآمدی نظام اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مجله راهبرد، ۹۰، ۳۳-۵.
- باقری مقدم، ناصر، قاضی نوری، سید سپهر، معلمی، عنایت اله، موسوی درچه، سید

- مسلم (۱۳۹۷) روش‌شناسی تدوین اسناد ملی فناوری‌های راهبردی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- برنامه راهبردی بنیاد ملی نخبگان (مرداد ۹۲).
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان ۹۲/۰۷/۱۷
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار اساتید دانشگاه ۸۴/۰۷/۲۱
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۱۳۸۱/۰۷/۰۳
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۸۳/۰۷/۰۵
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۸۲/۱۱/۲۱
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۹۰/۰۷/۱۳
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۸۶/۱۰/۱۳
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا ۱۳۹۴/۰۷/۲۲
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۲/۰۷/۱۷
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار نخبگان جوان با رهبر انقلاب ۸۵/۰۶/۲۵
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۰۶/۰۵
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار نخبگان جوان علمی ۱۳۹۶/۰۷/ ۲۶
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار نخبگان علمی جوان ۹۵/۰۷/۲۸
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار نخبگان و استعدادهاى برتر علمی با رهبر انقلاب ۱۳۹۷/۰۷/۲۵
- ترابی، یوسف، پیروزفر، مهدی (۱۳۹۷) دولت مطلوب و کارآمد اسلامی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، ۴۳، ۲۶-۳.
- جابرانصاری، محمدرضا، پارسائیان، افشین (۱۳۹۶) مدل ارائه مطلوب خدمات عمومی، با بهره‌گیری از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مجله مطالعات قدرت نرم، ۱۷، ۱۷۲-۱۶۰.
- جهانگیری، محمدحسین، کیخسرو کیانی، حمید (۱۳۹۰) نیت راهبردی راهبران و مدیران عالی نظام (به سفارش بنیاد ملی نخبگان).
- حاتمی‌راد، منصور (۱۳۸۶) راهبردهای هسته‌ای از دیدگاه مقام معظم رهبری، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۸۷، ۱۲۹-۱۲۲.

حاجی پور، بهمن، بهادران شیروان، مصطفی (۱۳۹۱) شایستگی‌های محوری دانشگاه مطلوب با تاکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری، مجله مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۲، ۲۵۰-۲۲۷.

حاجی پور، بهمن، طیبی ابوالحسنی، سید امیرحسین و عزیزیان کلخوران، زهرا (۱۳۹۵) تحلیل محتوای حوزه مدیریت راهبردی (مطالعه موردی: فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی)، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۲ (۶۲)، ۴۷-۱۳.

خبرگزاری مشرق (۹۸/۰۵/۱۶)، آخرین آمار از جمعیت کشور در سال ۹۸، برگرفته از mshrgh.ir/981981.

خبرگزاری ایسنا (۹۷/۰۲/۲۵)، پرهیز از سیاسی‌کاری در زمینه ماندگاری نیروی انسانی در کشور، برگرفته از <https://www.isna.ir/news/97022513972>.

داودآبادی، محسن، باقری فرد، محمدحسین (۱۳۸۹) اصول و سیاست‌های حاکم بر مهندسی فرهنگی کشور از دیدگاه مقام معظم رهبری، نشریه مهندسی فرهنگی، ۴۵ و ۴۶، ۱۷-۱۰.

دری نوگورانی، حسین، عباس‌زاده، حسن، نقی‌زاده، یحیی (۱۳۹۸) طراحی راهبردهای دفاع اقتصادی (برگرفته از رهنمودها و اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری)، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۷۶، ۱۳۸-۱۱۷.

ذاکری، محمد، اسدی، اسماعیل (۱۳۹۵) بررسی مأموریت‌ها و کارکردهای نظام آموزش عالی در راستای اقدام و عمل اقتصاد مقاومتی براساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، ۳۵، ۶۶-۴۷.

رجب بیگی، مجتبی، فروزنده، لطف‌اله، مرتضوی، مهدی و بیگدلی، اعظم (۱۳۹۰) تدوین اهداف راهبردی و ارائه مدلی برای دستیابی به آن‌ها با رویکرد ارزیابی متوازن، نشریه فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۷۶.

رستمی‌نیا، محمد اسماعیل (۱۳۹۷) الگوی تفکر راهبردی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱۳، ۸۳-۵۹.

رضوانی، حمیدرضا، شیروانی، فاطمه (۱۳۸۹) مأموریت، چشم‌انداز، ارزش‌ها و مقصد استراتژیک سازمان: تفاوت و تشابه، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک.

سلطانی، محمدرضا، خانی، علی (۱۳۹۵) استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مجله مدیریت اسلامی، شماره ۲.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در مهر ۱۳۹۱.

شاه‌آبادی، ابوالفضل و صالحی، مرضیه (۱۳۹۶) تأثیر بهبود مدیریت فراوانی منابع طبیعی از کانال حکمرانی بر مهاجرت نخبگان، پژوهشنامه بازرگانی، ۸۳: ۱۰۳-۱۳۴.

شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران (ایتان) (۱۳۹۰) استخراج اصول راهبردی تأمین نیاز

- فرهنگی استعدادهای برتر (به سفارش بنیاد ملی نخبگان).
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن، شیخزاده، محمد (۱۳۹۰) تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۲)، ۱۹۸-۱۵۱.
- فرتوک‌زاده، حمیدرضا و حسن اشراقی (۱۳۸۷) مدل‌سازی دینامیکی پدیده مهاجرت نخبگان و نقش نظام آموزش عالی در آن، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۵۰: ۱۳۹-۱۶۹.
- فلاح تفتی، سعید، کردناهیچ، اسدالله، خداداد حسینی، سید حمید، جمالی افوسی، مجید (۱۳۹۳) توسعه اهداف راهبردی کارت امتیازی متوازن در دو سطح سازمان و اکوسیستم کسب و کار در صنعت بانکداری ایران، نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، سال نهم، شماره اول، صص ۲۴-۵.
- قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶).
- گودرزی، غلامرضا، رمضانپور نامقی، امین (۱۳۸۹) بررسی نقش مدیریت راهبردی هزینه در رضایت مشتری؛ نمونه مطالعه، گروه صنعتی ایران خودرو، اندیشه مدیریت راهبردی، ۴ (۲)، ۱۸۲-۱۴۹.
- مارشال ریو، جان (۱۳۸۷) انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش.
- مبینی دهکردی، علی، ربانی، آرزو (۱۳۹۱) مدیریت راهبردی مبتنی بر ارزش در سطح سازمان، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۷۰، ۱۰۱-۶۳.
- محمدری، عبدالمحمود (۱۳۹۲) مدل تحلیل راهبردی در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶۲، ۲۹-۷.
- مسلمی، حسین، فاضلی، سیدظاهر (۱۳۹۷) مدل تحلیلی راهبرد در منظومه فکری مقام معظم رهبری، مجله راهبرد، ۸۹، ۹۴-۶۷.
- منتظران، جاوید، تاج‌آبادی، حسین (۱۳۹۵) بررسی اهداف و اصول امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دو فصلنامه قدرت نرم، ۱۴، ۱۰۱-۷۳.

Kelo, Maria & Bernd, Wchter. (2004). Brain drain brain gain migration in the European Union after enlargement. http://www.aca-secretariat.be/fileadmin/aca_docs/documents/reports/Migration.pdf

Nunn, Nathan, (2007). "Historical legacies: A model linking Africa's past to its current underdevelopment, *Journal of Development Economics*, Elsevier, 83(1), 157-175.

رتبه‌بندی استان‌های کشور از منظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان

محمدحسین امجدی*

حسین مهرابی بشرآبادی**

ندا جهان‌آرای***

چکیده

هدف از این مقاله بررسی جایگاه و مقایسه استان‌های کشور از نظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان است که می‌تواند در شناخت، ارزیابی و بهبود وضعیت این استان‌ها کمک کند. مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این سوال است که وضعیت اقتصاد دانش‌بنیان در بین استان‌های کشور چگونه است؟ برای این منظور از ۲۰ شاخص اقتصاد دانش‌بنیان در قالب ۵ مؤلفه برای بررسی وضعیت موجود استفاده شده است. ابتدا شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون وزن‌دهی شدند و سپس استان‌ها به تفکیک در پنج مؤلفه زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات، آموزش و منابع انسانی، رژیم‌های نهادی و اقتصادی، تحقیق و توسعه و عملکردی و همین‌طور بر اساس مجموعه‌ای از تمام مؤلفه‌های مذکور با استفاده از مدل تاپسیس رتبه‌بندی شدند. نتایج به دست آمده بیانگر این است که استان تهران با اختلاف زیاد در رتبه اول قرار دارد و پس از آن استان‌های اصفهان، قم و البرز در رتبه‌های دوم تا چهارم هستند. از طرف دیگر سه استان سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و کهگیلویه و بویراحمد در رتبه‌های آخر قرار دارند. با توجه به نتایج به دست آمده در محاسبه عوامل و شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان، نیاز به توجه ویژه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران استانی و مدیران بخش خصوصی در ارتقاء اقتصاد دانش‌بنیان و کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های فضایی ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد دانش‌بنیان، رتبه‌بندی، آنتروپی شانون، مدل تاپسیس

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، (نویسنده مسئول)
Mhamjadi@gmail.com

** استاد گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان
Hmehrabhi@uk.ac.ir

*** کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان
Nirani303@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۷

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره نودوچهار، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۹۶-۱۶۳

مقدمه

از دهه ۱۹۷۰ به این سو، تولید مبتنی بر دانش جایگزین تولیدات مبتنی بر صنعت شده است و کشورها، در حال گذار از غلبه صنعت به دوران فراصنعتی هستند. دلیل این امر را باید در تحولات فناوری اطلاعات و تقسیم کار جهانی ناشی از مزیت‌های فرآیند جهانی‌شدن دانست (چارلز و بن ورث^۱، ۲۰۰۱). در عصر جدید، اقتصاد اطلاعات و دانش، به عنوان دو عامل مهم در تولید، جای سرمایه فیزیکی و انرژی را به عنوان عوامل اصلی تولید گرفته‌اند. اقتصاد جدید که اقتصاد دانش‌بنیان نام دارد بر تولید علم با هدف تجاری‌سازی آن تکیه می‌کند. دانش به دو طریق بر میزان تولید تأثیر می‌گذارد؛ یکی به عنوان یک عامل تولید جدید و دیگری افزایش‌دهنده بهره‌وری کل عوامل تولید. از این رو، دانش‌بنیان کردن اقتصاد عبارت است از افزایش تأثیر دانش بر بهره‌وری کلی عوامل تولید، از طریق ارتقای پژوهش و توسعه یا بهبود تأثیر دانش به عنوان نهادهای مهم در تابع تولید کلی اقتصاد، با توسعه صنایع جدید و بخش‌های تولیدی دانش‌بنیان (خالوباقری و همکاران، ۱۳۹۲).

باتوجه به اهمیت دانش و پتانسیل آن در تولید ثروت، تصمیم‌گیرندگان بسیاری از کشورها درصدد سازگار نمودن اقتصاد کشور خود با این سرمایه ارزشمند شده‌اند. در سند چشم‌انداز بیست ساله ایران نیز، دستیابی به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (منطقه چشم‌انداز) هدف غایی ترسیم شده است. بند ۳ و ۷ این سند به‌طور ضمنی راهبرد

1. Charles and Benneworth

اصلی توسعه کشور را «توسعه دانش‌بنیان» قرار داده است. علاوه بر این دستیابی به راهکارهای عملیاتی به منظور توسعه اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای دستیابی به اقتصاد مقاومتی نیز می‌باشد. بند (۲) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی «پشتتازی، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه» را زمینه‌ساز «تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله» دانسته است. قابل ذکر است که در سایر بندها نیز هرچند صریحاً از اقتصاد دانش‌بنیان نام برده نشده، اما اهدافی موردنظر قرار گرفته است که به‌صورت ضمنی تنها در صورت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان قابل تصور است؛ اهدافی از جمله: رشد بهره‌وری، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد و افزایش صادرات کشور. البته اراده سیاسی حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان در برنامه‌های پنج ساله دولت و همچنین بودجه سالانه نیز نمود دارد. برای نمونه ماده ۶۴ برنامه توسعه پنج ساله ششم نیز مستقلاً به امر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان تخصیص داده شد.

با این وجود نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد ایران در بین کشورهای منطقه از لحاظ میزان پیشرفت در اقتصاد دانش‌بنیان در دسته کشورهای دنباله‌رو قرار دارد. در این پژوهش کشورهای منطقه به چهار دسته پیشرو، میانه‌رو، دنباله‌رو و نوپا تقسیم شده‌اند (نوری و همکاران، ۱۳۹۵). این موضوع بیانگر این است که باوجود تاکیدات زیادی که در سال‌های اخیر بر موضوع اقتصاد دانش‌بنیان شده است، درمقایسه با کشورهای منطقه نتوانسته‌ایم به پیشرفت قابل قبولی دست یابیم. بنابراین ضروری است تا نسبت به وضعیت موجود اقتصاد دانش‌بنیان در کشور شناخت کافی صورت گرفته تا بتوان نقاط قوت را ارتقاء داد و نقاط ضعف این بخش را برطرف نمود. از طرف دیگر شناخت میزان توسعه‌یافتگی این بخش در سطح منطقه‌ای از نیازهای تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان استانی است. اطلاع از جایگاه مناطق مختلف کشور و لحاظ کردن آن در برنامه‌ریزی‌ها موضوعی است

که به اثربخشی برنامه‌ها کمک بسزایی خواهد نمود، زیرا بدون مشخص شدن جایگاه هریک از مناطق، هدف‌گذاری و استراتژی‌ها به تعادل فضایی کشور کمک نخواهد کرد. از این رو تعیین موقعیت و جایگاه مناطق مختلف به‌ویژه از نظر میزان توسعه‌یافتگی اقتصاد دانش‌بنیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنا به همین ضرورت‌ها، این پژوهش تلاش کرده است با معرفی شاخص‌های دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان و با توجه به آخرین آمار موجود، استان‌های کشور را از این منظر رتبه‌بندی کند و با مقایسه استان‌ها، به ارائه پیشنهادها به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی دانش‌بنیان در کشور و تحقق اهداف مطرح در اقتصاد مقاومتی بپردازد. بنابراین مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این سوالات است که وضعیت اقتصاد دانش‌بنیان در بین استان‌های کشور چگونه است؟ نقاط قوت و ضعف آن چیست؟ و راهکارهای پیشنهادی برای مدیران و برنامه‌ریزان کشوری و استانی چیست؟ این رو نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده کلیه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران اقتصادی و علمی کشوری و استانی باشد.

۱. مبانی نظری

اولین گام در استفاده فراگیر از مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان در سال ۱۹۹۵ با انتشار گزارشی توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ (OECD) برداشته شد. در این گزارش از دو حوزه نظری عمده برای توصیف اقتصاد دانش‌بنیان استفاده شده است: الف- تئوری‌های جدید رشد، ب- عملکرد نوآوری. با اشاره به عدم توانایی اقتصاددانان در درک و توضیح عوامل محرک توسعه بلندمدت که تا آن تاریخ (سال ۱۹۹۵) در اقتصاد نئوکلاسیک توسط تابع تولید (نیروی کار، سرمایه، مواد اولیه و انرژی) و در تئوری جدید رشد با افزودن عامل دانش به عوامل موجود در تابع تولید مورد بررسی قرار می‌گرفت، به دنبال مفهومی جدید برای توصیف رشد اقتصادی بلندمدت کشورها، مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان معرفی شد. از نظر OECD اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که به‌طور مستقیم براساس

1. Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD)

تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. (OECD, 1996) جونز^۱ (۱۹۹۹) معتقد است که اقتصاد دانش‌بنیان به معنای گذار از اقتصاد مبتنی بر منابع فیزیکی به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش است. کمیته اقتصادی سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه^۲ (APEC) نیز اقتصاد دانش‌بنیان را اقتصادی می‌داند که در آن تولید، توزیع و کاربرد دانش، عامل و محرک رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی صنایع است. طبق این تعریف، اقتصاد دانش‌بنیان برای رشد و تولید ثروت تنها به تعدادی از صنایع با فناوری بالا متکی نیست، بلکه در این اقتصاد تمامی صنایع به فراخور نیاز خود از دانش استفاده می‌کنند؛ به عبارت دیگر، در اقتصاد دانش‌بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش در تمامی صنایع، عامل محرک رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال است (علم خواه و صادقی شاهدانی، ۲۰۱۳: ۲۰).

با وجود تعاریف متعدد اقتصاد دانش، جدول ۱ تلفیقی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده آن را ارائه می‌دهد.

جدول ۱. مؤلفه‌های اصلی اقتصاد دانش

مؤلفه‌ها	مشخصات
مبانی اقتصاد دانش	- افزایش سطح تحصیلات در کشورهای توسعه یافته، - رشد بین‌المللی کردن اقتصادها از طریق تجارت جهانی در خدمات، - پیشرفت و انتشار فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات.
شاخص‌های اقتصاد دانش	- انتقال از اقتصاد صنعتی به سیستم مبتنی بر خدمات، - افزایش تعداد کارگران حرفه‌ای و فنی و تأثیر رو به رشد آن‌ها در اقتصاد، - جامعه اطلاعاتی سازمان‌یافته پیرامون دانش و اطلاعات، - تحقیقات و توسعه علمی (در کنار ادغام علم و فناوری با اقتصاد) کلید اصلی جامعه اطلاعات هستند، - پیشرفت در تکنولوژی فکری.
ارکان دانش در اقتصاد دانش	- فناوری اطلاعات و ارتباطات، - سرمایه انسانی، - سرمایه اجتماعی (اعتماد، همکاری و شبکه‌های اجتماعی)، - مدیریت دانش در سازمان‌ها.

منبع: اسکرزپیک^۳، ۲۰۱۱ به نقل از زاک، ۲۰۱۶

1. Jones, A. B. (1999)

2. Asia-Pacific Economic Co-operation (APEC)

3. Skrzypek E (2011)

به عقیده اسکرزپیک (۲۰۰۹) مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصادهای دانش‌محور عبارتند از: تغییرپذیری فوری و کلی محیط، ضرورت کسب و استفاده از دانش، لزوم تبدیل جامعه‌ی صنعتی به جامعه‌ی اطلاعاتی، اتکای سازمان‌ها به دسترسی اطلاعات و استفاده ماهرانه از آن و شناخت نقش فزاینده دارایی‌های نامشهود مثل دانش، سرمایه فکری و اطلاعات (اسکرزپیک، ۲۰۰۹ به نقل از زاک، ۲۰۱۶).

از نظر کلیر^۱ (۲۰۰۹) برای دستیابی به اقتصاد دانش‌محور، باید اقتصاد ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

۱. اقتصاد نیاز به دستیابی به نرخ رشد بالایی دارد، درآمد سرانه در حدود ۲۰ هزار دلار باشد و خدمات ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) را تشکیل دهد.

۲. جامعه از سطح تحصیلات بالایی برخوردار باشد به طوری که ۵۰ درصد از افراد شاغل دارای تحصیلات عالی باشند.

۳. هزینه‌های تحقیق و توسعه حدود ۳٪ از تولید ناخالص داخلی را تشکیل دهند.

۴. نوآوری اقتصاد شامل حداقل تنظیم مقررات، حمایت از بنگاه‌های نوآورانه نه تنها در تجارت، بلکه از طریق سرمایه‌گذاری‌های اساسی بخش دولتی در تحقیقات باشد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به رشد کمک کند.

۵. بخش عمومی مدرن باید از یک مدل مختلط پیروی کند و نمی‌تواند یک سیستم منحصراً لیبرال باشد. (زاک^۲، ۲۰۱۶)

یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌هایی که در اثر انقلاب دانایی پدیدار گشته است، بروز تغییرات چشمگیر در قواعد بازی اقتصادی است. بدین معنا که اگر تا قبل از انقلاب دانایی مؤلفه‌های کلیدی قدرت را عناصر مادی و ملموس مانند کارخانه‌های بزرگ، زمینه‌ای وسیع، ماشین‌آلات و تجهیزات و ... تشکیل می‌دادند، در شرایط جدید، این دانایی انسان‌ها و شبکه روابط میان آن‌هاست که نقش موتور

1. Kleer J (2009)

2. Žak K (2016)

را برای تداوم پیشرفت‌ها بازی می‌کند (استیگلitz^۱، ۱۹۹۹).

بر این اساس اقتصاد دانش محور تنها بستگی به تعداد محدودی صنایع مبتنی بر فناوری بسیار پیشرفته نیست بلکه در این نوع اقتصاد کلیه فعالیت‌های اقتصادی به شکلی بر دانش متکی است؛ حتی فعالیت‌هایی نظیر معدن و کشاورزی که اقتصاد قدیمی خوانده می‌شوند. همچنین دانش موردنیاز برای ساختن اقتصاد دانش محور تنها از نوع فناوری محض نیست و دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی را نیز دربرمی‌گیرد (شهنازی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴). در این اقتصاد، نهادها و سازمان‌های دولتی با تأکید بر شبکه‌سازی و استفاده از روش‌هایی که بهره‌وری بیشتری دارند اغلب نقش تسهیلگری و محرک بودن را ایفا نموده و سازمان‌ها مکان تصمیم و عمل هستند (کوک و مورگان^۲، ۱۹۹۸). اقتصاد دانش‌بنیان تمام زمینه‌های تجارت، ساختار اقتصادی، بهره‌وری، نوع مدیریت و غیره را متحول کرده و دارای ویژگی‌هایی مانند آزادسازی تجارت و جهانی‌شدن بازرگانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مدیریت دانش، تغییر ساختاری در اقتصاد، تغییرات در محل و نیروی کار، افزایش حق انتخاب مصرف‌کنندگان، کوچک شدن دولت و کسب و کار الکترونیکی می‌باشد (خالو باقری و همکاران، ۱۳۹۲).

۱-۱. اندازه‌گیری اقتصاد دانش‌بنیان

تاکنون الگوهای متفاوتی برای اندازه‌گیری و تحلیل اقتصاد دانش‌بنیان ارائه شده است. اخیراً بانک اروپایی بازسازی و توسعه^۳ (EBRD) نیز الگوی چهار بخشی خود را ارائه کرده است. در جدول ۲ این الگوها به صورت خلاصه ارائه شده است.

1. Stiglitz J. E (1999)

2. Cook P and MorganK (1998)

3. European Bank for Reconstruction and Development (EBRD)

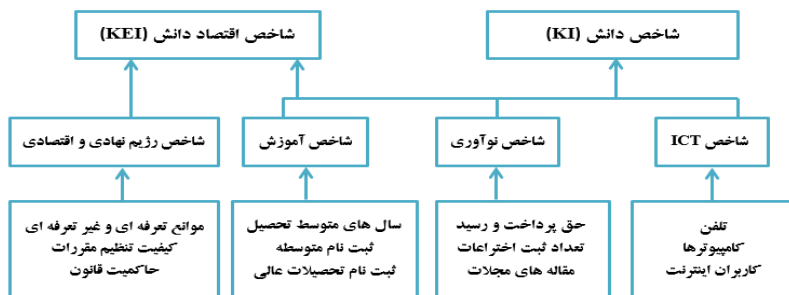
جدول ۲. الگوهای اندازه‌گیری اقتصاد دانش‌بنیان

ردیف	چارچوب	سال	مؤلفه‌ها
۱	سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)	۱۹۹۶	۱- فناوری اطلاعات و ارتباطات، ۲- نوآوری و انتشار نوآوری، ۳- سرمایه انسانی، ۴- خلاقیت اقتصادی و کارآفرینی، ۵- ارزیابی وضعیت اقتصادی
۲	نمایه اقتصاد جدید ^۱ (NEI)	۱۹۹۸	۱- مشاغل دانشی، ۲- جهانی شدن، ۳- رقابت و پویایی اقتصادی، ۴- اقتصاد دیجیتال، ۵- ظرفیت نوآوری تکنولوژیک
۳	بانک جهانی	۱۹۹۸	۱- شاخص‌های عملکرد عمومی اقتصاد، ۲- انگیزش اقتصادی و رژیم نهادی، ۳- آموزش و منابع انسانی، ۴- نظام نوآوری، ۵- زیرساخت‌های اطلاعات
۴	اداره آمار استرالیا ^۲ (ABS)	۱۹۹۹	۱- زیرساخت، ۲- نوآوری و کارآفرینی، ۳- سرمایه انسانی، ۴- فناوری اطلاعات و ارتباطات، ۵- اثرات اقتصادی و اجتماعی
۵	همکاری‌های اقتصادی آسیا و پاسفیک ^۳ (APEC)	۲۰۰۰	۱- نظام نوآوری، ۲- توسعه منابع انسانی، ۳- زیرساخت‌های اطلاعات و ارتباطات، ۴- محیط تجاری
۶	دانشگاه هاروارد ^۴	۲۰۰۰	۱- دسترسی به شبکه، ۲- یادگیری شبکه‌ای، ۳- جامعه شبکه‌ای، ۴- اقتصاد شبکه‌ای
۷	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا ^۵ (UNECD)	۲۰۰۲	۱- نظام اطلاعاتی، ۲- نظام نوآوری ۳- رژیم نهادی، ۴- منابع انسانی
۸	بانک اروپایی بازسازی و توسعه (EBRD)	۲۰۱۹	۱- نهادهای برای نوآوری، ۲- مهارت‌هایی برای نوآوری، ۳- نظام نوآوری، ۴- زیرساخت‌های اطلاعات و ارتباطات

منبع: تلخیص از مقاله انتظاری و محجوب، ۱۳۹۲ و گزارش معرفی اقتصاد دانش‌بنیان EBRD، ۲۰۱۹. یکی از متداول‌ترین روش‌های جامع استفاده‌شده سنجش اقتصاد دانش، روش‌شناسی ارزیابی دانش^۶ (KAM) است که توسط موسسه بانک جهانی تهیه شده است. این الگو در ابتدا شامل پنج مؤلفه بود اما از ویرایش سال ۲۰۰۸ به بعد الگوی اقتصاد دانش به چهار مؤلفه شاخص فناوری اطلاعات، نوآوری، آموزش و رژیم‌های نهادی و اقتصادی تقلیل پیدا کرده است. نمودار ۱ چارچوب کلی آن را نشان می‌دهد.

1. New Economy Index (NEI)
2. Australian Bureau of Statistic (ABS)
3. Asia-Pacific Economic Co-operation (APEC)
4. Harvard University
5. United Nations Economic commission for Europe (UNECD)
6. Knowledge Assessment Methodology (KAM)

شکل ۱. چارچوب شاخص‌های اقتصاد دانش از نگاه بانک جهانی (KAM)

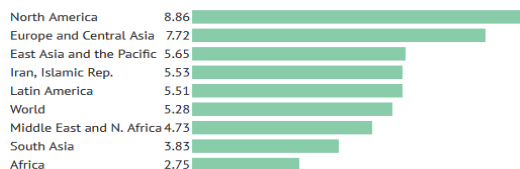


منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۲

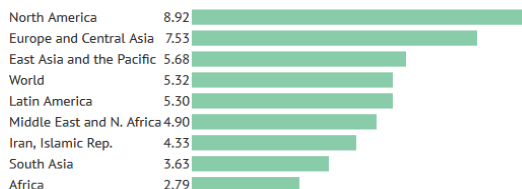
در حال حاضر اطلاعات محاسبه شاخص فوق برای ۱۴۶ کشور در دسترس است که حدود ۱۰۰ کشور در حال توسعه و بیشتر کشورهای عضو OECD را در برمی‌گیرد. شواهد آماری حاکی از آن است که وضعیت ایران علی‌رغم امتیاز مناسب در شاخص دانش (KI)، اما در شاخص اقتصاد دانش‌بنیان (KEI) در سطح جهانی در جایگاه مناسبی قرار ندارد و رتبه‌بندی‌های ارائه‌شده از سوی بانک جهانی، حاکی از رتبه ۹۳ ایران در سال ۲۰۱۲ بوده است.^(۱) (شکل ۲)

شکل ۲. وضعیت ایران در شاخص دانش (KI) و شاخص اقتصاد دانش‌بنیان (KEI) از نگاه بانک جهانی - ۲۰۱۲

شاخص دانش (KI)



شاخص اقتصاد دانش‌بنیان (KEI)



منبع: <https://knoema.com>

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه محاسبه، رتبه‌بندی و تعیین جایگاه کشورها براساس مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان، در داخل و خارج از کشور مطالعاتی صورت گرفته که با توجه به تعدد مطالعات و ترجیح بر اختصار، کلیات مرتبط با مهم‌ترین مطالعات داخلی و خارجی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. مطالعات خارجی و داخلی

نام محقق	عنوان تحقیق	نتایج
دیزجی و همکاران (۱۳۹۱)	تعیین جایگاه ایران در زمینه اقتصاد دانش‌بنیان در میان کشورهای منتخب	براساس نتایج آنان، ایران بین کشورهای منتخب (۴۰ کشور) در جایگاه بیست و نهم قرار داشته است. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که می‌توان با پیروی از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و چین، جایگاه ایران را در این زمینه تقویت کرد.
عباسیان و دلیری (۱۳۹۱)	تخمین و رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور	نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ایران از لحاظ شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور، رتبه پایینی در دنیا دارد. در داخل کشور نیز منابع و شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور به‌صورت ناهمگون تقسیم‌شده و توازن در منابع برای استان‌ها وجود نداشته است.
تشکینی و عریانی (۱۳۹۲)	جایگاه اقتصاد دانش در ایران با تأکید بر مقایسه تطبیقی میان کشورهای برتر و منتخب منطقه	مقایسه تطبیقی شاخص اقتصاد دانش ایران و کشورهای برتر جهان و منطقه نشان می‌دهد که ایران تا دستیابی به جایگاه مناسب در شاخص اقتصاد دانش راه زیادی پیش‌رو دارد.
فلاح و سلامی (۱۳۹۵)	بررسی تطبیقی دانش‌بنیانی اقتصاد ایران با کشورهای منتخب آسیایی و ارائه نقشه راه برای بهبود وضعیت ایران	کشور ایران در ابعاد نوآوری، فناوری اطلاعات و ارتباطات و رژیم اقتصادی و نهادی در وضعیت ضعیف‌تری نسبت به کشورهای پیشرفته آسیایی قرار دارد؛ ولی در حوزه آموزش در وضعیت متوسطی نسبت به کشورهای دیگر قرار گرفته است.
نوری و همکاران (۱۳۹۵)	تعیین جایگاه ایران در منطقه از منظر اقتصاد دانش‌بنیان برپایه الگوریتم خوشه‌بندی	این مطالعه براساس داده‌های سال ۲۰۱۲ و با استفاده از روش خوشه‌بندی، کشورهای منطقه را به چهار گروه دسته‌بندی کردند. پس از تعیین جایگاه ایران بین این کشورها براساس شاخص‌های بررسی شده، مشخص شد ایران بین کشورهای دنباله‌رو قرار گرفته است.
عزیزی و مرادی (۱۳۹۷)	محاسبه شاخص‌های اصلی و فرعی اقتصاد دانش‌بنیان برای ایران در سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶	نتایج نشان داد: ایران از لحاظ شاخص نوآوری، کمابیش در سطح خوبی است، اما از لحاظ مشوق‌های اقتصادی و نهادی در شرایط نامطلوبی قرار دارد.
رودری و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی نقش مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در وضعیت ایران و کشورهای حوزه سند چشم‌انداز با استفاده از روش‌های تحلیل تمایزی چندگروهی و -k	نتایج تحقیق حاکی از آن است که طی دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵، ایران از لحاظ شاخص اقتصاد دانش‌بنیان پیشرفت شایان توجهی نداشته و در گروه دوم کشورها (سطح متوسط) از لحاظ ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان قرار گرفته است.

نام محقق	عنوان تحقیق	نتایج
	میانگین ^۱	
فوسس و کورینا ^۲ (۲۰۱۴)	اقتصاد دانش‌بنیان در اتحادیه اروپا: جایگاه رومانی	در این مطالعه، تحلیل خوشه‌ای روی داده‌های حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی شاخص‌های استراتژی اروپا برای کشورهای منتخب پژوهش صورت گرفته است و توانستند به جایگاه ۲۷ کشور اتحادیه اروپا از لحاظ اقتصاد دانش‌بنیان دست یابند.
دسپوتوویک ^۳ و همکاران (۲۰۱۵)	چشم‌انداز توسعه اقتصاد دانش، نوآوری و رقابت‌پذیری کشورهای عضو توافق‌نامه تجارت آزاد اروپای مرکزی	نتایج مطالعه نشان داد کشورهای عضو توافق‌نامه تجارت آزاد در مقایسه با چند کشور منتخب اروپایی، در جایگاه بهتری قرار دارند.
پاز-مارین ^۴ و همکاران (۲۰۱۵)	طبقه‌بندی پیشرفت کشورها از نظر اقتصاد دانش بر مبنای تکنیک‌های طبقه‌بندی یادگیری ماشینی	این مطالعه از طبقه‌بندی ۵۴ کشور براساس پیشرفت‌شان از نظر اقتصاد دانش‌بنیان استفاده نموده است و سپس از یک مدل ترتیبی مبتنی بر رگرسیون ترتیبی بردار پایه ^۵ برای شناخت الگوهای درون خوشه‌ها استفاده شد و جایگاه کشورها در هر خوشه بر مبنای این الگوریتم شناسایی گردید.
بانک اروپایی بازسازی و توسعه (EBRD) (۲۰۱۹)	معرفی اقتصاد دانش‌بنیان EBRD	در این گزارش الگوی جدیدی برای اقتصاد دانش‌بنیان معرفی و براین اساس ۴۶ کشور شامل ۳۸ کشور که بانک در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده و ۸ کشور عضو OECD رتبه‌بندی شده‌اند. براین اساس استونی بیشترین امتیاز و ترکمنستان کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. امتیاز ۸ کشور عضو OECD، ۷،۳۶ و ۳۸ کشور دیگر ۴،۶۷ می‌باشد.

با بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران و همچنین با مطالعه ادبیات نظری می‌توان بیان کرد غالب مطالعات بین‌کشوری انجام شده است و تنها یک مورد (عباسیان و دلیری، ۱۳۹۱) به رتبه‌بندی استان‌های کشور براساس اطلاعات سال ۱۳۸۶ کشور پرداخته شده است. همچنین در پژوهش مذکور به دلیل کمبود اطلاعات از شاخص‌های محدودی استفاده شده است؛ بنابراین می‌توان گفت هنوز شکاف پژوهشی در این زمینه وجود دارد. نوآوری این پژوهش در این است که با تأکید بر الگوها و شاخص‌های معتبر جهانی و آمار و اطلاعات به‌روز درصدد این است که این شکاف را کاهش دهد.

1. K-Means

2. Fucec A.A and Corina M (2014)

3. Despotovic D and et al (2015)

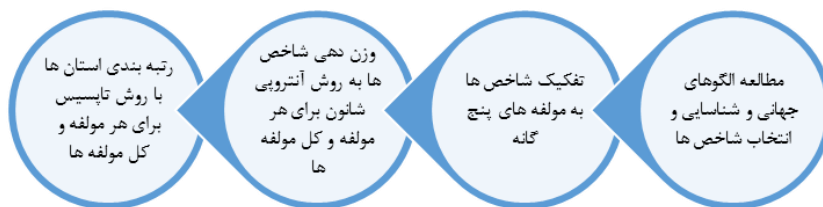
4. Paz-Marin M and et al (2015)

5. Vector Ordinal Regression

۳. روش تحقیق

در این بخش طبق الگوهای ذکر شده، میزان برخورداری از شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان در استان‌های ایران محاسبه و سپس با استفاده از ابزارهای رتبه‌بندی جایگاه هر استان در اقتصاد دانش‌بنیان مشخص خواهد شد. جهت وزن‌دهی به شاخص‌ها از آنتروپی‌شانون و برای رتبه‌بندی از تکنیک تاپسیس استفاده گردیده است. فرآیند انجام پژوهش شامل چهار مرحله بوده که در شکل زیر ارائه گردیده است.

شکل ۳. فرآیند انجام پژوهش



۳-۱. آنتروپی شانون^۱

به منظور وزن‌دهی به شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون استفاده شده است. کلود شانون^۲ در مقاله خود در سال ۱۹۴۸، آنتروپی شانون را معرفی کرد و پایه‌گذار نظریه اطلاعات شد. در ادامه مراحل روش آنتروپی شانون توضیح داده شده است:

مرحله ۱) تشکیل جدول شاخص‌ها: ماتریس $n \times m$ که دارای m گزینه (۳۱)

استان) و n شاخص (شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان) می‌باشد، تشکیل می‌دهیم.

$$\begin{bmatrix} X_{11} & \cdots & X_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ X_{m1} & \cdots & X_{mn} \end{bmatrix} \quad (۱)$$

مرحله ۲) نرمال‌سازی جدول تصمیم‌گیری: برای نرمال‌سازی یا بی‌مقیاس کردن جدول از روش نرمال‌سازی ساده یعنی همان روش میانگین حسابی استفاده می‌شود.

1. Shannon Entropy

2. Shannon K (1948)

$$P_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sum_{i=1}^m X_{ij}} \quad i = 1, \dots, m \quad j = 1, \dots, n \quad (2)$$

مرحله ۳) محاسبه آنتروپی هر شاخص:

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m P_{ij} \times \ln P_{ij} \quad j = 1, \dots, n \quad (3)$$

$$k = 1/\ln m \quad (4)$$

مقدار k باعث می‌شود که مقدار آنتروپی هر شاخص بین صفر و یک باقی بماند.

مرحله ۴) محاسبه فاصله هر شاخص از آنتروپی آن:

$$d_j = 1 - E_j \quad j = 1, \dots, n \quad (5)$$

مرحله ۵ محاسبه وزن هر شاخص:

$$W_j = \frac{d_j}{\sum d_j} \quad j = 1, \dots, n \quad (6)$$

۳-۲. مدل تاپسیس (TOPSIS)

این مدل توسط هوانگ و یون^۲ در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد شد و یکی از بهترین مدل‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه است. این تکنیک بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی، باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد. در این روش نیز ماتریس $n \times m$ که دارای m گزینه (۳۱ استان) و n شاخص می‌باشد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در روش تاپسیس یک مسئله طی مراحل شش‌گانه به شرح زیر حل می‌شود:

۱- نرمال کردن ماتریس تصمیم: این فرآیند سعی می‌کند مقیاس‌های موجود در ماتریس تصمیم را بدون مقیاس نماید. به این ترتیب که هرکدام از مقادیر بر اندازه بردار مربوط به همان شاخص تقسیم می‌شود. هر درایه r_{ij} از فرمول زیر به

1. Technique for Order of Preference by Similarity to Ideal Solution

2. Hwang and Yoon (1981)

دست می‌آید:

$$r_{ij} = X_{ij} / (\sum_{i=1}^m X_{ij}^2)^{1/2} \quad (۷)$$

ماتریس به دست آمده را N_D می‌نامیم.

۲- موزون کردن ماتریس نرمال شده: مجموعه‌ای از وزن‌ها $W = (w_1, w_2, \dots, w_n)$ به طوری که $\sum_{k=1}^n w_k = 1$ برای هر شاخص در نظر گرفته می‌شود و با ضرب کردن ستون j -ام از ماتریس N_D در وزن مربوطه w_j ، ماتریس نرمال شده موزون به دست می‌آید.

$$V = N_D \times W \quad (۸)$$

در این رابطه V ماتریس نرمال شده موزون و W یک ماتریس قطری از وزن‌های به دست آمده برای شاخص‌هاست. برای وزن‌دار کردن شاخص‌ها روش‌های گوناگونی وجود دارد؛ اما در این مقاله از روش آنترپی شانون استفاده شده است.

۳- تعیین راه حل ایده‌آل مثبت (A^+) و راه حل ایده‌آل منفی (A^-): راه حل ایده‌آل مثبت یا منفی براساس رابطه‌های زیر به دست می‌آیند:

$$A^+ = \{(\max_i v_{ij} | j \in J_1), (\min_i v_{ij} | j \in J_2), i = 1, 2, \dots, m\} \quad (۹)$$

$$A^- = \{(\min_i v_{ij} | j \in J_1), (\max_i v_{ij} | j \in J_2), i = 1, 2, \dots, m\} \quad (۱۰)$$

$$A^+ = \{V_1^+, V_2^+, \dots, V_n^+\} \quad (۱۱)$$

$$A^- = \{V_1^-, V_2^-, \dots, V_n^-\} \quad (۱۲)$$

$$J_1 = \{\text{شاخص‌های با رویکرد مثبت}\} \quad (۱۳)$$

$$J_2 = \{\text{شاخص‌های با رویکرد منفی}\} \quad (۱۴)$$

دو گزینه ایجاد شده A^+ و A^- به ترتیب برترین گزینه (راه حل ایده‌آل مثبت) و کم‌اثرترین گزینه (راه حل ایده‌آل منفی) است.

۴- محاسبه اندازه فاصله: فاصله بین هر گزینه n بعدی را می‌توان به روش اقلیدسی سنجید. فاصله گزینه i -ام از ایده‌آل مثبت با فرمول زیر به دست می‌آید:

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2} \quad .i = 1.2.m \quad (15)$$

به طور مشابه، فاصله گزینه i -ام از ایده‌آل منفی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2} \quad .i = 1.2.m \quad (16)$$

۵- محاسبه نزدیکی نسبی A_i به راه حل ایده‌آل: محاسبه به روش ذیل صورت می‌گیرد:

$$CL_i = d_i^- / (d_i^- + d_i^+) \quad .i = 1.2.m \quad .0 \leq CL_i \leq 1 \quad (17)$$

بنابراین هرچه قدر گزینه به راه حل ایده‌آل مثبت نزدیک‌تر باشد مقدار CL_i آن به یک نزدیک‌تر خواهد بود.

۶- رتبه‌بندی گزینه‌ها: در این مرحله براساس ترتیب نزولی CL_i می‌توان گزینه‌های موجود را باتوجه به بیشترین اهمیت رتبه‌بندی نمود.

۳-۳. شاخص‌های مورد بررسی

باتوجه به ادبیات نظری و همچنین الگوی اقتصاد دانش‌بنیان، ۲۰ شاخص احصاء و به ۵ مؤلفه زیر تقسیم‌بندی شده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که درابتدا شاخص‌های زیادی برای اقتصاد دانش‌بنیان تعریف شد. اما باتوجه به ضریب همبستگی بالای بسیاری از این شاخص‌ها و درنتیجه همپوشانی آن‌ها، نهایتاً شاخص‌های ذیل که با تلفیق چند شاخص به‌دست آمدند، به‌عنوان شاخص‌های هر استان انتخاب شدند.

۱- زیرساخت اطلاعات: فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) در هر دو بعد عرضه و تقاضا در اقتصاد اثر می‌گذارد و رشد اقتصادی، رشد بهره‌وری نیروی کار، سوددهی و رفاه مصرف‌کننده را به ارمغان می‌آورد. با وجود زیرساخت‌های اطلاعاتی می‌توان ازطریق شبکه‌های ارتباطاتی به‌عنوان کانالی جهت تبادل دانش بین کشورها استفاده کرد و ارتباط بین شرکای تجاری از کشورهای متفاوت را تقویت کرد. برای بررسی وضعیت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات از

سه شاخص دسترسی به رایانه، تلفن همراه و اینترنت استفاده شده است. آمار این سه شاخص از نتایج طرح هزینه-درآمد خانوار شهری در سال ۱۳۹۷ که هر ساله توسط مرکز آمار ایران اجرا و منتشر می گردد، استخراج شده است.

۲- آموزش و منابع انسانی: از نیروی انسانی متخصص به عنوان یکی از ارکان نوآوری و ابداعات و دستیابی به مزیت رقابتی یاد می شود. در واقع اصول اصلی اقتصاد دانش بنیان بر نیروی انسانی خلاق و متخصص استوار شده است. مطالعات تجربی که ارتباط بین سرمایه انسانی و بهره‌وری در سطح شرکت‌ها را بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهند؛ کارکنان با دانش بیشتر، بهره‌وری را افزایش می‌دهند و منبع مستقیم نوآوری و رقابت‌پذیری در درازمدت هستند. از این رو کشورهای مختلف سرمایه‌گذاری زیادی را در زمینه آموزش دانشگاهی نیروی انسانی به عمل آورده‌اند. نرخ باسوادی، تعداد محققین به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، تعدد ثبت‌نام‌شدگان آموزش عالی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر و سهم شاغلین با تحصیلات دانشگاهی از کل شاغلین، شاخص‌های گروه آموزش و منابع انسانی هستند. برای تهیه آمار مورد نیاز این شاخص‌ها از سالنامه آماری استان‌ها در سال ۱۳۹۷ استفاده شده است.

۳- رژیم‌های نهادی: شواهد تجربی بیانگر رابطه‌ی بین چارچوب نهادی تولیدمحور و تحقق اقتصاد دانش‌محور است. در این راستا نهادها نقشی کلیدی در تعیین جهت‌گیری‌های اقتصاد به سمت فعالیت‌های تولیدی یا غیرمولد دارند. چارچوب نهادی در واقع سیستم قاعده‌گذاری و پاداش‌دهی در جامعه را مشخص می‌کند. چنانچه سیستم قاعده‌گذاری، به نفع فعالیت‌های مولد باشد، تولید در اقتصاد رونق می‌گیرد و چنانچه مشوق فعالیت‌های بازتوزیعی باشد، فعالیت‌های سوداگری در اقتصاد اولویت پیدا می‌کند. از این زاویه نقش نهادها و چارچوب نهادی در شکل‌گیری اقتصاد دانش بنیان نیز پررنگ می‌شود. چنانچه نهادهای حاکم بر جامعه، مشوق به‌کارگیری دانش در فرآیند تولید باشند، حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان تسهیل می‌گردد. برای این منظور سه شاخص حقوق مالکیت، فساد و قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی که از مهم‌ترین مؤلفه‌های نهادی هستند،

استفاده شده است. دلیل انتخاب این سه مؤلفه، اول اهمیت و نقش غیرقابل انکار آن‌ها و دوم جایگاه ویژه آن‌ها به عنوان ابرمتغیر بنیادین در یک اقتصاد بوده است. برای بررسی عملکرد این سه مؤلفه در استان از گزارش «پایش امنیت سرمایه‌گذاری به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری در سال ۱۳۹۷» که به صورت فصلی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس محاسبه و منتشر می‌گردد، استفاده شده است. نتایج این شاخص‌ها با توجه به ارزیابی صورت گرفته از بین فعالان اقتصادی سراسر کشور است که به صورت عددی بین ۱ (بهترین ارزیابی) و ۱۰ (بدترین ارزیابی) انجام شده است.

۴- تحقیق و توسعه: هزینه‌های تحقیق و توسعه از مهم‌ترین معیارهای نشان‌دهنده سطح نوآوری و تولید دانش جدید به شمار می‌رود. شاخص‌های مورد استفاده برای این مؤلفه شامل کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، سهم کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه، سهم محققان کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه و سهم پروژه‌های تحقیق و توسعه کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه می‌باشد. آمار این شاخص‌ها از نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه در سال ۱۳۹۶ مرکز آمار ایران استخراج شده است.

۵- عملکردی: کاربرد دانش نیز شامل به کارگیری دانش در ابعاد مختلف جامعه برای ایجاد ارزش افزوده، ثروت و رفاه و تولید دوباره دانش است. این مؤلفه در واقع بر مبنای این درک از اقتصاد دانش‌بنیان شکل گرفته است که در صورت تحقق این نظام، مهم‌ترین خروجی آن، افزایش فعالان و کارگزاران اقتصادی در حوزه‌های مرتبط با فناوری‌های مدرن می‌باشد. لذا برای سنجش میزان تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، از شاخص‌های توسعه انسانی، سهم صنایع با فناوری بالا از کل صنعت، سهم ارزش افزوده تحقیق و توسعه از GDP، سهم ICT از GDP، سهم صادرات با فناوری بالا از کل صادرات استان و تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر استفاده شده است. در این بخش از آخرین آمارهای موجود در کشور استفاده شده است. آمار صادرات استان‌ها در سال ۱۳۹۷ از

سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار سهم صنایع با فناوری بالا از کل صنعت، سهم تحقیق و توسعه از GDP و سهم ICT از تولید از حساب‌های منطقه‌ای سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران و آمار تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در سال ۱۳۹۷ نیز از سایت معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور^(۲) استخراج شده است. همچنین برای شاخص‌های توسعه انسانی نیز از مقاله زنگنه (۱۳۹۵) کمک گرفته شده است. در این مقاله شاخص توسعه انسانی برای استان کشور در سال ۱۳۹۳ محاسبه شده است.

۴. نتایج و بحث

شاخص‌های مورد بررسی به همراه ویژگی‌های آماری آن‌ها در جدول ۴ نشان داده شده است. باتوجه به جدول استان تهران در ۱۰ شاخص بیشترین مقدار را دارد. نکته قابل تأمل اینکه در غالب شاخص‌های مورد بررسی، استان‌های مرزی کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۴. شاخص‌های مورد بررسی به همراه ویژگی‌های آماری آن‌ها

مؤلفه	شاخص	ماهیت شاخص	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم		مینیمم	
					مقدار	استان	مقدار	استان
زیرساخت اطلاعات	دسترسى به رایانه	مثبت	۳۱,۲	۸,۷	۵۴,۳	کهگیلویه و بویراحمد	۱۴,۴	کرمان
	دسترسى به تلفن همراه	مثبت	۹۵,۹	۱,۸	۹۹,۱	کهگیلویه و بویراحمد	۹۰,۹	خراسان جنوبی
	دسترسى به اینترنت	مثبت	۵۷,۹	۱۱,۷	۷۹,۰	کهگیلویه و بویراحمد	۳۲,۳	کرمان
آموزش و منابع انسانی	نرخ باسوادی	مثبت	۸۶,۴	۳,۵	۹۲,۹	تهران	۷۶,۰	سیستان و بلوچستان
	سرانه محققین به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر	مثبت	۱۵۶,۶	۱۱۴,۴	۵۵۲,۹	سمنان	۴۹,۴	خراسان شمالی
	سرانه ثبت نام شدگان آموزش عالی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر	مثبت	۱۳۷۶,۷	۴۶۶,۱	۳۴۵۹,۱	سمنان	۸۸۲,۰	کردستان
	سهم شاغلین با تحصیلات دانشگاهی	مثبت	۰,۲۸	۰,۰۵	۰,۴۰	کهگیلویه و بویراحمد	۰,۲۲	کردستان
رژیم‌های	تعریف و تضمین حقوق مالکیت	منفی	۶,۷	۰,۳	۶,۱	همدان	۷,۴	کهگیلویه و بویراحمد

مؤلفه	شاخص	ماهیت شاخص	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم		مینیمم	
					مقدار	استان	مقدار	استان
نهادی (۳)	شفافیت و سلامت اداری	منفی	۶,۵	۰,۲	۶,۲	مرکزی	۶,۹	تهران
	ثبات و پیش‌بینی پذیری مقررات و رویه‌های اجرایی	منفی	۵,۹	۰,۲	۵,۶	یزد	۶,۳	کرمانشاه
تحقیق و توسعه	سرانه کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه ازای هر ۱۰۰ هزار نفر	مثبت	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۲۵	تهران	۰,۰۰۲	ایلام
	سهم کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه	مثبت	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۲۹	تهران	۰,۰۰۴	ایلام
	سهم محققان کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه	مثبت	۰,۰۳	۰,۰۵	۰,۳۰	تهران	۰,۰۰۳	خراسان شمالی
	سهم پروژه‌های تحقیق و توسعه کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه	مثبت	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۳۶	تهران	۰,۰۰۳	خراسان شمالی
عملکردی	شاخص توسعه انسانی	مثبت	۰,۷۰	۰,۰۴	۰,۷۶	تهران	۰,۶۳	سیستان و بلوچستان
	سهم صنایع با فناوری بالا از کل صنعت	مثبت	۰,۱۴	۰,۱۲	۰,۵۰	البرز	۰,۰۰۰	بوشهر
	سهم تحقیق و توسعه از GDP	مثبت	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	تهران	۰,۰۰۰ ۱	اردبیل
	سهم ICT از تولید	مثبت	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۷	تهران	۰,۰۰۱	البرز
	سهم صادرات با فناوری بالا از کل صادرات استان	مثبت	۰,۰۳	۰,۰۶	۰,۳۰	تهران	۰,۰۰۰	خراسان شمالی
	تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	مثبت	۳,۷۳	۳,۳۴	۱۷,۸۵	تهران	۰,۴۲	کهگیلویه و بویراحمد

منبع: محاسبات تحقیق

در ادامه شاخص‌های پنج مؤلفه به‌صورت جداگانه از روش آنتروپی شانون وزن‌دهی شده‌اند. وزن‌های حاصل برای پنج مؤلفه در جدول ۵ گزارش شده است. ایده روش آنتروپی شانون این است که هرچه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد آن شاخص از اهمیت بیشتری برخوردار است. به عنوان مثال می‌توان

گفت در مؤلفه تحقیق و توسعه، شاخص سهم پروژه‌های تحقیق و توسعه کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه و در مؤلفه عملکرد، شاخص‌های سهم صادرات با فناوری بالا از کل صادرات استان دارای پراکندگی بیشتر و در نتیجه نقش تعیین‌کننده‌ای در رتبه‌بندی استان‌ها در آن مؤلفه خواهند داشت.

جدول ۵. وزن دهی شاخص‌های پنج مؤلفه با استفاده از روش آنتروپی شانون

زیرساخت اطلاعات			آموزش و منابع انسانی					رژیم‌های نهادی	
دسترس‌ی به رانانه	دسترس‌ی به تلفن همراه	دسترس‌ی به اینترنت	نرخ باسوادی	آزای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر سرنانه محققین به	سرنانه ثبت نام شدگان آموزش عالی به آزای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	تخصیلات دانشگاهی شاغلین با سهم	حقوق مالکیت تعریف و تضمین	شفافیت و سلامت اداری	ثبات و پیش‌بینی پذیری مقررات و رویه‌های اجرایی
۰,۶۵۳	۰,۰۰۳	۰,۳۴۴	۰,۰۰۳	۰,۷۷۸	۰,۱۶۷	۰,۰۵۲	۰,۵۴۰	۰,۱۸۶	۰,۲۷۵
تحقیق و توسعه			عملکرد						
توسعه آزای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	سرنانه به کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه	سهم کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه	سهم مخفقات کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه	شاخص توسعه انسانی	سهم صنایع با فناوری بالا از کل صنعت	سهم تحقیق و توسعه از تولید	سهم ICT از تولید	بالا از کل صادرات استان	تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان به آزای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر
۰,۲۱۱	۰,۲۲۷	۰,۲۴۵	۰,۳۱۶	۰,۰۰۱	۰,۱۲۵	۰,۲۹۷	۰,۱۲۶	۰,۲۴۶	۰,۱۰۵

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج رتبه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی اقتصاد دانش‌بنیان استان‌ها به تفکیک ۵ مؤلفه در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۶. رتبه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی اقتصاد دانش‌بنیان استان‌ها به تفکیک ۵ مؤلفه

مؤلفه	زیرساخت اطلاعات		آموزش و منابع انسانی		رژیم‌های نهادی		تحقیق و توسعه		عملکردی	
	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه
شهرستان آذربایجان شرقی	۰,۷۴۸۳	۵	۰,۱۹۶۸	۸	۰,۷۸۷۴	۷	۰,۰۲۵۱	۵	۰,۰۱۵۳	۱۳
آذربایجان غربی	۰,۱۰۷۳	۲۶	۰,۰۰۶۷	۲۱	۰,۲۷۱۳	۲۳	۰,۰۰۲۰	۱۷	۰,۰۰۲۳	۲۷
اردبیل	۰,۴۸۳۲	۱۴	۰,۰۰۴۹	۲۳	۰,۹۴۰۸	۳	۰,۰۰۰۴	۲۳	۰,۰۰۵۲	۱۹
اصفهان	۰,۸۱۴۴	۳	۰,۰۶۶۷	۱۱	۰,۶۸۲۰	۹	۰,۱۳۰۱	۲	۰,۰۷۱۵	۴
البرز	۰,۱۱۱۵	۲۵	۰,۰۰۴۷	۲۴	۰,۱۵۸۹	۲۵	۰,۰۷۹۹	۳	۰,۰۳۳۵	۸
ایلام	۰,۱۳۸۵	۲۳	۰,۰۰۲۵	۲۷	۰,۵۲۹۴	۱۲	۰,۰۰۰۰	۳۱	۰,۰۲۵۶	۱۰

مؤلفه		زیرساخت اطلاعات		آموزش و منابع انسانی		رژیم‌های نهادی		تحقیق و توسعه		عملکردی	
رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز
شهرستان											
بوشهر	۰,۵۶۱۲	۹	۰,۰۰۳۲	۲۶	۰,۴۹۴۱	۱۶	۰,۰۰۰۴	۲۴	۰,۰۵۳۷	۶	
تهران	۰,۹۲۳۷	۲	۰,۸۷۹۶	۲	۰,۰۵۴۳	۲۸	۱,۰۰۰۰	۱	۰,۹۹۸۶	۱	
چهارمحال و بختیاری	۰,۷۴۵۷	۶	۰,۰۰۸۰	۱۹	۰,۱۳۸۴	۲۶	۰,۰۰۰۸	۲۲	۰,۰۰۳۳	۲۳	
خراسان جنوبی	۰,۴۸۶۴	۱۲	۰,۰۴۵۶	۱۳	۰,۸۳۹۹	۶	۰,۰۰۰۲	۲۵	۰,۰۰۶۳	۱۷	
خراسان رضوی	۰,۰۶۷۸	۲۸	۰,۰۱۷۱	۱۶	۰,۳۴۵۵	۲۰	۰,۰۴۳۸	۴	۰,۰۳۲۸	۹	
خراسان شمالی	۰,۳۰۷۶	۱۹	۰,۰۰۰۳	۳۰	۰,۳۰۳۶	۲۱	۰,۰۰۰۱	۲۹	۰,۰۰۱۸	۲۹	
خوزستان	۰,۱۳۹۷	۲۲	۰,۰۰۵۹	۲۲	۰,۱۱۹۹	۲۷	۰,۰۰۵۷	۱۱	۰,۰۶۷۵	۵	
زنجان	۰,۷۱۱۱	۸	۰,۴۱۷۲	۴	۰,۵۱۰۶	۱۴	۰,۰۰۱۲	۱۹	۰,۰۰۶۴	۱۶	
سمنان	۰,۲۷۴۳	۲۰	۱,۰۰۰۰	۱	۰,۹۱۸۳	۵	۰,۰۰۵۴	۱۲	۰,۰۱۸۸	۱۱	
سیستان و بلوچستان	۰,۰۰۸۳	۳۰	۰,۰۰۱۳	۲۹	۰,۰۵۳۰	۲۹	۰,۰۰۰۸	۲۱	۰,۰۰۱۸	۳۰	
فارس	۰,۷۴۳۱	۷	۰,۰۱۳۵	۱۸	۰,۲۴۹۰	۲۴	۰,۰۱۲۴	۹	۰,۰۰۳۵	۲۲	
قزوین	۰,۵۳۱۱	۱۰	۰,۲۵۵۴	۷	۰,۴۳۱۹	۱۸	۰,۰۰۴۴	۱۴	۰,۰۱۷۴	۱۲	
قم	۰,۴۷۹۸	۱۵	۰,۳۹۰۶	۵	۰,۹۴۶۸	۲	۰,۰۱۴۴	۷	۰,۱۳۱۱	۲	
کردستان	۰,۴۸۴۷	۱۳	۰,۰۰۰۲	۳۱	۰,۵۰۵۳	۱۵	۰,۰۰۰۱	۲۷	۰,۰۰۳۱	۲۴	
کرمان	۰,۰۰۰۰	۳۱	۰,۰۲۸۲	۱۴	۰,۰۳۸۹	۳۰	۰,۰۱۳۸	۸	۰,۰۰۸۲	۱۵	
کرمانشاه	۰,۱۷۷۴	۲۱	۰,۰۰۲۰	۲۸	۰,۳۷۷۰	۱۹	۰,۰۰۱۷	۱۸	۰,۰۰۲۲	۲۸	
کهگیلویه و بویراحمد	۱,۰۰۰۰	۱	۰,۰۰۷۱	۲۰	۰,۰۱۱۲	۳۱	۰,۰۰۰۰	۳۰	۰,۰۰۱۲	۳۱	
گلستان	۰,۳۲۱۹	۱۸	۰,۰۱۵۶	۱۷	۰,۵۱۹۵	۱۳	۰,۰۰۱۰	۲۰	۰,۰۰۳۰	۲۵	
گیلان	۰,۳۹۲۲	۱۷	۰,۰۷۴۲	۱۰	۰,۵۸۲۸	۱۱	۰,۰۰۳۰	۱۵	۰,۰۰۶۰	۱۸	
لرستان	۰,۱۳۵۱	۲۴	۰,۰۰۳۶	۲۵	۰,۷۰۱۲	۸	۰,۰۰۰۲	۲۶	۰,۰۰۹۵	۱۴	
مازندران	۰,۷۶۴۹	۴	۰,۲۸۷۷	۶	۰,۴۳۴۲	۱۷	۰,۰۲۳۳	۶	۰,۰۰۴۰	۲۱	
مرکزی	۰,۰۱۸۱	۲۹	۰,۱۶۲۷	۹	۰,۵۹۰۹	۱۰	۰,۰۰۷۴	۱۰	۰,۰۰۴۴	۲۰	
هرمزگان	۰,۳۹۵۷	۱۶	۰,۰۱۸۱	۱۵	۰,۲۹۵۶	۲۲	۰,۰۰۰۱	۲۸	۰,۱۲۸۰	۳	
همدان	۰,۱۰۵۵	۲۷	۰,۰۴۵۶	۱۲	۰,۹۹۱۸	۱	۰,۰۰۲۲	۱۶	۰,۰۰۲۷	۲۶	
یزد	۰,۵۳۰۲	۱۱	۰,۵۳۷۷	۳	۰,۹۲۱۵	۴	۰,۰۰۴۵	۱۳	۰,۰۴۵۵	۷	
میانه‌گین	۰,۴۱۰۰	---	۰,۱۴۵۲	---	۰,۴۷۵۶	---	۰,۰۴۴۷	---	۰,۰۵۵۳	---	
انحراف معیار	۰,۲۸۹۱	---	۰,۲۵۱۷	---	۰,۲۹۷۵	---	۰,۱۷۶۵	---	۰,۱۷۵۵	---	

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به جدول ۶ در مؤلفه زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) به ترتیب استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، تهران و اصفهان بیشترین امتیاز را در بین

استان‌ها کسب کرده‌اند^(۴) و استان‌های مرکزی، سیستان و بلوچستان و کرمان رتبه‌های آخر را به خود اختصاص داده است. تهیه زیرساخت‌های تسهیل‌کننده ارتباطات، انتشار و پردازش اطلاعات برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان ضروری است. این زیرساخت‌ها، سبب کاهش هزینه اطلاعات و سهولت دسترسی به مجموعه جامع‌تری از دانش و اطلاعات می‌شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات پشتوانه اقتصاد دانش بنیان است و در سال‌های اخیر به عنوان وسیله مؤثر و کارا برای افزایش رشد اقتصادی و توسعه پایدار به رسمیت شناخته شده است. میانگین توسعه‌یافتگی در این مؤلفه، ۰,۴۱ می‌باشد که به این ترتیب ۱۶ استان کشور امتیازی کمتر از میانگین دارند. نکته مهم انحراف معیار ۰,۲۹ می‌باشد که بیان‌کننده پراکندگی و نابرابری زیاد استان‌ها در این مؤلفه می‌باشد.

بدون شک یکی از الزامات تولیدات دانش بنیان حضور نیروهای تحصیل کرده و متخصص است. براساس جدول ۵ استان‌های سمنان، تهران و یزد در رتبه‌های اول تا سوم و استان‌های سیستان، خراسان شمالی و کردستان رتبه‌های آخر را کسب کرده‌اند. همچنین، در این مؤلفه شاخص سرانه محققین بیشترین وزن را دارد؛ به عبارت دیگر این شاخص بیشترین پراکندگی و در نتیجه بیشترین تأثیرگذاری را در این مؤلفه دارد. میانگین توسعه‌یافتگی در این مؤلفه، ۰,۱۴۵ می‌باشد. در نتیجه ۲۲ استان کشور کمتر از میانگین هستند بنابراین بسیاری از استان‌ها در این مؤلفه عملکرد ضعیفی داشته‌اند و باتوجه به شکاف این استان‌ها با میانگین، می‌توان گفت این استان‌ها باید تلاش کنند در این مؤلفه ارتقاء یابند. انحراف معیار بالای این مؤلفه نیز بیانگر عدم تعادل در این مؤلفه بین استان‌های کشور است.

در مؤلفه وجود رژیم‌های نهادی و اقتصادی استان همدان بالاترین استان و کهگیلویه و بویراحمد پایین‌ترین استان می‌باشند. در مؤلفه تحقیق و توسعه، استان‌های تهران، اصفهان و البرز به ترتیب به عنوان استان‌های برتر و استان‌های خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد و ایلام کمترین توسعه‌یافتگی را دارند. نکته حائز اهمیت درخصوص این مؤلفه این‌که تنها سه استان برتر از میانگین این مؤلفه

بالتر هستند و ۲۸ استان دیگر کمتر از میانگین می‌باشند. این موضوع نشان‌دهنده تمرکز بالای فعالیت‌های تحقیق و توسعه کشور در این سه استان است.

از لحاظ شاخص‌های عملکردی نیز استان تهران توسعه‌یافته‌ترین و استان کهگیلویه و بویراحمد کم‌ترین توسعه‌یافتگی را دارد. مقایسه امتیاز استان‌ها با میانگین این مؤلفه نشان می‌دهد که ۲۶ استان کشور پایین‌تر از میانگین هستند.

درآمده و به‌منظور رتبه‌بندی و تعیین توسعه‌یافتگی استان‌های کشور تلفیق شاخص‌ها وزن‌دهی شد. باتوجه به وزن‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت، مؤلفه عملکرد باتوجه به وزنی که دارد یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه‌ها در بین ۵ مؤلفه است.

جدول ۷. وزن‌دهی تلفیق شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانون

زیرساخت اطلاعات			آموزش و منابع انسانی				رژیم‌های نهادی		
دسترسی به رایانه	دسترسی به تلفن همراه	دسترسی به اینترنت	نرخ باسوادی	سرانه محققین به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	سرانه ثبت نام شدگان آموزش عالی به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	تحصیلات دانشگاهی سهم شاغلین با	تعیین و تضمین حقوق مالکیت	شفافیت و سلامت اداری	ثبت و پیش‌بینی پذیری مقررات و روبه‌های اجرائی
۰,۶۵۳	۰,۰۰۳	۰,۳۴۴	۰,۰۰۳	۰,۷۷۸	۰,۱۶۷	۰,۰۵۲	۰,۵۴۰	۰,۱۸۶	۰,۲۷۵
تحقیق و توسعه			عملکرد						
تحقیق و توسعه ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر	سرانه به کارگاه‌های دارای فعالیت توسعه	سهم کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه	سهم محققان کارگاه‌های دارای فعالیت توسعه	شاخص توسعه انسانی	سهم صنایع با فناوری بالا از کل صنعت	سهم تحقیق و توسعه از تولید	سهم ICT از تولید	سهم صادرات با فناوری بالا از کل صادرات استان	تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر
۰,۲۱۱	۰,۲۲۷	۰,۲۴۵	۰,۳۱۶	۰,۰۰۱	۰,۱۲۵	۰,۲۹۷	۰,۱۲۶	۰,۳۴۶	۰,۱۰۵

منبع: محاسبات تحقیق

درآمده با تمامی شاخص‌ها درجه توسعه‌یافتگی استان‌ها در اقتصاد دانش‌بنیان با تاپسیس محاسبه گردید. نتایج در جدول ۸ نشان داده شده است. باتوجه به این جدول در تلفیق شاخص‌های ۲۰ گانه اقتصاد دانش‌بنیان، استان تهران با اختلاف

زیاد در رتبه اول قرار دارد و پس از آن استان‌های اصفهان، قم و البرز در رتبه‌های دوم تا چهارم هستند. از طرف دیگر سه استان سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و کهگیلویه و بویراحمد در رتبه‌های آخر قرار دارند. میانگین امتیازها برابر حدود ۰,۰۵ می‌باشد. از این رو تنها ۵ استان بالاتر از میانگین هستند و غالب استان‌ها از میانگین کشور پایین‌تر هستند.

جدول ۸. رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در اقتصاد دانش‌بنیان

رتبه	استان	امتیاز	رتبه	استان	امتیاز
۱	تهران	۰,۹۸۲۳	۱۸	گیلان	۰,۰۰۴۶
۲	اصفهان	۰,۱۰۰۰	۱۹	لرستان	۰,۰۰۴۶
۳	قم	۰,۰۶۹۱	۲۰	زنجان	۰,۰۰۴۶
۴	البرز	۰,۰۵۳۴	۲۱	خراسان جنوبی	۰,۰۰۳۳
۵	هرمزگان	۰,۰۵۲۹	۲۲	اردبیل	۰,۰۰۲۷
۶	خراسان رضوی	۰,۰۳۸۲	۲۳	همدان	۰,۰۰۲۶
۷	خوزستان	۰,۰۳۲۴	۲۴	آذربایجان غربی	۰,۰۰۲۲
۸	یزد	۰,۰۲۳۴	۲۵	گلستان	۰,۰۰۲۰
۹	بوشهر	۰,۰۲۳۱	۲۶	چهارمحال و بختیاری	۰,۰۰۲۰
۱۰	آذربایجان شرقی	۰,۰۲۰۶	۲۷	کرمانشاه	۰,۰۰۱۹
۱۱	سمنان	۰,۰۱۶۱	۲۸	کردستان	۰,۰۰۱۵
۱۲	مازندران	۰,۰۱۳۸	۲۹	سیستان و بلوچستان	۰,۰۰۱۳
۱۳	قزوین	۰,۰۱۱۲	۳۰	خراسان شمالی	۰,۰۰۰۹
۱۴	ایلام	۰,۰۱۱۱	۳۱	کهگیلویه و بویراحمد	۰,۰۰۰۷
۱۵	کرمان	۰,۰۱۱۰	میانگین		۰,۰۴۸۶
۱۶	فارس	۰,۰۰۸۰	انحراف معیار		۰,۱۷۴۹
۱۷	مرکزی	۰,۰۰۶۳			

جمع‌بندی و ارائه راهکار

در حال حاضر موضوع اقتصاد دانش بنیان در کشور نسبت به سنوات قبل اهمیت بیشتری یافته است. در شرایطی که تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان شدت یافته است توجه بیشتر به اقتصاد دانش بنیان و کمک به توسعه و ارتقای توانمندی دانش با هدف رهایی از فروش منابع طبیعی و حرکت به سمت تولید دانش بنیان بیش از پیش ضرورت می‌یابد. به عبارت دیگر، راه جهاد اقتصادی و اقتصادمقاومتی از مسیر اقتصاد و تولید دانش بنیان می‌گذرد. مهم‌ترین مسئله‌ای که در مواجهه با اقتصاد دانش بنیان و سیاست گذاری برای گذار به آن باید مدنظر تصمیم‌گیران قرار

گیرد، این مطلب است که اقتصاد دانش بنیان فقط به حوزه فناوری‌های پیشرفته اختصاص ندارد و کلید اصلی دستیابی به آن، علاوه بر توجه خاص به فناوری‌های پیشرفته، توجه به نوآوری به عنوان محور افزایش بهره‌وری تمامی فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای رقابت‌پذیری است که می‌تواند طیف وسیعی از فعالیت‌ها را که سطح فناوری پایین و متوسط دارند، نیز دربرگیرد. در برخی موارد نقش نوآوری در فناوری‌های سطح پایین و حتی غیرفناورانه به حدی مهم است که چشم‌پوشی از آن‌ها در سیاست‌گذاری، می‌تواند دستیابی به فناوری‌های پیشرفته را هم با چالش‌های جدی مواجه سازد.

یکی از راه‌های ایجاد عادلانه توسعه، شناخت و تشخیص وضع موجود و تجزیه و تحلیل تنگناها، محدودیت‌ها، امکانات و قابلیت‌ها، استنباط صحیح از کمیت و کیفیت نیازها و اولویت‌های مربوط به آن‌ها است که می‌تواند برنامه‌ریزان را در تدوین برنامه‌های مناسب و کارآمد یاری دهد. نگاهی به الگوی فضایی رتبه استان‌های کشور در توسعه‌یافتگی اقتصاد دانش‌بنیان، نشان از شکاف شدید بین استان تهران با سایر استان‌هاست؛ اما چالش اصلی در استان‌های رده پایین و محروم است که باید موردتوجه قرار گیرند. از سوی دیگر استان‌های در رده بالا نیز باید ارتقا یابند، تا ظرفیت حرکت در همه کشور را به وجود آورند. در حقیقت استان‌های پایین‌تر می‌توانند از سرریز استان‌های بالای جدول استفاده کنند و فاصله خود را کاهش دهند. می‌توان گفت، توسعه مطلوب اقتصاد دانش‌بنیان برای این استان‌ها، رسیدن به میانگین کشوری است. از طرف دیگر توسعه مطلوب برای کشور را نیز می‌توان ارتقای امتیاز و رتبه در بین کشورهای دنیا و تحقق سند چشم‌انداز در دستیابی به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی دانست.

باتوجه به نتایج به دست آمده در امتیاز مولفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان، نیاز به توجه ویژه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران استانی و مدیران بخش خصوصی در ارتقای اقتصاد دانش‌بنیان و کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های فضایی ضروری به نظر می‌رسد. لذا با توجه به تأکیدات قانونی، ارتقای جایگاه

اقتصاد دانش بنیان متضمن اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای کارآمد و برنامه‌های اجرایی منسجم می‌باشد که در اینجا باتوجه به نتایج هر مولفه به مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌گردد:

درخصوص مولفه زیرساخت اطلاعات باتوجه به هزینه نسبی پایین استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز توانایی آن‌ها در از بین بردن فاصله در انتقال اطلاعات و دانش به نظر می‌رسد تأمین و توسعه ابزارهای این مؤلفه در تمامی استان‌ها به خصوص استان‌های محروم از این امکانات، می‌بایست در اولویت‌های برنامه‌ریزان و مدیران کشوری و استانی باشد. ذکر این نکته ضروری است که فناوری اطلاعات و ارتباطات به تنهایی موجب تحول نمی‌شود، بلکه تسهیل‌کننده خلق دانش است. نکته مهم دیگر توسعه متوازن این خدمات در تمامی نقاط کشور است.

درخصوص مؤلفه آموزش و منابع انسانی آنچه بسیار مهم است، این است که شواهد آماری نشان می‌دهد هنوز بیش از ۷۲ درصد نیروی‌های شاغل کشور را کارگران ساده غیردانشگاهی تشکیل می‌دهند. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته این عدد حدود ۶۰ درصد است. در این راستا سیاست‌گذاری‌های دولتی باید طرف عرضه (دولت) و طرف تقاضا (بازار کار) را به‌طور همزمان پوشش دهد. ازجمله اقدامات تقویت طرف عرضه، می‌توان به تقویت کیفی مؤسسات آموزشی موجود و توسعه مراکز آموزش‌های مهارتی اشاره کرد. سیاست‌های تحریک طرف تقاضا برای جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی نیز شامل اعتبارهای مالیاتی برای حقوق و دستمزد محققین، یارانه حقوق و دستمزد و پژوهانه آموزشی هستند. به هر حال می‌توان گفت رسوخ فناوری و نوآوری، اصلی‌ترین محرک تقاضا برای جذب محققین و نیروی کار با تحصیلات دانشگاهی است. همچنین نتایج نشان‌دهنده وجود نابرابری در این مولفه در بین استان‌های کشور است. بنابراین به نظر می‌رسد علی‌رغم توسعه کمی آموزش عالی در تمامی نقاط کشور اما هنوز برخی استان‌ها با کمبود نیروی متخصص روبه‌رو هستند.

درخصوص مؤلفه رژیم‌های نهادی و ساختاری می‌بایست با تسهیل و اصلاح

رویه‌های اجرایی یک نظام حقوق مالکیت فکری کارآمد و تضمین‌شده مهیا شود تا در چنین بستری به‌کارگیری دانش و ایجاد ارزش افزوده برای فعالان اقتصادی به‌صرفه باشد. بدیهی است در شرایطی که محیطی برای بهره‌مندی کارآمد از دستاوردهای اقتصادی نوآوری‌های دانش‌بنیان وجود نداشته باشد، بخش خصوصی و به‌ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان هیچ تمایلی برای سرمایه‌گذاری در تحقیقات و مطالعات علمی با هدف دستیابی به نوآوری‌های دانش‌بنیان نخواهند داشت. سازوکار این نوآوری‌ها به شکلی است که نیازمند هزینه‌های ثابت اولیه سنگین و صرف زمان طولانی برای دستیابی به مرزهای دانش هستند، اما به محض آنکه به خط پیش‌تاز در این زمینه دست پیدا می‌کنند، به دلیل انباشت دانش ذخیره‌شده می‌توانند بدون صرف هزینه مجدد، از سودهای نمایی ناشی از نوآوری‌های جدید بهره‌مند گردند. لذا در صورتی که مالکیت کارآمد برای این دست از نوآوری‌ها فراهم نشود، پدیده سواری مجانی موجب از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری‌های از این دست می‌گردد. علاوه بر این تا زمانی که فعالان اقتصادی بتوانند بدون زحمت و تحمل ریسک و در زمان کوتاهی با تکیه بر مناسبات رانتی از برخورداری‌های هنگفت بهره‌مند شوند، منطق اقتصادی حکم می‌کند که در چنین سیستمی، افراد معدودی به دنبال انجام فعالیت‌های مولد از جمله تولید و خلق دانش بروند. از این رو کاهش بروکراسی اداری، تسهیل در کاهش و روند اخذ مجوزها، افزایش نظارت‌ها، تسریع در شکل‌گیری یک کسب و کار، تأمین مالی مناسب با سود معقول و ... می‌تواند با بهبود فضای کسب و کار و استفاده از توان بخش خصوصی در جهت حضور فعال و تأثیرگذار در بخش‌های مختلف اقتصادی بسیار حیاتی باشد. بی‌تردید فضای کسب و کار مناسب در جذب سرمایه‌های خارج از استانی و خارج از کشوری نیز مؤثر است و آنان تصمیم‌نهایی را پس از بررسی دقیق فضای کسب و کار در استان خواهند گرفت. ذکر این نکته ضروری است اصلاح قوانین و رویه‌های مزاحم اداری متأثر از اصلاح قوانین و مقررات در سطح کلان کشور می‌باشد و عملاً استان‌ها در این خصوص نقش چندانی ندارند. بنابراین ضروری است مجلس شورای اسلامی و دستگاه‌های مرکزی هرچه سریع‌تر

اقدامات لازم را در این خصوص انجام دهند.

در خصوص مولفه تحقیق و توسعه می‌توان گفت، اصولاً هر نوع پیشرفت و توسعه، ارتباط مستقیمی با تحقیقات علمی دارد و رشد و توسعه کشورهای پیشرفته، در نتیجه سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش است. در این خصوص لازم است هم بخش دولت و هم بخش خصوصی نسبت به اختصاص بودجه لازم به امر تحقیق و پژوهش اهتمام ورزند.

مؤلفه عملکرد باتوجه به ماهیتی که دارد از شاخص‌های متنوعی تشکیل شده است. در خصوص شاخص توسعه انسانی به‌عنوان یکی از مولفه‌های عملکردی نیز باید گفت، انسان‌ها هم عاملان توسعه و هم هدف نهایی آن هستند. مهم‌ترین ابعاد توسعه انسانی؛ زندگی طولانی و سالم، دانش و استانداردهای زندگی آبرومندانه هستند. بدین لحاظ، افزایش سرمایه‌گذاری برای افزایش باسوادی در ترکیب بزرگسالان از یک‌سو و شناخت زمینه‌های مولد اقتصادی و سرمایه‌گذاری برای گسترش تولید، به‌گونه‌ای که منجر به افزایش تولید سرانه و ایجاد امکانات اقتصادی، اجتماعی مردم شود از سوی دیگر، می‌تواند در افزایش میزان توسعه‌ی انسانی مؤثر باشد.

میزان تولید و صادرات محصولات با فناوری بالا نیز یکی از شاخص‌های مهم عملکردی اقتصاد دانش‌بنیان است و به‌عنوان یکی از زیرشاخص‌های «شاخص جهانی نوآوری» و «شاخص دستیابی به فناوری» مطرح است. براساس آمارها هم‌اکنون سهم صنایع با فناوری بالا و فناوری بالا-متوسط از کل صنعت کشور در حدود ۱۸ درصد است. در حالی که سهم صادرات با فناوری بالا از کل صادرات کشور حدود ۰٫۵ درصد است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصادی صنایع پیشرفته در این است که این صنایع بدون تعامل با تجارت جهانی امکان چندان برای توسعه بازار ندارند. به این معنی که بازار داخلی برای محصولات که با فناوری‌های پیشرفته تولید شده‌اند، آن‌قدر وسیع نیست که بتواند در افزایش عرضه مؤثر باشد؛ بنابراین صنایع فعال در این زمینه برای توسعه بازار خود نیازمند ارتباط با بازارهای جهانی هستند. همین امر تأثیر بسیار در افزایش کیفیت

محصولات و در نتیجه بالا رفتن توان تولید می‌شود. مزیت دیگر صنایع با فناوری پیشرفته این است که تحولات فناوری‌های روز دنیا بسیار سریع اتفاق می‌افتد و صنایع کشور ما نیز برای افزایش سطح تکنولوژی‌های خود و به‌روز ماندن، ناگزیر از برقراری ارتباط با فناوری‌های روز دنیا هستند. این امر البته در تولید بومی علم نیز بی‌تأثیر نخواهد بود. آمار بانک جهانی نشان می‌دهد ۱۸٫۵ درصد صادرات کالاهای صنعتی در سال ۲۰۱۵، از محصولات صنایع «هایتک» بوده است. همچنین در روند پیش‌بینی شده در سازمان اقتصاد جهانی، در سال ۲۰۳۰ حدود ۹۰ درصد رشد اقتصادی مبتنی بر تکنولوژی خواهد بود و ۸۵ درصد مربوط به صنایع هایتک است. (عزیزمحمدی، ۱۳۹۶)

سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در حوزه علم و فناوری است که در همه‌جای دنیا از ملاک‌های اصلی بررسی‌ها در مورد پیشرفت علمی و فناوریانه به شمار می‌رود. در حال حاضر بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته حداقل ۴ تا ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را در عرصه پژوهش هزینه می‌کنند؛ چراکه به‌خوبی می‌دانند صرف این هزینه، یک نوع سرمایه‌گذاری سودآور در طولانی‌مدت است. براساس سیاست‌های کلی مرتبط با علم و فناوری که ۲۹ شهریور سال ۹۳ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، می‌بایست بودجه تحقیق و پژوهش تا پایان سال ۱۴۰۴ به حداقل ۴ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یابد. در حالی که هم‌اکنون این سهم حدود ۰٫۵ درصد است.

شاخص تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان بر مبنای این درک از اقتصاد دانش‌بنیان شکل گرفته است که در صورت تحقق این نظام، مهم‌ترین خروجی آن، افزایش فعالان و کارگزاران اقتصادی در حوزه‌های مرتبط با فناوری‌های مدرن می‌باشد. براساس آمار بیش از ۵۰ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان در استان تهران فعالیت می‌کنند. نکته‌ای که باید توجه کرد اینکه در حوزه عمومی و نظام تصمیم‌گیری، عموماً اقتصاد دانش‌بنیان را مترادف با تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در نظر می‌گیرند. این درک موجب شده است تا تمامی تلاش‌ها برای تحقق اقتصاد

دانش بنیان در کشور معطوف به تخصیص امتیازات ویژه برای افزایش تعداد شرکت‌های فعال در این زمینه شود. در سال‌های اخیر نیز این درک مسلط و شاخص‌ها و سیاست‌های برآمده از آن، منجر به افزایش چندبرابری شرکت‌های دانش بنیان در کشور شده است. با وجود این افزایش، اما در عمل مشاهده می‌شود که اقتصاد از مزایای موردانتظار یک اقتصاد دانش بنیان؛ از قبیل افزایش نمایی بهره‌وری و کسب ارزش افزوده بالا، بی‌بهره بوده است؛ به عبارت دیگر این شرکت‌ها عموماً فاقد کارکرد موردانتظار؛ یعنی ایجاد نوآوری، خلق و عرضه دانش بوده‌اند. سند این مدعا نیز ثابت بودن نرخ بهره‌وری در سال‌های گذشته بر مبنای گزارش سازمان ملی بهره‌وری است. براساس گزارش سازمان ملی بهره‌وری ارزیابی شاخص‌های بهره‌وری مؤید وضعیت نه‌چندان مساعد بهره‌وری در کشور است، به طوری که رشد سالانه آن طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۴ پایدار نبوده است. متوسط نرخ رشد سالانه نزدیک به صفر شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید براساس ارزش افزوده و براساس ارزش ستانده، گویای نقش خستای بهره‌وری در رشد اقتصادی است (سازمان ملی بهره‌وری، ۱۳۹۷). این افزایش خارق‌العاده در شرکت‌های دانش بنیان کوچک‌ترین بازتابی در نرخ بهره‌وری نداشته است که این امر نشان‌دهنده کژکارکردی این شرکت‌ها و لزوم بازنگری در درک رایج از اقتصاد دانش بنیان، شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی مورد استفاده برای سنجش اقتصاد دانش بنیان و در نهایت سیاست‌گذاری‌ها در این زمینه است. بنابراین باید توجه نمود که منطق کارشناسی برای طراحی اولیه این شاخص، ارزیابی شرکت‌های دانش بنیان به عنوان یکی از مهم‌ترین خروجی‌های یک اقتصاد دانش بنیان می‌باشد و نه خلاصه کردن ساختار اقتصادی مدرن در تشکیل شرکت‌های دانش بنیان.

باتوجه به نتایج می‌توان راهکارهای زیر را به منظور ارتقای جایگاه اقتصاد دانش بنیان در کشور براساس ظرفیت‌ها، امکانات و موقعیت جغرافیایی استانی پیشنهاد داد:

- توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) به عنوان ستون و پایه مرکزی زیرساخت‌های اقتصاد دانش محور بخصوص در استان‌های مرزی و محروم و

کاهش نابرابری.

- تأمین سرمایه انسانی لازم برای اقتصاد دانش‌محور، از طریق توسعه دانشگاه‌های صنعتی و فناوری پیشرفته

- برآوردن بخشی از هزینه‌های پژوهش و توسعه، گسترش تولید توسط دولت به شرطی که دستاوردهای پژوهشی آنان برای برطرف کردن نیازهای جامعه، کاهش دشواری‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش ارزش‌افزوده کالاها، صرفه‌جویی ارزی و افزایش صادرات غیرنفتی باشد.

- اصلاح رویه‌ها و فرآیندهای اجرایی جهت تسهیل اخذ مجوزها و افزایش سلامت نظام اداری

- کاهش فرصت‌های رانت جویی و تشویق کارآفرینی و تقویت بخش مولد اقتصاد برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان

- بازاریابی محصولات با فناوری پیشرفته و توسعه صادرات

- گسترش متوازن پارک‌ها و کانون‌های رشد علم و فناوری و گسترش

شرکت‌های دانش‌بنیان در تمام نقاط کشور

یادداشت‌ها

۱. قابل توجه است که شاخص اقتصاد دانش‌بنیان از سال ۲۰۱۲ تاکنون توسط بانک جهانی ارائه و منتشر نشده و به نظر می‌رسد فرایندی بازنگرانه بر نحوه محاسبه آن در حال شکل‌گیری است تا به صورت دقیق‌تر تأثیر دانش بر توسعه اقتصادی کشورها را منعکس کند.
۲. کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان و نظارت بر اجرا، <https://pub.daneshbonyan.ir>.
۳. هرچه شاخص کمتر باشد مطلوب‌تر است.
۴. بر اساس نتایج هزینه-درآمد خانوار در استان‌های کشور در سال ۱۳۹۷، استان کهگیلویه و بویراحمد در هر سه شاخص مورد بررسی به عنوان استان اول گزارش شده است.

منابع

- انتظاری، یعقوب؛ محبوب، حسن (۱۳۹۲). تحلیل توسعه اقتصاد دانش ایران بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۶(۲۴)، ۶۵-۹۷.
- تشکینی، احمد؛ عریانی، بهاره (۱۳۹۲). جایگاه اقتصاد دانش در ایران با تأکید بر مقایسه تطبیقی میان کشورهای برتر و منتخب منطقه. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی)، ۱۳(۱ و ۲)، ۵-۲۴.
- خالوباقری، مهدیه؛ شایان قریشی، سیدمحمد؛ جعفرزادگان، امیر (۱۳۹۲). اقتصاد دانش پایه؛ ابزاری راهبردی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی. همایش ملی نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، جهاد دانشگاهی.
- دیزجی، منیره؛ دانشور، سهند؛ بابایی اناری، علیرضا (۱۳۹۱). تعیین جایگاه ایران در زمینه اقتصاد دانش‌بنیان در میان کشورهای منتخب. مدیریت بهره‌وری، ۶، ۳(۲۲)، ۱۲۱-۱۴۴.
- رودری، جعفر؛ زاینده رودی، محسن؛ مهرابی، حسین (۱۳۹۷). بررسی نقش مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در وضعیت ایران و کشورهای حوزه سند چشم‌انداز با استفاده از روش‌های تحلیل تمایزی چندگروهی و k -میانگین، مدیریت صنعتی، ۱۰(۳)،

۴۸۱-۵۰۱

زنگنه، مهدی (۱۳۹۵). ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور. *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۳(۱)، ۱۴۹-۱۶۰.

سازمان ملی بهره‌وری (۱۳۹۷). گزارش شاخص‌های بهره‌وری کشور طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۴ بر اساس سال پایه ۱۳۹۰.

شهنازی، روح‌اله؛ موذن جمشیدی، هما؛ اکبری، نعمت‌اله (۱۳۹۲). نقش و جایگاه اقتصاد دانش‌محور بر شکل‌گیری مناطق ویژه علم و فناوری؛ مطالعه موردی اقتصاد ایران. *رشد فناوری*، ۹(۳۶)، ۲-۱۰.

عباسیان، عزت‌اله؛ دلیری، حسن (۱۳۹۱). تخمین و رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور. *رفاه اجتماعی*، ۱۲(۴۵)، ۳۳۹-۳۶۷.

عبداله، علم‌خواه؛ مهدی، صادقی‌شاهدانی (۱۳۹۴). مروری بر ادبیات اقتصاد دانش‌بنیان: از شکل‌گیری تا عمل؛ مطالعه موردی: بررسی وضعیت اقتصاد دانش‌بنیان در ایران. *فصلنامه رشد فناوری*، ۱۱(۴۴)، ۱۷-۲۷.

عزیزمحمدی؛ سیمین (۱۳۹۶/۷/۱۹). سهم ناچیز ایران از صنایع «های‌تک». *روزنامه دنیای اقتصاد*.

عزیزی، فیروزه؛ مرادی، فهیمه (۱۳۹۷). محاسبه شاخص‌های اصلی و فرعی اقتصاد دانش‌بنیان برای ایران (سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶). *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۶(۸۵)، ۲۴۳-۲۷۰.

فلاح، الهام؛ سلامی، رضا (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی دانش‌بنیانی اقتصاد ایران با کشورهای منتخب آسیایی و ارائه نقشه راه برای بهبود وضعیت ایران. *سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی*، ۴(۱۳)، ۱۶۹-۱۴۵.

گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷). آمار صادرات.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). اطلاعات کارگاه صنعتی کشور دارای فعالیت تحقیق و توسعه.

مرکز آمار ایران، حساب‌های منطقه‌ای.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷). پایش امنیت سرمایه‌گذاری در بهار ۱۳۹۷ به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری، شماره مسلسل ۱۶۱۸۷.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). گزارش پایش امنیت سرمایه‌گذاری به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری- تابستان ۱۳۹۷، شماره مسلسل ۱۶۴۰۰.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). گزارش پایش امنیت سرمایه‌گذاری به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری- پاییز ۱۳۹۷، شماره مسلسل ۱۶۵۲۶.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). گزارش پایش امنیت سرمایه‌گذاری به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری- زمستان ۱۳۹۷، شماره مسلسل ۱۶۶۱۹.

معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور، کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان و نظارت بر اجرا، <https://pub.daneshbonyan.ir>.

نوری، جواد؛ بنیادی؛ علی، اسماعیل زاده؛ محمد (۱۳۹۵). تعیین جایگاه ایران در منطقه از

منظر اقتصاد دانش بنیان بر پایه الگوریتم خوشه بندی. سیاست های راهبردی و کلان، شماره ۴، ۱۳۳-۱۵۶.

- Charles, D. R. & Benne worth, P. S. (2001). The regional contribution of higher education, London: HEFCE/ Universities UK.
- Cooke, P. & Morgan, K. (1998). The Associational Economy, Oxford: Oxford University Press.
- Despotovic, D., Cvetanovic, D., & Vladimir, N. (2015). "Perspectives for the Development of Knowledge Economy, Innovativeness, and Competitiveness of Cefta Countries". Economics and Organization, Vol. 12(3), No. 209-223.
- European Bank for Reconstruction and Development (EBRD). (2019). Introducing the EBRD Knowledge Economy Index.
- Fucec, A. A., & Corina, M. (2014). "Knowledge economies in European Union: Romania's position", Emerging Markets Queries in Finance and Business, Vol. 15, No. 481-489.
- <http://www.wordbank.org>, "Knowledge for Development.
- <http://www.worldbank.org/htm1/extdr/extme/jsspo12799a.htm>.
- Jones, A. B. (1999). Knowledge Capitalism-Business, Work and Learning in the New Economy", Oxford. University Press, Oxford.
- Paz-Marin, M., Gutierrez-Pena, P. A., & Martinez, C. (2015). Classification of countries' progress toward a knowledge economy based on machine learning classification techniques. Expert Systems with Applications, Vol. 42(1), No. 562-572.
- Stiglitz, J.E. (1999). "Public Policy for a Knowledge Based Economy", Remarks at the Department for Trade and Industry and Center for Economic Research, London. Vol. 27(3), No. 3-6.
- Zak, K. (2016). the knowledge economy-the diagnosis of its condition in selected countries". Studia Ekonomiczne. Zeszyty Naukowe Uniwersytetu Ekonomicznego w Katowicach, Vol. 271, No. 176-188.

شناخت راهبرد رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه، در مدیریت تصویر نهاد ولایت فقیه

پرویز امینی *

سیدابوذر خوش‌بیان **

سیدمحمد رضا فیاضی ***

چکیده

با گسترش اهمیت رسانه‌ها در دیپلماسی عمومی جهانی، برخی کشورهای متخاصم اقدام به راه‌اندازی رسانه‌های فارسی‌زبان کرده‌اند. هر رسانه‌ای برای عملیات رسانه‌ای پیرامون موضوعات مدنظر خود، الگوی راهبردی دارد که براساس آن عمل می‌کند. این راهبردها، علاوه بر مشخص کردن هدف نهایی و جهت‌گیری کلان رسانه، به عنوان نقشه راهی است تا رسانه را در مسیر هدف اصلی خود قرار دهد. لذا شناخت راهبردهای عملیات رسانه‌ای این شبکه‌ها، برای مقابله با آن‌ها، حائز اهمیت است. در این میان، نهاد ولایت فقیه، به عنوان یکی از نهادهای حیاتی نظام جمهوری اسلامی ایران، همواره مورد حمله رسانه‌های مذکور بوده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر نهاد ولایت فقیه، بر آن بوده تا مختصات راهبردی انگاره ارائه‌شده از این نهاد را ذیل شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان شناسایی و تبیین کند. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، ذیل نظریه بازنمایی، به تحلیل محتوای مضامین مرتبط با نهاد ولایت فقیه در یک بازه زمانی ده ساله (۱۳۸۷-۱۳۹۷) و در یازده رسانه فارسی‌زبان پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که راهبرد اصلی این رسانه‌ها به گونه‌ای است که از پنج بنیان مهم این نهاد اعتبارزدایی می‌کند. این راهبرد شامل اعتبارزدایی از شخص حقیقی ولی فقیه، بنیان دینی و فکری این نهاد، وجه مردمی ولایت فقیه، پشتوانه قانونی و نهایتاً جنبه کارکردی نهاد ولایت فقیه است. این اعتبارزدایی به گونه‌ای صورت می‌پذیرد که در نهایت منجر به مشروعیت‌زدایی از این نهاد شده و لزوم حذف آن به مخاطب القا شود.

واژه‌های کلیدی: راهبرد رسانه‌ای، مدیریت تصویر، نهاد ولایت فقیه، رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه، بازنمایی

* استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد Amini1300@gmail.com

** کارشناس ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه صدا و سیما (نویسنده مسئول)

Ab.khoshbayan@gmail.com

Seiedmrf@gmail.com

*** دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۳

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره نود و چهار، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۲۸-۱۹۷

مقدمه

مفهوم «تصویرسازی»^۱ یا انگاره سازی، از اصلی ترین مفاهیم و اهداف حوزه ارتباطات و مدیریت رسانه است. در اینجا مراد از انگاره، تصویر بازسازی شده ای از واقعیت است که در غالب موارد با واقعیت موجود تفاوت های اساسی و ماهوی دارد. انگاره به مثابه سازه ای است که مضمون آن به خودی خود، مجموعه ای از تصاویری است که از جنبه های مختلف واقعیت، در ذهن فرد وجود دارد (مولانا، ۱۳۷۴: ۱۰). رسانه ها با استفاده از تصویرسازی به مدیریت تصویر^۲ سوژه های خود، متناسب با انگاره مطلوب خود می پردازند. مدیریت تصویر^۳ نیز نتیجه ترکیب مفهوم مدیریت برداشت^۴ و مدیریت پیام بوده و به معنای ساماندهی فرآیندهای رسانه ای برای انتقال انگاره ای هدفمند و مطلوب به مخاطب است. انگاره ای از اشخاص، نهادها، رویدادها یا موضوعات به گونه ای که متناسب با اهداف یک رسانه بوده و با بهره گیری از ظرفیت های پرداختی و فرآوری رسانه ای، بتواند حتی المقدور انگاره ای حساب شده را در ذهن مخاطب بر ساخت کند. (صلواتیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۵) این جهت دهی به ذهن و احساسات مخاطب، برای ایجاد اندیشه و حس مثبت یا منفی نسبت به سوژه ها در عرصه های مختلف صورت می پذیرد. در حوزه سیاست نیز، رسانه ها ممکن است با بر ساخت تصویری قدرتمند یا ضعیف، اخلاق مدار یا غیر اخلاقی، سرکوبگر یا مردم دار و... از اشخاص

1. Image Making

2. Image Management

3. Image Management

4. Impression management

و حاکمیت‌ها، تلاش کنند اندیشه و احساس مخاطبان خود را در راستای سیاست‌های راهبردی مدیران رسانه جهت‌دهی کنند. این روند افزایش نقش تصویرسازی در دنیای سیاست، همچنان در حال رشد است (Khatib, 2012:8).

براساس آنچه گفته شد می‌توان ادعا کرد درک بشر از پدیده‌ها، غالباً ناشی از برساختی است که رسانه‌ها به او ارائه می‌دهند. به گفته ژان بودریار^۱، امروزه «تصاویر» اهمیت و جایگاهی به مراتب فراتر از «واقعیت» پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر تصاویر، واقعی‌تر و حتی تأثیرگذارتر از واقعیت شده‌اند (اسفندیاری، ۱۳۹۳: ۴۶) تا جایی که امروزه درک ما، درکی رسانه‌ای است و تمام تصورات و دانشی را که در جهان امروز داریم، رسانه‌ها شکل می‌دهند (نقیب‌السادات، ۱۳۸۸: ۱۵۳). با پذیرش این پیش‌فرض اهمیت توجه به تصویر ارائه شده توسط رسانه‌ها از دو جهت حائز اهمیت است؛ نخست شناخت تصویر ارائه شده توسط رسانه‌های گفتمان دشمن و دوم تعدیل و برساخت انگاره مطلوب در رسانه‌های گفتمان خودی. لذا به‌طور کلی برای انجام پروژه‌های مدیریت تصویر، سه فاز مستقل و در عین حال مکمل مورد توجه قرار می‌گیرند؛ فاز نخست به بررسی وضعیت سوژه در فضای رسانه‌ای اختصاص دارد که مشتمل بر تشخیص و تحلیل انگاره ارائه شده توسط رسانه‌های خودی، رسانه‌های رقیب و مطالب مطرح شده در رسانه‌های اجتماعی است تا براساس برآیند این سه بستر رسانه‌ای، تخمین قابل‌تعمیم و دقیقی از وضعیت موجود انگاره ارائه شده در فضای رسانه‌ای به‌دست آید. در فاز دوم اما معمولاً تلاش می‌شود تا انگاره موجود یا تثبیت شده سوژه در طیف‌های مختلف افکار عمومی و نخبگانی که برآمده از مجموعه‌ای از عوامل رسانه‌ای و غیررسانه‌ای است؛ براساس رویکردهای کلاسیک پیمایش یا مخاطب‌سنجی‌های مدرن مبتنی بر کلان‌داده، استخراج و تحلیل شود. درنهایت فاز سوم ناظر به تلاش برای استفاده از داده‌های موجود و ظرفیت‌ها و محدودیت‌های اختصاصی سوژه بنا بر شرایط اقتضایی خاصی است که با در نظر گرفتن مجموعه آن‌ها، تجویزهایی در جهت برساخت انگاره‌های هدفمند یا واسازی برخی از

1. Jean Baudrillard

انگاره‌های موجود انجام می‌شود (فیاضی بروجنی، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

در فضای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نهاد ولایت فقیه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به دلیل ماهیت دینی و اسلامی جمهوری اسلامی ایران و اهمیت ویژه این نهاد در حفظ استقلال و آزادی ایران اسلامی، این نهاد، از اصلی‌ترین اهداف رسانه‌های بیگانه برای عملیات رسانه‌ای است. از این رو، انتخاب این سوژه از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است.

با توجه به اینکه مخاطب این رسانه‌ها، در مورد نهاد ولایت فقیه، خالی‌الذهن نیست و انگاره‌های مختلفی از نهاد ولایت فقیه طی سالیان اخیر در ذهنش نقش بسته است. به همین دلیل فرآیند کار در این رسانه‌ها به گونه‌ای است که انگاره‌های تصویری موجود را تخریب و سپس انگاره‌های جدید مدنظر خود را جایگزین کنند. در واقع عملیات تصویرسازی در مورد پدیده‌ای که تصویر آن از قبل در اذهان مخاطبان وجود دارد، دارای دو مرحله است؛ در ابتدا تصویر موجود «واسازی»^۱ می‌شود، یعنی انگاره‌های موجود پیرامون آن پدیده یا شخصیت، مورد تشکیک قرار می‌گیرد تا در نهایت با خدشه دار شدن آن انگاره‌ها در ذهن مخاطبان، تصویر موجود اعتبارزدایی شود و مخاطب آماده پذیرش تصویر جدید گردد. پس از آن «بازسازی»^۲ تصویر موردنظر صورت می‌پذیرد؛ یعنی تصویر جایگزین مدنظر رسانه، به مخاطب ارائه می‌شود. از این رو در این پژوهش، به هر دو مرحله واسازی تصویر موجود و برساخت تصویر جدید توجه شده است. در نهایت می‌توان گفت پژوهش حاضر به دنبال شناخت تصویری است که رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه از نهاد ولایت فقیه برای مخاطبان خود بازنمایی می‌کنند. برای انجام این مهم، یک بازه زمانی ده ساله (۱۳۸۷-۱۳۹۷) در نظر گرفته شد. هرگونه محتوا مرتبط با مضمون اصلی تحقیق از یازده رسانه سیاسی بیگانه، شامل محتوای تصویری موجود از شبکه‌های ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا، من و تو، ایران فردا، ایران اینترنشنال، پارس، کانال یک و اندیشه استخراج شده و علاوه بر

1. Deconstruction

2. Reconstruction

این دویست گزارش مکتوب در وب‌سایت شبکه‌های مذکور به‌علاوه وب‌سایت رادیو فردا، دویچه‌وله فارسی و رادیو زمانه نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۱-۱. قدرت نرم و رسانه

قدرت نرم، یکی از مفاهیمی است که امروزه در فضای رسانه‌ای کشور اهمیت فراوانی یافته است. قدرت نرم یعنی این‌که دیگران را ترغیب نماییم که همان چیزهایی را بخواهند که ما می‌خواهیم؛ مردم بیش از آنکه مجبور به انجام کاری شوند، به همکاری گرفته می‌شوند. قدرت نرم بر قابلیت شکل دادن به علایق دیگران تکیه دارد. برخی پژوهشگران، قدرت نرم را واجد پنج عنصر کلیدی می‌دانند: فرهنگ، ایده‌ها، مدل توسعه، نهادهای بین‌المللی و تصویر بین‌المللی (122:2008, Yu) در برابر قدرت نرم، مسئله تهدید نرم مطرح می‌شود. درواقع زمانی که یک حاکمیت سیاسی، حاکمیت سیاسی دیگر را از طریق قدرت نرم مورد تهدید قرار می‌دهد، می‌توان آن را تهدید نرم دانست. فازیو تهدید نرم را نوعی «تلاش برنامه‌ریزی‌شده برای استفاده از ابزارها و روش‌های تبلیغی، رسانه‌ای سیاسی و روان‌شناختی برای تأثیر نهادن بر حکومت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورهای خارجی به‌منظور تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتار آنان می‌داند» (Fazio, 2007). جوزف نای نیز تهدید نرم را «استفاده یک کشور از قدرت نرم برای دست‌کاری افکار عمومی کشور آماج و تغییر ترجیحات، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی آن‌ها» می‌داند. (نای، ۱۳۸۷: ص ۱۹) در این زمینه نیز رهبر معظم انقلاب به آرایش پیچیده رسانه‌ای دشمنان برای مقابله نرم با جمهوری اسلامی ایران، تأکید دارند. «امروزه آرایش رسانه‌ای و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد، بسیار آرایش پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد و فنی و پیشرفته است»^(۱) درواقع در این مسئله شکی نیست که کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، انگلستان و سایر دشمنان متخاصم نظام جمهوری اسلامی ایران، به دنبال تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایرانیان و تغییر دیدگاه و رفتار سیاسی جامعه ایرانی هستند. دراین‌راستا،

نهاد ولایت فقیه، به عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی ایران، همواره مورد هجمه رسانه‌های بیگانه فارسی‌زبان بوده است.

۲-۱. مدیریت تصویر

مدیریت تصویر فرایندی است میان‌رشته‌ای که به مفاهیمی نظیر مدیریت برداشت و مدیریت رسانه نزدیک است. درواقع مدیریت تصویر به دنبال ایجاد و ارائه انگاره‌هایی از اشخاص، رویدادها و موضوعاتی است که متناسب با اهداف یک رسانه بوده و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های پرداختی و فرآوری رسانه‌ای بتواند حتی‌المقدور انگاره‌ای حساب شده و مطلوب را به مخاطبان منتقل کند. (صلواتیان و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۲) امروزه مدیریت تصویر به ابزاری مهم در حیات سیاسی قرن ۲۱ تبدیل شده است به‌طوری‌که اکثر سیاستمداران و حتی افراد شاخص غیرسیاسی به اهمیت طراحی تصویر خود در ذهن دیگران واقف شده‌اند و بسیاری از سازمان‌های سیاسی غیردولتی از استراتژی‌های مدیریت تصویر استفاده می‌کنند و این روند مبنی بر افزایش نقش تصاویر در دنیای سیاست، همچنان در حال رشد است. (Khatib, 2012: 8)

۱-۲-۱. بازنمایی^۱

ازنظر استوارت هال بازنمایی بخشی از فرآیندی است که به تولید معنا و مبادله آن میان اعضای یک فرهنگ می‌پردازد و شامل استفاده از زبان، نشانه‌ها و ایماهایی می‌شود که به بازنمایی می‌پردازد. (Hall, & Jhally, 2007: 15)

هال با پذیرش رویکرد برساخت‌گرایانه یعنی رویکرد سوم، مطرح می‌کند که «رسانه‌ها واقعیت را بازتاب نمی‌دهند بلکه آن را به‌صورت رمز و نشانه در می‌آورند و به‌صورت نمادین و نه مبتنی بر واقعیت انعکاس می‌دهند.» (Hall S, 1997: 72) او مسئله مهم در بازنمایی واقعیت توسط رسانه‌ها را آنجا می‌داند که یک رسانه هیچ‌گاه ابزاری خنثی و یک میانجی بی‌طرف در ارائه تصویر به حساب نمی‌آید. رسانه متکی به زبان و معناست و زبان و معنا نیز در چارچوب گفتمان

همواره متکی به قدرت است. لذا بازنمایی حوادث توسط رسانه‌ها، سوای بحث اخلاقی و غیراخلاقی بودن آن، دارای سوگیری ایدئولوژیک است و در راستای تضعیف یا تثبیت قدرت و گفتمان ویژه‌ای گام برمی‌دارد (Hall, & Jhally, 2007: 32). این نظریه از این منظر حائز اهمیت است که نشان می‌دهد رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه در چارچوب ایدئولوژیک خاص خود به نهاد ولایت فقیه نگاه می‌کنند و تصویری که از آن به مخاطب ارائه می‌دهند نیز تحت تأثیر آن خواهد بود. از این منظر می‌توان به شناخت این تصویر ارائه شده پرداخت.

۱-۲-۲. انگاره سازی^۱

انگاره سازی یکی از شیوه‌های عملیات روانی است که در نبرد رسانه‌ای از آن استفاده می‌شود. برنارد کوهن معتقد است که رسانه‌ها برای هدایت افکار عمومی از واقعیات، انگاره‌هایی خلق می‌کنند که تنها در راستای اهداف کارگزاران ارتباطی است، مانند ایجاد انگاره‌ای از ایران در رسانه‌های آمریکایی و غربی که در صدد است ایران را کشوری خشونت طلب جلوه دهد. این انگاره باعث می‌شود که در صورت تجاوز کشوری به ایران، افکار عمومی همسو با آن عمل کرده و به اعمال خلاف دیگران مشروعیت داده شود. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو، نوع دیگر از انگاره سازی در رسانه‌های غربی به اوج خود رسید و آن‌ها برای پیشبرد مقاصد یک‌جانبه‌گرایانه توانستند هراس و وحشت از اسلام را ریشه‌دار کنند (محمدخانی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). در مدیریت تصویر نهاد رهبری، یکی از اتفاق‌هایی که رخ می‌دهد انگاره سازیست، که توسط رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه از این نهاد انجام می‌شود. در واقع می‌توان گفت این رسانه‌ها محتوای خود را به نحوی تنظیم می‌کنند که انگاره خاصی از نهاد ولایت فقیه در ذهن مخاطب ایرانی شکل بگیرد. شناخت این انگاره ارائه شده، می‌تواند به درک راهبرد مدیریت تصویر این نهاد توسط این رسانه‌ها کمک کند.

۳-۱. نهاد ولایت فقیه

ولایت فقیه، اصطلاحی برای نظام حکومت اسلامی پس از ائمه‌ی اطهار علیه‌السلام است. ولایت فقیه به معنای زمام‌داری جامعه‌ی اسلامی از سوی کسی است که به مقام اجتهاد در فقه رسیده و حائز شرایط رهبری جامعه‌ی اسلامی است. (ویکی‌فقه، ۱۳۹۹) ولایت فقیه براساس تعریف‌هایی که فقیهان از آن ارائه داده‌اند، به معنای سرپرستی، تسلط و تصرف مجتهد جامع الشرایط در امور دیگران (انصاری، ۱۴۱۵ قمری: ۵۴۵) و به عبارت دیگر مدیریت جامعه اسلامی به‌منظور اجرای احکام اسلامی و تحقق ارزش‌های دینی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۹) ولایت فقیه نظریه‌ای است در فقه سیاسی شیعه که طبق آن، در زمان غیبت امام زمان (عج)، حکومت جامعه مسلمانان برعهده فقیه جامع‌الشرایط است. (فیرحی، ۱۳۸۶: ۲۴۲).

نهاد ولایت فقیه در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران جایگاه مهمی دارد که از طریق بررسی قانون اساسی، می‌توان به ماهیت و نحوه عملکرد این نهاد پی برد. در اصل ۵۷ این قانون آمده است: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت برطبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند.» درواقع در این اصل، قوای سه‌گانه ذیل نهاد ولایت فقیه هویت پیدا می‌کنند. قانون اساسی همچنین در زمینه شرایط رهبری، در اصل ۱۰۹ تصریح می‌کند که «شرایط و صفات رهبر: ۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه. ۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام. ۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.»

در زمینه عملکرد و حدود اختیارات ولایت فقیه نیز اصل ۱۱۰ قانون اساسی تصریح می‌کند که:

«وظایف و اختیارات رهبر:

۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با

مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.

۳. فرمان همه‌پرسی.

۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح.

۵. اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۶. نصب و عزل و قبول استعفا: الف - فقهای شورای نگهبان. ب -

عالی‌ترین مقام قوه قضائیه. ج - رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی

ایران. د - رئیس ستاد مشترک. ه - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و

- فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه.

۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع

تشخیص مصلحت نظام.

۹. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان

ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از

انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.

۱۰. عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان

عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای اسلامی به

عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم.

۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از

پیشنهاد رئیس قوه قضائیه. رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به

شخص دیگری تفویض کند.» اصل ۱۱۰ قانون اساسی نشان‌دهنده گستردگی حوزه

اختیارات و وظایف ولی فقیه و نهاد ولایت فقیه است. این گستردگی، عاملی است

که دست رسانه‌ها را برای تصویرسازی مثبت یا منفی از این نهاد باز

می‌گذارد (shora-gc.ir).

۲. پیشینه پژوهش

۱. مه دان و آلن می (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی گفتمانی رهبر عالی

ایران در رسانه های آنلاین» به تصویرسازی رسانه های داخلی از مقام معظم رهبری پرداخته اند. در این مقاله که به شدت دارای سوگیری علیه جمهوری اسلامی است و با نگاه غیرواقعی به انقلاب اسلامی پرداخته شده؛ نویسندگان با بهره گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی و مدل بازیگران شبکه اجتماعی ون لیون، انگاره سازی رسانه های آنلاین تحت نظارت دولت را از مقام معظم رهبری این گونه توصیف کرده اند. «در بازنمایی رهبر ایران سعی می شود ویژگی های پیامبر و ائمه شیعه به صورت جزئی و دقیق به آیت الله خامنه ای نسبت داده شود و این بازنمایی موجب می شود تا ایدئولوژی ولایت فقیه و قدرت رهبر در ایران افزایش یابد و قدرت تسلط بر مردم حفظ و ضمانت شود.» (Zuraidah & Alan, 2013)

۲. ناصری طاهری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «تصویرپردازی صحیح از اسلام در شبکه پرس تی وی متناسب با ویژگی های مخاطبان جوان اروپا و آمریکای شمالی» تلاش کرده اند تا با تمرکز برنامه رهبری به جوانان غربی، به ارائه پیشنهادهایی برای تصویرپردازی صحیح از اسلام با استفاده از ظرفیت های شبکه پرس تی وی بپردازند. نتایج این تحقیق مشتمل بر راهکارهای پیشنهادی در سه حوزه برنامه سازی، برنامه ریزی و نیز ساختار سازمانی است. این تحقیق از جهت توجه بر حوزه تصویرپردازی و مدیریت تصویر با مقاله حاضر قرابت موضوعی دارد اما از جهت سوژه موردبررسی، تمرکز ما بر تصویر ارائه شده توسط رسانه های معاند قرار داشته است.

۳. لینا خطیب (۲۰۱۲) در کتابی با عنوان «استراتژی حزب الله در مدیریت تصویر» به بررسی سیاست های مدیریت تصویر حزب الله لبنان پرداخته است. نگارنده پس از معرفی اجمالی حزب الله، استراتژی های مدیریت تصویر این گروه را بسیار پیچیده و چندوجهی توصیف می کند و مدعی می شود که در پژوهش خود اقدامات رسانه ای حزب الله از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ را بررسی کرده است. نگارنده استراتژی کلان مدیریت تصویر حزب الله را برند سازی از نام این تشکیلات در افکار عمومی و همچنین حمایت از فعالیت های سیاسی و افزایش اعتبار این حزب معرفی می کند و بزرگ ترین دستاورد این عملیات رسانه ای را

تلفیق مفهوم اعتبار حزب‌الله با مفهوم انعطاف و انطباق‌پذیری می‌داند که از نگاه او کلیدی‌ترین عامل در برند سازی ماندگار است. در پایان نویسنده با اشاره به انقلاب‌های موسوم به بهار عربی پیش‌بینی می‌کند که استراتژی رسانه‌ای حزب‌الله بر مبنای قاعده انطباق تغییر خواهد کرد و ممکن است با چالش‌هایی مواجه شود. نویسنده البته متذکر می‌شود که تحولاتی چون انقلاب مصر و تونس می‌تواند به تبدیل تصویر حزب‌الله به یک قهرمان عربی کمک کند (Khatib, 2012: 46-6).

۴. محمد اترفاق و توفیق احمد (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی اسلام و مسلمانان در رسانه‌های اجتماعی؛ تحلیل گفتمان فیس‌بوک»، تلاش کرده‌اند تا از طریق تجزیه و تحلیل پست‌های فیس‌بوکی که با مضامین اسلامی یا مسلمانان مرتبط بوده‌اند؛ تصویر ارائه‌شده از اسلام و مسلمانان را در فیس‌بوک بررسی کنند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اسلام تنها دینی است که به‌صورت جدی مورد بازنمایی منفی قرار گرفته و در این تصویرسازی مضامینی نظیر جهاد، حجاب، مساجد و تروریسم به شکل منفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۵. اریک بلیچ^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «پوشش رسانه‌ای تفکر مسلمانان (تجزیه و تحلیل چهار روزنامه در سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۶)» با شناسایی حدود ۸۰۰ هزار مقاله با مضمون اسلام، ۱۰۰ مقاله را به صورت تصادفی بررسی کرده‌اند تا تصویر ارائه‌شده از مسلمانان را استخراج و تجزیه و تحلیل کنند. ۶. سیف‌الدین احمد^۲ و جرج متس^۳ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی رسانه‌ای از اسلام و مسلمانان در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، یک فراتحلیل» به تجزیه و تحلیل کیفی ۳۴۵ تحقیق منتشرشده با مضمون رسانه و اسلام یا مسلمانان پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از ارائه تصویری منفی و توأم با خشونت از اسلام است که عمده مضامین آن ذیل مهاجرت، تروریسم و جنگ قرار گرفته است.

۷. مرشدی زاد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان، «بازنمایی هویت ۲ دینی در

1. Erik Bleich

2. Saifuddin Ahmed

3. Jörg Matthes

سینمای پس از انقلاب اسلامی» به چگونگی بازنمایی هویت دینی در سینمای پس از انقلاب پرداخته است و تلاش کرده تا به توصیف چگونگی بازنمایی هویت دینی در سینمای ایران بپردازد. این تحقیق که با روش تحلیل محتوای کیفی و مصاحبه انجام شده به بررسی ۲۰ فیلم با مضامین مرتبط با هویت دینی پرداخته است.

۸. فضلی زاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت تصویر اسلام در مستندهای شبکه‌های ماهواره‌ای» به بررسی تصویر ارائه شده از اسلام در مستند برادر اسلام‌گرای من» پرداخته‌اند. این پژوهش که با روش تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است با بررسی شخصیت‌های اصلی مستند به عنوان نماینده‌های گفتمانی، سه گفتمان اسلام بنیادگرا، اسلام معمولی و لیبرال دموکراسی را به صورت هدفمند تصویرسازی کرده است. این مستند از جهت توجه به مسئله تصویرسازی و از جهت مبانی نظری با تحقیق حاضر مرتبط است.

پژوهش حاضر تلاش کرده است ضمن استفاده از تجربیات تحقیقات پیشین در این زمینه، بتواند در انتها به یک الگوی نهایی از چیستی و چرایی تصویر بازنمایی شده از نهاد ولایت فقیه در رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه برسد. درواقع در پژوهش حاضر تلاش شده است از تحلیل ماهیت بازنمایی فراتر رفته و نتیجه این بازنمایی در بستر زمانی موجود را در قالب یک طرح شماتیک نشان دهد.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به دو روش تحلیل محتوای کیفی و گروه کانونی صورت پذیرفته است. با توجه به تفاوت‌های فلسفی پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسی‌های کیفی به جای استفاده از چارچوب نظری جهت تدوین و آزمون فرضیه‌ها از جهت استخراج سؤال یا سؤالات پژوهش استفاده می‌شود؛ پژوهشگر به جای آزمودن تئوری‌های موجود در قالب فرضیه‌های مختلف، به بررسی و تدوین یک چارچوب مفهومی جدید می‌پردازد. (Maxwell:2004: 118)

در این حالت محققان خودشان را بر امواج داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برای‌شان حاصل شود. بنابراین از طریق استقراء، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند. به طور اساسی تقلیل متن به اعداد در تکنیک تحلیل محتوای کمی، به دلیل

از دست دادن اطلاعات ترکیبی و معنا، اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است؛ تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد؛ بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و زمینه‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

بازه زمانی پژوهش حاضر، یک بازه ده ساله (۱۳۸۷-۱۳۹۷)، از ابتدای تأسیس بی‌بی‌سی فارسی در نظر گرفته شد. جامعه مورد بررسی در این پژوهش، محتوای رسانه‌ای مرتبط با موضوع در این بازه زمانی، شامل محتوای تصویری هشت شبکه ماهواره‌ای شامل، بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا، من‌وتو، ایران فردا، ایران اینترنشنال، پارس، کانالیک و اندیشه بوده است. همچنین ۲۰۰ گزارش مکتوب در وبسایت‌های شبکه‌های مذکور به‌علاوه وبسایت رادیو فردا، دویچه‌وله فارسی و رادیو زمانه، بر اساس جستجوی کلیدواژه در این بازه زمانی بود.

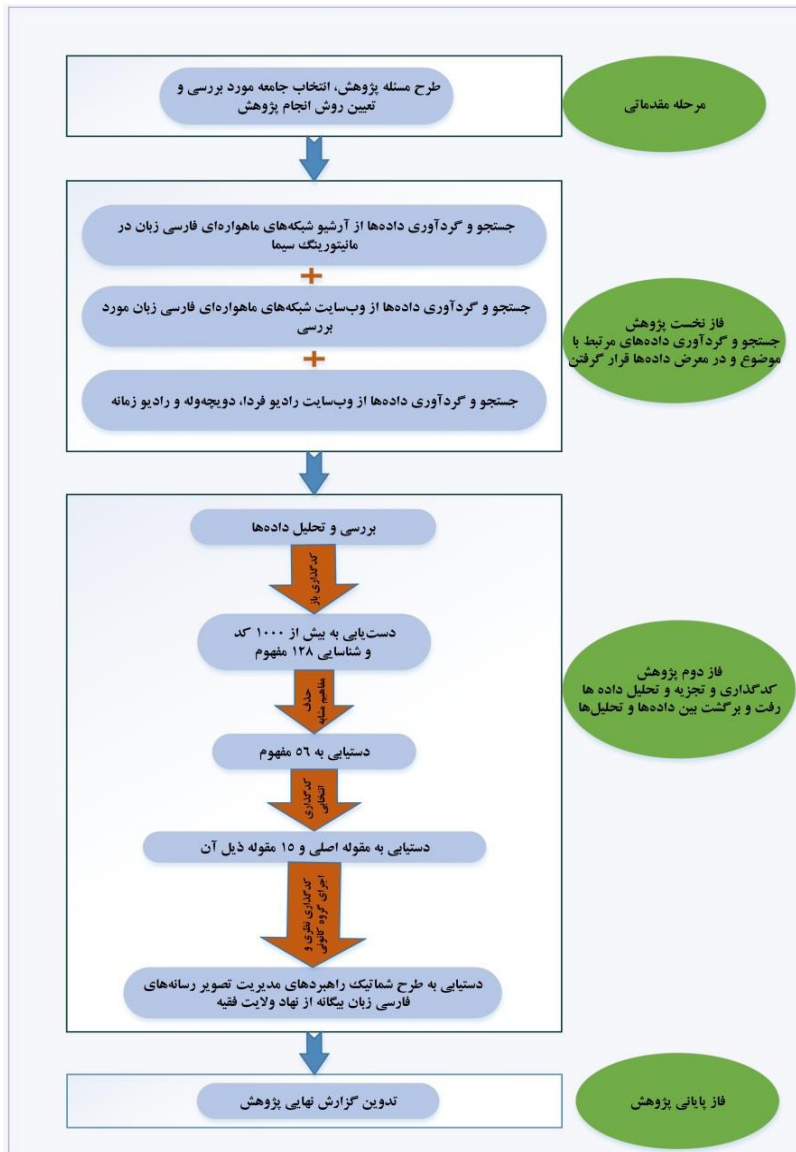
برای انجام این پژوهش، پژوهشگران بعد از تعریف مسئله، انتخاب روش و مشخص کردن جامعه مورد بررسی، به گردآوری داده‌های مربوطه در بازه زمانی مشخص شده پرداختند. در مرحله بعد، پژوهشگران شروع به کدگذاری باز داده‌ها کردند و بیش از هزار کد مجزا احصاء شد. پس از کدگذاری باز، سطح انتزاع یک پله بالاتر برده شد و پژوهشگران به مفاهیم اولیه دست یافتند. در این مرحله ۱۲۸ مفهوم اولیه مشخص گردید. پس از ادغام و حذف مفاهیم مشابه ۵۶ مفهوم نهایی به دست آمد. در ادامه پژوهشگران، سطح انتزاع مفاهیم را بالاتر برده و با استفاده از کدگذاری انتخابی، به ۱۵ مقوله اصلی در زمینه مدیریت تصویر رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه از نهاد ولایت‌فقیه دست یافتند. یک نمونه از انجام این فرایند تحلیل محتوا در جدول زیر قابل مشاهده است.

محتوا	کدگذاری باز	کدگذاری انتخابی	کدگذاری نظری
بی‌گمان فقاقت، مهم‌ترین قربانی ایده ولایت فقیه بود. فقاقت چه به مثابه علمی دینی و چه در مقام نهاد و اقتداری اجتماعی، معنا و مبنای مشروعیت و کارکردهای سنتی خود را برای همیشه از دست داد. (بی‌بی‌سی فارسی ۲۰ دی ۱۳۹۶)	ولایت فقیه، عامل تخریب نهاد فقاقت	تعارض جایگاه ولایت فقیه با اندیشه و عمل شیعه	مشروعیت زدایی از نهاد ولایت فقیه

در انتها نیز با بهره بردن از کدگذاری نظری، محور اصلی این تصویرسازی مشخص شد. در انتها مقولات و مضامین به‌دست آمده از تحلیل محتوا، در گروه کانونی مطرح

گردید و به بستر زمانی‌ای که این بازنمایی در آن صورت می‌پذیرد نیز توجه شد. خروجی نهایی گروه کانونی، طرح شماتیک راهبردهای این رسانه‌ها در تصویرسازی از نهاد ولایت فقیه بود. در طرح‌واره زیر، مراحل این پژوهش قابل مشاهده است.

شکل ۱. فرآیند پژوهش



۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش پیرامون تصویرسازی راهبردی از نهاد ولایت‌فقیه در رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه، نشان از بر ساخت تصویری هدف‌دار از این نهاد در این رسانه‌ها دارد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد رسانه‌های مذکور برای ارائه تصویر انحرافی خود از نهاد ولایت‌فقیه، تلاش می‌کنند ابتدا گلوگاه‌ها و محورهای مهم تصویر مثبت این نهاد در اذهان مردم را واسازی و تخریب کنند تا سپس انگاره مدنظر خود را در ذهن مخاطب بر ساخت کنند. محورهای مهمی که محل مانور رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه در تصویرسازی انحرافی‌شان از نهاد ولایت‌فقیه بوده است، در ادامه تشریح می‌گردد.

جدول ۱. یافته‌های پژوهش

مفاهیم	مقوله	محور اصلی	
تضاد با عقاید بنیادین شیعه درزمینه تشکیل حکومت	اعتبار زدایی از بنیان‌های دینی و فکری نهاد ولایت‌فقیه	مشروعیت‌زدایی از نهاد ولایت‌فقیه و القای لزوم حذف این نهاد از ساختار سیاسی ایران	
تقلید ولایت‌فقیه از خلیفه‌گری اهل سنت در حکمرانی			
بهره بردن از سنت فکری صوفیان در ایجاد نهاد ولایت‌فقیه			
عدم‌حمایت علما و مراجع شیعه از نظریه ولایت‌فقیه			
عامل تخریب نهاد فقاقت و عدول از اجرای فقه			
ابزاری برای سوءاستفاده از دین در راستای کسب قدرت			
وجود مشکلات منطقی و اجرایی در قانون اساسی	اعتبار زدایی از بنیان‌های قانونی نهاد ولایت‌فقیه		
عدول از قانون در اجرا			
انتخاب غیرقانونی ولی فقیه			
تعارض جایگاه ولایت‌فقیه با اصول دموکراسی و نهادهای انتخابی	اعتبار زدایی از بنیان‌های مردمی نهاد ولایت‌فقیه (شخصی‌سازی نهاد ولایت‌فقیه)		
دیکتاتوری در برابر دموکراسی، رأی مردم در برابر رأی ولی فقیه			
اثر منفی ولایت‌فقیه بر فرآیند انتخابات			
تعارض با احزاب و مجلس شورای اسلامی			
تعارض با جایگاه و نهاد ریاست جمهوری			
ستمگری و جور ولایت‌فقیه در حق مردم			
فریب مردم توسط ولایت‌فقیه			
نقد ناپذیری و غیرقابل نظارت بودن ولایت‌فقیه			
عامل فساد سیاسی-اقتصادی در کشور	اعتبار زدایی از بنیان‌های کارآمدی نهاد ولایت‌فقیه		
مسبب مشکلات معیشتی جامعه			
آسیب به کشور از طریق حذف نخبگان منتقد و عدم شایسته‌سالاری			
سیاست خارجی تنش‌زا و در تضاد با منافع ایرانیان	اعتبار زدایی از بنیان شخصیت حقیقی نهاد ولی فقیه (شخص حاضر در جایگاه)		
تخریب شخص ولی فقیه حاضر و گذشته (حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) (جزئیات در جدول بعدی)			
گسترده‌گی مخالفان ولایت‌فقیه	لزوم و چگونگی حذف جایگاه ولایت‌فقیه		
بن‌بست ولایت‌فقیه، ناکارآمدی در اداره کشور و لزوم تغییر آن			
لزوم جدایی دین از سیاست			
چگونگی تغییر و حذف جایگاه ولایت‌فقیه			

۴-۱. اعتبارزدایی از بنیان‌های دینی و فکری نهاد ولایت فقیه

یکی از محورهای تصویرسازی منفی از جایگاه ولایت فقیه، ادعای تعارض ولایت فقیه با مبانی اندیشه و سنت تشیع در طول تاریخ اسلام است. این رسانه‌ها سعی می‌کنند با زیر سؤال بردن پیوند میان نظریه ولایت فقیه و مبانی اندیشه شیعه، این نظریه و نهاد مبتنی بر آن را، فاقد مشروعیت دینی جلوه دهند.

لذا شبکه‌های ماهواره‌ای تلاش می‌کنند تا به اثبات این گزاره پردازند که، ولایت فقیه با عقاید بنیادین شیعه در زمینه تشکیل حکومت در تضاد بوده و بیش‌تر به مدل تشکیل حکومت توسط خلفا در اندیشه اهل سنت شبیه است. از سوی دیگر به مخاطبان این گونه القاء می‌شود که ولایت فقیه در میان اندیشه علمای بزرگ شیعه در گذشته و حال، اقبالی نداشته و حتی علمای بزرگ شیعه با این نظریه و نهاد مبتنی بر آن مخالف بوده و هستند. در کنار این ادعا، همواره تلاش می‌شود تا نهاد ولایت فقیه به سوءاستفاده از دین برای تشکیل حکومت متهم شده و این نهاد به عنوان عامل تخریب نهاد فقاقت و اصل دین در جامعه معرفی می‌شود. در ادامه، زیرمحورهای این بحث تشریح می‌شود.

۴-۱-۱. تضاد با عقاید بنیادین شیعه در زمینه تشکیل حکومت

یکی از مباحث اصلی که در زمینه اثبات تعارض ولایت فقیه با اصول تشیع در رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه قابل مشاهده است، تأکید بر مسئله تعارض نهاد ولایت فقیه با عقاید بنیادین شیعه در زمینه تشکیل حکومت است. این رسانه‌ها تلاش می‌کنند با طرح مباحث جعلی در تاریخ، این شبهه را در ذهن مخاطبان ایجاد کنند که شیعه معتقد است در دوران غیبت امام معصوم (ع) نمی‌توان حکومت تشکیل داد. بر اساس این ادعا، جمهوری اسلامی نیز به عنوان حکومتی معرفی می‌شود که ماهیتاً با این اصل در تضاد بوده و حضرت امام خمینی (ره) نیز متهم به ایجاد بدعت در اندیشه و سنت تشیع می‌شود. درواقع این رسانه‌ها با استفاده از ادبیات برگرفته یا مشابه با دیدگاه موسوم به انجمن حجتیه، سعی در تخریب نهاد ولایت فقیه داشته و عملاً ادعاهای این فرقه را مورد تأیید قرار می‌دهند.

۴-۱-۲. تقلید ولایت‌فقیه از خلیفه‌گری اهل سنت در حکمرانی

ادعای شباهت ولایت مطلقه فقیه با خلیفه‌گری در اهل سنت و تقلید از ایشان در ایجاد حکومت اسلامی، مبحث دیگری است که این رسانه‌ها برای اثبات تضاد این نهاد با عقاید بنیادین شیعه، مورد استفاده قرار می‌دهند. درواقع آن‌ها سعی می‌کنند با گره زدن تاریخ خلافت با مسئله ولایت فقیه، بار منفی خلافت در اذهان شیعیان را، به ولایت‌فقیه منتقل کنند.

۴-۱-۳. بهره بردن از سنت فکری صوفیان در ایجاد نهاد ولایت‌فقیه

پس از ربط دادن ولایت‌فقیه به خلیفه‌گری در اهل سنت، ارتباط دادن نهاد ولایت‌فقیه با اهل تصوف نیز از دیگر اقداماتی است که این رسانه‌ها از طریق آن به تخریب نهاد ولایت‌فقیه می‌پردازند، تا جایگاه «ولی» و «ولایت» داشتن او بر پیروان را، منتسب به مکتب فکری صوفیه کنند تا با توجه به مقام و نظرات عرفانی حضرت امام خمینی (ره)، ایشان را تحت تأثیر تصوف و نظریه ولایت‌فقیه را نیز الگو گرفته از آن بدانند. در این زمینه شبکه ماهواره‌ای من و تو، خصوصاً در مستند «ولایت مطلقه فقیه» که در سال ۱۳۹۷ پخش شده است؛ بدون ارائه هیچ سند و پشتیبانی صرفاً با استفاده از گزاره مبهم «پژوهشگران دینی معتقدند»؛ سعی می‌کند تا ادعای دروغ خود مبنی بر تأثیر صوفیه در نگاه و کنش سیاسی حضرت امام (ره) را به مخاطب بقبولاند.

۴-۱-۴. ابزاری برای سوءاستفاده از دین در راستای کسب قدرت

از دیگر محورهایی که رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه در راستای تصویرسازی خود از تضاد میان ولایت فقیه و اندیشه تشیع روی آن مانور می‌دهند، مسئله قدرت فقها و حکومت‌داری آن‌ها در طول تاریخ است. تلاش آن‌ها در این زمینه در راستای طرح این شبهه جعلی است که در تاریخ تشیع، هیچ‌گاه قدرت در دست فقها نبوده و ولایت فقیه به واسطه طمع به قدرت (در معنای مذموم آن) از سوی حضرت امام خمینی (ره) جعل شده است. لذا این رسانه‌ها بخصوص بی‌بی‌سی فارسی، سعی می‌کنند نظریه و نهاد ولایت‌فقیه را نه به عنوان عاملی برای اجرای احکام شریعت،

بلکه به عنوان دستاویزی برای منفعت گرایی و سوءاستفاده افرادی خاص، از اعتقادات دینی معرفی کنند.

۴-۱-۵. عدم حمایت علما و مراجع شیعه از نظریه ولایت فقیه

محور دیگری که برای تثبیت انگاره مذکور توسط رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ادعای مخالفت اکثریت علما با نظریه ولایت فقیه است. این رسانه‌ها تلاش می‌کنند با نادیده گرفتن حمایت مراجع و علمای حوزه‌های علمیه از نظریه ولایت فقیه، به مخاطبان خود این‌گونه القاء کنند که نظریه ولایت فقیه به‌جز حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب و برخی از اطرافیان ایشان، در میان هیچ‌یک از علما و مراجع شیعه طرفدار ندارد و همین مسئله دلیلی بر عدم صحت و تضاد این نظریه با اصول شیعه است.

۴-۱-۶. معرفی نهاد ولایت فقیه به‌عنوان عامل تخریب فقا‌هت

علاوه بر موارد قبلی، رسانه‌های مورد بررسی، تلاش می‌کنند تا از طریق قرار دادن خود در جایگاه دلسوز و خیرخواه گفتمان‌های دینی، نهاد ولایت فقیه را به‌عنوان عامل تخریب فقا‌هت و وجهه دین و نمایندگان گفتمان دینی، تصویرسازی و معرفی کنند. بخش تکمیلی این تصویرسازی ناظر بر تثبیت این ادعاست که برآیند تشکیل حکومت اسلامی و برقراری نظام مبتنی بر ولایت فقیه، مغایر با منافع گفتمان‌های دینی و تضعیف اعتقادات جامعه است.

۴-۲. اعتبارزدایی از بنیان‌های قانونی نهاد ولایت فقیه

وجود نهاد ولایت فقیه در قانون اساسی کشور و کنش‌های سیاسی رهبر انقلاب، مبتنی بر اختیاراتی که قانون اساسی به ایشان داده است، یکی از جنبه‌هایی است که توسط رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه مورد حمله قرار می‌گیرد. این رسانه‌ها سعی می‌کنند تصویری را بازنمایی کنند که در آن، از یک‌سو وجود نهاد ولایت فقیه در قانون اساسی دارای مشکلات حقوقی و منطقی است و از سوی دیگر، ولی فقیه از همین قانون موجود نیز عدول کرده و در عمل، به آن پایبند نیست.

۴-۲-۱. مشکلات منطقی و اجرایی قانون اساسی

یکی از محورهایی که ذیل بحث تعارض ولایت‌فقیه با قانون در این رسانه‌ها مورد پرداخت قرار می‌گیرد، مسئله وجود مشکلات منطقی و اجرایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. با طرح این مسئله، این رسانه‌ها تلاش می‌کنند تا مشروعیت قانونی قانون اساسی و متعاقباً، نهاد ولایت‌فقیه، را زیر سوال ببرند. بر همین اساس معمولاً تحلیل‌ها به‌گونه‌ای ارائه می‌شود که تصویر ذهنی مخاطب از قانون اساسی مخدوش شده و شبهاتی نظیر مسئله ایجاد یک فرآیند دور باطل^۱، در انتخاب رهبری و نبود امکان نظارت بر رهبری به‌عنوان یک خلأ و ایراد منطقی و اجرایی در قانون اساسی محرز شود. تلاش برای ایجاد دوقطبی‌های ساختگی میان وجه جمهوریت نظام و نهاد ولایت‌فقیه نیز از دیگر مواردی است که در جهت اثبات مشکلات منطقی و اجرایی قانون اساسی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. این امر به‌گونه‌ای است که نهایتاً پشتوانه قانونی نهاد ولایت‌فقیه تخریب‌شده و لزوم تغییر آن، به‌واسطه مشکلات و تناقضات قانونی، به مخاطب القاء می‌شود.

۴-۲-۲. عدول از قانون در اجرا

محور دیگری که این رسانه‌ها با تمرکز بر آن، سعی در ایجاد تصویری ضد قانون از نهاد ولایت‌فقیه در اذهان مخاطبان خود دارند، ادعای عدول ولی‌فقیه از قوانین کشور در حکمرانی است. درواقع این رسانه‌ها برای ایجاد یک تصویر ضد قانون، عدم رعایت قوانین توسط رهبران انقلاب را نمودی از تعارض ولایت‌فقیه با قانون می‌دانند. یکی از مانورهای اصلی این رسانه‌ها مسئله «حکم حکومتی» است. درواقع هرچند اعمال‌نظر توسط رهبر انقلاب در قانون اساسی وجود دارد؛ اما این رسانه‌ها، این حق را در قانون اساسی نادیده می‌گیرند و اعمال‌نظر توسط رهبر انقلاب در برخی مسائل را خارج از چارچوب قانونی توصیف می‌کنند.

1. vicious circle

۴-۳. انتخاب غیرقانونی ولی فقیه

از دیگر زیرمجموعه‌های بحث تعارض نهاد ولایت فقیه با قانون اساسی، ادعای انتخاب غیرقانونی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان جانشین امام خمینی (ره) است. در این زمینه، خصوصاً پس از انتشار ویدئویی از جلسه مجلس خبرگان رهبری، این رسانه‌ها تلاش کردند تا این انتخاب را غیرقانونی و غیرموجه بازنمایی کنند و از این طریق علاوه بر تخریب وجهه رهبر انقلاب، به عنوان فردی که در فرایندی غیرقانونی در جایگاه رهبری قرار گرفته، به مخاطب اثبات کنند که نهاد ولایت فقیه براساس مصلحت‌های افراد حاضر در قدرت، مدیریت می‌شود و نه براساس قانون اساسی.

۴-۳. اعتبارزدایی از بنیان‌های مردمی نهاد ولایت فقیه (طرح ادعای شخصی‌سازی نهاد ولایت فقیه)

محور مهم دیگری که برای تصویرسازی منفی از نهاد ولایت فقیه و در مسیر مشروعیت‌زدایی از آن قابل شناسایی است؛ القای تعارض وجود این نهاد، با منافع ملی و حقوق عامه مردم است. در این زمینه، تصویر این نهاد به عنوان یک نهاد مردمی که از طریق انتخابات مجلس خبرگان رهبری انتخاب می‌شود و نهادی هم‌راستا با حقوق مردم و مردم‌سالاری دینی است، بازنمایی نمی‌شود؛ بلکه به عنوان یک نهاد شخصی شده که تحت کنترل شخص ولی فقیه قرار دارد و ساختاری تمامیت‌خواه به خود گرفته است؛ معرفی می‌شود. به بیان دیگر، شخص ولی فقیه را ذیل چارچوب نهاد ولایت فقیه نشان نمی‌دهند؛ بلکه نهاد ولایت فقیه را ذیل شخص ولی فقیه و در تعارض با مردم‌سالاری دینی نشان می‌دهند.

در این زمینه رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه سعی می‌کنند برای مخاطبان خود این ادعا را به گونه‌ای تبیین کنند که براساس آن نهاد ولایت فقیه با اصول اولیه دموکراسی و نهادهای انتخابی برآمده از آن مخالف و در تعارض بوده و قابل نقد و نظارت نیست. برای القای هرچه بیشتر این تعارض تلاش می‌شود تا با ارائه تصویری منفی از این نهاد، انگاره‌ای ستمگر و مستبد از آن ترسیم شود که فاقد هرگونه پشتوانه مردمی و مقبولیت عمومی است. مصداق عینی این ادعا را می‌توان در استفاده هدفمند از رویدادها یا شایعاتی نظیر مداخله رهبری در انتخابات،

حضور مستشاری ایران در منطقه یا روایت دوقطبی از عملکرد نهادهای مذهبی در مقابل منافع عمومی مشاهده کرد. در تمامی این مصادیق فرایند چارچوب‌گذاری و تحلیل این شبکه‌ها به‌نحوی است که تصمیمات و اقدامات ولی‌فقیه در جهت مغایرت با منافع ملی و عمومی کشور ارزیابی شده و به‌واسطه اولویت‌های متفاوت با مردم منجر به ایجاد هزینه‌های غیرقابل‌توجیه برای کشور شده است.

۴-۳-۱. تعارض جایگاه ولایت‌فقیه با اصول دموکراسی و نهادهای انتخابی

رسانه‌های بیگانه در راستای تبیین خود از روایت تعارض ولایت‌فقیه با منافع ملی و جمهوریت، تمرکز ویژه‌ای بر مسئله دموکراسی و انتخابات دارند. درواقع این رسانه‌ها در تلاش هستند نهاد ولایت‌فقیه را در برابر نهادهای انتخابی مردم قرار داده و از این طریق بر پایمال شدن حق مردم در حکومت‌داری از سوی ولی‌فقیه تأکید ورزند. رسانه‌های مذکور برای القای روایت خود از گزاره‌هایی مانند دیکتاتوری در برابر دموکراسی، تأثیر منفی و مداخله ولایت‌فقیه بر سازوکار انتخابات و همچنین تعارض ولایت‌فقیه با جایگاه احزاب، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری استفاده می‌کنند.

۴-۳-۱-۱. دیکتاتوری در برابر دموکراسی، رأی مردم در برابر رأی ولی‌فقیه

یکی از زیرمجموعه‌های اصلی برای بازنمایی تصویری از ولایت‌فقیه که در تضاد با حقوق مردم است؛ قرار دادن ولایت‌فقیه در برابر دموکراسی است. این رسانه‌ها ابتدا تعریف ویژه خود مبتنی بر آزادی بی‌قید و شرط افراد در فضای سیاسی کشور را، به‌عنوان پیش‌فرض وجود دموکراسی معرفی کرده و سپس براساس آن، مدعی می‌شوند که ولایت‌فقیه مانعی بر سر تحقق کامل دموکراسی است. رسانه‌های مذکور همچنین به دنبال آن هستند تا واژه‌هایی مانند مردم‌سالاری دینی که جایگاه و اهمیت مردم در نظام دینی را تبیین می‌کند، مفهوم زدایی کرده و مخاطب را نسبت به آن مشکوک کند.

درنهایت، تلاش این رسانه‌ها برای بازنمایی چهره‌ای دیکتاتور و خودرأی از ولایت‌فقیه از طریق همنشین کردن نظام ولایت‌فقیه با نظام‌های دیکتاتور در جهان

مانند کمونیست‌ها و نظام پادشاهی اتفاق می‌افتد. این همنشینی معمولاً به نحوی صورت می‌پذیرد که ذهن مخاطب به پذیرش یکسان بودن آن‌ها ترغیب شده و در برخی موارد نیز تلاش می‌کنند این گونه جعل روایت کنند که جایگاه و رأی مردم در نظام‌های سلطنتی مشروطه، بیشتر از نظام ولایت فقیه است.

۴-۳-۱. اثر منفی ولایت فقیه بر فرآیند انتخابات

محور دیگری که در زمینه تصویرسازی از تعارض ولایت فقیه با حقوق مردم در رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه قابل مشاهده است؛ اتهام تأثیر منفی ولی فقیه بر فرآیند و سازوکار انتخابات است. در واقع این رسانه‌ها مجبور می‌شوند به دلیل صورت پذیرفتن انتخابات متعدد در ایران و اعمال حق مردم در پای صندوق رأی؛ برای حل این تضاد میان ادعاهای شان و آنچه در عمل در ایران اتفاق می‌افتد؛ علاوه بر تمرکز بر ادعای تعارض ولایت فقیه با اصول بنیادین دموکراسی، راه دیگری را نیز برای تصویرسازی از این تعارض استفاده کنند. تصویرسازی منفی از شورای نگهبان و فرایند تأیید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی یکی از اصلی‌ترین نقاط تمرکز در این زمینه است که در انتخابات سال‌های مختلف و با هدف نمایش نقش منفی نهاد ولایت فقیه در فرایند مردم‌سالاری مورد استفاده قرار گرفته است.

۴-۳-۲. تعارض با احزاب و مجلس شورای اسلامی

محور دیگری که رسانه‌های مورد بررسی برای القای تعارض میان جایگاه مردم و جایگاه ولایت فقیه به مخاطبان خود روی آن مانور می‌دهند؛ ادعای تعارض ولایت فقیه با وجود احزاب سیاسی است. در واقع این رسانه‌ها پس از اینکه احزاب را نمادی برای تأثیرگذاری مردم در عرصه حاکمیت معرفی کردند؛ تلاش می‌کنند تا چهره‌ای مخالف تحزب از رهبران انقلاب اسلامی بازنمایند. از سوی دیگر ادعای ایفای نقش منفی رهبری و مداخله در امور مربوط به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، محور دیگری است که در جهت تثبیت تعارض نهاد ولایت فقیه با این جایگاه مردمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴-۳-۱. تعارض با جایگاه و نهاد ریاست جمهوری

علاوه بر مجلس شورای اسلامی، نهاد دیگری که در این زمینه برای اثبات ادعای تعارض میان ولایت فقیه و نهادهای انتخابی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ نهاد ریاست جمهوری است. فرایند تصویرسازی در این بخش به نحوی است که رئیس‌جمهور به عنوان فردی که به صورت مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شود، به عنوان نماد دموکراسی معرفی شده و سپس بر این مسئله تأکید می‌شود که به دلیل وجود جایگاه ولایت فقیه، رئیس‌جمهور شأن و جایگاه لازم و واقعی را نداشته و درواقع مردم نقشی واقعی در اثرگذاری بر سیاست ندارند.

۴-۳-۲. نقد ناپذیری و غیرقابل نظارت بودن ولایت فقیه

یکی از مباحثی که به زعم رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه، تمرکز بر آن می‌تواند اعتبار نهاد ولایت فقیه را زیر سؤال برده و تعارض این نهاد با جمهوریت و منافع ملی را اثبات کند؛ مسئله نقدناپذیری و غیرقابل نظارت بودن این نهاد است. تمرکز اصلی در این زمینه بر پاسخگو نبودن ولی فقیه در امور مختلف، ادعای فقدان امکان نقد، برخورد امنیتی و حذفی با منتقدان و فقدان سیستم نظارت و عزل ولی فقیه است.

در تصویرسازی این رسانه‌ها اولاً مسئله نقد ناپذیری ناظر به دو جنبه عملی و تئوری مطرح می‌شود. در بخش عملی، امکان نقد عملکرد و حکومت داری ولی فقیه وجود ندارد و در بحث تئوری نیز این ادعا مطرح می‌شود که امکان نقد تئوری ولایت فقیه حتی در حوزه‌های علمیه نیز وجود ندارد. ثانیاً برخورد امنیتی و حذف منتقدان و مخالفان به بهانه مقابله با امنیت ملی نیز از دیگر محورهایی است که در زمینه تثبیت تصویری نقد ناپذیری و فقدان آزادی برای مخالفان در نظام مبتنی بر ولایت فقیه در این رسانه‌ها مطرح می‌شود. رسانه‌های مذکور سعی می‌کنند با ارائه مصادیق مختلف نشان دهند که علاوه بر آن که نهاد ولایت فقیه انتقادناپذیر است، اگر مخالفت و نقدی صورت بگیرد؛ برخوردهای حذفی و امنیتی امکان تداوم آن را منتفی می‌کنند. وجه سوم این تصویرسازی ناظر به ادعای فقدان سازوکارهای ساختاری برای نظارت بر نهاد ولایت فقیه است. درواقع این رسانه‌ها

با نادیده گیری جایگاه و قدرت مجلس خبرگان رهبری، این ادعا را مطرح می‌کنند که مجلس خبرگان رهبری عزم و توان نظارت و عزل ولی فقیه را ندارد.

۳-۳-۴. ستمگری و جور ولایت فقیه در حق مردم

عدول از عدالت و روا داشتن ستم بر مردم، محور دیگری است که رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه سعی دارند از طریق بحث پیرامون آن، تصویری جعلی را از نهاد ولایت فقیه به مخاطبان خود ارائه دهند که با حقوق و آزادی‌های مردم در تعارض است. این رسانه‌ها برای رسیدن به مقصود خود در این زمینه، ابتدا برخی از گروهک‌های ضدانقلاب مانند مجاهدین خلق را جزئی از مردم عادی تلقی می‌کنند سپس برخورد با اشرار و تروریست‌های عضو این گروهک‌ها را مصداق ظلم و جور نهاد ولایت فقیه در حق مردم عادی می‌دانند.

۴-۳-۴. فریب مردم توسط ولایت فقیه

فریب مردم و پنهان کردن وقایع حاکمیت از آن‌ها، ادعای دیگری است که برای ایجاد تصویری منفی از نهاد ولایت فقیه که در تعارض با حقوق و جایگاه مردم قرار دارد؛ به کار گرفته می‌شود. در این زمینه تلاش می‌شود با ایجاد شبهه در مسائلی مانند فرآیند تصویب قانون اساسی و اضافه شدن نهاد ولایت فقیه به آن، نحوه اعلام وضعیت جسمانی حضرت امام خمینی (ره) و نحوه انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان ولی فقیه و... مخاطب پذیرد که رهبران انقلاب در برخی برهه‌های تاریخی مردم را فریب داده یا با آن‌ها صادق نبوده‌اند.

۴-۴. اعتبارزدایی از بنیان‌های کارآمدی نهاد ولایت فقیه

در این محور، تصویری که از نهاد ولایت فقیه ترسیم می‌شود به نحوی است که این نهاد در جایگاهی که برای آن ترسیم شده علاوه بر ضدیت با مردم، به ناکارآمدی نیز متهم شده و به عنوان منشأ اصلی مشکلات امروز کشور معرفی شود. این رسانه‌ها در واقع به دنبال این هستند تا تمام مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور را به این نهاد تعمیم داده و ولایت فقیه را عامل اصلی در بروز مشکلات

معیشتی مردم بدانند. از سوی دیگر با طرح اتهام حذف نخبگان منتقد و ایجاد ساختاری مبتنی بر عدم شایسته سالاری، این نهاد را ناکارآمد و عامل ایجاد مشکلات گسترده برای کشور معرفی می‌کنند.

۴-۴-۱. عامل فساد سیاسی-اقتصادی در کشور

از آنجاکه مسئله فساد و بخصوص فساد اقتصادی، یکی از مباحثی است که جامعه همیشه به آن حساس بوده است، این رسانه‌ها نیز تلاش می‌کنند از این بحث، در تصویرسازی منفی خود از نهاد ولایت‌فقیه بهره ببرند. در این زمینه، تصویرسازی به نحوی است که نهاد ولایت‌فقیه و ساختارهای مرتبط با آن مانند بنیاد مستضعفین و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، متهم به ایجاد اخلال در اقتصاد کشور می‌شوند. اخلالی که به زعم این شبکه‌ها، نمود خود را در بروز مشکلات معیشتی برای جامعه بروز داده و موجب ناکارآمدی‌های اقتصادی و سیاسی شده است.

۴-۴-۲. آسیب به کشور از طریق حذف نخبگان منتقد و عدم شایسته‌سالاری

یکی از زیرمحورهایی که رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه برای ارائه تصویر ناکارآمد از نهاد ولایت‌فقیه بر آن متمرکز می‌شوند؛ ادعای مشکلات ساختاری نشأت گرفته از نهاد ولایت‌فقیه در بخش نیروی انسانی است که براساس آن ادعا می‌شود که عدم شایسته سالاری و حاکم بودن شاخص‌های غیرتخصصی، منجر به حذف نخبگان و تداوم و تشدید ناکارآمدی‌ها در کشور شده است. بر همین اساس، تصویر از رهبران انقلاب در جایگاه ولی‌فقیه بازنمایی می‌شود که براساس آن، ولی‌فقیه عامل حذف یا مهاجرت اجباری نخبگان و ایجاد ناکارآمدی است.

۴-۴-۳. سیاست خارجی تنش‌زا و در تضاد با منافع ایرانیان

محور دیگری که شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان برای تصویرسازی منفی از نهاد ولایت‌فقیه بر آن متمرکز هستند؛ ذیل مسئله اتخاذ تصمیم‌ها و اقدامات تنش‌زا از سوی ولی‌فقیه است. در این محور، تأکید اصلی بر ناکارآمد بودن سیاست‌های

ایران در منطقه و بخصوص کنش های سپاه پاسداران قرار دارد. این رسانه ها سعی می کنند تحریم ها و مشکلات اقتصادی کشور را نه برآمده از زیاده خواهی غرب و زورگویی استکبار جهانی، بلکه ناشی از اقدامات دفاعی ایران در منطقه بدانند و از این طریق، مشکلات مذکور را به نهاد ولایت فقیه تعمیم دهند.

۴-۵. اعتبارزدایی از بنیان شخصیت حقیقی نهاد ولی فقیه (شخص حاضر در جایگاه)

بخش نهایی تصویرسازی منفی از نهاد ولایت فقیه به تلاش برای تخریب مستقیم حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری اختصاص دارد. اگرچه کیفیت و جزئیات این تصویرسازی منفی، می تواند موضوع پژوهش مستقلی قرار گیرد، اما از یک منظر کلی این رسانه ها تلاش می کنند تا ضمن واسازی انگاره های مثبت موجود از شخصیت رهبران فرزانه انقلاب اسلامی، به بر ساخت و تثبیت تصویری منفی از ایشان بپردازند. به طور کلی در این بخش با توجه به حضور مقام معظم رهبری در جایگاه ولی فقیه، حجم تصویرسازی های منفی ناظر به ایشان در رسانه های فارسی زبان بیگانه، بیش از تخریب شخصیت امام (ره) است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به راهبردهای مدیریت تصویر رسانه های فارسی زبان بیگانه از نهاد ولایت فقیه بوده است. بررسی ها حاکی از آن است که این رسانه ها انگاره های مثبت موجود از این نهاد در افکار عمومی ایرانیان را واسازی کرده و بر ساختی جدید و هدفمند از این نهاد به مخاطبان ارائه می دهند.

درواقع این رسانه ها تلاش می کنند تصویری منفی از نهاد ولایت فقیه را به مخاطبان خود ارائه دهند که براساس آن، اولاً منشأ دینی و ماهیت ولایت فقیه در تعارض با اندیشه و سنت تشیع قرار داشته و فاقد استدلال های تاریخی محکم است. ثانیاً از منظر حقوقی نیز به شائبه هایی در مورد وجوهی از جنبه های قانون اساسی پرداخته می شود که براساس آن، وجه منطقی و اجرایی قانون، در ارتباط با نهاد ولایت فقیه محل اشکال است. از جهت پشتوانه مردمی نیز تلاش این رسانه ها،

ناظر به طرح این ادعاست که نهاد ولایت‌فقیه به واسطه ضدیت با دموکراسی، نقدناپذیر بودن، فقدان نظارت و اولویت‌های متفاوت با مردم، از اساس با منافع ایران و ایرانیان در تعارض است. علاوه بر این، تلاش برای بساخت وجهه‌ای ناکارآمد از نهاد ولایت‌فقیه و معرفی آن به عنوان عامل اصلی مشکلات موجود، بخش دیگری از تصویرسازی شبکه‌های ماهواره‌ای ذیل این نهاد را تشکیل می‌دهد. بخش نهایی این کنش رسانه‌ای اما ذیل جهت تصویرسازی منفی از وجه شخصیتی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری در جایگاه ولایت‌فقیه تعریف می‌شود.

رسانه‌های مذکور پس از ترسیم انگاره‌ای منفی از نهاد ولایت‌فقیه متناسب با آنچه گفته شد؛ از لزوم حذف این نهاد از ساختار سیاسی ایران صحبت می‌کنند و با زمینه‌سازی‌های صورت گرفته در مباحث مختلف، مخاطب را به این نتیجه می‌رسانند که نهاد ولایت‌فقیه در اداره جامعه با انسداد مواجه شده و در حکمرانی ناکارآمد است. این رسانه‌ها همچنین بر گسترده‌گی مخالفان ولایت‌فقیه در میان قشرهای مختلف جامعه تأکید می‌کنند تا از این طریق نیز بتوانند لزوم حذف نهاد ولایت‌فقیه از ساختار سیاسی را به امری محتمل و ضروری تبدیل کنند. در همین زمینه، تلاش برای بسط ادبیات سکولار و ادعای جدایی دین از سیاست که به امری شایع در این رسانه‌ها تبدیل شده است؛ درواقع ناظر به ایده اصلی حذف نهاد ولایت‌فقیه از چرخه حکمرانی ایران ارزیابی می‌شود.

باید توجه داشت که «بستر زمانی» این تصویرسازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درواقع مخاطبی که امروزه درگیر مشکلات معیشتی است، هنگامی که در معرض تصویرسازی‌های این رسانه‌ها مبنی بر ناکارآمدی نظام قرار می‌گیرد؛ زمینه پذیرش بیش‌تری برای قبول این گزاره دارد که عامل اصلی ایجاد مشکلات موجود ناشی از نهاد ولایت‌فقیه است. از سوی دیگر، «گذر زمان و فاصله گرفتن» مخاطب از بستر تاریخی ابتدای انقلاب اسلامی و بخصوص فاصله میان نسل جدید و تاریخ ایران اسلامی، موجب ایجاد یک شکاف ذهنی و آگاهی تاریخی بخصوص در نزد جوانان و نوجوانان شده است. علاوه بر این تغییر

زیست جهان بخشی از جامعه و «گسست فرهنگی» باعث ایجاد فاصله میان فرهنگ مورد نظر حاکمیت و فرهنگ عرفی بخشی از جامعه شده که این موارد نهایتاً منجر به افزایش احتمال تأثیرپذیری بخشی از مردم از رسانه های بیگانه خواهد شد.

به نظر می رسد در وضعیت موجود سپهر رسانه ای ایران و گسترش رسانه های نوین و شکسته شدن نسبی انحصار رسانه های سنتی؛ رسانه ای که بتواند روایتی جذاب تر و با بهره بردن از اسناد دیده نشده ارائه کند؛ بیشتر مورد پذیرش قرار می گیرد. رسانه های فارسی زبان بیگانه نیز با استفاده از برخی مطالب آرشیوی دیده نشده، تصاویری را به مخاطب خود ارائه می دهند که تاکنون دیده نشده است. این تصاویر جدید، زمینه پذیرش روایت جدید را تاحدی فراهم می کنند. در نتیجه مخاطب «روایت جعلی» این رسانه ها را نزدیک به واقعیت می انگارد. درواقع این رسانه ها درکنار «مرجعیت زدایی از رسانه های رسمی کشور» که تاکنون روایتگر تصویر موضوعات مختلف از جمله نهاد ولایت فقیه بوده اند؛ خود را به عنوان مرجعی جدید و معتبر معرفی کرده اند.

برای جمع بندی آنچه گفته شد، طرح زیر به عنوان الگویی برای صورت بندی نظری محورهای راهبرد مدیریت تصویر نهاد ولایت فقیه در رسانه های فارسی زبان بیگانه ترسیم شده است. راهبردهای مذکور، در دو مرحله احصا و طراحی گردید. در ابتدا براساس تحلیل محتوای کیفی این رسانه ها، محورها و مضامین اصلی مدیریت تصویر نهاد ولایت فقیه در آنها مشخص گردید و سپس از طریق طرح این محورها در گروه کانونی و بحث پیرامون آنها، مقوله های اصلی این رسانه ها در تصویرسازی از نهاد ولایت فقیه، در بستر زمانی و شرایط اجتماعی - اقتصادی امروز نیز مورد توجه قرار گرفت که در طرح شماتیک نهایی اعمال شد. در نهایت می توان گفت که رسانه های فارسی زبان بیگانه در بستر زمانی فعلی، نهاد ولایت فقیه را به گونه ای مدیریت تصویر کرده اند که نهایتاً مشروعیت زدایی از این نهاد در افکار عمومی اتفاق افتد و مخاطب به پذیرش لزوم حذف این نهاد از ساختار سیاسی ایران سوق داده شود.

شکل ۲. طرح شماتیک راهبردهای مشروعیت‌زدایی از ولایت‌فقیه در رسانه‌های بیگانه فارسی‌زبان



پیشنهاد پژوهش حاضر، برای مقابله با عملیات روانی این رسانه‌ها در زمینه تصویرسازی از نهاد ولایت‌فقیه، این است که باید روایت واقعی که تاکنون از سوی نظام جمهوری اسلامی صورت پذیرفته؛ تقویت شده و در ذهن ایرانیان بازسازی آن صورت گیرد. باید توجه داشت که نهاد ولایت‌فقیه، به‌عنوان بنیادی‌ترین رکن سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، نیازمند حراست و صیانت ویژه است زیرا بیشترین هجمه‌ها و تخریب‌ها توسط دشمنان انقلاب اسلامی، به سمت این نهاد هدف گرفته شده است. در این زمینه، نیازمند عزم جدی حاکمیت برای مدیریت تصویر نهاد ولایت‌فقیه در اذهان مردم هستیم. عزمی که تمامی ارگان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با این نهاد هستیم. از یک‌سو حاکمیت باید با به

دست گرفتن روایتگری تاریخ معاصر، با بیان حقایق به ایرانیان، از روایت سوگیرانه و غرض ورزانه تاریخ توسط رسانه های وابسته به بیگانگان جلوگیری کند. فعال کردن حافظه تاریخی مخاطبان و تغذیه فکری جوانان و نوجوانان در زمینه تاریخ معاصر ایران و رویدادهای ننگین دوران پهلوی، می تواند در این زمینه گره گشا باشد. باید توجه داشت تمرکز بر احساسات و درگیر کردن مخاطبان به صورت عاطفی، از طریق تکرار شعارها و خاطرات اول انقلاب، شاید در مورد نسلی که ستم های رژیم طاغوت و مظلومیت انقلاب اسلامی را درک کرده است اثرگذار باشد؛ اما برای نسل جوان و نوجوان که خاطره ای از آن دوران ندارد، تأثیر کمتری دارد. برای این نسل باید با بهره بردن از اسناد تاریخی، روایتی منطقی و مستدل ارائه کرد تا به حقانیت نظام جمهوری اسلامی پی ببرد.

از سوی دیگر کاهش شکاف های فرهنگی و دینی در جامعه و مقابله با تهاجم فرهنگی نیز در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. در واقع بقای نظام برآمده از اندیشه های سیاسی اسلام، با محوریت نهاد ولایت فقیه، در یک جامعه سکولار دشوارتر خواهد بود. از این رو است که رسانه های فارسی زبان بیگانه علاوه بر پیشبرد مباحث سیاسی پیرامون نهاد ولایت فقیه، با پخش برنامه های ضد فرهنگی و هم راستا با فرهنگ سکولاریسم، تحت پوشش برنامه های سرگرمی، به دنبال تغییر بنیان های اندیشه و فرهنگ ایرانیان هستند تا در نتیجه پشتوانه مردمی، نهاد دینی ولایت فقیه را تضعیف کنند. در پایان ذکر این نکته نیز ضروری است که مدیریت تصویر نهادهای ذی ربط با نهاد ولایت فقیه نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در واقع تصویری که از نهادهایی مانند قوه قضاییه، سپاه پاسداران، صداوسیما، بنیاد مستضعفان و ... در ذهن ایرانیان وجود دارد، باعث شکل گیری بخشی از تصویر ایرانیان پیرامون نهاد ولایت فقیه می شود. از این رو مدیریت تصویر صحیح این نهادها و نشان دادن خدمات شان به ایرانیان و نقش شان در پیشبرد و تعالی کشور، می تواند کمک شایانی به تقویت تصویر حقیقی نهاد ولایت فقیه در اذهان ایرانیان باشد. یقیناً درک صحیح و واقعی جامعه، از اندیشه ها و آرمان های امام راحل و رهبر فرزانه انقلاب، می تواند پیشران ایران اسلامی در مسیر تاریخ سازی خود باشد.

یادداشت

۱. بیانات، ۸۳/۲/۲۸

منابع

اسفندیاری، شهاب. (۱۳۹۳). پرسش ها و توصیه هایی درباره مدیریت تصویر رهبری. مجله هایبل، شماره هفتم، ص. ۴۶-۴۸.
ایمان، محمدتقی. نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. فصلنامه پژوهش. سال ۳. شماره ۲.

انصاری، المکاسب المحرمه، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ۵۴۵
خامنه‌ای، سیدعلی. احصاء شده از WWW.KHAMENEI.IR
جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸. انتشارات اسراء. ص ۱۲۹
شورای نگهبان، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احصاء شده در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۹۹ از آدرس زیر

<https://www.shora-gc.ir/fa/news/4707/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84-%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%AC%D9%85%D9%87%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>

صلواتیان، سیاوش. فیاضی، سید محمدرضا. رزمجو، علی اکبر. (۱۳۹۶). اهرمهای تغییر در فرایند مدیریت تصویر در سازمان صداوسیما. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲۵

فیاضی بروجنی، سید محمدرضا (۱۳۹۸). مدیریت تصویر مقام معظم رهبری. تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار سازمان صداوسیما.

فیرحی، داوود. نظام سیاسی و دولت در اسلام، ۱۳۸۶، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

ویکی فقه، احصاء شده از آدرس اینترنتی زیر به تاریخ ۶ تیر ماه ۱۳۹۹

http://wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C%D9%87_%D9%88%D9%84%D8%A7%DB%8C%D8%AA_%D9%81%D9%82%DB%8C

%D9%87

محمدخانی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی ساختار و محتوای برنامه های شبکه تلویزیونی ماهواره ای بی بی سی فارسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
مولانا، حمید. (۱۳۷۵). رسانه ها و انگاره سازی. (غ. تاجیک، تدوین) فصلنامه رسانه-10, 18.
ناصری طاهری، عباس. صلواتیان، سیاوش. ملک محمدی، مرتضی. (۱۳۹۸). تصویرپردازی صحیح از اسلام در شبکه پرس تی وی متناسب با ویژگی های مخاطبان جوان اروپا و آمریکای شمالی. پژوهش های راهبردی سیاست. سال هشتم. شماره ۳۰ (پیاپی ۶۰). صفحه ۱۴۰ الی ۱۷۲
نای، جوزف. (۱۳۸۷) قدرت نرم. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
نقیب السادات، سیدرضا. (۱۳۸۸). نقش رسانه به عنوان ابزارهای جنگ رسانهای. تهران: رسا.

- Fazio, R. (2007); Social changes and population. The journal of social science, 19, 141-150
- Hall, S., & Jhally, S. (2007). Representation & the Media. Northampton: MA: Media Education Foundation.
- Hall, Stuart (1997). The Work of Representation, In Cultural Representation and Signifying Practice, Sage Publication
- Khatib, L. (2012). *Hizbullah's Image Management Strategy*. Los Angeles: FIGUEROA PRESS.
- Leonard, Mark (2002), Public Diplomacy, New York: The Foreign Policy Center.
- Mohd Don, Zuraidah. May, Alan. (2013) The discursive representation of Iran's supreme leader in online media. Discourse & Society Journal. Vol 24, Issue 6
- Maxwell, J. A. (2004). Qualitative Research Design: An Interactive Approach (2nd ed.). London, England: Sage Publications.
- Yu, Xintian. (2008). "The Role of Soft Power in China's Foreign Strategy". China International Studies: Guoji Wenti, Yanjiu, vol. 11(5).